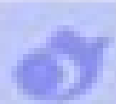


ویژه سال تولید ملی،
حمایت از کار و سرمایه ایرانی





تولید، کار و سرمایه از منظر آموزه های دینی

رضی سیدنژاد، صادق سید نژاد

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

بسم الله الرحمن الرحیم

تولید ملی، کار و سرمایه از منظر آموزه های دینی

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

تولید ملی، کار و سرمایه از منظر آموزه های دینی ----- ۱۴

مشخصات کتاب ----- ۱۴

اشاره ----- ۱۴

دیباچه ----- ۲۲

مقدمه ----- ۲۴

اشاره ----- ۲۴

نام گذاری سال ۱۳۹۱ به نام تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی ----- ۲۹

اشاره ----- ۲۹

۱. تداوم چالش ها در عرصه های اقتصادی ----- ۲۹

۲. اولویت مسئله تولید، کار و سرمایه ایرانی ----- ۳۱

فصل اول: کلیات ----- ۳۶

اشاره ----- ۳۶

۱. مال و ثروت ----- ۳۷

اشاره ----- ۳۷

مال در لغت ----- ۳۸

تعریف اصطلاحی مال ----- ۳۸

الف) مال و ثروت از دیدگاه اسلام ----- ۳۹

اشاره ----- ۳۹

یک مال از آن خداست ----- ۴۰

دو مال امانت در نزد انسان است ----- ۴۱

سه مال وسیله قوام و سامان یابی زندگی مردم ----- ۴۱

چهار نکوهش بهره برداری نادرست از اموال ----- ۴۲

پنج مال وسیله امتحان انسان ----- ۴۳
۲. کار ----- ۴۵
اشاره ----- ۴۵
الف) کار و اهمیت آن در اسلام ----- ۴۶
اشاره ----- ۴۶
یک قوانین حاکم بر نظام هستی ----- ۴۶
دو قوانین شریعت و نظام تشریع ----- ۴۸
اشاره ----- ۴۸
اول سفارش به کسب روزی با دست رنج ----- ۴۸
دوم کار همانند جهاد در راه خدا و بلکه بالاتر از آن ----- ۴۹
سوم نکوهش بی کاری و سربار دیگران شدن ----- ۵۰
چهارم عبادت بودن کار ----- ۵۱
پنجم تجلیل از کارگر ----- ۵۲
سه کار در سیره عملی اولیای الهی ----- ۵۲
ب) آداب کار ----- ۵۷
اشاره ----- ۵۷
یک اعتدال در کار ----- ۵۷
دو پرداختن به کارهای مجاز ----- ۵۸
سه پرداختن حقوق مالی ----- ۵۹
۳. سرمایه ----- ۶۰
اشاره ----- ۶۰
الف) تعریف و معنای سرمایه ----- ۶۱
ب) سرمایه از نگاه آموزه های دینی ----- ۶۲
۴. تولید ----- ۶۹

اشاره ----- ۶۹
الف) اهمیت تولید ----- ۶۹
ب) اسلام و مسئله تولید ----- ۷۰
اشاره ----- ۷۰
یک پای بندی به اصول و اهداف کلی نظام اقتصادی ----- ۷۱
دو سیره ائمه اطهار علیهم السلام در افزایش تولید ----- ۷۳
سه قوانین و مقررات مربوط به رشد تولید ----- ۷۴
ج) تفاوت نگرش اسلام به تولید در مقایسه با دیگر نظامها ----- ۷۵
اشاره ----- ۷۵
یک تفاوت در هدف تولید ----- ۷۵
دو تفاوت در اقسام تولیدات ----- ۷۷
سه تفاوت در نگاه به عوامل تولید ----- ۷۸
فصل دوم: اهداف تولید ، کار و سرمایه ----- ۸۰
اشاره ----- ۸۰
۱. تأمین نیازهای معیشتی ----- ۸۱
۲. انجام وظایف عبادی ----- ۸۲
۳. تحکیم ارزش های معنوی و اخلاقی ----- ۸۴
۴. عدالت اجتماعی ----- ۸۶
اشاره ----- ۸۶
عناصر عدالت اقتصادی ----- ۸۹
اشاره ----- ۸۹
الف) رفع فقر ----- ۸۹
ب) توازن اقتصادی ----- ۹۱
۵. استقلال و عدم وابستگی اقتصادی ----- ۹۴

۶. خودکفایی و اقتدار اقتصادی ---- ۹۷

۷. رفاه عمومی ---- ۹۹

۸. حفظ حاکمیت سیاسی اسلام ---- ۱۰۵

۹. توسعه و رشد اقتصاد ---- ۱۰۸

اشاره ---- ۱۰۸

عوامل رشد اقتصادی ---- ۱۱۱

فصل سوم: بسترهای تولید ، کار و سرمایه ---- ۱۱۶

اشاره ---- ۱۱۶

۱. کشاورزی ---- ۱۱۶

اشاره ---- ۱۱۶

اهمیت کشاورزی در اسلام ---- ۱۱۹

کشاورزی، شغل انبیا و اولیا ---- ۱۲۴

۲. دام داری و دام پروری ---- ۱۲۵

اشاره ---- ۱۲۵

اهمیت و جایگاه دام داری در اسلام ---- ۱۲۶

۳. صنعت و فن آوری ---- ۱۲۸

اشاره ---- ۱۲۸

صنعت در اسلام ---- ۱۳۰

۴. تجارت و بازرگانی ---- ۱۳۷

اشاره ---- ۱۳۷

جایگاه تجارت در اسلام ---- ۱۳۹

اشاره ---- ۱۳۹

الف) انگیزه سالم ---- ۱۴۱

ب) صداقت و راستی ---- ۱۴۲

ج) دانش و تخصص ----- ۱۴۳

د) رعایت عدل و انصاف ----- ۱۴۶

ه) اولویت تجارت داخلی ----- ۱۴۷

و) انتخاب کالای مرغوب ----- ۱۴۸

ز) استفاده بهینه از امکانات ----- ۱۴۸

ح) اصلاح سرمایه ----- ۱۴۹

نفی واسطه گری های غیر ضروری ----- ۱۵۰

فصل چهارم: راهکارهای افزایش کار ، سرمایه گذاری و تولید ----- ۱۵۴

اشاره ----- ۱۵۴

۱. اصلاح برخی برداشت های نادرست فکری، فرهنگی و اعتقادی ----- ۱۵۵

اشاره ----- ۱۵۵

الف) تبیین مفهوم تقدیر روزی انسان ----- ۱۵۷

ب) تبیین مفهوم توکل ----- ۱۵۹

ج) تبیین مفهوم زهد و قناعت ----- ۱۶۱

۲. ترویج و تبیین دیدگاه اسلام در زمینه فعالیت های اقتصادی ----- ۱۶۶

اشاره ----- ۱۶۶

الف) کار در اسلام ----- ۱۶۷

ب) برادری مؤمنان در اسلام ----- ۱۷۰

ج) مواسات در اسلام ----- ۱۷۲

د) تعاون همگانی در اسلام ----- ۱۷۴

الف) پای بندی به ایمان و تقوای الهی ----- ۱۷۸

ب) استغفار از گناهان ----- ۱۷۸

ج) صله رحم ----- ۱۷۹

د) پرداخت زکات مال ----- ۱۸۰

ه) رعایت عدل و داد ----- ۱۸۱
۴. استفاده از تجربیات و دستاوردهای علمی ----- ۱۸۲
اشاره ----- ۱۸۲
الف) راهکارهای توسعه کار و تلاش ----- ۱۸۴
اشاره ----- ۱۸۴
یک ایجاد و حفظ فرهنگ کار ----- ۱۸۴
دو تربیت نیروی کار ماهر ----- ۱۸۷
سه ایجاد اشتغال و بستر کار ----- ۱۸۹
چهار توجه به حقوق کارگر و حفظ انگیزه کار ----- ۱۹۲
اشاره ----- ۱۹۲
اول ارتقای جایگاه و احترام کارگر در جامعه ----- ۱۹۳
دوم احیای حقوق کارگر ----- ۱۹۴
ب) راهکارهای استفاده از سرمایه و افزایش سرمایه گذاری ----- ۱۹۵
اشاره ----- ۱۹۵
یک انباشت سرمایه ----- ۱۹۶
اشاره ----- ۱۹۶
اول هم بستگی اجتماعی ----- ۱۹۶
دوم پرهیز از اسراف و تبذیر ----- ۱۹۷
سوم قناعت ----- ۱۹۷
دو امنیت اقتصادی ----- ۱۹۸
سه استفاده از سرمایه های خارجی ----- ۲۰۰
اشاره ----- ۲۰۰
اسلام و استفاده از سرمایه های خارجی ----- ۲۰۴
چهار تحمل سختی های اقتصادی مقطعی ----- ۲۰۷

اشاره ----- ۲۰۷
اول ایجاد تعاونی های اعتبار ----- ۲۱۰
دوم تشویق مردم به پس انداز ----- ۲۱۰
سوم اصلاح و تصویب قوانین ----- ۲۱۰
فصل پنجم: وظایف مردم، دولت و رسانه ----- ۲۱۲
اشاره ----- ۲۱۲
۱. وظایف مردم در فعالیت های اقتصادی ----- ۲۱۲
۲. وظایف دولت۱ ----- ۲۳۷
اشاره ----- ۲۳۷
الف) مسئولیت دولت اسلامی ----- ۲۳۷
اشاره ----- ۲۳۷
یک تحقق اهداف اقتصادی اسلام ----- ۲۳۸
دو زمینه سازی برای تحقق عینی مبانی اقتصاد اسلامی ----- ۲۳۸
سه تحقق نظام اقتصادی اسلام ----- ۲۳۹
ب) جایگاه دولت در اقتصاد ----- ۲۳۹
ج) مسئولیت دولت در قبال کار و سرمایه و تولید ----- ۲۴۳
اشاره ----- ۲۴۳
یک بسترسازی برای رشد و پیشرفت فعالیت های اقتصادی ----- ۲۴۴
اشاره ----- ۲۴۴
اول ایجاد تحول علمی و فرهنگی ----- ۲۴۵
اشاره ----- ۲۴۵
۱. توسعه آموزش ----- ۲۴۵
۲. ترویج فرهنگ اسلامی ----- ۲۴۸
دوم ایجاد و تقویت عدالت اجتماعی ----- ۲۵۱

سوم تأمین امنیت اقتصادی ----- ۲۵۶

چهارم قانون گذاری و اجرای قوانین و مقررات ----- ۲۶۰

دو مشارکت مستقیم دولت در توسعه فعالیت های اقتصادی ----- ۲۶۶

اشاره ----- ۲۶۶

اول تهیه طرح و برنامه اقتصادی ----- ۲۶۶

دوم ایجاد زمینه اشتغال و مشارکت در تولید و سرمایه گذاری ----- ۲۷۰

اشاره ----- ۲۷۰

۱. شکستن تجارت انحصاری قریش ----- ۲۷۴

۲. مشارکت در تولید ----- ۲۷۵

۳. واگذاری زمین ----- ۲۷۵

۴. کمک به تهیه سرمایه برای فعالیت های اقتصادی ----- ۲۷۵

۵. اعمال سیاست های مالی و پولی ----- ۲۷۶

۶. عمران و آبادسازی ----- ۲۷۶

سوم حمایت از تلاشگران عرصه های اقتصادی ----- ۲۷۸

اشاره ----- ۲۷۸

۱. حمایت از کشاورزان ----- ۲۷۸

۲. حمایت از صنعتگران ----- ۲۸۰

چهارم نظارت و کنترل فعالیت های اقتصادی ----- ۲۸۵

۳. نقش رسانه ملی در عرصه فعالیت های اقتصادی ----- ۲۹۱

اشاره ----- ۲۹۱

الف) رسانه و کار و اشتغال ----- ۲۹۲

اشاره ----- ۲۹۲

یک تبیین اهمیت کار در اسلام ----- ۲۹۲

دو تبیین آداب کار و کوشش ----- ۲۹۳

سه تشریح نتایج کار و کوشش ----- ۲۹۴

چهار توجه به کارگر و حفظ انگیزه کار ----- ۲۹۵

ب) نقش رسانه ملی در توسعه سرمایه گذاری ----- ۲۹۸

اشاره ----- ۲۹۸

یک تبیین دیدگاه اسلام درباره سرمایه و سرمایه گذاری ----- ۲۹۸

دو تبیین تفاوت های اساسی بین دیدگاه اسلام با دیگر نظام ها در مورد سرمایه ----- ۲۹۹

سه تبیین راه های جذب سرمایه های داخلی و امتیازهای آن ----- ۳۰۰

چهار تبیین اهمیت سرمایه گذاری های بنیادی ----- ۳۰۰

ج) رسانه ملی و تولید ----- ۳۰۲

کتاب نامه ----- ۳۰۵

درباره مرکز ----- ۳۰۹

تولید ملی، کار و سرمایه از منظر آموزه های دینی

مشخصات کتاب

سرشناسه : سیدنژاد، سیدرضی ، ۱۳۶۲ -

عنوان و نام پدیدآور : تولید ملی، کار و سرمایه از منظر آموزه های دینی/ نویسنده رضی سیدنژاد، صادق سید نژاد.

مشخصات نشر : قم: صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری : ۲۹۶ص.

شابک : ۵۰۰۰۰ ریال ۷-۲۴۶-۵۱۴-۹۶۴-۹۷۸:

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : کتابنامه.

موضوع : خامنه ای، علی، رهبر جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۱۸ - -- دیدگاه درباره اقتصاد

موضوع : اسلام و اقتصاد

موضوع : کسب و کار -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : سیدنژاد، سیدصادق ، ۱۳۴۰ -

شناسه افزوده : صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی استان قم

رده بندی کنگره : BP۲۳۰/۲ /س۸۶ت۹ ۱۳۹۱

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۸۳۳

شماره کتابشناسی ملی : ۲۸۲۷۶۶۸

ص: ۱

اشاره

ص: ۲

ص: ۳

ص: ۴

ص: ۵

ص: ۶

ص: ۷

ص: ۸

ص: ۹

دیباچه

دیباچه

مقام معظم رهبری, هر ساله به منظور توجه دادن جامعه به مسائل اساسی، هم دل و هم فکر کردن مردم و مسئولان، تعیین اولویت ها و دغدغه های نظام اسلامی و وحدت و انسجام بخشیدن به مسیر حرکت مردمی کشور با تعیین شعار سال, جامعه اسلامی ایران را هدایت و راهبری می کنند.

به طور طبیعی، اگر بخواهیم تمام جنبه ها و ابعاد مرتبط با شعار سال ۹۱ یعنی «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» را بررسی کنیم، موضوعات و محورهای مختلف و متعددی به دست می آید و مسئله تولید، کار و سرمایه از منظرهای مختلف قابل بررسی است. در این میان، بحث درباره مبانی نظری و فکری موضوع از منظر منابع و متون دینی و سیره معصومان علیهم السلام ، راه گشایی اساسی جهت ایجاد و درک ماهیت تولید خواهد بود. در یک مطالعه جامعه باید به بایدها و نبایدهای شرعی و بایسته های موضوع از منظر آموزه های دینی توجه کرد؛ چرا که تحقق اهداف مورد نظر نظام اقتصادی اسلام در سطح جامعه اسلامی، بستر را برای رشد و تعالی معنوی جامعه فراهم می کند. به ویژه در دهه های اخیر به دلیل ناکارآمدی

ص: ۱۰

نظام های غیر دینی، تمایل فراوانی برای به کارگیری مذهب و معنویت در ادبیات علمی و عملی مدیریت در جهان ایجاد شده است که نشان دهنده تمایلات معنوی فزاینده در جوامع مختلف است.

در شرایط کنونی و در روند تحقق اهداف بلند نظام جمهوری اسلامی یکی از اموری که می تواند در روشنگری، آگاهی بخشی و ایجاد انگیزه و امید و نشاط، راه گشا باشد، توجه به آموزه های دینی است که در اثر حاضر تلاش شده است این مهم محقق گردد.

این مجموعه با تلاش مجدانه آقایان سید صادق سیدنژاد و همکاری آقای سید رضی سیدنژاد به انجام رسیده است که امید است علاقه مندان به ویژه برنامه سازان رسانه ملی از آن به درستی بهره گیرند.

و من الله التوفیق

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۱۱

مقدمه

اشاره

مقدمه

تولید ملی، کار و حمایت از سرمایه ایرانی

با توجه به اثری که فعالیت های اقتصادی، در حفظ سلامت و تداوم پیشرفت جامعه و تحقق هدف های فردی و اجتماعی دارد، در همه جوامع به اقتصاد و مسائل مربوط به آن، اهمیت بسیاری داده می شود. بر اساس برخی بررسی های جامعه شناختی، نهاد اقتصاد در برخی کشورها به اندازه ای از جایگاه والایی در مقایسه با دیگر نهادهای اجتماعی برخوردار است که از آن به عنوان زیربنا و اصل یاد می شود و دیگر نهادهای اجتماعی، فرع و روبنا به شمار می آیند و بازتابی از نهاد اقتصاد هستند. گفتنی است چنین برداشتی در جهان بینی حاکم بر آن جوامع ریشه دارد؛ یعنی از نوع نگرش نظام فکری و اعتقادی آنها به انسان و جهان هستی و روابط آن دو سرچشمه می گیرد. در نظام اقتصادی همه مکاتبی که در مبانی فکری و فلسفی آنها برای انسانیت انسان، در مقابل جنبه حیوانی او اصالتی قائل نیستند، چنین تلقی و برداشتی به چشم می آید. در آموزه های اسلامی، با وجود اینکه نظام اقتصاد از جایگاه بسیار مهمی برخوردار است، ولی چنین برداشتی از آن وجود ندارد.

ص: ۱۲

همان گونه که استاد مطهری رحمه الله بیان کرده است: «حقیقت این است که سیر تکاملی انسان از حیوانیت آغاز می شود و به سوی انسانیت کمال می یابد. این اصل هم درباره فرد صدق می کند و هم درباره جامعه، انسان در آغاز وجود خویش جسمی مادی است و با حرکت تکاملی جوهری تبدیل به روح یا جوهر روحانی می شود. روح انسان در دامن جسم او زاییده می شود و تکامل می یابد و به سوی استقلال می رسد. حیوانیت نیز به منزله لانه و آشیانه ای است که انسانیت در او رشد می یابد و به تکامل می رسد. همان طور که خاصیت تکامل است که موجود متکامل به هر نسبت که تکامل پیدا می کند مستقل و قائم به ذات و حاکم و مؤثر بر محیط خود می شود انسانیت انسان چه در فرد و چه در جامعه، به هر نسبت که تکامل پیدا کند، به سوی استقلال و حاکمیت بر سایر جنبه ها گام بر می دارد. یک فرد انسان تکامل یافته، فردی است که بر محیط بیرونی و درونی خود تسلط نسبی دارد. فرد تکامل یافته یعنی وارسته از محکومیت بیرونی و درونی و وابسته به عقیده و ایمان.

تکامل جامعه نیز عیناً به همان صورت رخ می دهد که تکامل روح در دامن جسم و تکامل انسانیت فرد در دامن حیوانیت او صورت می گیرد. نطفه جامعه بشری بیشتر با نهادهای اقتصادی بسته می شود. جنبه های فرهنگی و معنوی جامعه به منزله روح جامعه است. همان طوری که میان جسم و روح تأثیر متقابل هست، میان روح جامعه و اندام آن، یعنی میان نهادهای معنوی و نهادهای مادی آن چنان رابطه ای برقرار هست. همان گونه که سیر تکامل فرد به سوی آزادی و استقلال و حاکمیت بیشتر روح است، سیر تکاملی جامعه نیز چنین است؛ یعنی جامعه انسانی هر اندازه متکامل تر بشود، حیات فرهنگی استقلال و حاکمیت بیشتری بر حیات مادی آن پیدا می کند».(۱)

۱- مرتضی مطهری، مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، صص ۱۳ ۱۵.

ص: ۱۳

بر اساس آنچه بیان شد، در همه جوامع، از جمله در جامعه اسلامی، توجه به اقتصاد اهمیت فوق العاده ای دارد. البته با این تفاوت که در برخی جوامع، نهاد اقتصاد، زیربنا و اصل دانسته شده است، ولی در اسلام، اقتصاد، زمینه و بستر و وسیله رشد و تعالی انسانیت انسان معرفی می شود. اسلام با هدف قرار دادن ثروت، مخالف است و با چنین کاری مبارزه می کند. خداوند در قرآن می فرماید:

زُيِّنَ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاء وَالْبَنِينَ وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنطَرَهِ مِنَ الـذَّهَبِ وَالْفِضَّهِ وَالْخَيْلِ الْمُسَوَّمَهِ وَالأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ذَلِک مَتَاعُ الْحَيَاهِ الدُّنْيَا وَاللّهُ عِندَهُ حُسْنُ الْمَآبِ. (آل عمران: ۱۴)

محبت امور مادی از زنان و فرزندان و اموال هنگفت از طلا-و نقره و اسب های ممتاز و چارپایان و زراعت در نظر مردم زیبا جلوه داده شده است. اینها سرمایه های زندگی پست (مادی) است و سرانجام نیک نزد خداوند است.

خداوند در آیه ای دیگر چنین می فرماید:

كَلَّا إِنَّ الْإِنسَانَ لَيَطْغَى أن رَّآهُ اسْتَغْنَى. (علق: ۶ و۷)

چنین نیست [که شما می پندارید.] به یقین، انسان طغیان می کند از این که خود را بی نیاز ببیند.

برخی افراد بدون توجه به معنای حقیقی این گونه آیات، گمان کرده اند در آیه اول، اصلِ علاقه به زن و فرزند و ثروت و در آیه دوم، برخورداری از امکانات مادی، نکوهش شده است. هر دو آیه و دیگر آیات و روایات شبیه به این دو آیه، هدف و اصل قرار گرفتن این امور را نکوهش کرده اند، وگرنه بهره برداری از این امور در راه کمال و رشد و تعالی، مذموم نیست، بلکه در آیات و روایات فراوانی بر آن تأکید شده است. از آن جهت که

ص: ۱۴

رشد و تعالی معنوی انسان بدون برخورداری از نظام اقتصادی سالم میسر نیست، در آموزه های دینی با تعابیر گوناگونی به ضرورت رسیدگی و سامان بخشیدن به امور اقتصادی، سفارش شده است. برای نمونه، مطالبی که در آیات و روایات، در زمینه اموری چون جایگاه و اهمیت مال و ثروت، ضرورت کسب مال، تعاون و انفاق، اجرای عدالت، فضیلت کار و کارگر، تدبیر معیشت، فقرزدایی، نکوهش اسراف و تبذیر و مال دوستی، ضرورت حفظ استقلال همه جانبه جامعه اسلامی و نکوهش وابستگی، تلاش برای اقتدار جامعه اسلامی و ده ها موضوع دیگر وارد شده است، به خوبی از ضرورت اهتمام همه جانبه به موضوع اقتصاد و فعالیت های مربوط به آن حکایت دارد.

همواره اساسی ترین گام در فعالیت های اجتماعی، توجه به نظام اقتصادی و اجرای احکام و مقررات مربوط به آن است؛ زیرا از این رهگذر، بستری مناسب برای تشکیل و رشد دیگر نهادهای اجتماعی، اعم از فرهنگی، اعتقادی و سیاسی و... فراهم می شود. ازاین رو، در همه برهه های تاریخی، وقتی رهبران اجتماعی درصدد ایجاد اصلاحات اساسی در جامعه برآمده اند، اولویت را به حق، به نظام اقتصادی داده اند. پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نیز چه در مرحله تدوین قانون اساسی و چه در اجرای سیاست های کلان راهبردی، همواره اقتصاد اسلامی از جایگاه ویژه ای برخوردار بوده است.

سنت نام گذاری سال ها

یکی از سنت های پسندیده که پس از انقلاب اسلامی و به ویژه در دو دهه اخیر، در ایران اسلامی رایج شده، نام گذاری سال هاست. امروزه این کار، استراتژی شناخته شده ای به شمار می آید.

ص: ۱۵

در بیشتر پیام های نوروزی حضرت امام رحمه الله و مقام معظم رهبری، درباره مسائل مهم و اولویت های جامعه، توصیه هایی ارائه شده است تا جامعه و مسئولان در سال پیش رو به آن موارد توجه ویژه ای داشته باشند. گاهی اولویت ها به موضوع اخلاقی و تربیتی و گاه به جریان تهدیدکننده یا نارسای مدیریتی، مربوط است. در برجسته سازی اولویت ها، هدف این است که مردم و مسئولان، مشکلات اساسی و ضرورت ها را بشناسند و درصدد برطرف کردن و پاسخ گویی به آنها باشند. به عبارت دیگر، این کار نوعی جریان سازی و جهت دهی افکار عمومی به سمت اولویت های جامعه است.

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی سال ۱۳۷۸، برای این سال نام خاصی را برگزیدند و پس از آن، این نام گذاری به شکل سنت در آمد. امروزه این مسئله از چنان اهمیتی برخوردار است که در تبیین آن حتی گفته شده که این کار به نوعی تعیین نقشه راه اولویت های جامعه است؛ زیرا مطابق اصل ۱۱۰ قانون اساسی، یکی از وظایفی که برای رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران تعریف شده، تعیین سیاست های کلی نظام است. ازاین رو، نام گذاری سال و تعیین شعار برای آن در راستای عمل به این وظیفه مهم انجام می گیرد؛ یعنی رهبر انقلاب با توجه به تجربیات و اشرافی که بر امور داخلی و بین المللی و معارف اسلامی و مفاهیم انسانی دارند، از طریق نام گذاری سال، افکار عمومی مردم و مسئولان را به سمت موضوع ها و اولویت های اساسی می کشاند. برای نمونه، اگر بی انضباطی اجتماعی در بخش هایی از جامعه گسترش یابد، مقام معظم رهبری روی مسئله اهمیت انضباط اجتماعی و لزوم رعایت آن تأکید می کند یا وقتی ضرورت ریشه کنی سستی و تنبلی از عرصه های گوناگون اجتماعی مطرح می شود، ایشان با سفارش به همت مضاعف و کار بیشتر، مبارزه با آن نارسایی را در اولویت

ص: ۱۶

قرار می دهد. همچنین وقتی احساس می شود راهکار اصلی پیشرفت همه جانبه کشور، به اعتماد به نفس، نوآوری، کار بسیار، عشق به کار و احساس تعهد نیاز دارد، با نام گذاری سال با عناوینی چون نوآوری و شکوفایی یا انضباط و وجدان کاری، این امر مهم را گوشزد می کند.

نام گذاری سال ۱۳۹۱ به نام تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

اشاره

نام گذاری سال ۱۳۹۱ به نام تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی

مقام معظم رهبری در پیام نوروزی خود، سال ۱۳۹۱ را سال تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی نام گذاری کرد. همان گونه که بیان شد، این نام گذاری ها پس از کارشناسی های بسیار و مشورت با افراد آگاه و تهیه گزارش از وضعیت امور داخلی کشور و شرایط بین المللی و حرکت های دشمنان انقلاب اسلامی، با در نظر گرفتن نیازها و اولویت ها انجام می گیرد.

چه بسا این پرسش مطرح شود که چه عواملی سبب شده است در سال های اخیر در نام گذاری سال ها و انتخاب شعار سال، موضوع های اقتصادی در اولویت قرار می گیرد؟

پاسخ این پرسش در سخنان مقام معظم رهبری، به روشنی بیان شده است. ازاین رو، تعمق در مجموعه سخنان و رهنمودهای ایشان، بهترین راه برای یافتن پاسخ این پرسش است. تلاش بر این است تا در دو محور، برای این پرسش، از میان سخنان معظم له، پاسخی ارائه شود.

۱. تداوم چالش ها در عرصه های اقتصادی

۱. تداوم چالش ها در عرصه های اقتصادی

گذشته از نقش اساسی تلاش های اقتصادی در پیشرفت کشور و حل مشکلات داخلی، دشمنان در رویارویی با انقلاب اسلامی، پس از آزمودن

ص: ۱۷

انواع شیوه های سیاسی و نظامی، مانند جنگ افروزی، ترور شخصیت ها، ایجاد فتنه های داخلی و... دیده اند از طریق این کارها نمی توانند در اراده آهنین ملت ایران خللی ایجاد کنند. ازاین رو، پس از سال ها مطالعه و پژوهش و بررسی، به این نتیجه رسیده اند که باید از راه ایجاد چالش در عرصه های اقتصادی، هدف های شوم خود را دنبال کنند. بر این اساس، از راه محاصره اقتصادی و ایجاد مانع بر سر راه تحقق اهداف و طرح های اقتصادی کشور می کوشند جلوی تحقق اهداف انقلاب اسلامی را بگیرند. مقام معظم رهبری در اشاره به این حقیقت می فرماید:

به تشخیص من، بر طبق گزارش ها و مشاوره با افراد مطلع و آگاه به این نتیجه می رسیم که عرصه های چالش مهم در همین سال جاری (سال ۱۳۹۱)، عرصه های اقتصادی است.(۱)

بدیهی است ملت غیور ایران باید در مقابل این تصمیم دشمنان، آماده تر از پیش و با عزمی به مراتب محکم تر، به منظور تداوم پیشرفت ها و خنثی سازی توطئه های دشمنان، بدون غفلت از دیگر عرصه ها، موضوع اقتصاد را در اولویت قرار دهد. ازاین رو، مقام معظم رهبری می افزاید:

جهاد اقتصادی چیزی نیست که تمام شدنی باشد. مجاهدت اقتصادی حضور جهادگونه در عرصه های اقتصادی برای ملت ایران یک ضرورت است.(۲)

بنابراین، مردم و مسئولان باید همچون گذشته با استمداد از الطاف الهی، اعتماد به نفس، حفظ روحیه جهادی، حفظ هم بستگی و یک پارچگی و رعایت قانون و مقررات، بدون توجه به تحریم های دشمن، این راه را با عزم

۱- پیام نوروزی ۱۳۹۱.

۲- پیام نوروزی ۱۳۹۱.

ص: ۱۸

و اراده بیشتر دنبال کنند تا همان گونه که بر مشکلات سیاسی و نظامی چیره شدند، مشکلات اقتصادی را هم برطرف سازند. همانا با برطرف ساختن همه کاستی های اقتصادی و قطع هرگونه وابستگی در این عرصه می توان به استقلال و اقتدار اقتصادی شایسته نظام اسلامی دست یافت.

۲. اولویت مسئله تولید، کار و سرمایه ایرانی

۲. اولویت مسئله تولید، کار و سرمایه ایرانی

پس از آنکه ثابت شد اولویت کنونی کشور با توجه به شرایط موجود، تلاش جهادگونه در عرصه های اقتصادی است، این پرسش مطرح می شود که اقتصاد جنبه های گوناگونی دارد. در شرایط کنونی، پرداختن به کدام یک از بخش های اقتصاد می تواند نیازهای داخلی را برطرف کند و چالش های ایجاد شده به وسیله دشمنان را خنثی سازد؟

مقام معظم رهبری در این باره نخست بر مسئله تولید داخلی تأکید می کند و می فرماید:

یک بخش مهم از مسائل اقتصادی برمی گردد به مسئله تولید داخلی. اگر به توفیق الهی و با اراده و عزم راسخ ملت و با تلاش مسئولان، ما بتوانیم مسئله تولید داخلی را آنچنان که شایسته است، رونق ببخشیم و پیش ببریم، بدون تردید، بخش عمده ای از تلاش های دشمن ناکام خواهد ماند. بخش مهمی از جهاد اقتصادی، مسئله تولید ملی است. اگر ملت ایران با همت خود، با عزم خود، با آگاهی و هوشمندی خود، با همراهی و کمک مسئولان و برنامه ریزی درست بتواند مشکل تولید داخلی را حل کند... بدون تردید، بر چالش هایی که دشمن آن را فراهم کرده است، غلبه کامل و جدی پیدا خواهد کرد. بنابراین، مسئله تولید ملی مسئله مهمی است.(۱)

۱- پیام نوروزی ۱۳۹۱.

ص: ۱۹

این همه تأکید بر تولید، افزون بر آنکه با توجه به جایگاه مهم تولید در هر نظام اقتصادی انجام گرفته است، حکایت از آن دارد که کشور از این جهت با نارسایی هایی روبه روست و دشمن هم متوجه این مورد شده است و می کوشد از این بخش ضربه بزند.

از آغاز شکل گیری انقلاب اسلامی، کارگزاران جامعه اسلامی متوجه این حقیقت بودند که در دوره پیش از انقلاب اسلامی، نظام سیاسی وابسته به غرب، از طریق اجرای سیاست های استعماری، ضربه های بسیار مهلکی به توان تولید ملی کشور وارد ساخته و این امر سبب عقب ماندگی های فراوانی شده است. ازاین رو، همواره درصدد بوده اند این کاستی را برطرف سازند و برای جبران این امر و تأمین استقلال اقتصادی و ریشه کن ساختن فقر و محرومیت، راهکارهایی در اصل ۴۳ قانون اساسی پیش بینی شده است. برای نمونه، در بند ۸ این اصل، به جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه توجه شده است و در بند ۹، تأکید بر افزایش تولید از جمله تولیدات کشاورزی، دامی و صنعتی به گونه ای که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی رهایی بخشد به چشم می آید.

پس از آن در مسیر حوادث بعدی، از جمله رویارویی نظام نوپای اسلامی با استکبار جهانی به ویژه در دوران دفاع مقدس، ضرورت توجه به استقلال اقتصادی و تقویت تولید ملی بیش از پیش آشکار شد. در دوره دفاع مقدس، این امر مهم، قداستی هم وزن با جنگ پیدا کرد. رزمندگان اسلام با روحیه جهادی خود آستین بالا زدند و نیازهای جنگ را با تکیه بر توان مندی های داخلی تأمین کردند.

پیروزی های پی در پی در این صحنه و تشویق های حضرت امام رحمه الله در تکیه بر امکانات داخلی و تأکید بر تولید داخلی، یکی از رازهای ماندگاری نظام و

پیروزی آن، بر انواع توطئه های دشمن بود. این خودباوری در ابعاد اقتصادی و سازندگی، راه پیشرفت و برداشتن گام های بلندتر را فراهم ساخت، به گونه ای که در کمتر از سه دهه شاهد فتح بسیاری از قلعه های مرتفع علمی و اقتصادی و قطع خیلی از وابستگی ها و تأمین نیازهای اساسی در داخل کشور هستیم. روشن است که هنوز تا مرحله کامل دوری از وابستگی و تحقق یافتن اهداف انقلاب شکوهمند اسلامی، راه بسیاری در پیش است که دست یابی به آن مرحله به تداوم در این مسیر نیاز دارد. در این صورت، هم مشکلات داخلی، مانند بی کاری و گرانی، و هم توطئه دشمنان، خنثی خواهد شد.

مقام معظم رهبری در اشاره به این امر مهم می فرماید:

اگر ما توانستیم تولید داخلی را رونق ببخشیم، مسئله تورم حل خواهد شد، مسئله اشتغال حل خواهد شد، اقتصاد داخلی به معنای حقیقی کلمه استحکام پیدا خواهد کرد. اینجاست که دشمن با مشاهده این وضعیت مأیوس و ناامید خواهد شد. وقتی دشمن مأیوس شد، تلاش دشمن، توطئه دشمن، کید دشمن هم تمام خواهد شد.(۱)

برای رسیدن به آن مرحله از پیشرفت و تحقق چنین هدفی بزرگ، راهکارهایی وجود دارد که از جمله آنها توجه به کار و سرمایه ملی است؛ امری که در فرمایش مقام معظم رهبری، به بهترین شیوه، به آن اشاره و تأکید شده است. ایشان در این باره می فرماید:

ما باید بتوانیم از کار و کارگر ایرانی حمایت کنیم، از سرمایه و سرمایه دار ایرانی حمایت کنیم... این فقط با تقویت تولید ملی که امکان پذیر خواهد شد. سهم دولت در این کار، پشتیبانی از تولیدات داخلی صنعتی و کشاورزی است. سهم سرمایه داران و کارگران،

۱- پیام نوروزی ۱۳۹۱.

ص: ۲۱

تقویت چرخه تولید و اتفاق در کار تولید است و سهم مردم که به نظر من از همه اینها مهم تر است مصرف تولیدات داخلی است... بنابراین ما امیدواریم که با این گرایش، با این جهت گیری و رویکرد، ملت ایران در سال ۹۱ هم بتواند بر توطئه دشمنان، بر کید و مکر بدخواهان در زمینه اقتصادی فایق بیاید.(۱)

همه سیاست گذاری ها در جامعه اسلامی، بر اساس آموزه های دینی انجام می گیرد؛ یعنی اصول و مبانی همه نظام های حاکم بر نهادهای اجتماعی، در احکام و قوانین اسلام ریشه دارد. بر این اساس، مقام معظم رهبری در ارائه نقشه راه برای فعالیت های اقتصادی، در مرحله اول، اصول و احکام اسلام را در نظر دارد و این جهت گیری را در چارچوب تعالیم اسلام پیشنهاد کرده است. ازاین رو، در اثر حاضر که با هدف تبیین جنبه های مختلف موضوع تولید ملی و حمایت از کار و سرمایه ایرانی به نگارش درآمده، تلاش شده است تا در پنج فصل، مبانی و ریشه های این رهنمودها در آموزه های دینی بررسی شود. در فصل اول که به عنوان کلیات آمده است، پس از تعریف اصطلاحات و بیان مفاهیم و کلیدواژه های اصلی، به اموری چون تبیین اهمیت و جایگاه کار و تولید در دیدگاه اسلام، معرفی عوامل تولید و محدودیت های آن و... پرداخته شده است. سپس در فصل دوم، مجموعه اهدافی بیان خواهد شد که برای کار و سرمایه و تولید ملی در نظر گرفته می شود. آن گاه در فصل سوم، به بخشی از راهکارهای افزایش تولید و سرمایه اشاره می گردد و در ادامه، بسترهای کار، سرمایه و تولید در فصل چهارم، مشخص و سرانجام در فصل پنجم، مجموعه وظایف مردم و مسئولان، به اختصار بیان می شود.

۱- پیام نوروزی ۱۳۹۱.

ص: ۲۲

ص: ۲۳

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

در مجموعه مباحث این فصل که در حکم فراهم سازی بستر برای ورود به مباحث اصلی است کوشش شده در قالب ارائه توضیحاتی درباره برخی موضوع ها، افزون بر تبیین مفهوم اصطلاحات یا کلیدواژه ها، اهمیت و جایگاه این موضوع ها در نظام اقتصادی اسلام، مشخص، و از این رهگذر پاسخی هم به بعضی از پرسش های احتمالی موجود در اذهان داده شود و در کل ابهاماتی از میان برود که سبب برداشت های متفاوت و گاهی متعارض می شود.

محور اصلی در نوشته حاضر، بحث کار و سرمایه و تولید است، اما ضرورت دارد پیش از پرداختن به آنها درباره مال و ثروت و جایگاه و اهمیت آن در آموزه های اسلامی بحث شود؛ زیرا مال، محور اصلی همه مباحث اقتصادی در همه نظام های اقتصادی است. به عبارت دیگر، مال از نظر تولید و توزیع و مصرف آن، معیار اصلی در تمایز مسائل اقتصادی از غیر اقتصادی به شمار می آید. بر این اساس، همه اموری که به گونه ای با تولید، توزیع و مصرف مال ارتباط دارند، در ردیف مسائل اقتصادی قرار می گیرند. گذشته از آن، نوع نگاه

ص: ۲۴

هر مکتب به مال و ثروت، چارچوب جهت گیری نظام اقتصادی را در اموری مانند کار و سرمایه و تولید، مشخص می سازد. ازاین رو، اصول و مقررات مربوط به چگونگی و میزان انجام کار و راه های تولید و انباشت سرمایه و راهکارهای تولید و کمیت و کیفیت نوع تولیدات در هر جامعه ای، از نوع نگرش جهان بینی حاکم بر آن جامعه اثر می پذیرد. برای نمونه، مکتبی، مقوله مال و دارایی را مجموعه ای از امکانات می داند که در طول سالیان متمادی، در نتیجه فعل و انفعالات طبیعی (فیزیکی و شیمیایی) پدید آمده و هیچ گونه اراده یا طرح و تفکری در به وجود آمدن آن نقشی نداشته است. بدیهی است چنین مکتبی در زمینه نوع تصرف و مصرف مال و ثروت، مقررات دقیق و حساب شده ای نخواهد داشت. از این رو، به راحتی مجاز خواهد دانست که افراد از این عطایای مجانی طبیعت، به هر میزانی که می توانند و به هر صورت که دلخواهشان است، بهره برداری کنند، بدون آنکه هیچ گونه پروایی از چیزی داشته باشند.

همچنین مکتبی که معتقد است مال و ثروت با اراده و قدرت لایزال الهی برای بهره برداری بندگان خداوند، در چارچوب احکام خاصی بر اساس طرح و برنامه و هدف مشخصی آفریده شده است، در زمینه همه فعالیت های اقتصادی، از جمله چگونگی انجام کار و روش ها و میزان تهیه سرمایه و کم و کیف تولید و مصرف آن، احکام و مقررات ویژه ای خواهد داشت.

۱. مال و ثروت

اشاره

۱. مال و ثروت

«مال»، محور اساسی مباحث اقتصادی است که جایگاه مهمی در نظام اقتصادی دارد. مال از نظر تولید، توزیع و مصرف آن، معیار اصلی در تمایز مسائل اقتصادی از غیر اقتصادی به شمار می آید. بر این اساس، همه اموری که به گونه ای با تولید، توزیع و مصرف مال، ارتباط پیدا می کنند، جزو مسائل اقتصادی به شمار می رود.

ص: ۲۵

مال در لغت

مال در لغت

«مال یعنی مجموعه چیزهایی که قابل مالکیت باشد، ثروت، دارایی، آنچه در تملک کسی باشد، پول، جنس و کالا و... .»(۱) به عبارت دیگر، مال عبارت است از هر آنچه در ملک کسی باشد، آنچه ارزش مبادله داشته باشد، دارایی، خواسته، هر چیزی که انسان می تواند از آن استفاده کند و قابل تملک باشد. جمع آن نیز اموال است.(۲)

در فرهنگ لغات عربی، مال را از ریشه «مول» دانسته اند(۳) و بسیاری از لغت شناسان، معنایی برای آن ذکر نکرده و مفهوم آن را شناخته شده و از توضیح بی نیاز دانسته اند.

ابن اثیر می نویسد: «مال در ریشه لغوی و استعمال اولی خود بر طلا و نقره ای که شخصی مالک آن بوده، گفته شده است. سپس بر هر چیزی که اندوخته و نگه داری و تملک شود، اطلاق می گردد».(۴)

تعریف اصطلاحی مال

تعریف اصطلاحی مال

کلمه مال و مشتقات آن، ۶۸ بار در قرآن کریم، حدود هزار بار در وسائل الشیعه و حدود دو هزار بار در بحارالانوار به کار رفته، ولی هیچ تعریف خاصی از آن در نصوص دینی وارد نشده است. شارع مقدس این واژه را به همان مفهومی به کار می برد که عموم عقلا به کار برده اند. عقلا هم به چیزی مال می گویند که غرض عقلایی به آن تعلق گیرد و دارای ارزش مبادله ای باشد.

۱- حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، ج۷، صص ۶۵۳۸ و ۶۵۳۹.

۲- محمد معین، فرهنگ فارسی معین، ج۳، ص۳۷۰۸.

۳- ابن فارس، مقائیس اللغه، ج۵، ص۲۸۵؛ احمد بن محمد فیّومی، المصباح المنیر، ص۵۸۶.

۴- ابن اثیر، النهایه، ج۴، ص۳۷۳.

ص: ۲۶

گفتنی است شارع مقدس اسلام در زمینه مالیت، نظر عقلاـ را پذیرفته است، ولی در برخی موارد، آنچه را عرف و عقلاـ مال می شمارند، از زمره اموال خارج کرده است. مثال معروف آن، شراب و خوک است. حضرت امام رحمه الله می گوید:

شارع نمی تواند مالیت عقلایی را از یک شیء سلب کند، بلکه آنچه می تواند انجام دهد، این است که آثار مالیت عقلایی را از یک شیء سلب نماید. (در شراب و خوک این کار را کرده است). لذا اگر کسی آن را اتلاف کند، ضامن نخواهد بود.(۱)

در نتیجه، هر چه در نظر عقلاـ مال باشد، از دیدگاه اسلام، مال به شمار می آید و همه آثار مال بر آن مترتب است، مگر در مواردی که شارع مقدس، آثار مالیت را سلب کرده باشد.(۲)

برخی نیز در تعریف مال گفته اند: «مال چیزی است که نیاز انسان را در حال حاضر یا در آینده مرتفع سازد و تأثیر آن در رفع نیاز انسان شناخته شده و مشروع و مورد قبول نوع مردم بوده و دارای کمیابی نسبی باشد».(۳)

الف) مال و ثروت از دیدگاه اسلام

اشاره

الف) مال و ثروت از دیدگاه اسلام

آشنایی با دیدگاه اسلام درباره مال، به دقت بیشتری نیاز دارد؛ چون چند دسته از آیات و روایات، درباره مال و ثروت، وارد شده است و هر دسته به جنبه ای از موضوع پرداخته اند. راه صواب آن است که این آیات و روایات بررسی شود و در نهایت با جمع بندی دقیقی، نتیجه گیری شود، وگرنه اکتفا به برخی از این آیات و روایات، سبب گمراهی در برداشت خواهد شد و در نهایت، انسان را دچار افراط یا تفریط می کند. از یک نگاه، مجموعه آیات و روایات مربوط به مال، در پنج دسته قابل طبقه بندی است:

۱- روح الله موسوی خمینی، کتاب البیع، ج۳، ص۵.

۲- مهدی هادوی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، صص۱۰۳ ۱۰۷.

۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص۲۲۱.

ص: ۲۷

یک مال از آن خداست

یک مال از آن خداست

به این حقیقت در آیات و روایات فراوانی، تصریح شده است که مال از آن خداوند متعال است. این اصل در جهان بینی اسلامی ریشه دارد؛ چون بر اساس اصل ایمان به خداوند، آفریدگار همه موجودات، پروردگار عالمیان است. در ده ها آیه از قرآن کریم وارد شده است که: «لله ما فِی السَّمَاواتِ وَمَا فِی الأَرْضِ».(۱)

بر اساس این باور توحیدی، همه مواهب و نعمت ها و امکانات دنیایی، از جمله اموال از آن خداوند است. در آیه ۳۳ سوره نور، وقتی سفارش شده است که در اختیار گروهی از مردم، مالی قرار داده شود، این تعبیر به کار رفته است: «وَآتُوهُم مِّن مَّالِ اللَّهِ الَّذِی آتَاکُمْ...؛ به آنان از مالی بدهید که خداوند به شما داده است».

در روایات با تعابیر و روش های مختلف به این مسئله پرداخته شده است. برای نمونه، در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین نقل شده است: «زمانی خواهد آمد که مردمان از پروردگار خویش گله می کنند... مردی می گوید: به خدا سوگند که از فلان وقت سودی به چنگ نیاورده ام و همه از سرمایه خورده ام و نوشیده ام! ای وای، آیا اصل مال و سرمایه تو جز از پروردگار توست».(۲)

امام صادق(ع) درباره حقیقت بندگی چنین می فرماید:

اینکه بنده در آنچه بر او منت گذاشته و بخشیده شده است، برای خود مالکیت نبیند، بدان جهت که بندگان را ملکی نیست، مال را مال خدا می دانند و آن را در جایی قرار می دهند که خداوند قرار داده است.(۳)

۱- بقره: ۲۸۴؛ آل عمران: ۱۰۹ و ۱۲۹؛ نساء: ۱۲۶، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۷۱ و... .

۲- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج۱۲، ص ۳۴۰.

۳- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج۱، ص۲۲۵.

ص: ۲۸

باز در روایتی دیگر، امام صادق(ع) خطاب به عیسی بن موسی چنین می فرماید: «یا عیسی! المالُ مال اللهِ...؛ ای عیسی! مال و دارایی، متعلق به خداست...».(۱)

دو مال امانت در نزد انسان است

دو مال امانت در نزد انسان است

در بسیاری از رهنمودهای امامان معصوم علیهم السلام ، از مال و مصادیق آن به نام امانت یاد شده است. امام صادق(ع) خطاب به ابان بن تغلب چنین می فرماید:

گمان نکن خداوند به کسانی مال داده است که در نزد او محترم بوده اند و از کسانی آن را دریغ کرده است که نزد او احترامی ندارند. چون چنین نیست. «ولکنَّ المالَ مالُ اللهِ یَضَعُه عِنْدَ الرَّجلِ وَدائعَ؛ بلکه مال از آن خداوند است و آن را به امانت در نزد انسان قرار داده است».(۲)

حضرت در این باره می فرماید: «...ماکانَ فی ایدی النَّاسِ عواری وَ اِنهّم مالکُونَ مجازاً لاحَقیقهَ لَهُ...؛ آنچه در دست مردم هست، عنوان عاریه و امانت را دارد. مردمان به مجاز مالک آن محسوب می شوند، نه به حقیقت...».(۳)

سه مال وسیله قوام و سامان یابی زندگی مردم

سه مال وسیله قوام و سامان یابی زندگی مردم

در بخشی از آیات و روایات، به فلسفه وجود مال و ثروت اشاره شده است. خداوند در آیه ۵ سوره نسا می فرماید: «اموال خود را که خداوند سبب قوام و برپایی زندگی شما قرار داده است، به دست سفیهان ندهید.» درباره این موضوع، از امام باقر(ع) چنین نقل شده است:

حضرت صادق(ع) می فرماید: روزی از پدرم درباره درهم و دینار و وظیفه ای که مردم در قبال آن دو دارند، سؤال شد. آن حضرت در پاسخ فرمود: آن دو سکه های خداوند در زمینند، خداوند آنها را مایه

۱- میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۲۳.

۲- ابونصر محمد بن منصور عیاشی، تفسیر عیاشی، ج۲، ص۱۳.

۳- مستدرک الوسائل، ج۱، ص۵۵۲.

ص: ۲۹

سامان یابی زندگی مردم قرار داده است و به وسیله آنهاست که کار مردمان رو به راه می شود و نیازهای آنان برآورده می گردد.(۱)

خداوند متعال در بسیاری از آیات قرآن کریم، به شیوه های مختلف، مردم را به بهره برداری از مال و ثروت، تشویق و ریاضت کشی رایج در بین برخی مکاتب از جمله مسیحیان را نفی می کند و به مؤمنان چنین می فرماید:

یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ لاَ تُحَرِّمُواْ طَیِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللّهُ. (مائده: ۸۷)

ای کسانی که ایمان آورده اید، روزی پاکی را که خداوند برای شما حلال کرده است، بر خود حرام نکنید. (از آنها درست استفاده کنید.)

چهار نکوهش بهره برداری نادرست از اموال

چهار نکوهش بهره برداری نادرست از اموال

مال موهبتی است که باید در راه تعالی انسان ها استفاده شود. ازاین رو، بهره مندی نادرست از آن ممنوع دانسته شده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ لاَ تَأْكُلُواْ أَمْوَالَكمْ بَیْنَكمْ بِالْبَاطِلِ؛ ای مؤمنان، از اموال خود به باطل و ناروا استفاده نکنید.» (نساء: ۲۹) همچنین در آیه ای دیگر می فرماید: «بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید... .» (اعراف: ۳۱) خداوند در آیه ۸۱ سوره طه نیز می فرماید: «كلُوا مِن طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكمْ وَلَا تَطْغَوْا فِیهِ؛ از روزی های پاك (حلال) که به شما داده ایم بخورید، ولی زیاده روی نکنید».

امام رضا(ع) در روایتی می فرماید: «انّ اللَه یبغِضُ ... اضاعهَ المال؛ خداوند ضایع سازی اموال را دشمن می دارد.»(۲) در روایتی از امام صادق(ع) نیز چنین وارد شده است:

خداوند مال را نزد مال داران به امانت می گذارد و بر آنها روا می دارد که از این مال با میانه روی بخورند و بیاشامند و بپوشند و ازدواج کنند و با آن، زندگی فقیران مؤمنان را سامان بدهند... این اندازه

۱- شیخ طوسی، امالی، ج۲، ص۱۳۳، به نقل از: الحیاه، ج۳، ص ۹۰.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، تحف العقول، ص۳۲۶.

ص: ۳۰

بهره برداری بر ایشان حلال است و تجاوز از آن حرام است؛ چون خداوند می فرماید: «اسراف نکنید؛ چرا که خداوند اسراف کنندگان را دوست ندارد».(۱)

پنج مال وسیله امتحان انسان

پنج مال وسیله امتحان انسان

در قرآن کریم تأکید شده است که مال یکی از ابزارهای امتحان انسان به شمار می آید تا آشکار شود هنگام برخورداری از نعمت شکرگزاری می کنند یا دچار طغیان می شوند یا در صورت از دست دادن و محروم شدن از آن، صبر پیشه یا بی تابی می کنند.

خداوند در قرآن می فرماید: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا أَمْوَالُكمْ وَ... فِتْنَةٌ؛ بدانید که اموالتان و... وسیله آزمایش شما هستند.» (انفال: ۲۸) در جایی دیگر هشدار می دهد و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكمْ أَمْوَالُكمْ وَ... عَن ذِكرِ اللَّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، مبادا اموال و دارایی هایتان و ... شما را از یاد خدا غافل کنند.» (منافقون: ۹) سرانجام خداوند در آیه ۱۸۶ سوره آل عمران چنین می فرماید: «لَتُبْلَوُنَّ فِي أَمْوَالِكمْ...؛ بدون تردید، شما به وسیله دارایی هایتان و ... آزمایش خواهید شد».

آیین اسلام، مال و ثروت را از جمله نعمت و موهبت های الهی معرفی می کند که خداوند آن را در اختیار انسان قرار داده است تا به زندگی اش سامان ببخشد و از آن در جهت کمال معنوی و اخروی خویش بهره برداری کند و از حدودی که بر آن تعیین شده است، خارج نشود؛ یعنی در بهره برداری از مال، فرمان الهی را رعایت کند. در این صورت، از داشتن ثروت منع و نهی نشده، بلکه در این زمینه، تشویق نیز شده است.

۱- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۱۳، به نقل از: الحیاه، ج۳، ص۱۲۴.

ص: ۳۱

شایـد این پرسـش مطرح شود که چرا در آیات و روایات، گردآوری ثروت و مال نکوهش مذموم دانسـته شده است؟ تا حدودی از مطالب گذشـته درمی یابیم که این گروه از آیات و روایات، به موارد خاصی مربوط می شوند. کسانی مخاطب این گونه از آیات و روایات هستند که مال و ثروت را جمع می کنند و از آنها برای آسایش جامعه استفاده نمی کنند؛ زیرا انباشت مال در دست گروهی خـاص، مانع دست یابی بیشتر مردم به زنـدگی شایسـته می شود. به عبارت دیگر، آنان از کفاف اقتصادی و رفاه عمومی محروم می شوند و در نهایت، زمینه تعدیل ثروت در سطح جامعه از بین می رود و فاصله طبقاتی پدید می آید؛ یعنی افراد جامعه به فقیر و غنی تقسیم می شوند.

جهت دیگر نکوهش ها، به فسق و فجور و غفلت از یاد خدا مربوط است که در نتیجه غرق شدن در مال و ثروت و حاکمیت ارزش های مادی به جای ایمان و عمل صالـح، رواج می یابـد. برای نمونه، خداوند در آیه ۳۴ سوره توبه می فرمایـد: «کسانی را که طلا و نقره (مال و ثروت) جمع آوری می کننـد و در راه خـدا انفاق نمی کننـد، به عـذاب دردناک بشارت بده.»؛ همچنین خداوند در آیه اول سوره تکاثر می فرماید: «أَلْهَاکمُ التَّکاثُرُ؛ زیاده خواهی (مال و...) شـما را غافل کرده است.»، آیه اول ناظر به آفت کنز و انباشـت مال و آیه دوم، به غفلت بر اثر زیاده خواهی نظر دارد، نه به اصل برخورداری از مال و ثروت.

در نتیجه، اسـلام، برخورداری از نعمت مال و ثروت را نقـد نمی کنـد، بلکه در این زمینه، افراد را تشویق نیز کرده است، مشـروط بر اینکه انسان از صراط مستقیم خارج نگردد و به فسق و فجور، غفلت از یاد خدا، غرور، تکبر، طغیان، زیر پا نهادن ارزش های الهی و ارتکاب ستم مبتلا نشود.

ص: ۳۲

۲. کار

اشاره

۲. کار

کـار، یکی از مهم ترین عوامـل تولیـد است. این عامـل در مقـایسه با دیگر عوامل تولیـد، جایگاه و اهمیت بیشتری دارد؛ چون بیشتر منابع مورد نیاز انسان، بدون دخالت کار نیروی انسانی قابل بهره برداری نیسـتند. حتی کارآیی سرمایه که یکی دیگر از عوامل تولید است، در نتیجه همراهی بـا کـار نیروی انسانی است که در رونـد تولیـد، سودمنـد خواهـد بود. به سـخنی دیگر، جریان اقتصاد بر دو محور می چرخـد: طبیعت و کار. اگر عامل کار نبود، زنـدگی انسان در همان شـکل ابتـدایی می مانـد که بوده است. همه پیشـرفت های تمدنی و تولیدات عظیم، ره آورد کار انسانند. شاید گفته شود امروزه نقشـی که ابزار و فن آوری های پیشرفته در تولید دارند، بسـیار بیشتر از کاری است که نیروی های انسانی انجام می دهند. در پاسخ باید گفت اولاً با حذف کار نیروهای متخصصـی که این فن آوری ها را به کار می اندازنـد، هیـچ نوع کارآیی برای آن ابزار متصور نیست. ثانیاً مگر فن آوری و ابزارهای پیشـرفته، ره آورد کار به شمار نمی آیند؟

گذشـته از این ، نقشـی که کار افزون بر تولیـد در حفظ سـلامت اخلاقی و نظام اجتماع دارد، آن را بر دیگر عوامل تولید برتری می بخشـد. کـار در همه نظـام های اقتصادی، منشأ یا موجب اسـتحقاق درآمـد است. تفاوتی که از این نظر میان نظام اقتصادی اسـلام و دیگر نظام ها وجود دارد، این است که اسلام، کار را مبنای استحقاق درآمد قرار داده است؛ چون بر اساس جهان بینی اسلامی، همه امکانات، از جمله ثروت ها برای انسان خلق شـده است و این به آن معنا نیست که انسان در خـدمت دیگر عوامل مادی باشـد. ازاین رو، نمی توان گفت مجموعه عوامل تولید در عرض هم قرار دارند و طبق سازوکار عرضه و تقاضا، سـهم هر یک از عوامل در تولید تعیین شود. در

ص: ۳۳

نتیجه، عامل کار از جهت استحقاق درآمد تحت الشعاع سرمایه و ابزار تولید قرار می گیرد که این اتفاق در نظام سرمایه داری رخ داده است. همین طور از نظر اسلام، پیوند میان عامل کار و استحقاق درآمد، بدون واسطه و مستقیم است؛ زیرا این استحقاق درآمد، ناشی از اصالتی است که در جهان بینی اسلامی به انسان داده شده است، نه ایجاد ارزش مبادله ای کالا به واسطه مقدار کار صرف شده در آن که در سوسیالیسم بر اساس نظریه ارزش کار مطرح می شود.(۱)

الف) کار و اهمیت آن در اسلام

اشاره

الف) کار و اهمیت آن در اسلام

در آموزه های اسلامی، کمتر موضوعی است که به اندازه موضوع کار و تلاش بر آن تأکید شده باشد. این امر به دلیل نقش کار در تأمین نیازهای مادی و اقتصادی نیست، بلکه پیش از آن، به لحاظ نظام تکوین کار با فطرت و طبیعت انسان، رابطه ناگسستنی دارد. بدون توجه به آن امر، انسان دچار آسیب های فراوانی می شود. از دقت در آموزه های دینی درمی یابیم که به طور کلی، کار از دو نظر اهمیت حیاتی دارد:

یک قوانین حاکم بر نظام هستی

یک قوانین حاکم بر نظام هستی

کار از نظر قانون مندی های حاکم بر طبیعت و وجود انسان بسیار مهم و ضروری است؛ چون:

الف) وسیله ای برای آماده سازی امکانات موجود در طبیعت برای قابل استفاده شدن آنها برای انسان است؛ یعنی بدون عامل کار از این امکانات نمی توان بهره برداری کرد. به عبارت دیگر، طبیعت همه مواد مورد نیاز انسان را همانند اکسیژن آماده و در اختیار انسان قرار نداده است.

۱- مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۲۸۰.

ص: ۳۴

امام صادق(ع) در روایتی چنین می فرماید: «خَلَقَ لَهُ الْحبَّ لِطعامِه و کلّفَ طحنَهُ وَ عجنَهُ وَ خُبَزُه..؛ دانه (گندم) برای خوراک آدمی خلق شد، ولی خودِ انسان به آسیاب کردن و خمیر کردن و پختن نان مکلف شد».(۱) در ادامه روایت آمده است که پشم برای لباس انسان آفریده شد، ولی آماده کردن پشم و رشتن و بافتن، به عهده خود انسان قرار داده شد: «وَ تَرکَکَ علیهِ فی کلّ شیءٍ مِنَ الاشیاءِ موضعَ عملٍ و حرکهٍ لِما فی ذلکَ مِنَ الصلاحِ؛ در هر پدیده ای از پدیده ها، جایی برای کار و تلاش آدمی باقی گذاشته شد؛ زیرا صلاح آدمی در همین بوده است».(۲)

بنابراین، لازمه استفاده از مواد طبیعت، ایجاد تغییر و انجام کار در آنهاست. ازاین رو، انسان را نظام طبیعت وادار به کار کردن می کند. شاید سؤال شود که چرا خداوند طبیعت را به گونه ای خلق نکرد که همه چیز مانند اکسیژن در اختیار او باشد و هیچ گونه نیازی به کار انسان نداشته باشد؟ به این موضوع در ادامه این روایت اشاره شده است. امام صادق(ع) فرموده است:

مردم در حالت بی کاری گستاخ می شوند و به ناسپاسی گرفتار می آیند و فساد و کارهای زشت شیوع پیدا می کند؛ زیرا اگر تمام (امور معاش و نیازمندی های آدمی، آماده) در اختیار انسان قرار داده می شد و به کار و تلاش در این امور نیازی نداشت (دچار ناسپاسی و طغیان می شد) و زمین از گستاخی و ناسپاسی انسان استقرار نمی یافت؛ یعنی انسان به کارهایی دست می زد که موجبات هلاکت و نابودی اش را فراهم می ساخت.(۳)

همچنین در ادامه روایت چنین آمده است:

خداوند نان را چنان قرار داد که جز با نیروی کار و مهارت و تلاش به دست نیاید تا انسان به کاری مشغول گردد و از پی آمدهای بی کاری و گستاخی و رفاه زدگی و بیهودگی باز ماند.(۴)

۱- بحارالانوار، ج ۳، صص ۸۶ و ۸۷.
۲- بحارالانوار، ج۳، صص۸۶ و ۸۷، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۲۹۲.
۳- بحارالانوار، ج۳، ص۸۶، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۲۹۲.
۴- بحارالانوار، ج۳، ص۷۸، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۲۹۴.

ص: ۳۵

در آخر روایت نیز آمده است: «اگر هر چه مردم نیاز داشتند، در اختیارشان قرار می گرفت، نه زندگی به کام آنها گوارا می شد و نه از آن لذت می بردند».

ب) در روایات بسیاری تصریح شده است که کار مایه سلامت وجود آدمی است. اگر انسان از کار دست بردارد، کم کم سلامتی خود را از دست می دهد. از امیر مؤمنان علی(ع) نقل شده است که فرمود: «کسی که کار کند، نیرو و توان او تقویت می شود و کسی که از انجام کار دست کشد، دچار سستی و ناتوانی می گردد».(۱)

امام صادق(ع) درباره تجارت نیز فرموده است: «التجارهُ تزیدُ فی العقلِ؛ تجارت عقل را زیاد می کند.»(۲) در ادامه نیز تأکید کرده است که: «لاتترکْ التجارهَ فَاِنّ تَرکَها مذهبهٌ للعقلِ؛ تجارت را ترک مکن؛ زیرا ترک آن مایه تباهی عقل است».(۳)

دو قوانین شریعت و نظام تشریع

اشاره

دو قوانین شریعت و نظام تشریع

بخش دیگری از اهمیت کار، به نظام تشریع اسلامی مربوط است. البته بین نظام تشریع و نظام تکوین یا قانون طبیعت و قانون و مقررات دین، تناسب کاملی وجود دارد و همه از ناحیه خداوند است. رعایت قوانین هر دو حوزه، زمینه ساز سلامت و سعادت آدمی است. در نظام تشریع اسلامی، به صورت های مختلف بر اهمیت کار تأکید شده است.

اول سفارش به کسب روزی با دست رنج

اول سفارش به کسب روزی با دست رنج

در آیات و روایات بسیاری سفارش شده است که افراد بکوشند روزی شان را با دست رنج خودشان به دست آورند. خداوند در آیه ای چنین می فرماید: «لِیَأْکلُوا مِن

۱- عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، ص۲۶۹.

۲- یعقوب کلینی، کافی، ج۵، ص۱۴۸.

۳- مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص۱۱.

ص: ۳۶

ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ؛ تا از میوه و حاصل آنچه با دست خود انجام داده اند، بخورند... .» (یس: ۳۵) رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی سفارش می کند: «كُلوا مِن كَدِّ ايدِيكم؛ از دست رنج خود بخورید.»(۱) آن حضرت در روایتی دیگر فرموده است: «هر کس که از دست رنج خود ارتزاق کند، مثل برق از صراط خواهد گذشت.»(۲) در جایی دیگر نیز در این باره فرموده است: «هر کس از دست رنج خود بخورد، خدا به او نظر رحمت می کند و او را دچار عذاب نمی گرداند».(۳)

در تعبیری دیگر از آن حضرت چنین آمده است: «خداوند درهای بهشت را به روی کسی می گشاید که با دست رنج خود ارتزاق کند تا از هر کدام که بخواهد، وارد بهشت شود.»(۴) حتی در روایتی دیگر، منزلت چنین فردی را در ردیف پیامبران الهی ذکر می فرماید: «هر کس از دست رنج خود روزی بخورد، در روز قیامت در شمار انبیای الهی خواهد بود و پاداش انبیا، بهره او خواهد شد».(۵)

در روایتی نیز آمده است که وقتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله سؤال می شد پاکیزه ترین کسب انسان کدام است؟ آن حضرت فرمود: «کار کردن با دست خود».(۶)

دوم کار همانند جهاد در راه خدا و بلکه بالاتر از آن

دوم کار همانند جهاد در راه خدا و بلکه بالاتر از آن

در بسیاری از روایات، کار برای تأمین نیازهای خود و خانواده در ردیف جهاد در راه خدا ذکر شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «کسی که برای تأمین زندگی عیال خود زحمت می کشد، همانند مجاهد در راه خداست».(۷)

۱- بحارالانوار، ج۶۶، ص۳۱۴.

۲- «مَنْ اَكلَ مِنْ كدّ يَدِهِ مَرّ عَلى الصِّراطِ كالبَرَقِ الخاطِفِ.» مستدرک الوسائل، ج۲، ص۲۱۷.

۳- «مَنْ اَكلَ مِنْ كدّ يَدِهِ نَظَر الله اِليه بالرحمه.» همان.

۴- «... فَتَحَ لَهُ ابوابَ الْجَنَه يَدخُلُ مِنْ اَيهُّما شاءَ.» وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۳.

۵- «من اكل من كدّ يده كان يومُ القيامهِ فِى عِدادِ الانبياءِ وَ ياخُذُ ثوابَ الانبياءِ.» مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۱۷.

۶- «ايُّ كسبُ الرجل اطيبُ؟ قال: عمل الرجل بيده.» مجمع البيان، ج۲، ص ۳۸۰.

۷- «الكادّ على عَيالِهِ كَالمجاهد فى سبيل الله.» مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۲۴.

ص: ۳۷

امام کاظم(ع) نیز می فرماید: «کسی که روزی حلال طلب می کند تا به مصرف خود و خانواده اش برساند، همچون مجاهدی است که در راه خدا مشغول جهاد است».(۱)

امام رضا(ع) نیز می فرماید: «کسی که بیشتر کار می کند تا درآمدش برای خود و خانواده اش کفایت کند، در نزد خداوند، پاداشی بزرگ تر از پاداش مجاهدان راه خدا دارد».(۲)

سوم نکوهش بی کاری و سربار دیگران شدن

سوم نکوهش بی کاری و سربار دیگران شدن

یکی از مهم ترین راه های تشویق به کار در آموزه های دینی، نکوهش سر بار دیگران شدن یا دست به سوی آنها دراز کردن و سستی و تنبلی در به دست آوردن روزی است. نقل می کنند که هرگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کسی خوششان می آمد، اولین چیزی که درباره او می پرسید، این بود که آیا این فرد اهل کار است؟ اگر می گفتند: نه خیر. حضرت می فرمود: از چشمم افتاد. وقتی می پرسیدند: چرا از چشم شما افتاد؟ جواب می فرمود: چون اگر مؤمن، شغل و حرفه ای نداشته باشد، از راه دینش به گذراندن زندگی می پردازد. (به نام دین، بار دوش مردم می شود.)(۳)

امام صادق(ع)، روایتی را به این مضمون از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می فرماید: «هر کس بار زندگی خودش را بر دوش دیگران بگذارد، (هزینه زندگی اش را به دیگران تحمیل کند) ملعون و دور از رحمت خداوند است.»(۴) امام کاظم(ع) نیز می فرمود: «خداوند از بنده بی کار متنفر است».(۵)

۱- «مَنْ طَلَبَ هَذا الرَزقَ مِن حَلّهٍ لِیعودَ بِه عَلی نفسِهِ وَ عیالِه کانَ کالمجاهِد فی سبیلِ الله.» وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۱.

۲- «اِنَّ الذی یَطلبُ مِنْ فضلٍ یکفُّ بِه عیالَهُ اَعظم اجراً من المجاهدِ فی سبیلِ اللهِ.» تحف العقول، ص۳۲۸.

۳- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۱۵.

۴- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۸.

۵- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۳۷.

ص: ۳۸

نقل است که امام صادق(ع) به یکی از اصحاب خود چنین نوشت: «درباره معیشت خود تنبلی مکن که در این صورت، بار دوش دیگران یا خانواده ات خواهی شد».(۱)

چهارم عبادت بودن کار

چهارم عبادت بودن کار

در اسلام، کار حلال نوعی عبادت به شمار آمده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «العِبادهُ سَبعُون جُزءاً افضَلُها طَلَبُ الحَلالِ؛ عبادت هفتاد جزء دارد که برترین جزء آن تلاش برای به دست آوردن روزی حلال است.»(۲) امام صادق(ع) نیز می فرماید: «دنبال کسب و کار رفتن، فریضه ای بعد از فریضه است».(۳)

خداوند در سوره جمعه خطاب به مؤمنان چنین می فرماید:

هنگامی که برای نماز جمعه فرا خوانده شدید، به سوی نماز (ذکر خدا) بشتابید و داد و ستد را در آن زمان رها کنید. پس از پایان نماز در زمین پراکنده شوید و فضل خدا (روزی) را جست وجو کنید. (جمعه: ۹)

«روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله با یارانش نشسته بود که متوجه جوان نیرومندی شد که سخت مشغول کار و تلاش بود. اصحاب گفتند: اگر جوانی و نیرومندی این فرد در راه خدا بود، شایسته ستایش بود. حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: این حرف را نگویید. اگر تلاش او به منظور بی نیازی از مردم یا برطرف سازی نیاز خانواده اش باشد، کار او در راه خداست، ولی اگر کارش برای دنیادوستی و زراندوزی یا فخرفروشی به دیگران باشد، در راه شیطان خواهد بود».(۴)

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۳۸.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۱، ص۱۲.

۳- بحارالانوار، ج۷۹، ص۱۰۳.

۴- مختار نیک فر، کار در زندگی فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن، ص۳۹.

ص: ۳۹

پنجم تجلیل از کارگر

پنجم تجلیل از کارگر

روش دیگر برای تبیین اهمیت کـار در آموزه هـای دینی، قـدردانی از کـارگر است. در روایات فراوانی به منزلت و حقوق و جایگاه کـارگر اشـاره شـده است. در برخی ازاین روایـات، به جهت نقشـی که عمـل کـارگر در سـعادت فرد و جـامعه دارد، از او به عنوان دوست خدا یاد می شود.

روزی رسول اکرم صـلی الله علیه و آله از جنگ تبوک برگشـته بود که سعد انصاری به استقبال حضرت آمد. او با رسول خدا صلی الله علیه و آله مصافحه کرد و دست داد. وقتی حضـرت متوجه زبری و خشـنی دست های او شد، فرمود: «این از چیست؟ مگر آسیب و اذیتی به دست هایت رسـیده است؟» سـعد انصاری عرض کرد: «این زبری بر اثر کار با بیل و طناب است که به وسیله آنها کار می کنم و خرج خود و خانواده ام را تأمین می کنم.» نقل می کنند حضـرت دست او را بوسید و فرمود: «این دستی است که آتش با آن تماس پیدا نمی کند».(۱)

امـام علی(ع) به کـارگر توجه ویژه ای داشت. ایشان ضـمن تکریم کار و کارگران و صـنعتگران، آنها را محبوب خداونـد می دانـد. اساسـاً از نگـاه دین، هر کـار مقدسـی یـا هر فرد صـاحب صـنعت نیکویی، به عنوان محبوب خداونـد معرفی می شود و امام علی(ع) درباره صـنعتگر متعهد چنین می فرماید: «اِنَّ اللهَ یُحبُّ العَبد المحتَرفَ الامینَ؛ خداوند، انسان صـنعتگر متعهد و درست کار را دوست می دارد».

سه کار در سیره عملی اولیای الهی

سه کار در سیره عملی اولیای الهی

همان گونه که اشاره شد، بر اساس روایات معصومان علیهم السـلام ، کار و تلاش، سیره انبیا و اولیای الهی است و همواره بر این امر تأکید و از آن تمجید شده است.

۱- الحیاه، ج۵، ص۵۰۴.

ص: ۴۰

وقتی خدای تبارک و تعالی از حضرت موسی(ع) می پرسید: «وَمَا تِلْك بِيَمِينِك يَا مُوسَى قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكأُ عَلَيْهَا وَأَهُشُّ بِهَا عَلَى غَنَمِي وَلِيَ فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَى؛ ای موسی اینکه در دست توست، چیست؟ فرمود: این عصای من است که به آن تکیه می کنم و برای گوسفندانم با آن از درختان برگ فرو می ریزم و نیازهایی دیگر را نیز با آن برطرف می سازم». (طه: ۱۷ و ۱۸)

«وقتی شعیبِ پیامبر، به حضرت موسی(ع) پیشنهاد ازدواج با یکی از دخترانش را مطرح کرد، برای او شرطی گذاشت که هشت سال کار برای وی بود».(۱)

در روایتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

خداوند متعال در آن هنگام که آدم(ع) را از بهشت به زمین فرود آورد، به او فرمان داد تا با دست خود زراعت کند و پس از محروم ماندن از نعمت های بهشت، از دست رنج خویش بخورد.(۲)

امام علی(ع) می فرماید: «روزی خدای متعال به داوود(ع) وحی فرستاد که تو اگر از بیت المال استفاده نمی نمودی و با دست خود کار می کردی، شایسته تر بود... .» حضرت از آن به بعد، هر روز یک زره می بافت و به چند درهم می فروخت.(۳) و به این شیوه خرج زندگی اش را تأمین می کرد.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، مدتی از دوران جوانی را به دامداری و مدتی را نیز به تجارت گذراند. امیر مؤمنان، علی(ع) نیز به کار کشاورزی و آبیاری اشتغال داشت.

با نگاهی کوتاه به وقف نامه ها و گزارش های مربوط به کار و تلاش های امام علی(ع) درمی یابیم آن حضرت در نواحی متعدد مدینه، به فعالیت های عمرانی، مانند حفر چاه و ایجاد کشتزارها و نخلستان ها سرگرم بوده است.

۱- «قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَى أَن تَأْجُرَنِي ثَمَانِيَ حِجَجٍ...». (قصص: ۲۷)

۲- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۱۷.

۳- کافی، ج۵، ص۷۴.

ص: ۴۱

ابن ابی الحدید در این زمینه چنین می نویسد:

امیر مؤمنان، علی(ع) با دست خود کار می کرد، زمین شخم می زد، آبیاری می کرد و خرما می کاشت. همه این کارها را شخصاً و بی واسطه انجام می داد و از حاصل این کارها، هیچ چیز نه برای خود و نه برای فرزندانش باقی نمی گذاشت و همه را در راه خدا انفاق می کرد.(۱)

همچنین وقتی امیر مؤمنان علی(ع)، از جهاد فراغت می یافت، به کار تعلیم مردمان و داوری کردن در مرافعات ایشان می پرداخت و چون از این کارها فارغ می شد، در باغچه ای که داشت، کار می کرد.(۲)

امام علی(ع) در اوایل هجرت، زمینی برای کار کردن در اختیار نداشت. ازاین رو، به کارگری می پرداخت. ابن شهر آشوب نقل می کند که روزی امام علی(ع)، آثار گرسنگی را در چهره رسول خدا صلی الله علیه و آله مشاهده کرد. خود ایشان نیز به شدت گرسنه بود. وقتی مردی را دید که با چرخ از چاه آب بیرون می کشید، به او گفت: آیا به ازای هر دلو آب، یک خرما می دهی تا برایت کار کنم؟ او قبول کرد و حضرت برای او از چاه آب بیرون کشید، به قدری که از مزد کارش، دست هایش پر از خرما شد. آن گاه خرماها را نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آورد.(۳)

حضرت در روایتی می فرماید: «روزی در مدینه سخت گرسنه شدم و برای پیدا کردن کار به محله های بالای مدینه رفتم. در آنجا زنی را دیدم که کلوخ هایی را جمع کرده بود و فکر کردم می خواهد با آنها گِل درست کند. نزدیک او رفتم و با او توافق کردم که برای هر دلو آب که از چاه بکشم، یک دانه خرما به من بدهد. چون شانزده دلو کشیدم، دستم تاول زد. دستم را

۱- ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، ج۱۵، ص۱۴۷.

۲- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۱۷، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۴۷۳.

۳- ابن شهر آشوب، مناقب، ج۲، ص۱۲۵.

ص: ۴۲

شستم. آن گاه نزد آن زن رفتم و دستم را جلو بردم. او شانزده دانه خرما به من داد. من نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدم و او را از آنچه گذشته بود، آگاه کردم و پیامبر با من از آن خرماها خورد». (۱)

شیخ صدوق در علل الشرایع از ابن عمر نقل می کند که من همراه پیامبر بودم و ایشان در نخلستان های مدینه در جست وجوی علی(ع) بود. در همین حال، به بوستانی رسید و به درون آن نگاه کرد و علی(ع) را در حالی دید که در آن زمین کار می کرد و گرد و خاک بر چهره اش نشسته بود. فرمود: «مردم را نمی توان سرزنش کرد که تو را ابوتراب صدا می کنند». (۲)

از علی بن ابی حمزه نقل شده است: «امام موسی بن جعفر(ع) را دیدم که در زمین خود کار می کرد و بدن او را عرق فرا گرفته بود. گفتم: فدایت شوم، مردان کجایند (مقصود کارگران و غلامانی است که در خدمت آن حضرت بودند و انتظار می رفت به جای آن حضرت کار کنند). فرمود: ای علی! کسی که از من و پدرم بهتر بوده با دست کار کرده است. گفتم: چه کسی؟ فرمود: رسول الله صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین و همه پدرانم با دست خود کار می کردند و این سیره انبیا و اوصیا و صالحان است». (۳)

از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «امیر مؤمنان، علی(ع) هزار بنده را از دست رنج خود آزاد کرد». (۴)

یکی از صوفیان معاصر امام محمدباقر(ع)، حضرت را در اطراف مدینه می بیند که به هنگام شدت گرمی هوا مشغول کار است و عرق از سر و روی او

۱- الحیاه، ج۵، ص۴۷۴، به نقل از: کشف الغمه، ج۱، صص ۱۷۵ و ۱۷۶.

۲- شیخ صدوق، علل الشرایع، ص۱۵۷، ح۴.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۲، باب۴، ح۶.

۴- وسائل الشیعه، ج۱۲، باب۹، ح۶.

ص: ۴۳

جاری است. وی درصدد موعظه برمی آید و می گوید: «سبحان الله! بزرگی از بزرگان قریش در این ساعت در چنین حال در پی دنیاست؟ اگر در چنین حالی مرگت فرا رسد، چه می کنی؟» امام در پاسخ آن مرد می فرماید: «اگر مرگ من در این حال در رسد، من در حال انجام طاعتی از طاعت های خدای عزوجل هستم؛ چون خود و عائله ام را از نیاز به تو و دیگر مردم حفظ می کنم...».(۱)

شخصی به نام عبدالاعلی مولی آل سام چنین می گوید: «در یکی از راه های مدینه، در روز بسیار داغ تابستان با امام صادق(ع) روبه رو شدم، در حالی که مشغول کار بود. گفتم فدایت شوم با آن جایگاه و منزلت والایی که نزد خدا دارید و با آن خویشاوندی و نسبتی که با رسول خدا صلی الله علیه و آله دارید، در چنین روزی، چرا خود را به زحمت افکنده اید؟ امام فرمود: ای عبدالاعلی! در پی روزی بیرون آمدم تا از مثل تو بی نیاز باشم».(۲)

ابوعمرو شیبانی می گوید: «امام صادق(ع) را در حالی دیدم که در دست او بیلی و بر تن او بالاپوش درشتی بود و در باغ خود کار می کرد و عرق از بدن او سرازیر بود. عرض کردم: فدایت شوم اجازه بدهید من به جای شما کار کنم. حضرت فرمود: من دوست دارم مرد در طلب معاش با گرمای خورشید رنجیده شود».(۳)

ابوبصیر می گوید از امام صادق(ع) شنیدم که فرمود: «من در بعضی از زراعت هایم چنان کار می کنم که عرق از من بریزد با این که کسی را دارم که به جای من کار کند، ولی می خواهم خدای عزوجل ببیند که من خود برای طلب روزی حلال کار می کنم».(۴)

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، باب۹، ح۱.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، باب۴، ح۲، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۴۷۵.

۳- اصول کافی، ج۲، ص۷۵، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۴۷۶.

۴- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۳.

ص: ۴۴

ب) آداب کار

اشاره

ب) آداب کار

با وجود تأکید اسلام بر کار، کار هدف غایی انسان نیست، بلکه وسیله و راهی است که زمینه سعادت و کمال حقیقی او فراهم می شود. در نتیجه، هرگونه افراط و تفریط در این زمینه مردود است. در معارف اسلامی در زمینه آداب و اخلاق کار، رهنمودهای فراوانی بیان شده است:

یک اعتدال در کار

یک اعتدال در کار

اسلام در انجام کار، دوری از اعتدال را تأیید نکرده است؛ چون منجر به حرص یا سبب سستی و تنبلی و کوتاهی در انجام وظیفه می شود. در روایات اهل بیت علیهم السلام به این امر به صورت های مختلف اشاره شده است.

امام حسن مجتبی(ع) می فرماید: «طلب روزیِ بیشتر سنت، و اعتدال در کسب و کار، عفت است و پای بندی به عفت در کسب و کار، انسان را از روزی اش محروم نمی سازد».(۱)

امام صادق(ع) درباره حدود تلاش برای به دست آوردن روزی می فرماید:

بایـد کسب تو برای تأمین زندگی از حدّ آدم های کم کار بگذرد، ولی به اندازه تکاپوی اشخاص حریص دنیادوست و دل به دنیا داده هم نرسد. پس خود را در کسب و کار در حد افراد منصف عفیف قرار بده و از اشخاص سست و تنبل بالاتر آر و آن گاه آنچه را مورد نیاز توست، کسب کن».(۲)

در این زمینه، امیر مؤمنان، علی(ع) سفارش می کند: «دنیا در حال گردش دست به دست است. پس بهره خودت را از آن به معتدل ترین و شایسته ترین صورت طلب کن.»(۳) بر این اساس، افراط در کار نکوهش شده

۱- تحف العقول، ص۲۳۷.

۲- کافی، ج۵، ص ۸۱..

۳- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۹.

ص: ۴۵

است. امام صادق(ع) در این زمینه می فرماید: «هر کس شب برای کسب بیدار بماند و حق و بهره چشم و بدن را از خواب و استراحت ادا نکند، چنین کسبی حرام است».(۱)

از این رو، نباید به بهانه انجام کار به اعضای بدن زیان برسد. گفتنی است در روایت دیگری، آن حضرت به این نکته اشاره دارد که اگر شرایط به گونه ای بود که مثلاً روزها هوا گرم بود و کار تمام نشد (با رعایت جهات ایمنی و انجام استراحت کافی در وقت مناسب)، ادامه چنین کاری ایرادی ندارد.(۲)

دو پرداختن به کارهای مجاز

دو پرداختن به کارهای مجاز

در اسلام، هر کاری که با رشد انسان سازگار باشد، ارزشمند به شمار می آید و کارهایی ممنوع است که وی را از رسیدن به قرب باز می دارند. بر این اساس، کارها در فرهنگ اسلامی از یک دید به حلال و حرام تقسیم می شود و از کارهای حرام به عنوان سُحت و باطل در آیات و روایات یاد شده است و به شدت از این کارها نهی می شود. کارهای حرام عبارت است از: شراب، کسب درآمد از راه قمار، بهره برداری از گوشت خوک و درآمدهایی که از راه ربا و رشوه یا سحر و جادو و دزدی و تصرف در مال دیگران به دست می آید. دلیل ممنوعیت این امور آن است که رواج چنین کارهایی هم از نظر معنوی آثار منفی دارد و هم سبب اختلال در سلامت نظام معیشت و نظم اجتماعی می شود؛ چرا که این کارها زمینه ساز مال دوستی، ستم به هم نوعان، غفلت از یاد خدا، فخرفروشی، غرور و تکبر و ارزش دانستن مال و ثروت می گردد. در نهایت، از راه فاسدسازی اخلاق و افکار انسان ها، نظام اجتماعی را به ورطه سقوط می کشاند. در آیات و روایات به صورت های گوناگون نسبت به پدید آمدن

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۸.

۲- بحارالانوار، ج۳، ص۱۱۳.

ص: ۴۶

چنین حالت هایی و آلوده شدن افراد به آن هشدار داده شده است. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «چه بسیار شهرها که هلاکش کردیم؛ چون غرق شدن مردم آنها در لذات زندگی، آنان را سرمست کرده بود». (قصص: ۵۸)

خداوند درباره شیوع ربا در قرآن کریم می فرماید: «خداوند داد و ستد را حلال و ربا را حرام کرده است.» (بقره: ۲۷۵) و در ادامه فرمان می دهد که «پرهیزکاری را پیشه خود سازید و ربا را رها کنید، وگرنه بدانید که شما با این کار به جنگ با خدا و رسول او برخاسته اید.» (بقره: ۲۷۹) امام صادق(ع) در این باره فرموده است: «وقتی خداوند بخواهد مردمی را هلاك سازد، ربا را در میان ایشان آشکار می سازد».(۱)

خداوند در اشاره به نتیجه بد اخروی ربا در قرآن کریم می فرماید: «کسانی که ربا می خورند، در قیامت مانند کسی که بر اثر تماس شیطان با او دیوانه شده است، دیوانه وار محشور می شود». (بقره: ۲۷۵)

سه پرداختن حقوق مالی

سه پرداختن حقوق مالی

یکی دیگر از آداب کار در آموزه های دینی، تعلق حقوق مالی به درآمدهاست. انسان در تصرف ره آوردهای کارش آزاد و رها نیست. از آنجا که این درآمدها در بستر اجتماع و به برکت همکاری دیگران حاصل می شود، در ازای آن مقرراتی در شرع وضع شده است تا از راه اجرای آنها، افزون بر تعدیل ثروت، تعادل نظام اجتماع هم حفظ شود. بنابراین، پرداخت خمس و زکات و انفاق های مالی و صدقات در آموزه های اسلامی، مقرر شده است تا زمینه پیدایش روحیه فردگرایی و خودبینی از بین برود، راه انباشت ثروت های کلان بسته شود و جامعه از آثار سوء این گونه امور در امان بماند.

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۴۲۷.

ص: ۴۷

خداونـد در آیـات بسـیاری به صورت حکمی کلی، مردم را به انفـاق تشویق می کنـد: «یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُواْ أَنفِقُواْ مِمَّا رَزَقْنَاکم؛ ای مؤمنان از آنچه روزی شـما کرده ایم، به دیگران انفاق کنیـد.» (بقره: ۱۹۵، ۲۵۴ و ۲۶۷) همچنین رسول خدا صـلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «ما [پیامبران] برای جمع مال مبعوث نشده ایم، بلکه برای انفاق آن مبعوث شده ایم.»(۱) امیر مؤمنان، علی(ع) نیز در این بـاره می فرمایـد: «مـال را به انـدازه لاـزم برای خود نگه دار و اضـافه آن را برای روز نیـازت (قیامت) از پیش بفرست (انفاق کن)».(۲)

۳. سرمایه

اشاره

۳. سرمایه

امروزه سرمایه در زمینه تولید، نقش بسیار مهمی دارد. در گذشته که جوامع بسیار ساده و بسیط بودند، بیشتر انسان ها بدون وسیله یا حـداکثر با اسـتفاده از ابزارهای بسـیار ابتدایی و ساده، به تولید و تغییر شـکل منابع طبیعی و مواد اولیه می پرداختند، ولی با گذشـت زمان، به موازات پیشـرفت های صـنعتی و اختراع انواع ماشـین آلات، تولید نیز شـکل پیچیده ای پیدا کرد، به گونه ای که استفاده از تجهیزات جدید و کارخانه های بزرگ صـنعتی در زمینه تولید ضرورت یافت. به دلیل آنکه دست یابی به ماشین آلات و تجهیزات، بـدون برخورداری از سـرمایه های کلان میسـر نبود، سـرمایه به عنوان عاملی اساسـی در تولیـد مطرح شد، به گونه ای که در جوامع کنونی، در عرصه تولید به جهت نقشی که سرمایه در افزایش و ارتقای سطح تولید پیدا کرده است، نیاز به دیگر عوامل کاهش یافته است و در شرایط فعلی، تولید بدون سرمایه ممکن نیست.

۱- الحیاه، ج۵، ص۶۶۷.

۲- نهج البلاغه، ۸۷۱.

ص: ۴۸

الف) تعریف و معنای سرمایه

الف) تعریف و معنای سرمایه

بر اساس توضیحات قبلی، مفهوم سرمایه تا حدودی قابل درک است. با این همه، ذکر تعاریفی که برای آن شده است، خالی از فایده نیست. در برخی عبارت ها آمده است که سرمایه چیزی جز کار متبلور شده نیست. در توضیح آن نیز بیان شده است: «انسان وقتی که کار کرد یا مستقیماً از طبیعت برداشت نمود یا از راه انتقال صحیح، مالکیت پیدا کرد، این کار در وسیله جدیدی متبلور می شود که آن وسیله، بازده بیشتری در تولید دارد که آن سرمایه است».(۱)

در جایی دیگر بیان شده است: «سرمایه عبارت است از مقدار ارزش مصرفی به دست آمده که می تواند کمکی برای به دست آوردن مقدار ارزش مصرفی دیگر باشد.»(۲) در جای دیگری نیز آمده است: «سرمایه چیزی جز کار مجسم (انباشته) نیست».(۳)

در کتاب آشنایی با علم اقتصاد، سرمایه این گونه توصیف شده است: «مجموع کالاهای سرمایه ای موجود که تولید به استعانت آنها انجام می گیرد و کالاهای مصرفی ذخیره شده که در جریان تولید مورد لزوم قرار می گیرد، سرمایه نامیده می شود. بنابراین، سرمایه مستقیماً خواست ها و احتیاجات را برآورده نمی سازد. سرمایه را غالباً عامل واسطه تولید می نامند. سرمایه برای تولید کالاهای مصرفی و سایر اشیا که شامل کالاهای سرمایه ای و خدمات بیشتر نیز می شود، به کار می رود».(۴)

مؤلف کتاب اقتصاد معاصر در تعریف سرمایه چنین می نویسد: «سرمایه مجموعه کالاهای مورد استفاده در جریان فعالیت های واحدهای تولیدی است».(۵)

۱- اکبر هاشمی رفسنجانی، سیاست های اقتصادی، صص ۱۳۱ و ۱۳۲.

۲- سید محمدحسین بهشتی، اقتصاد اسلامی، ص ۵۱.

۳- سید محمدحسین بهشتی، اقتصاد اسلامی، ص ۷۶.

۴- لودیک اچ مای، آشنایی با علم اقتصاد، ص ۵۳.

۵- منوچهر فرهنگ، اقتصاد معاصر، ص ۱۳۳.

ص: ۴۹

ب) سرمایه از نگاه آموزه های دینی

ب) سرمایه از نگاه آموزه های دینی

برای آشنایی با دیدگاه اسلام درباره موضوع سرمایه و سرمایه گذاری، راه های مختلفی وجود دارد که برخی از این راه ها به دیدگاه کلی اسلام در زمینه استفاده از مواهب و نعمت های الهی باز می گردد و برخی دیگر به احکام و مقرراتی مربوط می شود که به اصل موضوع سرمایه ارتباط پیدا می کنند و با آن انطباق دارند. توضیح آنکه وقتی در مسئله سرمایه و سرمایه گذاری دقت کنیم، درمی یابیم سرمایه گذاری یکی از روش های مهم بهبود بخشیدن به شیوه بهره برداری از مال در زندگی است؛ چون همواره فرمان اسلام بر اساس اقتضائات و شرایط زمان و مکان است. آیین اسلام خواسته است که انسان ها با توجه به شرایطی که در آن به سر می برند، بکوشند از مواهب الهی به بهترین وجه ممکن برای برطرف سازی نیازهای خود بهره برداری کنند. امروزه بدون در نظر گرفتن سرمایه و سرمایه گذاری و بهره مندی از فن آوری و امکانات جدید، برطرف سازی نیازهای اساسی انسان ها ناممکن است. پس به ناچار باید بپذیریم که امروزه ضرورت دارد از نیروی کار انسانی به شکل سرمایه بهره برداری شود تا زمینه برای تولید انبوه فراهم گردد. همه آموزه هایی که بر ضرورت اصلاح شیوه های بهره برداری از مال دلالت دارند، این امر را تأیید می کنند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «مِنَ المُرُوّهِ اِستِصلاحُ المال؛ به صلاح آوردن مال از جوان مردی است.»(۱) از امام صادق(ع) نیز نقل شده است: «اِصلاحُ المالِ منَ الایمَانِ؛ اصلاح مال از ایمان است».(۲)

بدون تردید، اصلاح بهره برداری از مال به مقدماتی نیاز دارد که استفاده از امکانات و فن آوری های جدید از جمله آنهاست؛ چون امروزه اگر انسان

۱- وسائل الشعیه، ج۱۲، ص۴۰، ح۴ و ۵.

۲- وسائل الشعیه، ج۱۲، ص۴۰، ح۲.

ص: ۵۰

برای رفع نیازهـای خویش از منـابع طبیعی به ابزارهـای سـاده و ابتـدایی قـدیم قنـاعت کنـد، موفق به برآوردن حتی بخش انـدکی از نیازهایش نخواهـد شـد. با در نظر گرفتن آنچه بیان شـد، انباشت سـرمایه و سـرمایه گـذاری، با اصول مبانی اقتصادی اسـلام منافاتی ندارد و بسیار ضـروری به شـمار می آید. همچنین نتیجه اسـتفاده از سرمایه در عرصه های اقتصادی، توسعه اقتصادی است؛ چون از منابع طبیعی و انسانی و دسـتاوردهای علمی، به صورت مطلوب تری اسـتفاده می شود. این کار سـبب افزایش تولیـد و درآمد ملی و توسعه اشتغال می گردد و از این طریق مشکلاتی، مانند تورم و بی کاری و فقر برطرف می شود و این امور جزو اهداف اقتصادی به شمـار می آیـد. بنـابراین، بـا توجه به جهت گیری و اهـداف کلی نظـام اقتصادی، مسئله توجه به سـرمایه و سـرمایه گـذاری، نه تنها مطلوب به نظر می رسد، بلکه به ویژه در شرایط کنونی از جمله کارهای ضروری به شمار می رود.

از سوی دیگر، وقتی در احکـام و مقررات مربوط به ثروت در نظـام اسـلامی دقت شود، در مجموعه آموزه های دینی، رهنمودهایی در راسـتای بهره برداری از ثروت به چشم می آیـد که کاملاً با مسـئله سـرمایه و سـرمایه گـذاری مطابقت دارند. در مجموعه آموزه هـای اقتصـاد اسـلامی، دو اصـل بیش از دیگر امور برجسـته تر است. اول آنکه اسـلام به شـدت بـا انـدوختن ثروت، به صورت کنز مخالفت می کند و ثروت اندوزی را حرام می داند؛ چون سـبب محرومیت بسیاری از انسان ها از آن موهبت الهی می شود. خداوند می فرماید: «وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلاَ يُنفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ؛ کسانی را که زر و سیم می اندوزند و در راه خدا انفاق نمی کنند، به عذاب سخت بشارت بده». (توبه: ۳۴)

اکنون این پرسـش مطرح می شود که اگر اسـلام ثروت انـدوزی را مردود می دانـد، پس انسـان بـا ثروتش چه بکنـد؟ پاسـخ به این پرسش، اصل دومی

ص: ۵۱

است که در آموزه های اقتصادی اسلام به آن بسیار توجه شده است. آیین اسلام، سه راه برای به جریان انداختن ثروت مشخص کرده است:

۱. بخشیدن به نیازمندان: به دلیل آنکه اصل مال از آن خداوند متعال است، انسان ها پس از برآوردن نیازهای خود ملزمند اضافه مال را در اختیار دیگر بندگان خدا قرار دهند تا همگان بتوانند از نعمت های الهی بهره مند شوند. باز شاید این پرسش مطرح شود که با بخشیدن مال به دیگری، چه چیزی عاید بخشندگان می شود؟ پاسخ این است که اولاً پاداش الهی ره آورد این کار است؛ چون انسان به انگیزه اطاعت از امر الهی چنین عملی را انجام می دهد. ثانیاً این کار سبب رونق اقتصاد جامعه می شود؛ چون افراد همین پول را در جامعه به کار می اندازند. با رونق بازار اقتصادی، وضع اقتصادی ارتقا پیدا می کند و سود این رونق به انفاق کنندگان هم می رسد. ازاین رو، خداوند در قرآن کریم می فرماید: «هر چه انفاق کنید، خداوند عوضش را خواهد داد. او بهترین روزی دهندگان است.» (سبا: ۳۲) خداوند در آیه ای دیگر چنین می فرماید: «وَمَا تُنفِقُواْ مِنْ خَيْرٍ فَلأنفُسِكُمْ؛ هر چه را انفاق کنید، نتیجه اش از آن خودتان است». (بقره: ۲۷۲)

امیر مؤمنان، علی(ع)، در اشاره به جنبه دوم از فایده انفاق چنین می فرماید: «ثروت با انفاق کامل می شود و با هزینه کردن است که ناقص و کم می شود.»(۱) اگر انسان مالی را انفاق می کند، در واقع، آن را در مسیر رشد قرار داده است. این نظر اسلام بر خلاف دیدگاه نظام سرمایه داری است که انفاق را سبب هلاکت سرمایه می داند.

بر اساس سیره عملی امام علی(ع)، باید اموال بسیاری که اضافی است، به دیگران بخشیده شود.

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، ش۱۴۷.

ص: ۵۲

۲. وام دادن: دارندگان ثروت می توانند مقداری از سرمایه و ثروت اندوخته شان را به شکل وام در اختیار نیازمندان قرار دهند تا آنها این اموال را در یکی از عرصه های اقتصادی به کار بیندازند و به افزایش تولید کمک کنند. خداوند در آیاتی از قرآن کریم، بـه دادن قرض الحسنه تأکید کرده است: «مَن ذَا الَّذِی یُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا؛ کیست که به خداوند قرض الحسنه دهد. اگر به خداوند قرض الحسنه بدهید، خداوند عوض آن را برای شما دو برابر خواهد داد و در ضمن شما را خواهد آمرزید». (حدید: ۱۱)

امیر مؤمنان، علی(ع) می فرماید: «خداوند از روی تنگ دستی و نداری از شما قرض نمی گیرد، بلکه او در حالی که تمام خزانه های آسمان ها و زمین از آن اوست و از همگان بی نیاز است، این کار را می کند».(۱)

ایشان در خطبه ای دیگر چنین می گوید:

خدا پدرانتان را رحمت کند، از پیش، بخشی از مال تان را به صورت قرض دادن برای آخرت خود بفرستید، تا اینکه یکُن لَکُم قَرضاً و لاتُخَلِّفوا کلًا فیکون فرضا علیکم؛ تا از آن سود برید و همه را به پس از خود مگذارید تا وزر وبالتان گردد.(۲)

۳. سرمایه گذاری کردن: یعنی استفاده از ثروت ها در عرصه های اقتصادی تا تولید، افزایش یابد و به سبب آن خدماتی انجام و مشکلات اقتصادی جامعه برطرف شود.

امام علی(ع) در اشاره به انگیزه درونی کسانی که سرمایه ای در اختیار دارند، چنین می فرماید: «وَ بَعضُهم یحِبُّ تَثمِیر المالِ وَ یکرِه انثِلام المالِ؛ و گروهی (از افراد به صورت یک میل طبیعی) افزونی سرمایه را دوست دارند و کاستی آن را

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲.

۲- نهج البلاغه، خطبه۱۹۴.

ص: ۵۳

نمی پسندند.»(۱) این افراد دوست دارند سرمایه شان را با سود و بهره افزایش دهند و کاستی سرمایه را نمی پسندند. برخی روایات هم بر جواز این میل درونی دلالت دارند. برای مثال، امام صادق(ع) می فرماید: «سخت ترین (بدترین) چیزی که شخص بعد از مرگ خود بر جای می گذارد، مال راکد است.» راوی می پرسد: پس انسان با آن چه کند؟ حضرت می فرماید: «آن را در ساخت بنایی، بستانی یا خانه ای سرمایه گذاری کند».(۲)

بر این اساس می توان گفت اموری چون سفارش به وقف و انجام صدقات جاریه و انفاق های مختلف که در سیره اهل بیت علیهم السلام رایج بوده است، همه به گونه ای از مصادیق سرمایه گذاری و بهره برداری از سرمایه به شمار می آیند که اسلام، نه تنها آنها را جایز می داند، بلکه همواره به آن تشویق می کند و تأکید دارد.

حال پرسش این است که سوددهی سرمایه چگونه است؟ نظام مارکسیسم مدعی است که سرمایه نمی تواند سود داشته باشد، ولی نظام سرمایه داری معتقد به آزادی کامل در سودیابی از سرمایه است. از بررسی آموزه های اسلامی به دست می آید که اسلام اجازه می دهد انسان محصول کارش را ذخیره کند، به شرط آنکه این ذخیره کردن منجر به کنز و احتکار و فساد نشود. آن گاه اجازه می دهد محصول کار ذخیره شده، یعنی همان سرمایه به کار افتد. اگر اسلام این اجازه را به فرد نمی داد، در حقیقت انسان ها را به تولید نکردن ترغیب کرده بود. بدیهی است اگر در جامعه ای، اندوخته ها قابل رشد نباشد، تولید کاهش و مصرف، روز به روز افزایش می یابد و جامعه دیر یا زود دچار بحران می شود. از سوی

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۴۴.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۴۴.

ص: ۵۴

دیگر، اگر اجازه داده شود در مقابل سرمایه هر اندازه که ممکن است، سود عاید سرمایه گذار شود، همان مشکلی پیش می آید که در نظام های سرمایه داری پیش آمده است؛ یعنی عده ای با در انحصار گرفتن سرمایه ها، افراد را استثمار می کنند و مردم جامعه به اقلیتِ برخوردار و اکثریت فقیر و ناتوان تبدیل می شوند.

برای اینکه جامعه دچار این دو نارسایی نشود، اسلام سازوکاری را پیش بینی کرده است که سود حاصل از سرمایه گذاری در تولید، بی حد و مرز نباشد؛ یعنی اسلام با تدوین قوانینی، در عین حال که اجازه می دهد سرمایه ها راکد نماند و در عرصه تولید به کار گرفته شود و به آنها سودی معقول تعلق گیرد، هرگز اجازه نمی دهد سودهای کلانی به وجود آید که به تشکیل تراست ها و کارتل ها منجر می شوند. در اسلام، استفاده از سرمایه یا به عبارت بهتر، بهره برداری از سرمایه گذاری، به یکی از این شکل ها جایز است:

۱. ابزار تولید: اگر در این نوع سرمایه گذاری، کار تولیدی به وسیله مالك ابزار صورت گیرد، مشکلی پیش نمی آورد، ولی اگر این نوع سرمایه گذاری به صورتی باشد که کار تولیدی به وسیله شخصی غیر از مالك ابزار انجام گیرد، به دو صورت ممکن است:

الف) اجاره؛ یعنی مالك ابزار به دیگری این دستگاه کار را اجاره می دهد که کار کند و مبلغی بابت اجاره ابزار به او بدهد.

ب) فرد دیگری را اجیر کند تا در ازای تولیدی که او انجام می دهد، به او مبلغی بدهد.

۲. مستغلات: این نوع سرمایه در شکل کار انباشته شده که قابل بهره برداری است. برای نمونه، شخصی خانه ای را می سازد و در آن زندگی

ص: ۵۵

می کنـد. گـاهی آن را در اختیار مسافرانی قرار می دهـد و اجاره ای می گیرد. در این حالت، سـرمایه به صورت عین خارجی، قابل استفاده و خودِ کالا، قابل بهره برداری است.

۳. سـرمایه بازرگانی: سـرمایه ای است که هیـچ یک از دو نوع بهره دهی را نـدارد؛ یعنی نه تولید را بالا می برد و نه می توان آن را مصـرف کرد. از دید اسلام، این نوع سرمایه عقیم است، نه خود قابل مصرف است و نه سبب به وجود آمدن ارزش مصرفی جدیدی است. ازاین رو، می توانـد به اسـتثمارهای زنجیره ای و متوالی نـامرئی بینجامـد و به ایجاد فاصـله های طبقاتی فاحش منجر شود. این صورت از سـرمایه، هیـچ گونه مبنای موجه و منطقی درباره منشأ مالکیت نـدارد، بلکه نوعی غارتگری به شـمار می آیـد؛ چون سود گرفته شده، متناسب با حق الزحمه شـخص نیست. در این صورت، سرمایه گذار سود کلان را در ازای اصل سرمایه اش دریافت می کند.(۱)

در هر حـال، این صـورت از سـرمایه گـذاری، از نظر منطق و آیین اسـلام، پـذیرفتنی نیست. این صورت از سـرمایه گـذاری، اسـاس مشـکل نظام سرمایه داری به شمار می آید که سبب انباشته شدن ثروت در دست عده ای خاص و محرومیت اکثریت مردم جامعه از آن می شـود. در قرآن کریم، عبـارت «کیْ لَما یَکـونَ دُولَهً بَیْنَ الْأَغْنِیَـاءِ مِنکمْ؛ تـا ثروت تنهـا در میـان توانگران شـما دست به دسـت نگردد.» (حشر: ۷) این گونه از سرمایه گذاری را مردود می داند؛ چون همان گونه که بیان شد، به انباشت سرمایه در دست عده ای خاص منجر می شود و سلامت اقتصادی جامعه را از بین می برد.

۱- اقتصاد اسلامی، صص ۵۱ ۶۱.

ص: ۵۶

۴. تولید

اشاره

۴. تولید

مجموعه عملیات اقتصادی را که برای رفع نیازمندی های انسان انجام می گیرد، به چهار دسته تقسیم می کنند که مهم ترین گروه، عملیات تولیدی است. در توصیف عملیات تولید گفته شده است: «هر عملی که منتهی به تغییر شکل و تبدیل کالاها و خدمات به صورت کالاها و خدمات دیگر و قابل استعمال و استفاده برای ارضای احتیاجات فردی یا عمومی باشد، عمل تولید نامیده می شود».()

با دقت به این توصیف، به دو نکته مهم پی می بریم:

اولاً ـ منظور از عمل تولیدی، عملی است که بر مبنای اتخاذ تصمیم و عمل انسانی صورت گرفته باشد. بر این اساس، تولید مثل حیوانات و روییدن گیاهان و درخت ها و...، وقتی تولید در نظر گرفته می شود که ناشی از پرورش و رسیدگی انسان باشد؛ یعنی به صورت دام پروری و باغ داری انجام بگیرد.

ثانیاً منظور از تغییر شکل و تبدیل منابع به منابع دیگر، عبارت از استعمال و امتزاج مواد اولیه کار انسانی، سرمایه فنی و کالاهای نیم ساخته و خدمات مختلف، برای ایجاد کالاها و خدمات نوع دیگر است.(۱)

۲. اقتصاد خرد و کلان، صص ۲۹۲ و ۲۹۳.

الف) اهمیت تولید

الف) اهمیت تولید

انسان برای ادامه حیات و دست یابی به نیازهایش و رفاه عمومی مطلوب، به برخورداری از نعمت ها نیاز دارد. این نعمت ها در محیط زندگی انسان یافت می شوند، اما این گونه نیست که همه آنها بدون ایجاد تغییر در آنها قابلیت استفاده داشته باشند. خداوند بر اساس برخی مصالح و حکمت ها، مقرر کرده

۱- ۱عملیات اقتصادی چهارگانه، عبارتند از: عملیات مالی، عملیات توزیع، عملیات تولید و عملیات مربوط به استعمال منابع تولید.

ص: ۵۷

است که انسان با کمک از دانش و اندیشه خود و با کوشش و انجام دادن برخی تغییرات در منابع طبیعی موجود در محیط زندگی یا تصرف مجدد در محصولات تهیه شده، به مواد و محصولات لازم برای تأمین نیازهای مختلفی که دارد، دسترسی پیدا کند.

امروزه مجموعه نیازهای آدمی، با توجه به پیشرفت علوم و فن آوری ها و افزایش جمعیت، هم از نظر کمّی و هم به جهت کیفی، بسیار گسترده و پیچیده شده است و به هیچ وجه برآوردن این نیازها از راه مواد آماده در منابع طبیعی، میسر نیست. به همین دلیل، کمتر کالای مورد نیازی است که بدون کار و ایجاد تغییر در آن، قابلیت بهره برداری داشته باشد. بر این اساس، امروزه انجام عملیات تولیدی، یعنی به فعلیت رساندن بهره برداری از نعمت های الهی، ضرورتی انکارناپذیر است که بدون آن نظام زندگی مختل می شود. به علاوه تغییراتی که هر روز نسبت به روز پیش، در زندگی انسان ها رخ می دهد، نیازهای جدیدی را پدید می آورد که ضرورت انواع تولیدات جدیدی را مطرح می سازد که اصولاً در گذشته چنین نیازهایی برای بشر مطرح نبوده است. آیا این امور را بدون تولید می توان سر و سامان داد؟ بنا بر آنچه گفته شد، امروزه مسئله تولید در نظام های اقتصادی، به مراتب بیشتر از زمان های گذشته اهمیت دارد و روز به روز نیز در حال گسترش است.

ب) اسلام و مسئله تولید

اشاره

ب) اسلام و مسئله تولید

از راه های بسیاری می توان به جایگاه تولید در آموزه های اسلامی پی برد که آنها را برمی شماریم:

ص: ۵۸

یک پای بندی به اصول و اهداف کلی نظام اقتصادی

یک پای بندی به اصول و اهداف کلی نظام اقتصادی

در نظام اقتصادی اسلام، اهدافی مطرح است که بدون توسعه تولید این اهداف تحققپذیر نیستند. در مجموعه آموزه های اسلامی، برای دست یابی به این اهداف سفارشهایی شده است:

اول تشویق به تحصیل معیشت

هر کار و تلاشی، هدفی در پی دارد. ازاین رو، بیشتر سفارش ها درباره کشاورزی، باغ داری و دام پروری و ...، به گونه ای در جهت تولید بیشتر است، چون این کارها بیشتر جنبه تولیدی دارند. امام صادق(ع) می فرماید: «لاتَکْسِلُوا فی طلبِ مَعایشِکُم فاِنّ آبائَنا کانُوا یَرکُضُونَ فیها وَ یطلُبُونها؛ در طلب معیشت و نیازهای زندگی خود، تنبلی و کسالت نورزید. همانا پدران ما در این راه می دویدند و آن را طلب می کردند».(۱)

تشویق به تحصیل معیشت، ملازم با انجام کارهای تولیدی نیست؛ چون ممکن است کسی از راه انجام کارهای خدماتی، نیازهایش را تأمین کند، ولی در هر حال تشویق به تحصیل معیشت به صورت عام شامل فعالیت های تولیدی نیز می شود.

دوم تشویق به تحصیل رفاه مناسب

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِینَهَ اللّهِ الَّتِی أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالْطَّیِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ؛ بگو چه کسی زینت خداوند را که برای بندگانش (از زمین) بیرون آورده و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟» (اعراف: ۳۲)

افزایش تولید، یکی از راه های برخورداری و بهرهبرداری از زینت های الهی است.

۱- من لایحضره الفقیه، ج۳، کتاب معیشت، ح۳۵۷۶.

ص: ۵۹

سوم تشویق به کسب اقتدار

اسلام، جامعه اسلامی را جامعه ای مقتدر می خواهد. ازاین رو، به مسلمانان فرمان می دهد که اسباب عزت و اقتدار را به دست آورند تا دشمنان درصدد تجاوز به آنها بر نیایند. خداوند می فرماید: «وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ؛ برای مقابله با دشمنان تا آنجا که می توانید، نیرو فراهم کنید...». (انفال: ۶۰)

در جهانبینی الهی اسلام، این مورد اصلی مهم به شمار میآید. خداوند در جایی دیگر میفرماید: «الاسلامُ یعلُوا و لایُعلَی عَلَیهِ؛ اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد.»(۱) بنابراین، از مهمترین شیوه های دست یابی به اقتدار، توسعه و افزایش تولید در عرصه های اقتصادی است.

چهارم تشویق به فقرزدایی

با توجه به آثار بسیار منفی که بر فقر مترتب است، اسلام مبارزه با فقر را تکلیف مهم مسلمانان می داند؛ زیرا به فرموده امام صادق(ع)، «فقر به آن نزدیک است که به کفر بینجامد.»(۲) ازاین رو، برای فقرزدایی، چه شیوه ای بهتر از افزایش تولید هست؟

پنجم تشویق به سرمایه گذاری در تولید

در آیات و روایات، کنز و راکد گذاشتن سرمایه و ثروت، نکوهش و با هدر دادن ثروت های طبیعی، به شدت مخالفت شده است. پس تنها راه درست بهرهبرداری از سرمایه، به کار انداختن آن در تولید است.

ششم تشویق به استفاده از درآمدهای به دست آمده از راه تولید

این درآمدها بر استفاده از درآمدهایی که از راه مصرف و استهلاک سرمایه، فراهم می آید، مقدم دانسته شده است.

۱- تذکره الفقهاء، ج۱، کتاب جهاد، ص۴۴۶.

۲- شیخ صدوق، امالی، ص۲۶۲؛ الحیاه، ج۴، ص۴۲۳.

ص: ۶۰

در اسلام روایات بسیاری وارد شده است که در آنها ارتزاق از راه فروختن زمین و خانه نهی شده است.

آیا دست یابی به این اهداف و هدف های بسیار دیگر که اسلام به آن تأکید کرده است، جز از راه پرداختن به تولید میسر است؟ بنابراین، یکی از راه های تشخیص اهمیت و جایگاه تولید در معارف اسلامی، در نظر گرفتن این گونه از رهنمودهاست.

دو سیره ائمه اطهار علیهم السلام در افزایش تولید

دو سیره ائمه اطهار علیهم السلام در افزایش تولید

یکی از راه های آشنایی با دیدگاه اسلام در زمینه تولید، تأمل در رفتار و سیره عملی اهل بیت علیهم السلام است. در متون روایی احادیث فراوانی در زمینه شرکت حضرات معصومان علیهم السلام در عرصه تولید نقل شده است. برای مثال، امام صادق(ع) در این زمینه می فرماید: «اِنّ امیرالمؤمنینَ(ع) اِعتَقَ الفَ مملوکٍ مِنْ کدِ یَدِهِ؛ همانا حضرت علی(ع) هزار بنده را با پولی که از دست رنج خویش به دست آورده بود، آزاد ساخت».(۱)

بر اساس شواهد تاریخی، اصلیترین راه درآمد امیر مؤمنان، علی(ع) تلاش و کار در عرصه های تولید، یعنی کشاورزی و باغداری و... بوده است. «یکی از اصحاب امام صادق(ع) به نام محمد بن عذافر می گوید: حضرت صادق(ع) هفتصد دینار به من داد و فرمود: این پول را به کاری صرف کن و من به سود آن نیازی ندارم، اما دوست دارم خداوند عزوجل مرا در حالی ببیند که این پول را در معرض استفاده قرار دادهام. عذافر می گوید: با استفاده از آن پول در تولید سودی در حدود صد دینار به دست آمد. در طواف به خدمت آن حضرت رسیدم و موضوع را به اطلاع ایشان رساندم. امام فرمود: آن سود را نیز به سرمایه اضافه کن».(۲)

۱- محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج۵، باب۵، ح۴، ص۷۴.

۲- محمد بن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج۵، باب۵، ص۷۶، ح۱۲.

ص: ۶۱

از این روایت پی میبریم که افزایش تولید، مطلوب است، هرچند از راه گذاشتن ابزار و سرمایه در اختیار دیگران باشد.

سه قوانین و مقررات مربوط به رشد تولید

سه قوانین و مقررات مربوط به رشد تولید

بسیاری از مقررات و احکام اسلامی، زمینهساز افزایش تولید هستند. وجود آن قوانین و احکام هم راه دیگری برای تشخیص منزلت تولید در نگرش اسلامی است. اینگونه قوانین افزون بر ده ها مورد است که تنها به بیان چند مورد بسنده میشود:

۱. زمینی که حکومت اسلامی آن را در اختیار افراد قرار داده است، اگر بلااستفاده رها شد، باید آن را پس گرفت؛

۲. درآمدهایی که منشأ آنها انجام کار نباشد، مشروعیت ندارند؛

۳. تحریم بهره ربوی؛

۴. تحریم درآمدهای ناشی از قمار و جادوگری؛

۵. جلوگیری از تمرکز ثروت نزد عده ای؛

۶. نداشتن جواز واسطهگری هایی که هیچ گونه کار مفیدی بر آنها مترتب نمی شود؛

۷. قانون ارث؛

۸. حرمت اسراف و تبذیر؛

۹. واجب کفایی بودن آموزش فنون و صنایع روز؛

۱۰. دادن حق نظارت و هدایت و جهتدهی به دولت در فعالیت های اقتصادی؛

۱۱. تعلق نداشتن امکانات ارائه شده از سوی سازمان های تأمین اجتماعی، به کسانی که قدرت کار دارند؛

۱۲. ممنوع سازی تکدی گری.

ص: ۶۲

یکی از عمـده ترین پی آمـدهای چنین قوانینی، رونق مسـئله تولیـد در سـطح جامعه است. تـذکر این نکته نیز ضـروری است که این موارد احکام و شرایط خاصی دارند که پرداختن به آنها در این اثر میسر نیست.

ج) تفاوت نگرش اسلام به تولید در مقایسه با دیگر نظامها

اشاره

ج) تفاوت نگرش اسلام به تولید در مقایسه با دیگر نظامها

همه مکاتب اقتصادی برای تولیـد اهمیت فوق العادهای قائلنـد و در این باره که همواره رشد تولید ضـروری است، اتفاق نظر دارند، امـا در نوع نگرش به آن، از جهـاتی بـا هم تفـاوت دارنـد. بر این اساس، بین نوع نگرش اسـلام به تولیـد در مقایسه با دیگر مکاتب، تفاوت هایی به چشم میآید:

یک تفاوت در هدف تولید

یک تفاوت در هدف تولید

در مکتب های اقتصادی حاکم بر جهان، انگیزه تولید برای افراد جز سود مادی نیست. برای مثال، در مکتب اقتصاد سرمایه داری که مظهر کامل تمدن جدید مطرح است، رشد سرمایه، هدف اساسی در فعالیت های اقتصادی است؛ زیرا بر اساس جهان بینی این نظام، همه امور در ماده خلاصه می شوند. ازاین رو، در این ساختار رشد و افزایش ثروت ملی بسیار مهم است، بدون آنکه به شیوه توزیع و میزان برخورداری افراد توجهی شود. از دیدگاه این مکتب، مشکل اساسی در امور اقتصادی، پایین بودن سطح تولید و محدودیت منابع طبیعی است و تنها راه حل این مشکل، رشد میزان تولید به شمار می رود.

در نظـام سـرمایهداری، قـانون عرضه و تقاضـا، جهت و میزان تولیـد را تنظیم می کنـد؛ زیرا سود در بازارهـای آزاد محرکِ هرگونه فعالیت و کار است و مقدار سود، تابع قیمت است. وقتی تولیدکننده ای، سود بیشتری را پیشبینی

ص: ۶۳

کرد، کالای بیشتری را تولید می کند. افزایش قیمت ها هم حاکی از افزایش میزان تقاضاست. در نتیجه، مصرف جهت تولید را تعیین می کند؛ یعنی تولید برای مصرفکنندگان است. البته این امر به ظاهر منطقی به نظر می رسد، ولی به این نکته باید توجه شود که در نظام سرمایهداری، تقاضا به جای آنکه بیانگر نیازهای بشری باشد، بیشتر از قدرت خرید طبقه ای خاص خبر می دهد. قدرت خرید در نظام سرمایهداری، تنها در اختیار قشر مرفه است که اقلیت جامعه را تشکیل می دهند و در نهایت، تولید را به سمت کالاهای غیر ضروری و تجملی هدایت می کنند. در نتیجه، به برآورده شدن نیازهای عمومی افراد جامعه توجهی نمیشود.

در جهانبینی اسلام، انسان دو حیات مادی و معنوی، دنیوی و اخروی دارد که هر دو در طول هم قرار دارند و کیفیت زندگی اخروی انسان تابع نوع زندگیاش در این دنیاست. ازاین رو، هدف از تولید در نظام اقتصادی این مکتب نمیتواند در تحصیل رفاه مادی و دنیوی منحصر شود، بلکه به دنبال رفاهی است که سعادت اخروی او را نیز تضمین کند. بنابراین، هدف از تولید در چنین نظامی، اولاً تأمین نیازهای اساسی زندگی دنیوی خود و همنوعان است. البته گاهی مصلحت تولید برای اجتماع آن چنان مهم می شود که حکم تکلیف وجوبی پیدا می کند. ثانیاً باید تولید در چارچوبی انجام گیرد که زمینه قرب انسان به خداوند را فراهم سازد؛ یعنی اسلام در کنار تشویق انسان به تولید، برای اصلاح زندگی خود و همنوعانش میکوشد در روند تولید آن هدف نهایی و سعادت حقیقی هم فراموش نگردد و انسان اسیر زرق و برق مادیت نشود و حرص و آز دنیا دوستی او را غرق نکند و تمام ارزش او در بهتر خوردن و بهتر پوشیدن و ... خلاصه نشود، چنان که در

ص: ۶۴

نظام های دیگر نیز چنین است. به عبارت دیگر، هدف او برخورداری از زندگی مادی شایسته ای باشد که او را در کمالیابی و به دست آوردن سعادت جاودانی، یاری کند. امام صادق(ع) با توجه به این جهت گیری می فرماید: «نِعمَ العُون الدنیا عَلَی طَلبِ الاخِره؛ دنیای خوب، یاور و کمکی برای به دست آوردن آخرت است».(۱)

دو تفاوت در اقسام تولیدات

دو تفاوت در اقسام تولیدات

گذشته از تفاوت در هدفها و انگیزه های تولید، اسلام از نظر نوع و اقسام تولیدات هم با دیگر مکاتب فرق دارد. در آیین اسلام، هرگونه تولیدی تأیید نشده است، بلکه اسلام تولیداتی را پذیرفته است که برای انسان مفید بوده و دارای نتایج سازنده ای باشد. ازاین رو، انواع تولیدات، به مباح، مستحب، مکروه، واجب و حرام تقسیم می شود، یعنی تولیدات را به نیازمندی های واقعی او در حد واجب و لازم مربوط می داند و از سوی دیگر، تولیداتی را حرام و ممنوع میشمارد که از جهتی زیان و ضرر دارند؛ یعنی در نظام اقتصاد اسلامی، فعالیت های تولیدی در دو لبه واجب و حرام قرار دارند و نمیتوانند از آن محدوده خارج شوند؛ چون سلامت جامعه و سعادت و آسایش و امنیت اقتصادی و معنوی انسان ها به خطر می افتد. ازاین رو، به دست آوردن درآمد از راه اموری چون تولید شراب و مواد مخدر، تولید سلاح های خطرناک، پرورش خوک و سگ، ساختن اسباب قمار و موسیقی های زیان بار ممنوع است، اما در نظام های اقتصادی دیگر، مانند سرمایه داری و کمونیستی، چنین محدودیت هایی وجود ندارد.

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، باب۶، ح۵.

ص: ۶۵

سه تفاوت در نگاه به عوامل تولید

سه تفاوت در نگاه به عوامل تولید

تفاوت دیگر اسلام با دیگر نظام ها در زمینه تولید به نوع نگرش اسلام بر عوامل تولید مربوط است. اسلام، عوامل تولید یعنی کار، سرمایه و منابع خدادادی را موهبت های الهی می دانـد که خداوند آنها را در چارچوب احکام و مقرراتی مشخص در اختیار انسان به صورت امانت قرار داده است و در راستای تحقق اهداف خاصی به کار گرفته می شوند. در صورت عدول انسان از این محدوده ها نیز وی بازخواست و مجازات خواهـد شـد، اما در نظام های دیگر، چنین محدودیت هایی مطرح نیست. همه این عوامل را عطیه های طبیعت می داننـد که می توان از آنها در طول عمر، به هر گونه ای که میسر است، در راستای خواست ها و امیال بهره برداری کرد. از این بابت نیز هیچ گونه بازخواستی در انتظار انسان نیست. می گوینـد تنها عامل محدود کننده، حق دیگر مردم است، اما وقتی در عمل توان منـد شدنـد، به آن حق هم هیچ اعتنایی نمی کننـد؛ چون بر اساس نوع جهان بینی آنها، چنین حقی تضمین و پشتوانه الزام آوری ندارد و اعتنا به چنین موضوعی سبب از دست رفتن بسیاری از منافع و فرصت ها می شود که چنین کاری معقول و منطقی نیست.

ص: ۶۶

ص: ۶۷

فصل دوم: اهداف تولید ، کار و سرمایه

اشاره

فصل دوم: اهداف تولید ، کار و سرمایه

در مجموعه آموزه های اسلامی، به ویژه آیات و روایات، برای هر یک از عناصر اساسی فعالیت های اقتصادی، یعنی تولید، کار و سرمایه و...، هدف هایی در نظر گرفته شده است. برای مثال، برای تولید هدف هایی چون تأمین نیازهای معیشتی و توسعه رفاه مادی، تأمین هزینه انجام کارهای عبادی و معنوی و خدمت به مردم و جامعه و...، بیان گشته است. در زمینه انگیزه و اهداف کار در جامعه اسلامی نیز به اموری چون تأمین مخارج زندگی خود و خانواده و هم نوعان، ایجاد توسعه در زندگی و گسترش رفاه، دستگیری از نیازمندان و حفظ سلامت جسمانی و روحی و کمک به حل مشکلات جامعه اسلامی و اطاعت از فرمان خداوند و...، اشاره شده است. همچنین در مجموعه رهنمودهایی که درباره تهیه سرمایه و سرمایه گذاری وارد شده، هدف هایی نظیر آنچه در بخش های قبلی بیان شد، مطرح گشته است.

با تحلیلی دقیق و بررسی همه جانبه ای می توان گفت مجموعه اهدافی که برای اموری چون کار و تولید و سرمایه در آموزه های اسلامی بیان شده، در کل به اهداف کلانی باز می گردد که در نظام اقتصاد اسلامی به آن توجه شده است که مهم ترین این هدف ها عبارتند از:

ص: ۶۸

۱. تأمین نیازهای معیشتی

۱. تأمین نیازهای معیشتی

یکی از هدف های اصلی فعالیت های اقتصادی، اعم از کار و تولید و سرمایه، تأمین نیازهای معیشتی انسان هاست. خداوند تبارک و تعالی بر اساس مصالحی، چنین مقرر کرده است که انسان ها در سایه تلاش و کوشش بتوانند همه نیازهای ضروری زندگی شان را تأمین کنند. انسان ها در جریان زندگی به صورت طبیعی با این موضوع آشنا می شوند و پی می برند باید خود از راه انجام کارهای مختلف، به برآوردن نیازهای اساسی شان اقدام کنند، ولی به دلیل آنکه اسلام در زمینه انواع و مقدار کارها و نوع تولیدات و شیوه های تأمین سرمایه برای تولید دیدگاه خاصی دارد، در مورد هر یک از این امور رهنمودهایی را ارائه کرده است. بر اساس جهان بینی اسلامی، روزی هر کس بر پایه تقدیر الهی است که با التزام به احکام شرع به آن می رسد. بنابراین، هیچ دلیلی برای تخلف از قوانین اقتصادی اسلام وجود ندارد. امام صادق(ع) در این باره فرموده است:

روزی دو گونه تقسیم شده است: یک قسم آن به صاحبش می رسد، گرچه آن را طلب نکند و روزی دیگر وابسته به کوشش او می باشد. آنچه برای بنده قسمت شده است، به هر حال به او خواهد رسید. هر چند در تحصیل آن تلاشی ننماید وآنچه با کار و تلاش قسمت اوست، باید از راه های خاصی که برای او معین شده است، طلب شود. آنها همان راه هایی هستند که خداوند برای انسان قرار داده است، نه راه های دیگر. پس اگر انسان از طریق راه های حرام روزی خود را به دست آورد، به حساب روزی او گذاشته می شود و در مقابل آن، در آخرت مواخذه هم خواهد شد.(۱)

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۹.

ص: ۶۹

افزون بر تعیین چارچوب برای فعالیت های اقتصادی، در زمینه اصل تلاش برای تأمین نیازها سفارش های فراوانی در رهنمودهای دینی به چشم می آید. برای نمونه، همگان را به تحصیل معاش (از راه کار و تولید و سرمایه گذاری و انجام خدمات یا شرکت در روند توزیع و...) تشویق می کنند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَابْتَغُوا مِن فَضْلِ اللَّهِ؛ در پی به دست آوردن نعمت خدا باشید». (جمعه: ۱۰)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سفارشی عام خطاب به همگان چنین می فرماید: «کُلوا مِن کَدّ ایدِیکم؛ با دست رنج خودتان امور زندگی را سامان ببخشید.»(۱) ایشان در روایتی دیگر نیز می فرماید: «هر کس از دست رنج خود ارتزاق کند، خداوند به او نظر رحمت کند و او را به عذاب دچار نسازد».(۲)

همچنین امام کاظم(ع) در این باره می فرماید: «کسی که روزی حلال طلب کند تا از آن در راه تأمین نیازهای خود و خانواده اش بهره برداری نماید، همانند کسی است که در راه خدا به جهاد می پردازد».(۳)

از این گونه روایات پی می بریم که یکی از هدف های مهم فعالیت های اقتصادی، تأمین نیازهای معیشتی افراد جامعه اسلامی است.

۲. انجام وظایف عبادی

۲. انجام وظایف عبادی

اسلام به مسائل اقتصادی رنگ عبادی و معنوی می بخشد و از انسان می خواهد، تلاش های مادی او با انگیزه الهی انجام گیرد. ازاین رو، در بسیاری از مسائل اقتصادی، قصد قربت اعتبار دارد. برای نمونه، احکامی مانند زکات، خمس و دیگر واجبات و مستحبات اقتصادی، قصد قربت شرط است؛ زیرا در اسلام مال و کار، وسیله تقرب به خدا است.

۱- بحارالانوار، ج۶۶، ص۳۱۴، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۴۲۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۱۷.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۱، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۴۳۷.

ص: ۷۰

خداونـد در قرآن می فرمایـد: «وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَن يؤْمِنُ بِاللّهِ وَالْيوْمِ الآخِرِ وَيتَّخِذُ مَاينفِقُ قُرُبَاتٍ عِندَ اللّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلاَ إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سَيدْخِلُهُمُ اللّهُ فِی رَحْمَتِهِ؛ گروهی از اعراب به خـدا و روز قیـامت ایمان دارنـد و آنچه را انفاق می کننـد، مایه تقرب به خـدا و دعای پیامبر می دانند. آگاه باشید اینها مایه تقرب آنهاست و خداوند آنها را در رحمت خود وارد خواهد ساخت». (توبه: ۹۹)

بنابراین، در اسلام، سیاست اقتصادی و مالی، از مسائل عبادی و معنوی جدا نیست. بی گمان، انجام فرایض دینی و عبادات و به طور کلی پرداختن به امور معنوی، نیازمنـد داشـتن جسـمی سـالم و توانـا و امکانـات منـاسب زنـدگی است. افزون بر آن، انجـام عبـاداتی همچون حـج و انفـاق به دیگران، متوقف بر توانـایی مـالی بیشتری است. از سوی دیگر، مطابق آموزه های دینی، فقر مالی می تواند عامل فقر معنوی، تزلزل عقیدتی و در نهایت سـبب سقوط اخلاقی باشد. ازاین رو، یکی از متعالی ترین انگیزه های مسلمان در زمینه کار و تولید، بسترسازی مناسب برای رشد معنوی و انجام عبادات است.

در روایتی از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله آمـده است: «پروردگارا برای ما در نان برکت ده، و میان ما و آن جدایی میفکن؛ چرا که بی نان، توان روزه گرفتن، نماز خواندن و انجام فرایض را نداریم».(۱)

در روایـاتی، دنیـا بهترین وسـیله برای به دست آوردن آخرت است. امـام صـادق(ع) می فرمایـد: «نِعمَ العونُ الـدنیا علی الا-خِرَهِ؛ دنیا خوب کمکی برای به دست آوردن آخرت است.»(۲) در روایتی دیگر باز آن حضـرت می فرماید: «لاتَدْعِ طلبَ الرِّزقِ مِنْ حِلِّهِ، فَاِنَّه عونٌ لکَ فی دینِکَ؛ از طلب روزی حلال غفلت نکن؛ زیرا آن (داشتن اسباب معیشت) کمک تو برای حفظ دین است».(۳)

۱- فروع کافی، ج۶، ص۲۸۷.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۷.

۳- امالی، ج۱، ص۱۹۶.

ص: ۷۱

در نتیجه، انجام بسیاری از وظایف دینی، مانند کمک به برادران دینی و حل مشکلات تهی دستان و انجام اعمالی چون حج و وقف و صدقات جاریه به تمکن مالی و توان اقتصادی نیاز دارد. بنابراین از جمله اهداف فعالیت های اقتصادی، انجام وظایف دینی است. در ضمن آموزه هایی از این دست، از یک سو، اهمیت مسائل اقتصادی در جامعه اسلامی را بازگو می کند و از سوی دیگر، رابطه عمیق میان بُعد مالی و بُعد معنوی زندگی را در نگرش اسلامی آشکار می سازد.

۳. تحکیم ارزش های معنوی و اخلاقی

۳. تحکیم ارزش های معنوی و اخلاقی

یکی از تفاوت های اساسی مکتب اسلام با مکاتب اقتصادی دیگر، در این است که در اسلام ارزش های اخلاقی و معنوی رفتارهای اقتصادی افراد را شکل می دهد. این در حالی است که در مکتب های دیگر، ارزش های اخلاقی، جدا و بیگانه از مسائل اقتصادی مطرح می شوند.

در اسلام، مسائل اقتصادی از مسائل اخلاقی جدا نیست؛ زیرا نظام اقتصاد اسلامی بر اساس ارزش ها و اخلاق طراحی شده، اما در مکتب های مادی، روابط اقتصادی کاملاً ـ خشک و بی روح، بر پایه رقابت های منفی استوار است. ازاین رو، به ورشکستگی، درگیری، تفرقه و اختلاف، دشمنی و عداوت در بین مردم منجر می شود.

در این نوع مکاتب، درآمد از هر راهی که میسر شود، ولو با راه انداختن جنگ و کشتارهای دسته جمعی، تولید و فروش مواد مخدر و غارت حق دیگران اشکالی ندارد، اما روابط اقتصادی در اسلام بر پایه اصول اخلاقی، مانند اخوت، تعاون، ایثار و احسان استوار است. بر این اساس، بسیاری از

ص: ۷۲

معاملات و مکاسب در اسلام حرام دانسته شده؛ چون مسائل اخلاقی و انسانی در برخی از آنها نادیده گرفته شده است و بسیاری از آنها به زیان مردم تمام می شوند.

امام صادق(ع) در روایتی فرمود:

هر چیزی که در آن مصلحت و منفعتی برای مردم و بندگان خدا باشد، معامله، خرید و فروش، اجاره و هرگونه نقل و انتقالش حلال است و هر چیزی که مفسده و ضرر مردم در آن باشد، خرید و فروش، اجاره و...، آن باطل و حرام می باشد.(۱)

خلاصه اینکه اقتصاد در اسلام زیر چتر اخلاق است و ممنوع بودن برخی معاملات به خاطر رعایت مسائل اخلاقی و انسانی است. اسلام می خواهد سایه اخلاق و عاطفه بر روابط اقتصادی حاکم باشد. اسلام در رسیدن به اهداف اقتصادی خود از قبیل، زدودن فقر، ایجاد رفاه و اجرای عدالت، از چارچوب ارزش های اخلاقی، خارج نمی شود؛ زیرا تحقق این ارزش ها همراه با اجرای اصول و احکام اقتصاد اسلامی، از اهداف اصلی مکتب اسلام به شمار می رود. ازاین رو، کسی حق ندارد از راه های حرام کسب درآمد کند یا با اکراه، طرف مقابل را به معامله ای وادار کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ لاَ تَأْكُلُواْ أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ إِلاَّ أَن تَكُونَ تِجَارَةً عَن تَرَاضٍ مِّنكُمْ...؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، اموالتان را در میان خود به باطل نخورید، مگر اینکه داد و ستدی از روی رضایت شما باشد». (نساء: ۲۹)

اسلام برخی اهداف اقتصادی خود، مانند تعدیل ثروت را با دریافت اموالی از مردم تحقق می بخشد، اما این کار را با عنوان عبادت و رشد یافتن صفات اخلاقی مردم انجام می دهد.

۱- مکاسب محرمه، ص۲.

ص: ۷۳

در جامعه اسلامی، پرداختن زکات، خمس و...، عباداتی هستند که افراد با رضایت کامل به آن اقدام می کنند. قرآن، گرفتن زکات را وسیله پاک شدن و تزکیه اخلاق پرداخت کننده آن به شمار می آورد: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكيهِم بِهَا...؛ ای رسول! از اموال آنان زکات بگیر و بدین وسیله آنان را پاک و تزکیه کن». (توبه: ۱۰۳)

از سوی دیگر، به مردم و انفاق کنندگان سفارش می کند از بهترین اموال خود انفاق کنید، تا به «نیکی» دست یابید: «لَن تَنَالُواْ الْبِرَّ حَتَّی تُنفِقُواْ مِمَّا تُحِبُّونَ؛ هرگز به نیکی نمی رسید، مگر آنکه از آنچه دوست دارید، انفاق کنید». (آل عمران: ۹۲)

بر این اساس، هدف دیگر فعالیت های اقتصادی، کمک به حاکمیت ارزش های دینی و رشد و تعالی اوصاف اخلاقی و انسانی است.

۴. عدالت اجتماعی

اشاره

۴. عدالت اجتماعی

یکی از اهداف مهم اقتصاد اسلامی، برقراری عدالت فراگیر در همه ابعاد است. عدالت یعنی برخورد متوازن و یکسان و به دور از افراط و تفریط، با همه اقشار جامعه. در قرآن، لفظ قسط و عدل در موارد متعدد و موضوعات مختلفی به کار گرفته شده است. لفظ عدل، ۲۸ بار و قسط، ۲۷ بار در قرآن به کار رفته است.

در برخی از آیات، هدف اصلی خداوند از ارسال پیامبران و کتاب های آسمانی و ارائه احکام و قوانین خاص نظام های اجتماعی، از جمله نظام اقتصادی اسلام، بر پایی قسط و عدل، بیان شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنزَلْنَا مَعَهُمُ الْكتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ؛ ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آنها کتاب و میزان نازل کردیم تا مردم به عدالت قیام کنند». (حدید: ۲۵)

ص: ۷۴

خداونـد در آیه ای دیگر می فرمایـد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ كونُواْ قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُـهَدَاء لِلّهِ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، کاملًا به عدالت قیام کنید. برای خدا شهادت دهید». (نساء: ۱۳۵)

اهمیت اجرای عـدالت در جـامعه، به انـدازه ای است که خداونـد پس از ایمـان به قرآن، بر پا داشـتن عـدالت را مهم ترین مأموریت پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ، در مقام حاکم و رهبر جامعه اسلامی تعیین می کند و می فرماید: «قُلْ آمَنتُ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ مِن كِتَابٍ وَأُمِرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمُ؛ بگو به هر کتابی که خدا نازل کرده است، ایمان آورده ام و مأمورم در میان شـما عدالت را بر پا کنم». (شورا: ۱۵)

در روایات فراوانی به این هدف تأکید شده است. امام کاظم(ع) از پیامبر گرامی اسلام نقل می کند که فرمود: «بِئسَ القومُ لايَقومُونَ لِلّه تَعـالی بِالقسـطِ. بئسَ القومُ يَقْتُلونَ الَّذِين يـأمُرُونَ بِالقِسْطِ فِی الناسِ؛ چه بـد مردمی هسـتند، کسانی که برای برقراری عـدالت قیام نمی کنند و چه گروه بدی هستند، قومی که دعوت کنندگان مردم را به قسط و داد (پیامبران) می کشند».(۱)

حضرت امام خمینی رحمه الله ، در اشاره به این مطلب تأکید می کند:

کوشـش هایی که انبیا می کردند و جنگ هایی که با مخالفین حق می کردند و خصوصاً جنگ هایی که در صدر اسلام واقع شده، مقصـد جنگ نبوده است و مقصـد کشورگشایی هم نبوده است، مقصـد این بوده که یک نظام عادلانه که احکام خدا در آن جاری شود، ایجاد شود.(۲)

عـدالت اقتصـادی، یکی از مصـادیق مهم عـدالت اجتماعی است. عـدالت اقتصادی سـبب برقراری رفاه و برخورداری آحاد جامعه از معیشت مناسب می شود. در اسلام، حقوق جمعی بر حقوق فردی، مقدم است، بر خلاف

۱- الحیاه، ج۵، ص۱۶۸.

۲- سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج۸، ص ۸۱ .

ص: ۷۵

لیبرالیسم که بر منافع فردی تأکید می کند. با توجه به این مطلب در جامعه اسلامی، تصمیمات مربوط به فعالیت های اقتصادی باید به گونه ای انجام گیرد که نتایج ناشی از آنها برای همه افراد مفید باشد.

در روایتی چنین آمده است که عمران و آبادی باید بر مبنای عدل باشد؛ یعنی اگر امر بین عمران و توسعه اقتصادی و عدالت اقتصادی دایر باشد، عدالت اقتصادی مقدّم است. امیر مؤمنان، امام علی(ع) می فرماید: «ما عُمِّرت البلادُ بِ مثل العَدلِ؛ شهرها به چیزی جز عدالت آباد نمی گردند».(۱)

وقتی اهمیت عدالت اقتصادی روشن می شود که حضرت علی(ع) در اولین روز حکومتشان، خطاب به مردم اعلام می کند رعایت عدالت و برقراری قسط در اولویت کاری حکومت من قرار دارد و همگان در بهره مندی از بیت المال، حق مساوی و برابر دارند و هیچ گونه امتیاز قومی و قبیله ای، سبب برخورداری از حق بیشتر نمی شود: «آنچه را از بیت المال به صورت امتیاز به خود اختصاص داده اید یا مهریه زنان تان قرار داده اید همه را به بیت المال بر می گردانم».(۲)

ابن ابی الحدید می گوید علی(ع) در همان روز اول حکومت دستور داد که شمشیر و زره عثمان (که مربوط به بیت المال بوده و ربوده شده بود) بازگردانده شود.(۳) در ادامه چنین سیاستی، حضرت رفتارهای معروفی در برخورد با دخترشان ، ام کلثوم، در ماجرای امانت گرفتن گردن بندی از بیت المال و توبیخ خزانه دار(۴) یا در برخورد با برادرش عقیل که مقداری از بیت المال را برای تأمین

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص۹۵۴۳.

۲- «واللهِ لو وجدتُه قَدْ تَزوَّجَ بِه النساءَ مَلَکَ بِالاماءِ لرددتُه فَاِنّ فِی العدلِ سعةٌ.» (نهج البلاغه، ترجمه: فیض الاسلام، ص۶۶).

۳- «... امر بقبض سیفه ودرعه.» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۱، ص ۲۷۰).

۴- شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج۱۰، ص۱۵۱.

ص: ۷۶

مایحتاج خود و فرزندانش طلب می کرد یا خاموش کردن شمع بیت المال در ماجرای آمدن طلحه و زبیر دارند. همچنین رفتار امام در زندگی فردی، بر اساس عدالت است. ایشان در این باره فرموده است:

من سیر نمی خورم، شاید در دور ترین نقاط، مانند حجاز و یمن، کسانی باشند که گرسنه بخوابند. چگونه من سیر بخورم، در حالی که در اطراف، جگرهای سوزان وجود داشته باشد.(۱)

تمام این موارد، مسئولیت افراد مسلمان و مجریان و مدیران اجتماعی و سیاسی جامعه را بازگو می کند که در رفتار و عملکردشان دقت داشته باشند که مبادا بر اثر بی کفایتی و نداشتن نظارت دقیق در توزیع ثروت، عده ای به مال اندوزی بپردازند و به ثروت و مکنت مالی زیاد برسند، در حالی که حق گروهی دیگر پای مال شود.

عناصر عدالت اقتصادی

اشاره

عناصر عدالت اقتصادی

همه نظام های اقتصادی، مدعی عدالت اجتماعی هستند و هدف و شعارشان را اقامه عدالت قرار می دهند، اما در تفسیر عدالت با یکدیگر، اختلاف نظر اساسی دارند و هر یک برای تحقق آن راه حل خاصی را ارائه می کنند. ازاین رو، بیان عناصر دخیل در عدالت از دیدگاه یک نظام اقتصادی اهمیت دارد. عدالت در نظام اقتصادی اسلام، بر اساس دو اصل رفع فقر و ایجاد توازن اقتصادی تفسیر می شود.

الف) رفع فقر

الف) رفع فقر

مقصود از رفع فقر این است که همگان در وضعیت اقتصادی مطلوب به سر ببرند و از امکانات زندگی در همه زمینه ها (خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت و درمان،

۱- نهج البلاغه، نامه ۴۵.

ص: ۷۷

آموزش و پرورش و...) در حد متعارف و مناسب، از شرافت و کرامت انسانی برخوردار باشند. ترسیم تصویری صحیح و کامل از جایگاه فقر و غنا در معارف اسلامی، یکی از مفاهیم بنیادی اقتصاد اهمیت به شمار می آید.

در آموزه های اسلامی، فقر مالی امری نامطلوب و منفور معرفی شده است که می تواند سبب ایجاد مشکلات اخلاقی و اجتماعی بزرگی شود. از حضرت ابراهیم(ع) نقل کرده اند که فرمود: «یا ربِّ! الفقرُ اشدُّ مِنَ نارِ نمرودَ؛ خدایا فقر از آتش نمرود سخت تر است».(۱)

خداوند متعال در قرآن کریم در کلامی فقر و فحشا را کنار هم گذاشته و آن دو را وعده شیطان دانسته است: «الشَّیْطَانُ یَعِدُکمُ الْفَقْرَ وَیَأْمُرُکم بِالْفَحْشَاءِ؛ شیطان به شما وعده تهی دستی می دهد و به فحشا امر می کند». (بقره: ۲۶۸)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله در موارد زیادی از تنگ دستی به خداوند پناه می برد و می فرماید: «اللّهم انّی اعوذُ بِکَ مِنْ الکُفرِ وَ الفَقْرِ؛ خداوندا، از کفر و تنگ دستی به تو پناه می برم. مردی پرسید: آیا آن دو همسانند؟ فرمود: بلی».(۲)

امیر مؤمنان، علی(ع)، خطاب به فرزند خود محمد حنفیه می فرماید: «یا بنی إنَی أخافُ علیکَ الفقرَ فاستعذُ بِالله مِنْهُ فَاِنّ الفقرَ منقصهٌ للدِّینِ مَدهشهٌ لِلعقلِ داعیهٌ لِلْمَقْتِ؛ ای فرزندم، من از فقر بر تو می ترسم. پس از آن به خدا پناه ببر؛ زیرا فقر مایه کاستی دین، سرگردانی عقل و دل مردگی است».(۳)

در همین زمینه رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن دعایی چنین می فرمایند:

خداوندا، نان را برای ما برکت قرار ده و میان ما و نان جدایی مینداز؛ زیرا اگر نان نباشد، نه می توانیم نمازگزاریم و نه روزه و نه دیگر واجبات الهی را انجام بدهیم.(۴)

۱- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۳، ص۲۴۴۲.

۲- محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج۳، ص۲۴۳۸.

۳- نهج البلاغه، کلمات قصار ۳۱۹.

۴- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۷.

ص: ۷۸

امیر مؤمنان، علی(ع) در جای دیگر، فقر را مرگ بزرگ می شمارد: «الفقر الموت الاکبر.»(۱) ایشان بنا به نقلی دیگر می فرماید: «اگر فقر در صورت شخصی برایم ظاهر می شد، او را می کشتم».(۲)

همواره یکی از برنامه های پیامبران الهی و آیین اسلام، تلاش برای رفع فقر بوده و برای تحقق این هدف، راهکارهای بسیاری ارائه شده است. خداوند، صدقات و بخشی از غنایم را برای برطرف ساختن فقر قرار می دهد و در آیه ای چنین می فرماید: «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاء...؛ صدقات تنها به تهی دستان... اختصاص دارد». (توبه: ۶۰)

خداوند در آیه ای دیگر می فرماید: «وَاعْلَمُواْ أَنَّمَا غَنِمْتُم مِّن شَیْءٍ فَأَنَّ لِلّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَی وَالْیَتَامَی وَالْمَسَاکِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ؛ بدانید هر چیزی را که به غنیمت گرفتید، یک پنجم آن برای خدا و رسول و خویشاوندان او و یتیمان و بینوایان و درماندگان است». (انفال: ۴۱)

ب) توازن اقتصادی

ب) توازن اقتصادی

تعدیل ثروت، یکی دیگر از عناصر عدالت اقتصادی در نگاه اسلام است. مقصود این است که در جامعه اسلامی نباید تفاوت فاحشی بین افراد از نظر برخورداری از مواهب مادی وجود داشته باشد. انسان ها از نظر استعداد های فکری و جسمی و میزان کار و فعالیت اقتصادی متفاوتند و این تفاوت سبب اختلاف درآمد و ثروت و دارایی می شود. اسلام این حقیقت انکارناپذیر، یعنی تفاوت در استعدادها و به تبع آن، تفاوت درآمدها را پذیرفته است. البته چنین تفاوتی را نه می توان از بین برد و نه از بین بردن آن مفید است؛ زیرا

۱- نهج البلاغه، کلمات قصار، ۱۶۳.

۲- «لَوْ تَمَثَّلَ لِی الفقرُ رَجُلًا لَقَتَلْتُهُ.» امام علی علیه السلام صدای عدالت انسانی، ص۱۴۸.

ص: ۷۹

همین اختلافات است که کاروان تمدن بشری را به پیش می برد و امکان رشد و ترقی و تعالی را در جامعه بشری فراهم می آورد. با توجه به این جهت است که خداوند متعال این تفاوت ها را نشانه حکمت و تدبیر خود معرفی می کند و می فرماید: «مَّا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا وَقَدْ خَلَقَكُمْ أَطْوَارًا؛ شما را چه شده است که از شکوه خدا بیم ندارید؟ و حال آنکه شما را مرحله به مرحله (و متفاوت) خلق کرده است». (نوح: ۱۳و ۱۴)

در کنار این تفاوت های طبیعی، عوامل دیگری چون سوء استفاده از منابع طبیعی، انحصارگرایی ها و احتکار، دزدی و رشوه خواری و رباخواری و توزیع ناعادلانه درآمد بین عوامل تولید، به ویژه بین عامل کار و سرمایه، موجب می شود به تدریج اقلیت با استفاده از فرصت ها و قدرت چانه زنی، به درآمدها و ثروت های هنگفتی دست یابند و اکثریت از زندگی متعارف ناتوان شوند. با گذشت زمان، فاصله این دو گروه بیشتر می شود، به گونه ای که طبقه اقلیت با استفاده از قدرت مالی بر اکثریت مسلط شوند و آنان را بنده وار به استخدام خود درمی آورند و سر به طغیان می نهند.

در چنین جامعه ای، گروهی به جهت برخورداری بیش از حد از مواهب مالی و توانایی در بند کشیدن انسان های هم نوع خود، احساس کبر و غرور و طغیان می کند و از رشد و تکامل روحی و معنوی باز می ماند و گروهی دیگر به دلیل محرومیت و فقر، احساس حقارت و بدبختی می کند و همیشه به دنبال یافتن درآمدی خواهند بود که بتوانند ضروریات زندگی خود را تأمین کنند. در نتیجه، فرصت و زمینه تعلیم و تعلم و رشد و تعالی معنوی پیدا نمی کنند. بنابراین، در چنین جامعه ای افزون بر یافتن زمینه های کینه که مانع رشد انسان است، زمینه های تکامل نیز از بین می رود.

ص: ۸۰

بر این اساس، در نظام اقتصادی اسلام به توازن اقتصادی و عدم تمرکز ثروت، به عنوان یکی از اصول مهم سیاست اقتصادی، اهمیت فوق العاده ای داده شده است. خداوند متعال در قرآن کریم، به مسئله تعدیل ثروت به صورت های مختلف توجه کرده است. از جمله در آیه ای چنین می فرماید: «وَالَّذِینَ یَکنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّهَ وَلاَ یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِیمٍ؛ کسانی که طلا و نقره ذخیره می کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی کنند، آنها را از عذابی دردناک خبر بده». (توبه: ۳۴)

این آیه و همه آیاتی که از کنز و اندوختن مال نهی کرده اند، حکایت از آن دارند که اسلام انباشت ثروت و تداول آن بین طبقات خاص را نمی پذیرد و با نهی از اندوختن ثروت و امر به انفاق (هزینه ثروت)، لزوم تعدیل ثروت در جامعه را، هدفی اقتصادی مطرح می کند. علاوه بر این، آیات دیگری که بر تشویق به انفاق و بیان پاداش آن و توصیف مقام نیکوکاران و قرار گرفتن آنها در زمره ابرار دلالت می کنند، به این نکته تأکید دارند که در جامعه اسلامی، ثروت و سرمایه در دست افراد خاصی نباید قرار گیرد تا به ایجاد فاصله طبقاتی در بین قشرهای ثروتمند و کم درآمد بینجامد.

در روایات معصومین علیهم السلام نیز به مسئله تعدیل ثروت، توجه و تأکید فراوانی شده است. برای نمونه، امام باقر(ع) با اشاره به آیه نهی از کنز، پرداخت نکردن مالیات واجب الهی و زکات مال و اندوختن طلا و نقره و استفاده از ظرف های زر و سیم را سبب تحقق وعید به عذاب دردناک الهی می شمارد و به وضوح، ضرورت تعدیل ثروت و جلوگیری از انباشت آن را بیان می فرماید.(۱)

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۵۳، کتاب تجارت، ابواب ما یکتسب به، باب ۴۹، ح۱.

ص: ۸۱

همچنین از امام صادق(ع) نقل شده است که در پاسخ عبدالله نجاشی که کارگزار شهر اهواز بود و از حضرت تقاضای راهنمایی در امور فردی و حکومتی داشت، فرمودند: « ای عبدالله، طلا و نقره ذخیره نکن که مبادا از اهل این آیه باشی: «وَالَّذِینَ یَکنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّهَ وَلاَ یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِیمٍ».(۱)

گفتنی است از دیدگاه اسلام، علت این امر (برقراری توازن اقتصادی و تعدیل ثروت) دو نکته است:

۱. کثرت ثروت، اغلب سبب غفلت از خدا و گرفتاری به هواهای شیطانی می شود. همان طور که علامه طباطبایی رحمه الله درباره معنای آیه «الهیکم التکاثر» چنین می فرماید: «مراد این است که زیاده خواهی در متاع دنیا و زینت های آن و پیشی گرفتن در زیاد کردن افراد و اموال شما را از آنچه مهم تر است یعنی یاد خداوند تعالی غافل کرده است».(۲)

۲. اگر ثروت در جایی انباشته شود، نیکی و معروف از جامعه رخت بر می بندد؛ زیرا طبقات دیگر که از این مواهب فراوان بی بهره اند، احساس فقر می کنند و گرفتار فقر نفس می شوند. در نتیجه، دچار طمع ورزی می شوند و درصدد بر می آیند به هر وسیله ممکن، خود را به آنچه ندارند، برسانند. همین امر سبب زیر پا گذاشتن احکام و ارزش های دینی و اخلاقی می شود.

۵. استقلال و عدم وابستگی اقتصادی

۵. استقلال و عدم وابستگی اقتصادی

هدف اسلام این است که امت اسلامی در همه جنبه های زندگی از بیگانگان مستقل باشد. از این میان، استقلال اقتصادی اهمیت خاصی دارد. بدیهی

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۵۳، کتاب تجارت، ابواب ما یکتسب به، باب ۴۹، ح۱.

۲- سید محمدحسین طباطبایی، المیزان، ج۲۰، صص ۴۹۵ و۴۹۶.

ص: ۸۲

است، این کار جز در سایه توسعه فعالیت های اقتصادی، اعم از تولید و سرمایه گذاری و رونق اشتغال، امکان پذیر نیست.

یادآوری این نکته لازم است که معنای استقلال غیر از خودکفایی است. خودکفایی آن است که جامعه همه نیازهایش را تأمین کند و به وارد کردن کالا از خارج نیازی نداشته باشد، اما استقلال اعم از آن است. جامعه مستقل اقتصادی ممکن است به وارد کردن برخی کالاها احتیاج داشته باشد، اما تأمین این نیاز به معنای تکیه بر دیگر جوامع و باج دادن و سر فرود آوردن در مقابل دیگر جوامع نیست، بلکه در روابطی سالم، برخی محصولات خود را می دهد و تولیدات دیگران را می ستاند، اما خودکفایی بیش از این است. جامعه خودکفا می تواند همه نیازهای خود را با هزینه بیشتر تأمین کند، ولی ممکن است ترجیح دهد برای بهتر استفاده کردن از امکانات خود و صرفه جویی کردن، برخی کالاها را از بیرون وارد کند.

استقلال شرط لازم قدرت حکومت اسلامی است و بدون آن تحقق اقتدار اقتصادی حکومت متصور نیست. البته برخی استقلال را مستلزم اقتدار دانسته و کشوری را که اقتدار اقتصادی نداشته باشد، فاقد استقلال شمرده اند. این در حالی است که اقتدار از لوازم استقلال نیست؛ زیرا کشوری ممکن است روی پای خود بایستد، ولی نتواند حرف اول را در روابط تجاری با دیگران بزند. در این صورت، استقلال دارد، ولی اقتدار و قدرت چانه زنی ندارد. ازاین رو، چنین کشوری نمی تواند شرایط خود را در روابط تجاری به دیگران بقبولاند. بنابراین، استقلال، شرط اقتدار است و هدفی اقتصادی به شمار می آید.

از مفاد و مفهوم برخی آیات، لزوم استقلال اقتصادی فهمیده می شود که در ذیل به چند نمونه اشاره می شود: «وَلَن يَجْعَلَ اللّهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً؛ خداوند هرگز به نفع کافران بر علیه مؤمنین راه تسلطی قرار نداده است». (نساء: ۱۴۱)

ص: ۸۳

بیشتر فقهای بزرگ اسلام، برای نفی هر گونه سلطه کافران بر مسلمانان به این آیه استناد می کنند و مفاد آن را حکم می دانند، نه اخبار؛ یعنی مسلمانان باید کاری کنند که کفار بر آنان مسلط نشوند و هر عملی که به سلطه کفار بینجامد، نامشروع است.(۱) بر این اساس، مسلمانان برای حفظ حیثیت اسلامی شان وظیفه دارند از هر عملی خودداری کنند که راه نفوذ و تسلط بیگانگان را بر مسلمانان می گشاید. به دلیل آنکه بزرگ ترین راه نفوذ آنان از طریق تأمین نیازهای اقتصادی است؛ یعنی مهم ترین راه سلطه کفار بر مؤمنین سلطه اقتصادی است، اعمال سیاست های اقتصادی مستقل و عدم وابستگی در کالاهای اساسی و همیاری عمومی مردم در تحصیل خودکفایی و بستن راه های نفوذ آنان، از مهم ترین مسئولیت های امت اسلامی به شمار می آید تا بدین وسیله از هرگونه وابستگی به بیگانگان، به خصوص وابستگی اقتصادی مصون بمانند؛ چرا که به تعبیر حضرت امام رحمه الله ، وابستگی اقتصادی منشأ همه وابستگی های سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است.(۲)

تاریخ نشان می دهد که کشورهای استعمارگر، عمدتاً از همین طریق توانسته اند به مقاصد شوم سیاسی فرهنگی شان در کشورهای مستعمره و تحت حمایت دست یابند. متأسفانه در عصر حاضر، بیگانگان بر مسلمانان سلطه اقتصادی پیدا کرده اند و این واقعیت در بی توجهی به آموزه های دینی ریشه دارد. مطابق مفاد آیه «وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ؛ برای مقابله با کفار و مشرکان آنچه می توانید نیرو آماده کنید»، (انفال: ۶۰) مؤمنان وظیفه دارند بکوشند خود را از وابستگی ها از جمله وابستگی اقتصادی رها کنند. سیاق کلی آیه نشان می دهد، آیه درباره جنگ است و طبعاً مهم ترین نیرو برای مقابله با

۱- مبانی اقتصاد اسلامی، ص۲۰۲.

۲- صحیفه نور، ج۸، ص۳۹.

ص: ۸۴

دشمن، نیروی نظامی است، اما کلمه «من قوه» شامل هر نیرویی می شود. نیروی اقتصادی برای رویارویی با دشمن از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است، به خصوص در جنگ های امروز که قدرت اقتصادی، یکی از دو طرف جنگ در سرنوشت آن نقش به سزایی دارد. روایاتی در تفسیر این آیه آمده است که با استفاده از آنها شمول آیه را نسبت به توان اقتصادی بهتر می توان فهمید.

از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: سیاه کردن موی صورت (برای پیرمردان) از مصادیق «قوه» در آیه است؛ «مِنْه الخضابُ بِالسَّوادِ.»(۱) در روایت دیگری از امام باقر(ع) نقل شده است که فرمود:

گروهی بر امام حسین(ع) وارد شدند و دیدند که آن حضرت محاسن خود را به رنگ سیاه خضاب کرده است. علت آن را پرسیدند، فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در یکی از جنگ ها به مسلمانان دستور داد، با رنگ سیاه خضاب کنند تا به این وسیله بر مشرکان قوت و قوی تر بنمایند.(۲)

با استناد به این قبیل از آیات، جامعه اسلامی موظف است از راه توجه بیشتر به پیشرفت تلاش های اقتصادی، اعم از تولید و سرمایه گذاری، زمینه استقلال اقتصادی جامعه اسلامی را فراهم سازند و این باید یکی از هدف های اساسی نظام اقتصادی به شمار آید.

۶. خودکفایی و اقتدار اقتصادی

۶. خودکفایی و اقتدار اقتصادی

مقصود از خودکفایی این است که جامعه بتواند کالاها و خدمات مورد نیاز خود را تولید کند و در کالاهای اساسی، به بیگانگان وابسته نباشد. به عبارت

۱- تفسیر المیزان، ج۹، ص ۱۳۰.

۲- تفسیر المیزان، ج۹، به نقل از: مبانی اقتصاد اسلامی، صص ۲۰۱ و ۲۰۲.

ص: ۸۵

دیگر، مراد از خودکفایی این است که جامعه بتواند نیازمندی هایش را در حد بالایی تولید کند و ناگزیر به وارد کردن کالا از خارج نباشد. البته همان گونه که اشاره شد، ممکن است کشوری ترجیح دهد بعضی از نیازهای خود را از خارج تأمین کند؛ چرا که هزینه تهیه آن در داخل بیشتر است و با وارد کردن آنها، جامعه می تواند امکانات خود را در راه مفیدتری به کار گیرد. این کار با خودکفایی ناسازگار نیست؛ زیرا جامعه قدرت لازم برای تولید آن کالا را دارد، ولی فایده وارد کردن آن از کشور دیگر بیشتر است، جامعه ای خودکفاست که توانایی تأمین نیازمندی های خود را در سطح عالی رفاه داشته باشد. ممکن است کشوری به تولیدات داخلی بسنده کند، ولی وضعیت فقیرانه ای داشته باشد. در این حال، آن کشور خودکفا نیست. در خودکفایی، توان مندی و اقتدار نهفته است.

خودکفایی و اقتدار اقتصادی مستلزم توان مندی کمی و کیفی در تولید است؛ چرا که بسنده کردن به تولیدات اندک یا نامطلوب داخلی نمی تواند اقتدار ملی را به ارمغان آورد. از برخی آیات قرآن، لزوم اقتدار اقتصادی فهمیده می شود. قرآن تلاش برای رهایی از وابستگی ها، از جمله وابستگی اقتصادی را وظیفه همه مؤمنان می داند و در زمینه به کارگیری تمام توان برای دست یابی به اقتدار کامل، تأکید می کند: «وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ». (انفال: ۶)

خداوند درباره مؤمنان به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین می فرماید: «کَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْأَهُ فَآزَرَهُ فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَی عَلَی سُوقِهِ یُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِیَغِیظَ بِهِمُ الْکفَّارَ؛ مانند دانه ای است که شاخ و بال بیرون آورده و (این شاخه ها) او را تقویت کرده و در نتیجه، آن گیاه درشت شده، تا آنکه بر ساقه استوار گردیده، بدان گونه که کشاورز را به شگفتی واداشته است (خدا آنان را قوی کرده)، تا به وسیله آنان کافران را به خشم آورد». (فتح: ۲۹)

ص: ۸۶

مفاد این آیه، قدرت یافتن مسلمانان و رسیدن آنان به حدی از شکوه و عظمت است که دشمنان هرگز این جرئت را به خود ندهند که نسبت به جامعه اسلامی، تعرض کنند. بدیهی است، چنین اقتداری شامل اقتدار در امور سیاسی و اقتصادی و فرهنگی باشد.

در عصر حاضر، توان و اقتدار سیاسی، نظامی و فرهنگی تا حد زیادی، در پرتوی توان اقتصادی میسر است. بنابراین، تولید فکر و فن آوری، کالاها و خدمات، در مفهوم «اعداد قوه» نهفته است و نیل به عزت و اقتدار در سطح جهانی، از اهداف اساسی تولید و اشتغال و سرمایه گذاری ها در جامعه اسلامی به شمار می رود. بنابراین، در هدف گذاری فعالیت های اقتصادی، دست یابی به اقتدار اقتصادی و حفظ آن باید در اولویت باشد.

۷. رفاه عمومی

۷. رفاه عمومی

کار و تولید در بینش اقتصادی اسلام، تنها برای رفع نیازهای اولیه و ضروری بشر و فراهم ساختن سطح معمولی زندگی نیست، بلکه ایجاد رفاه نسبی و تأمین آسایش در زندگی هم ضرورت دارد؛ چون یکی از اهداف توسعه در اسلام، مسئله بهره مندی از نعمت های خداوند در این دنیاست که با سعادت انسان منافات ندارد و کسانی که از راه های مشروع، در پی فراهم آوردن اسباب رفاه خود و خانواده خویش برمی آیند، تشویق می شوند. خداوند نعمت های بی شماری را در اختیار انسان قرار داده است تا از آنها بهره گیرد. در استفاده از این نعمت ها، حدی که معیّن شده، دوری از اسراف و تبذیر و رعایت پرداخت حقوق متعلق به اموال و دارایی هاست.

خداوند می فرماید: «كُلُواْ وَاشْرَبُواْ وَلاَ تُسْرِفُواْ إِنَّهُ لاَ يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید. همانا خداوند مسرفان را دوست نمی دارد». (اعراف: ۳۱)

ص: ۸۷

خداونـد در جایی دیگر می فرمایـد: «وَلاَ تُبَذِّرْ تَبْذِیرًا إِنَّ الْمُبَذِّرِینَ کانُواْ إِخْوَانَ الشَّیَاطِینِ؛ اسـراف و ولخرجی مکن، چرا که اسـراف کنندگان برادران شیطان هایند». (اسراء: ۲۶ و ۲۷)

خداونـد با در اختیار قرار دادن این نعمت ها، درصـدد آسان تر کردن اسـتفاده از آنها نیز برآمـده و وسایل کاسـتن از رنج و زحمت بشـر را نیز فراهم آورده است. به همین جهت، بر انسـان منت می نهـد که برای شـما حیوانـات بـارکش را آفریـدیم تا برای حمل بار خویش از آنهـا اسـتفاده کنیـد: «وَالأَنْعَـامَ خَلَقَهَـا... وَلَکمْ فِیهَـا جَمَـالٌ... وَتَحْمِـلُ أَثْقَالَکمْ إِلَی بَلَـدٍ لَّمْ تَکونُواْ بَالِغِیهِ إِلاَّ بِشِقِّ الأَنفُسِ؛ و چارپایان را آفرید... در آنها برای شـما زیبایی است... و آنها بارهای سـنگین شـما را به شـهری می برند که جز با مشقت به آن نمی رسیدید». (نحل: ۵ ۷)

همچنین وسایـل رفـاهی دیگری را به انسـان نویـد می دهـد که بشـر از آنهـا در زمان نزول وحی چیزی نمی دانست. در این باره می فرمایـد: «وَیَخْلُقُ مَا لاَ تَعْلَمُونَ؛ و خداونـد چیزی را که نمی دانید، می آفریند.» (نحل: ۸) که شایـد به امکانات فراوانی اشاره دارد که انسان به موازات پیشرفت دانش، از آنها خبردار می شود و از آنها برای رفاه و آسایش بیشتر خود بهره می برد.

بدین سان، تأمین آسایش و رفاه بشر، خواست خداوند است و اگر بشر خود با رعایت موازین دینی، درصدد آسان تر کردن زندگی برآیـد، نه تنهـا نکوهش نشـده که از آن تمجیـد نیز شـده است، به ویژه اگر این کار با این قصـد همراه باشـد که با اسـتفاده بیشتر از نعمت های الهی، اسـباب شـکر بیشتر او را فراهم کند و فرصت بیشتری برای فرا گرفتن معارف الهی و رسیدگی به تهذیب خویش و تربیت دیگران و عبادت خدا پدید آورد.

در این صورت، رفاه مذموم نیست، بلکه تشویق شده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَی آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَیْهِم بَرَکاتٍ مِّنَ السَّمَاء

ص: ۸۸

وَالأَرْض؛ اگر اهل آبادی ها ایمان آورده و تقوا گزیده بودند، بر آنها برکت هایی را از آسمان و زمین می گشودیم». (اعراف: ۹۶)

خداوند در جایی دیگر می فرماید: «لَئِن شَکَرْتُمْ لأَزِیدَنَّکمْ؛ اگر شکر کنید، برای شما نعمت ها را زیادتر هم می کنیم». (ابراهیم: ۷)

امیر مؤمنان، علی(ع) نیز در وصف متقین می فرماید:

همانا متقین بهره دنیای نقد و آخرت آینده را بردند، با اهل دنیا در دنیایشان شریک شدند، ولی اهل دنیا در آخرت آنان شریک نگشتند. در دنیا به بهترین نوع مسکن گرفتند و به بهترین وجه خوردند. از دنیا به آن گونه که مترفین بهره مند می شوند، استفاده کردند و از آن، چیزی را که جابران متکبر برمی داشتند، برگرفتند، سپس از آن با توشه کافی و تجارت سودمند بیرون رفتند.(۱)

حضرت در برخی سفارش های خود به والیان و متصدیان حکومت، در زمینه تأمین رفاه و آسایش همه مردم تأکید کرده است. ایشان در این باره می فرماید:

مردم ناچاراً به حاکم و دولت نیاز دارند، خواه نیکوکار باشد یا تبه کار. تا مؤمن در پناه آن حاکم و حکومت او به راحتی به کار خود مشغول باشد و... به وسیله او اموال بیت المال جمع آوری گردد. به یاری او با دشمنان مبارزه شود. راه ها در امنیت باشند. حق ضعیفان از نیرومندان گرفته شود تا انسان نیکوکار در رفاه و از دست فاجر در آسایش باشد.(۲)

حضرت در این خطبه نتیجه مجموع اقدام های حاکم و دولت اسلامی را رفاه و آسایش مردم می شمارد، به گونه ای که باید هدف دولت از مجموع سیاست ها و برنامه ریزی ها، تأمین رفاه عمومی و آسایش همگانی باشد.

۱- نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

ص: ۸۹

حضرت در جایی دیگر، هنگامی که مالک اشتر را به مصر گسیل داشت، در نامه ای که به او می نویسد، ضمن اشاره به وظایف حاکم اسلامی، به او امر می کند که به گونه ای برنامه ریزی کند که همگان از امکانات مادی و رفاهی بهره مند شوند. حضرت در همین نامه بر رفاه و گشایش عمومی تأکید کرد و تصریح فرمود: «وَ فی الله لِکُلٍ سِعهٌ وَ لکلٍ علی الوالی حقٌّ بِقَدَرِ ما یُصْلِحُهُ؛ نزد خدای متعال برای تمام مردم، گشایش و رفاه قرار داده شده است و تمام مردم بر حاکم حق دارند، چندان که امور آنان را سامان دهد».(۱)

وقتی حضرت حاکم می شود و رهبری امت را بر عهده می گیرد، هدف حکومتش را در عرصه اقتصادی، بهره مندی همگان از امکانات اقتصادی ذکر می کند:

پروردگارا خود می دانی که من طالب حکومت و ریاست نیستم، بلکه از پذیرش آن هدفی جز اقامه حدود و اجرای احکام و اصلاح امور و بهره مندی بیشتر مردم از امکانات و پیروی راه پیامبر و هدایت گمراهان در سر ندارم.(۲)

در واقع، امام در این سخن افزون بر بیان اهداف فرهنگی و حقوقی خود، هدف اقتصادی اش را اصلاح امور و بهره مندی بیشتر مردم از امکانات معرفی می کند که تعبیر دیگری از تحقق سازی رفاه عمومی است. وقتی انسان در سیاست های مالی و اقتصادی حضرت تأمل می کند، به روشنی در می یابد که رفاه عمومی از مهم ترین اهداف اقتصادی ایشان بوده است. حتی به نتایج تلاش های خود در این زمینه هم اشاره دارد. حضرت وضعیت مردم کوفه آن روز را که در سایه سیاست های آن بزرگوار به رفاه عمومی نسبی دست یافته بود، چنین توصیف می کند:

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص۳۲۹.

۲- دانش نامه امام علی علیه السلام، ج۷، ص۸۶.

ص: ۹۰

همه مردم کوفه برخوردارند و در نعمت و رفاه به سر می برند، به طوری که پایین ترین مردم از خوراک خوب (نان گندم)، مسکن و سرپناه مناسب و آب گوارا استفاده می کنند.(۱)

علاوه بر این موارد، برای تأیید رفاه عمومی به عنوان هدف نظام اقتصادی روایات دیگری از ائمه علیهم السلام وارد شده است. برای نمونه، از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود:

پنج چیز است که هر کس یکی از آنها را نداشته باشد، همواره زندگی اش با کاستی مواجه بوده، خودش سرگشته و فکرش مشغول است: اول: تندرستی، دوم: امنیت، سوم: فراخی در روزی، چهارم: همدم سازگار و پنجم: رفاه و آسایش.(۲)

نکته مهم در این حدیث، ویژگی پنجم؛ یعنی رفاه و آسایش است که چهار ویژگی دیگر را به تنهایی در بر دارد. اگر جامعه ای یکی از چهار ویژگی را داشته باشد، مردم آن به رفاه و آسایش نمی رسند، بلکه زمانی صاحب رفاه و آسایش هستند که تمام آن چهار ویژگی را داشته باشند. به عبارت دیگر، آن چهار ویژگی مقدمه ای برای دست یابی به ویژگی پنجم است. بنابراین، یکی از مهم ترین اهداف نظام اقتصادی اسلام، رفاه و آسایش عمومی است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روایتی، رفاه و آسایش را وظیفه مهم حکومت برمی شمارد و می فرماید: «هر حاکمی که مسئول امور مسلمانان باشد، اما بی شائبه در جهت رفاه و بهره وری آنان نکوشد، با آنان وارد بهشت نخواهد شد».(۳)

در حکومت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف که حکومت مطلوب همه معصومان علیهم السلام است و از همه نظر، از جمله اقتصادی به بلوغ کامل خواهد رسید، یکی از

۱- بحارالانوار، ج ۴۰، ص۳۲۷.

۲- میزان الحکمه، ج۳، ص۲۲۱۷.

۳- سعید فراهانی، نقش دولت در اقتصاد، ص۱۶۵، به نقل از: صحیح مسلم، ج ۱۰، ص۱۲۶.

ص: ۹۱

ویژگی ها رفاه و آسایش عمومی است که به صورت هدف اقتصادی مطرح شده و با برنامه ریزی های حکومت حضرت و با لطف و عنایت خدای متعال به اوج خود می رسد که این امر می تواند تأیید روشن دیگری بر این باشد که رفاه و آسایش از اهداف مهم نظام اقتصاد اسلامی است. حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف با روش عادلانه و تدابیری که در پیش می گیرد، همه گنج های زمین و امکانات مادی و اقتصادی آن را در اختیار خواهد داشت تا در جهت رفاه و آسایش عمومی از آنها بهره گیرد. در روایتی از پیامبر نقل شده است: «امت من در زمان مهدی، از چنان نعمتی برخوردار شوند که مانند آن را هرگز برخوردار نشده باشند...».(۱)

رفاه اقتصادی به صورت هدف نظام اقتصادی اسلام، به گونه ای در رفتار و سیره اهل بیت علیهم السلام نمود داشت که برخی به همین سبب از دولت امام علی(ع) با عنوان دولت رفاه یاد می کنند.(۲) برخی محققان اقتصادی گفته اند: «مدارک دال بر وظیفه دولت اسلامی، در ایجاد رفاه عمومی در قرآن و سنت و نوشته های دانشمندان مسلمان چنان فراوان است که اگر دولت اسلامی را دولت رفاه ننامیم، کاملاً از انصاف به دور افتاده ایم».(۳)

گفتنی است، رفاه در الگوی توسعه اسلامی، ویژگی های خاصی دارد که با رفاه مورد نظر دیگر نظام های اجتماعی و اقتصادی، بسیار متفاوت است. برخی ویژگی های رفاه اسلامی، به این شرح است:

الف) مشروعیت: رفاه و آسایش مردم باید از راه های مشروع تحقق یابد و موجب ارتکاب حرام یا تضییع حقوق دیگران نشود.

۱- علی کورانی، عصر ظهور، ص۳۶۴.

۲- محمدتقی حکیم آبادی، دانش نامه امام علی علیه السلام، مقاله «دولت و سیاست های اقتصادی»، ص۳۳۹.

۳- محمدجواد مهدوی، مطالعاتی در اقتصاد اسلامی، خورشید احمد، ص۲۰۱.

ص: ۹۲

ب) همگـانی بودن: بایـد عموم مسـلمانان و افرادی که در کشور اسـلامی زنـدگی می کننـد، از رفاه برخوردار شونـد. حتی در نظام اسـلامی به حقوق اقلیت هـا نیز توجه شـده است. حضـرت علی(ع) از بی توجهی به مرد بی کـار و فرتوت مسـیحی، نـاراحت شـد و فرمان داد نیازهای وی را از بیت المال برآورده سازند».(۱)

ج) رعایت حدود الهی: رفاه در توسعه اسلامی به عدم اسراف و تبذیر محدود است. آنچه امروزه در بسیاری از کشورها رفاه خوانده می شود، از نظر مورد مصرفی و مقـدار آن، نوعی اسـراف است. ترویج فرهنگ مصـرف کالاهای لوکس، برای افزایش تقاضا برای فرآورده هـای کارخـانه ها، به معنای از بین بردن منابع اولیه متعلق به نسل های آینـده و آلوده ساختن محیط زیست است که همه از مصادیق بارز اسراف به شمار می آیند.

د) پرهیز از غفلـت و دنیـازدگی: تـأمین وسایـل آسـایش انسـان در این دنیـا، در راسـتای تحقـق هـدف والای وی، یعنی نزدیکی به خداست. بنابراین، اسـتفاده از این نعمت ها باید به فزونی شـکر انسان و تربیت و تهذیب وی بینجامد، نه غفلت و سرکشی. به عبارت دیگر، در توسـعه اسـلامی، رفـاه مطلوب است، نه اسـراف. از آنجـا که به طور معمول ثروت زیاد به غفلت از یاد خـدا می انجامـد و آثاری چون طغیان و گناه را در پی می آورد، رهبران الهی پیروان خود را به داشتن حد کفاف از نعمت ها و خواستن آن از خداوند سفارش کرده اند.

۸. حفظ حاکمیت سیاسی اسلام

۸. حفظ حاکمیت سیاسی اسلام

حفظ حاکمیت سیاسـی اسـلام در قبال کشورها و حاکمیت های غیر اسـلامی، اصل مهمی در آموزه های اسـلامی است. از آنجا که کشورها، به هم پیوسته اند و نیازهای خود را از طریق روابط با یکدیگر تأمین می کنند، نمی توان انتظار

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص ۴۹، باب ۱۹، ح ۱.

ص: ۹۳

داشت روابط جامعه اسلامی با بیگانگان قطع باشد. این کار به زیان مسلمانان تمام می شود و آنها از منافع معاملات و مراودات علمی و فرهنگی محروم می شوند و تبادل افکار که در سطوح مختلف، سبب پویایی علمی، فرهنگی ... می شود، صورت نمی گیرد. ازاین رو، نمی توان دنیای اسلام را تافته جدا بافته یا مجموعه منحصری در محدوده جغرافیایی خاص قرار داد، بلکه باید در ارتباط با دنیای خارج، حفظ حاکمیت سیاسی اسلام به شدت لحاظ شود. این مسئله در ارتباط های اقتصادی نمود خاصی دارد؛ زیرا در روابط خارجی، مناسبات اقتصادی و سیاسی بسیار به هم پیوسته اند و وابستگی اقتصادی، به وابستگی سیاسی و فرهنگی می انجامد. در اینجا حاکمیت سیاسی اسلام با خطر مواجه می شود. هم اکنون نیز وابستگی سیاسی بسیاری از کشورهای جهان سوم، بر اثر وابستگی اقتصادی آنهاست. به این سبب، در اهداف اقتصادی اسلام، حفظ حاکمیت سیاسی در رأس اهداف قرار دارد؛ یعنی این گزینه مکمل دیگر اهداف است و مواردی مانند رفاه عمومی، توسعه و رشد، رفع فقر و نابرابری و... از جهت اولویت، در رده های بعد از حفظ حاکمیت سیاسی قرار می گیرند. یعنی در صورتی آن اهداف باید تعقیب شوند که در نهایت، به حاکمیت سیاسی اسلام لطمه وارد نشود. برای نمونه، وقتی نتیجه کار و تولید، به رفاه عمومی یا رفع فقر در جامعه اسلامی منجر شود، اما حاکمیت سیاسی از بین برود، نمی شود آن را جزو اهداف اقتصادی اسلام دانست، بلکه برعکس این کار به ضد ارزش تبدیل می شود.

بنابراین، رفاه، رشد و توسعه باید با رعایت ارزش های اخلاقی، عدالت اجتماعی و حفظ حاکمیت سیاسی اسلام به وجود آید، نه اینکه به قیمت از دست رفتن این اهداف عالی، فقر از میان برود یا رفاه عمومی تأمین شود. این هدف از اهمیت والایی برخوردار است، به گونه ای که در صورت

ص: ۹۴

ضرورت، حتی باید عدالت اجتماعی را فدای آن کرد تا مسلمانان زیر سلطه بیگانگان نروند؛ زیرا با از بین رفتن حاکمیت سیاسی اسلام، هیچ یک از اهداف دیگر، آنچنان که شایسته است، تحقق نخواهد یافت، ولی با بقای حاکمیت سیاسی زمینه تحقق دیگر اهداف فراهم می شود.

در تاریخ اسلام شواهد زیادی یافت می شود که بر این دلالت دارد که با وجود مشقت و رنج باید از کیان عقاید و حاکمیت سیاسی و ارزش های دینی دفاع کرد و جلوی زیان به اساس نظام اسلامی گرفته شود. سه سال محاصره اقتصادی و انزوای اجتماعی پیامبر و مسلمانان در شعب ابی طالب که رنج های فراوانی برای آنها داشت، نشانه تحمل سختی ها، رنج ها، گرسنگی ها و ناملایمات برای حفظ و دفاع از اسلام و تسلیم نشدن در برابر عقاید سخیف و باطل است.

در روایتی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است: «الاسلامُ یعلوا و لا یُعلی عَلیهِ؛ اسلام برتر است و چیزی بر آن برتری ندارد.»(۱) بنابراین، در مناسبات سیاسی نیز باید برتری اسلام و مسلمانان مراعات شود. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَأَعِدُّواْ لَهُم مَّا اسْتَطَعْتُم مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدْوَّ اللّهِ وَعَدُوَّكُمْ؛ برای مقابله با دشمنان تا آنجا که می توانید نیرو و اسب های بسته و آماده فراهم کنید تا به این وسیله دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.» (انفال: ۶۰) یا «وَلَن يَجْعَلَ اللّهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً؛ خداوند برای کافران بر مؤمنان راه تسلطی قرار نداده است». (نساء: ۱۴۱)

مجموعه این قبیل از رهنمودها بیانگر این حقیقت است که باید در تمامی فعالیت ها، از جمله در فعالیت های اقتصادی، به گونه ای عمل شود که این تلاش ها به حاکمیت سیاسی و سلامت نظام اسلامی آسیبی نرسانند و نتیجه اصلی و کلی آنها سب تقویت و حفظ آن شود.

۱- علامه حلی، تذکره الفقها، ج ۱، ص ۴۴۶.

ص: ۹۵

۹. توسعه و رشد اقتصاد

اشاره

۹. توسعه و رشد اقتصاد

یکی از اهداف اقتصاد اسلامی، ایجاد توسعه و رشد است. رشد اقتصادی، بر افزایش تولید یا

دلالت دارد. اگر تولید کالاها یا خدمات، به هر وسیله ممکن در کشوری افزایش پیدا کند، می توان گفت در آن کشور، رشد اقتصادی اتفاق افتاده است. رشد اقتصادی، به تعبیر ساده عبارت از افزایش تولید کشوری، در یک سال خاص، در مقایسه با مقدار آن در

است.

موقعی که در جامعه ای، روز به روز کمبودها، یکی پس از دیگری برطرف شود و به همان مقدار که بر جمعیت جامعه افزوده می شود، امکانات وسایل رفاهی آنها هم در حد متناسب، افزایش یابد، چنین جامعه ای رشدیافته تلقی می شود.

از نظر اسلام، رشد بر اساس عدل و قسط است که عوامل تولیدی آن، بر اساس عدالت اجتماعی و ضوابط انسانی به وجود آمده باشد. رشد و توسعه اقتصادی دو هدف اصلی دارد:

۱. افزایش ثروت و رفاه مردم جامعه و ریشه کنی فقر.

۲. ایجاد اشتغال.

برای دسترسی به این دو هدف، چاره ای جز زمینه سازی برای رشد و توسعه مداوم اقتصادی نیست. همچنین قدرت اقتصادی و اقتدار مالی حکومت اسلامی، نیازمند از بین بردن فاصله اقتصادی بین کشورهای اسلامی و دیگر کشورهاست که این امر به نوبه خود، آهنگ سریعی از رشد اقتصادی را می طلبد. بنابراین، هنگامی که اسلام عدالت اقتصادی مشتمل بر رفاه عمومی و قدرت اقتصادی حکومت اسلامی را هدف نظام اقتصادی خود معرفی می کند، بدون شک، رشد اقتصادی را برای رسیدن به سطح لازم توان اقتصادی که تحقق بخش این اهداف باشد، مطلوب می شمارد.

ص: ۹۶

بر این اساس، گاهی آموزه های اسلامی مستقیماً به عمران و آبادانی و گاهی غیر مستقیم به لوازم و پی آمدهای آن دستور می دهد تا جامعه اسلامی از رشد مستمر اقتصادی برخوردار باشد.

برای نمونه، خداوند متعال در آیاتی، آبادانی زمین را وظیفه و تکلیفی برای انسان ها توصیف می کند و می فرماید: «هُوَ أَنشَأَكم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكمْ فِيهَا؛ خداوند شما را از خاک آفرید و برای آباد ساختن زمین برگماشت». (هود: ۶۱)

بر اساس این مسئولیت، رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از تشکیل حکومت اسلامی، به روش های گوناگون، همچون تشکیل کاروان های تجارتی برای مسلمانان، تشویق مهاجر و انصار به انجام فعالیت های کشاورزی و دام داری و تقسیم زمین میان مسلمانان مدینه، برای ساختن خانه، بازار و حمام، زمینه رشد و توسعه اقتصادی جامعه اسلامی را فراهم می آورد که نتیجه آن را در تغییر وضعیت اقتصادی جزیره العرب مشاهده می کنیم. به گونه ای که این منطقه افزون بر رشد در عرصه های تجارت و بازرگانی، از نظر کشاورزی تا آنجا پیش می رود که مدینه مرکز مهم تولیدات کشاورزی می شود. این کار با تشویق مردم و کار و کوشش و آبادسازی زمین ها و شهرها و تعطیل نشدن اراضی، ممکن شد.

در روایتی از نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «مَنْ كانَ لَهُ ارضٌ فَيزرعُها وَ الاّ فليؤدَها اخاهُ و لا يؤاجِرُها اياهُ؛ هر کس زمینی دارد، آن را بکارد، وگرنه به برادرش بدهد و از او اجاره نگیرد».(۱)

۱- کنزالعمال، ج۱۵، ش۴۲۰۵۳.

ص: ۹۷

این روایت نشانه یکی از سیاست های اقتصادی پیامبر است؛ زیرا اجاره دادن زمین بر اساس احکام اسلامی، مشروع و مجاز است، اما با توجه به موقعیت خاص مدینه، آن حضرت با این کار زمینه را برای رشد و تولید فراهم می کند.

پیرو همین تعالیم است که امیر مؤمنان، علی(ع) در نامه معروف خود به مالک اشتر، یکی از وظایف استانداران را عمران و آبادسازی شهرها معرفی می کند و می فرماید:

جِبایهُ خِراجِها، وَ جَهادُ عَدُّوِها وَ اِسْتِصلاحُ اَهْلِها وَ عِمارَهُ بِلادِها.(۱)

وظایف استاندار عبارت است از جمع آوری مالیات آن منطقه و مبارزه با دشمن و به صلاح آوردن اهل آن و آباد کردن شهرهای آن.

حضرت بی توجهی به عمران و آبادانی را عامل خرابی شهرها، نابودی انسان ها و زوال دولت ها می داند و به او چنین سفارش می کند:

وَ لیکنْ نظرُکَ فِی عماره الارضِ اَبلغُ مِنْ نظرِکَ فِی استجلاب الخراجِ. لِاَنَّ ذلکَ لایُدرَکُ اِلّا بالعمارهِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخراجَ بِغَیرِ عِمارهٍ اَخْرَبَ البلادَ وَ اهلکَ العبادَ وَ لَمْ یستقمْ اَمرُهُ الاَّ قَلیلاً.(۲)

ای مالک! باید کوشش تو در آبادی زمین، بیش از کوشش تو در جمع آوری خراج باشد؛ زیرا خراج جز با آبادانی به دست نمی آید و کسی که بخواهد مالیات را بدون عمران و آبادانی مطالبه کند، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود و حکومتش فقط مدت کمی دوام خواهد داشت.

۱- نهج البلاغه، ص۴۲۷.

۲- نهج البلاغه، ص۴۳۶.

ص: ۹۸

تشویق به کوشش و به دست آوردن روزی را می توان نشانه دیگری بر پذیرش اندیشه رشد اقتصادی از سوی اسلام دانست. در روایتی از امام کاظم(ع) نقل شده است: «اِعْمَلْ لِدُنیاکَ کانّک تَعِیشُ اَبداً؛ برای دنیایت آن چنان کار کن که گویا تا ابد زنده هستی».(۱)

اسلام به کار انداختن سرمایه و پرهیز از کنار گذاشتن پول را گامی دیگر برای رشد و توسعه اقتصادی دانسته و بدان سفارش کرده است. امام صادق(ع) می فرماید: «مَا یَخلفُ الرجلُ بَعدَهُ شَیئاً اَشدُّ عَلیهِ مِنْ الْمالِ الصامِتِ؛ سخت ترین و بدترین چیزی که شخص بعد از خود به جای می گذارد، مال راکد است.» راوی سؤال می کند: پس با آن چه کار کند؟ امام می فرماید: «آن را در ساختن بنایی، بستانی یا خانه ای (در راه آبادسازی) سرمایه گذاری کند».(۲)

در راستای همین تدبیرها و تشویق ها بود که اقتصاد جوامع اسلام، به رشد و توسعه بی نظیری دست یافت که حتی ضعیف ترین کشورهای اسلامی (واقع در مناطق افریقایی) با مازاد زکات مواجه می شدند و آن را به مرکز حکومت اسلامی می فرستادند.(۳)

عوامل رشد اقتصادی

عوامل رشد اقتصادی

مکاتب اقتصادی دنیا، برخی امور را عوامل رشد اقتصادی برشمرده اند که در این میان، سرمایه، کار و تلاش، انضباط و وجدان کاری، در رشد اقتصادی نقش بیشتری دارند. البته وجود منابع مادی، پول، ثروت، سهولت در دسترسی به تسهیلات بانکی، از دیگر عوامل رشد اقتصادی است. داشتن آب مناسب و کافی، زمین خوب و مرغوب نیز در تولید و بهره وری نقش دارند.

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۴۹، باب ۲۸، ح۲.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۴۴.

۳- دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، ص۲۰۸.

ص: ۹۹

دانش نیز یکی دیگر از این عوامل است. امروزه دانش، اصلی ترین سرمایه در اقتصاد تلقی می شود. رشد اقتصادی، رشد دانش را در پی دارد و دانش هم منشأ فن آوری، نوآوری و کارآفرینی است. در نتیجه، اقتصاد مبتنی بر دانایی سبب تولید و بهره وری بیشتر می شود.

امنیت و آرامش از دیگر عوامل رشد اقتصادی است و تأثیر امنیت و آرامش در توسعه و رشد اقتصادی، بر کسی پوشیده نیست؛ زیرا بدون امنیت نیروی کار، هرگز به تلاش بر نمی خیزد و سرمایه گذار هم سرمایه اش را در جایی سرمایه گذاری نمی کند که امنیت کافی ندارد.

در اقتصاد اسلامی، ضمن اینکه به همه این عوامل رشد اقتصادی توجه شده است، از عامل مهم دیگری که عبارت از معنویت است، غفلت نشده است. در نگرش اسلامی، اقتصاد با معنویت ارتباط تنگاتنگ و استواری دارد. ازاین رو، اقتصاد اسلامی هویتی خاص، و تفاوت محسوسی با شیوه ها و روش های مکاتب اقتصادی دیگر دارد. در اقتصاد اسلامی، عوامل مادی رشد اقتصادی با عوامل معنوی در هم آمیخته شده است.

خداوند در قرآن، آب را مایه حیات همه موجودات می داند: «وجعلنا من الماء کل شی»، وآن را از عوامل مهم دست یابی به رشد و شکوفایی اقتصادی برمی شمارد. در کنار این عوامل مادی نیز مسئله توبه و استغفار و بازگشت به خدا را زمینه ساز افزایش بارندگی و دست یابی به آب کافی و مناسب می داند.

حضرت نوح(ع) به قوم خود گفت: «اسْتَغْفِرُوا رَبَّکُمْ إِنَّهُ کَانَ غَفَّارًا، یرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَیکُمْ مِدْرَارًا؛ از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی بر شما بفرستد». (هود: ۵۲)

ص: ۱۰۰

از این آیات و آیات دیگر قرآن به روشنی فهمیده می شود که میان استغفار و افزایش بارندگی و فراوانی آب و شکوفایی و رشد اقتصادی رابطه خاصی وجود دارد.

همچنین قرآن داشتن زمین مناسب و مرغوب را عامل مهم رشد اقتصادی می داند. خداوند در سوره سبأ، آیه ۱۵، ضمن اشاره به رشد اقتصادی قوم سبأ، زمین را عامل اصلی شکوفایی اقتصاد آنان برمی شمارد و در کنار این امر به عامل معنوی «شکر»، اشاره می کند. شکرگزاری و قدردانی از نعمت های الهی سبب شد که آنان از زمین مناسب برخوردار شوند. در نتیجه، شاهد رشد و شکوفایی اقتصاد جامعه خود باشند.

خداوند از عوامل معنوی متعدد دیگر، در حوزه رشد اقتصادی و شکوفایی آن سخن به میان آورده است که یکی از آنها ایمان و تقواست. خدا در قرآن می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَی آمَنُوا وَاتَّقَوا لَفَتَحْنَا عَلَیهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّماءِ وَالْأَرْضِ وَلكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُمْ بِمَا كَانُوا يكْسِبُونَ؛ اگر اهل شهر ها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا پیشه می کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می گشودیم، ولی آنها حق را تکذیب کردند و ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم». (اعراف: ۹۶)

در این آیه شریفه، ایمان و تقوا، کلید برکات آسمانی و عامل مهم رشد اقتصادی دانسته شده است؛ یعنی اگر جامعه ای به خدا ایمان بیاورد و تقواپیشه، و به قوانین و تعالیم وحیانی عمل کند، حتماً به رشد و شکوفایی اقتصادی دست می یابد.

تقوا در همه حوزه ها اثرگذار است، خداوند در سوره طلاق، آیه ۳، تقوا را عامل مهم برای رهایی از بحران های اقتصادی و سبب جلب روزی می داند: «وَمَن يتَّقِ اللَّهَ يجْعَل لَهُ مَخْرَجاً، وَيرْزُقْهُ مِنْ حَيثُ لاَ يحْتَسِبُ.» این آیه

ص: ۱۰۱

شریفه، از امیدبخش ترین آیات قرآن است که ناامیدی را از بین می برد و نور حیات بخش امید را در قلب ها می تاباند و به تمام افراد پرهیزکار، وعده نجات و حل مشکلات را می دهد.

در حدیثی، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: من آیه ای را می شناسم که اگر تمام انسان ها دست به دامن آن زنند، برای حل مشکلات آنها کافی است. سپس این آیه را تلاوت کرد. بنابراین، تقوا و ایمان توأم با تلاش، سبب رشد و شکوفایی اقتصاد جامعه می شود.

ص: ۱۰۲

ص: ۱۰۳

فصل سوم: بسترهای تولید ، کار و سرمایه

اشاره

فصل سوم: بسترهای تولید ، کار و سرمایه

در بستر و عرصه های اقتصادی، کار و رشد سرمایه و تولید، رونق می یابد. این بسترها در هر کشوری با توجه به شرایط و امکانات طبیعی و پیشرفت های علمی و صنعتی، فرق می کند. در آموزه های دینی، به بعضی بسترها بیشتر توجه و تأکید شده است که برخی از آنها عبارتند از: کشاورزی، دام داری، باغ داری، صنعت، تجارت و بازرگانی و... .

گفتنی است در هر جامعه ای با توجه به شرایط و امکانات، بعضی از بسترها در اولویت قرار می گیرند. با توجه به امکانات جامعه اسلامی و اهمیت و اولویت عرصه های اقتصادی در عصر حاضر و تأکیدات اولیای الهی، می توان از عرصه های زیر به عنوان بسترهای رونق کار، سرمایه و تولید یاد کرد:

۱. کشاورزی

اشاره

۱. کشاورزی

کشاورزی، کهن ترین فعالیت تولیدی و مهم ترین فعالیت اقتصادی در همه کشورهای جهان، در طول تاریخ است. امروزه بخش کشاورزی در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، بخش غالب اقتصاد ملی به شمار می رود، به

ص: ۱۰۴

گونه ای که رشـد و توسـعه اقتصـادی این کشورهـا، با توسـعه کلی بخش کشاورزی ارتباط بسـیار تنگاتنگی دارد. به عبارتی دیگر، توسعه کشاورزی در چارچوب توسعه ملی کشور بررسی می شود.

به طور کلی، از دیدگاه توسـعه اقتصادی، نقش کشاورزی به دلیل کمک آن به پیشبرد جریان رشد و توسـعه، نمایان تر است. بخش کشاورزی در جریان رشـد و توسـعه و توسعه اقتصادی، چنـد وظیفه مهم و اساسـی بر عهـده دارد که از آن جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

یکی از مشکلات اساسی بشر، در جهان امروز، تأمین نیازهای غذایی است، به گونه ای که امنیت غذایی، یکی از اهداف مهم دولت هاست. بدون شک، برای رسیدن به امنیت غذایی، علاوه بر اتخاذ سیاست های مطلوب و برخورداری از منابع کافی، باید تولیدات

به گونه ای باشد که همه نیازهای جامعه را برآورده کند.

تـأمین ارز خـارجی برای وارد کردن کالاهـای سـرمایه ای، از راه افزایش صـادرات، عرضه مواد خـام مورد نیـاز صـنعت و کمک به توسـعه فعالیت های تولیدی از دیگر مواردی است که توسـعه کشاورزی نقشی به سزا در آنها دارد. افزون بر این، توسعه کشاورزی، سبب افزایش تولیدات کشاورزی و دامی و شـیلات و جنگل داری می شود و افزایش تولید این اقلام، ضـمن ایجاد اشـتغال و کمک به رشد اقتصادی، به امنیت غذایی و بهبود تغذیه در جامعه کمک می کند.

صـدور محصولـات کشـاورزی، برای به دست آوردن ارز خارجی، در مقایسه با صـدور مواد خام معـدنی و زیرزمینی، با مشـکلات بیشتری همراه است، ولی با صرفه تر است؛ زیرا اولاً، محصولات کشاورزی جزو منابع تجدیدشونده است.

ص: ۱۰۵

ازاین رو، منبعی دائمی و تمام ناشدنی برای تأمین ارز به شمار می رود. ثانیاً، تولید و صدور محصولات کشاورزی، جنبه اشتغال زایی دارد و توسعه فعالیت های مربوط به تولید و صدور این محصولات، سبب رشد و شکوفایی بیشتر در اقتصاد ملی می شود. از سوی دیگر، توسعه بخش کشاورزی، به دلیل ماهیت فعالیت ها در این بخش، اساساً به ارز خارجی کمتری نیاز دارد. همچنین بخش کشاورزی از راه تولید مواد غذایی مورد نیاز برای مصرف داخلی، در حقیقت از دامنه نیاز به ارز خارجی برای واردات مواد غذایی می کاهد.

بخش کشاورزی، از یک سو، برخی از نهاده های مورد استفاده خود، مانند ماشین های کشاورزی، کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات را از بخش صنعت تأمین و برای برخی تولیدات صنعتی، تقاضا ایجاد می کند و از سوی دیگر، سبب تأمین بسیاری از مواد خام و مواد واسطه ای مورد نیاز در رشته های مختلف صنایع می شود.

بر این اساس، توسعه اصولی بخش کشاورزی، از طریق این ارتباط ها، به تکمیل زنجیره های تولید و رونق فعالیت های تولیدی، مرتبط با کشاورزی در اقتصاد ملی کمک خواهد کرد.

فعالیت های مختلف بخش کشاورزی بر روی محیط زیست، آثار مثبتی بر جا می گذارد، به گونه ای که اگر از مصرف بی رویه کودها و سموم شیمیایی دوری شود، فعالیت های زراعی، جنگل داری و مرتع داری می توانند در بهبود وضع محیط زیست و کاهش آلودگی های ایجاد شده در آن نقش بسیار اثرگذاری داشته باشند.

بدون تردید، توسعه بخش کشاورزی با همه ویژگی ها و پیچیدگی های آن، فرآیندی نیست که در کوتاه مدت و بدون تدوین و اجرای برنامه های

ص: ۱۰۶

اصولی و صحیح محقق شود. البته این مهم در مورد توسعه دیگر بخش های اقتصادی نیز صادق است.

توسعه کشاورزی، از ایجاد تغییرات در بخش کشاورزی حکایت دارد و ایجاد این تغییرات، مستلزم به وجود آوردن شرایطی مناسب برای وقوع آن است تا در نتیجه آن، فرصت های مناسب در اختیار کشاورزان قرار گیرد که ایجاد تعدیلاتی درساخت های اقتصادی و اجتماعی جامعه، پی افکندن زیر بناهای فیزیکی مناسب، به وجود آوردن و راه اندازی زیربناهای اجتماعی لازم برای تقویت کشاورزی و تعیین قیمت های مناسب برای محصولات کشاورزی، از جمله این شرایط است.

اهمیت کشاورزی در اسلام

اهمیت کشاورزی در اسلام

از دیر باز، یکی از پسندیده ترین کارها در میان تمام ملل و ادیان، کشاورزی و دام داری بوده است. چنانچه تمام ادیان الهی، کشاورزی را حرفه ای مقدس دانسته و پیشوایان مذهبی در هر عصری، افزون بر آنکه خود با کمال علاقه مندی به کار کشاورزی اشتغال داشته اند، مردم را نیز به این کار فرا می خواندند. آباد کردن زمین، خواست خداوند بزرگ است و بهره برداری از منابع و ذخایر آن، به شکل های مختلف میسر است. یکی از بهترین راه هایی که در روایات اسلامی نیز تشویق شده، بهره برداری از آن به صورت کشاورزی است.

دین مبین اسلام، به کشاورزی عنایت ویژه ای دارد و پیشوایان دین با عمل خود، مردم را به این حرفه هدایت و تشویق کردند. قرآن کریم با لحن تشویق آمیزی، از موضوع کشت سخن به میان آورده و منافع آن را اعم از منافع غذایی و پوششی، برشمرده است. در سوره هود، با اشاره به آفرینش زمین و نعمت های فراوانی که خداوند متعال در اختیار انسان قرار داده است، انسان ها را

ص: ۱۰۷

به آباد کردن زمین فرمان می دهـد و می فرمایـد: «هُوَ أَنْشَأَکمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَکمْ فیها؛ اوست که شـما را از زمین پدید آورد و خواست که آبادانش دارید». (هود: ۶۱)

حضـرت علی(ع) در تفسـیر این آیه شـریفه می فرماید: «فَأَعْلَمَنَا سُبْحَانَهُ أَنَّهُ قَدْ أَمَرَهُمْ بِالْعِمَارَهِ لِیَکونَ ذَلِک سَبَباً لِمَعَایِشِهِمْ بِمَا یَخْرُجُ مِنَ الْأَرْضِ مِنَ الْحَبِّ وَ الثَّمَرَاتِ وَ مَا شَاکلَ ذَلِک مِمَّا جَعَلَهُ اللَّهُ مَعَایِشَ لِلْخَلْقِ؛ خداونـد سـبحان اعلام کرد، مردم را به آبادانی امر کرده است تا این مطلب سبب گذران زندگی شان شود. به این نحو که از زمین، دانه ها و ثمره ها و نظیر آنها، از اموری که خداوند برای مَمَر زندگی قرار داده است، بروید».(۱)

نقل می کنند پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله در هر نقطه ای که قوای اسـلامی را متمرکز می ساخت، نخست به حفر چاه دستور می داد و آنان را از سال های اول هجرت، تشویق به کشاورزی و باغ داری و حفر قنوات می کرد و آنان نیز با تلاش به این امور اشتغال می ورزیدند و بر اثر آن، اراضی بدون مصرف بسیاری، آباد شد.

پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله به کشـاورزی و درخت کـاری به گـونه ای اهمیت می داد که به پیروان خـود می فرمود: «انْ قـامَتْ الساعهُ وَ فِی یدِ احدِکمْ الفَسِیلهَ فَإنْ اسْتَطاعَ اَنْ لاتَقومُ السَّاعَهُ حَتّی یَغْرِسَها فَلْیَغْرِسها؛ اگر هنگام انقراض عالم و به هم ریختن منظومه شمسـی برسـد، یکی از شـما نهـال درختـی در دست داریـد. چنـانچه به انـدازه کاشـتن آن فرصت باشـد، آن را بکاریـد»، یعنی فکر انقراض عالم و به پایان رسیدن جهان، شما را از این عمل شریف باز ندارد.(۲)

امام علی(ع) درباره ترویج و توسـعه کشاورزی، بسـیار می کوشـید. افزون بر اینکه حضـرت کشاورزی نمونه بود، در برنامه دولتش، کشاورزی در

۱- وسائل الشیعه، ج۱۹، ص۳۵.
۲- مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص۴۶؛ الحیاه، ج۵، ص۵۰۷.

ص: ۱۰۸

اولویت قرار داشت و به استانداران و فرمانداران خود دستور داده بود که همیشه از حال کشاورزان و خراج گزاران باخبر باشند.

در فرمان آن حضرت به مالک اشتر آمده است:

باید کوشش تو در آبادی زمین، بیش از کوشش در جمع آوری خراج (مالیات) باشد؛ زیرا خراج جز با آبادانی به دست نمی آید و آن کس که بخواهد مالیات را بدون عمران و آبادانی مطالبه کند، شهرها را خراب، و بندگان خدا را نابود می سازد و حکومتش بیش از مدت کمی دوام نخواهد داشت. اگر کشاورزان از سنگینی مالیات یا رسیدن آفات یا خشک شدن آب قنات ها یا کمی باران یا دگرگونی زمین بر اثر آب گرفتن و فساد بذرها یا تشنگی بسیار برای زراعت و فاسد شدن آن به تو شکایت آورند، مالیات را به مقداری که حال آنها بهبود پذیرد، تخفیف ده و هرگز این تخفیف بر تو گران نیاید؛ زیرا ذخیره و گنجینه ای است که آنها بالاخره آن را در عمران و آبادی کشورت به کار می بندند و این کار موجب عمران سرزمین های تو و زینت حکومت و ریاست تو خواهد بود.(۱)

اگر به آموزه های اسلامی توجه و از آنها پیروی شود، زمین ها آباد می شود و همگان از سفره گسترده ای که خداوند در روی زمین گسترده است، بهره مند می شوند و هیچ فقیر و گرسنه ای در جامعه نمی ماند؛ زیرا با وجود آب و خاک، معنی ندارد انسانی گرسنه بماند. امیر مؤمنان، علی(ع) پیوسته می فرمود: «مَنْ وَجَد ماءً وَ تُراباً ثُمَّ افتقرَ فَاَبْعَدَهُ اللّهُ؛ هر کس آب و خاک در اختیار دارد و نیروی خود را برای بهره برداری به کار نمی بندد و با فقر و گدایی، روزگار خود

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳: «وَ لَیکُنْ نَظَرُکَ فِی عمارهِ الأرض اَبلغُ مِنْ نَظرِکَ فِی اِسْتِجلابِ الخَراجِ, لِاَّن ذلک لایُدرَکُ اِلّا بالعِمارهَ وَ مَنْ طَلَبَ الخراج بغیر عمارهِ اَخْرَبَ البِلادَ وَ اَهلکَ العِبادَ وَ لَمْ یَسْتقیمْ اَمرُهُ الّا قلیلاً فَاِنْ شَکُوا ثقلاً او عِلّهً او اِنقطاعَ شربَ او بالَّهٍ او احالهَ ارضٍ اغتمرها غَرَقٌ او اجَحْفَ بِها عَطشٌ خَفَفتُ عنهُم بِما تَرجُوانَ یُصلِحَ بِه امرُهُمْ».

ص: ۱۰۹

را می گذراند، نفرین و لعنت خدا بر او باد.»(۱) امام صادق(ع) نیز درباره اهمیت زراعت می فرماید: «اَلْکیمِیَاءُ الْأَکبَرُ الزِّرَاعَهُ؛ کشاورزی، بزرگ ترین کیمیاست.»(۲) باز آن حضرت در جای دیگری می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَحَبَّ لِأَنْبِیَائِهِ: مِنَ الْأَعْمَالِ الْحَرْثَ وَ الرَّعْیَ؛ خداوند عزوجل از میان کارها و حرفه، کشاورزی و چوپانی را برای انبیای خود دوست دارد».(۳)

آیین اسلام، کشاورزی را مقدس ترین حرفه ها و کشاورز را شریف ترین انسان ها و درآمد او را بهترین اموال می داند، مشروط بر اینکه هنگام برداشت، حقی را که خدا در آن قرار داده است، ادا کند.

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «قیل یا رسول الله ای المال خیر؟ قال: زرع زرعه صاحبه و اصلحه ادی حقه یوم حصاده؛ از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد، بهترین مال ها چیست؟ فرمود: زراعتی که صاحبش آن را کاشته و بر اثر فعالیت و خدمت به ثمر رسانده و هنگام برداشت محصول، حقی را که خدا در آن قرار داده است ادا کرده باشد و در کار خود، حلال و حرام را مراعات کند و دست به کار خلاف و حرام نزند».(۴)

بنابراین، با وجود اینکه کشاورزان زحمت می کشند و محصولات گوناگونی تولید می کنند، باید رضای خدا را فراموش نکنند و حدود و حقوق الهی را در نظر داشته باشند. اگر خدای ناکرده از این امر سرپیچی کنند، ممکن است به بلای الهی دچار شوند.

«روزی رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از جبرییل پرسید: آیا فرشتگان نیز مانند انسان ها گریه می کنند و می خندند؟ عرض کرد: آری. در مواردی می گریند

۱- قرب الإسناد، ص۵۵؛ وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۴.

۲- وسائل الشیعه، ج۹، ص۳۴.

۳- علل الشرائع، ج۱، ص۳۲، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۵۱۱.

۴- قرب الإسناد، ص۵۵؛ وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۴.

ص: ۱۱۰

و گاهی از روی تمسخر می خندند. یکی از مواردی که از روی تمسخر می خندند، وقتی است که کشاورزی را می بینند، بیل به دست گرفته است تا حدود مزرعه اش را اصلاح کند و علف های هرز را برطرف سازد، ولی هدفش آن است که مزرعه خویش را تغییر دهد و از ملک دیگری بر زمینش بیفزاید. در اینجا فرشتگان آسمان می خندند و می گویند: این همه زمین ها و باغ های زراعی تو را سیر نکرد، حالا این مقدار اندک سیرت خواهد کرد؟»(۱)

بنابراین، اگر کشاورزان زحمت بکشند و حد و مرز خویش را نگه دارند و به زمین همسایگان خود تجاوز نکنند یا در زمینه آبیاری وتقسیم بندی آن به یکدیگر ستم نورزند و هنگام برداشت، با پرداخت زکات و حقوق الهی، در حق فقرا کوتاهی نکنند، مشمول رحمت های بیکران الهی خواهند شد.

بدیهی است، اگر کشاورزی مرتکب خلاف شد و از رعایت حدود الهی سر باز زد، دیگر جزو بهترین انسان ها و درآمدش نیز بهترین درآمدها به شمار نمی آید. پیامبر فرمود: «شِرارُ النّاسِ الزّارِعُونَ وَ التُّجارُ، الاّ مَنْ شُحَّ مِنْهُم عَلی دِینِهِ؛ بدترین انسان ها، کشاورزان و تاجران هستند، مگر کسانی از آنها که نسبت به دینشان بخل ورزند و دینشان را نفروشند».(۲)

آنچه ارزش و اعتبار انسان ها را ارتقا می بخشد، رعایت احکام الهی و تلاش در چارچوب فرمان خداوند است. اگر کشاورزی این گونه عمل کرد، محبوب خدا می شود، وگرنه به محض اینکه حدود الهی را زیر پا بگذارد، جزو بدترین انسان ها به شمار می رود.

۱- تهذیب، ج۲، ص۱۱۵.

۲- مستدرک الوسائل، ج۱۳، ص۴۷۳.

ص: ۱۱۱

کشاورزی، شغل انبیا و اولیا

کشاورزی، شغل انبیا و اولیا

بسیاری از انبیا و اولیای الهی، دارای کشت و زرع بوده اند. بی شک، انتخاب این حرفه و صرف بخشی از عمر پیامبران خدا در این راه، نشانه عنایت ویژه خداوند به این حرفه است.

حضرت امام صادق(ع) فرمود:

آن روز که آدم ابوالبشر از بهشت به زمین رانده شد و به غذا و آب نیاز پیدا کرد، با حضرت جبرییل به مشورت پرداخت واز او یاری طلبید. جبرییل، آدم را این گونه راهنمایی کرد: «یا آدم کن حراثا»؛ ای آدم، اگر می خواهی نیازمندی های خود را برطرف کنی، کشاورز باش و به زراعت بپرداز.(۱)

این گونه بود که آدم ابوالبشر، اولین کشاورز روی زمین شد. حضرت آدم و بیشتر پیامبران الهی، کشاورز بودند و روزی خود را از این راه به دست می آوردند.

امام صادق(ع) در پاسخ به پرسش کسی که درباره فلّاحین پرسید، فرمودند: «هُمُ الزَّارِعُونَ کنُوزُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ مَا فِی الْأَعْمَالِ شَیْ ءٌ أَحَبَّ إِلَی اللَّهِ مِنَ الزِّرَاعَهِ وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِیّاً إِلَّا زَارِعاً إِلَّا إِدْرِیسَ(ع) فَإِنَّهُ کانَ خَیَّاطاً؛ آنان همان کشاورزانند که گنج های خدا در زمینش هستند و در میان کارها، چیزی دوست داشتنی تر از کشاورزی در نزد خدا نیست و خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرده، مگر اینکه کشاورز بوده، جز حضرت ادریس که خیاط بوده است».(۲)

ائمه بزرگوار، درباره کار و تلاش برای امرار معاش، تأکید داشتند. آنان، کشاورزی را یکی از بهترین کارها برای خویش برگزیده بودند.

۱- وسائل الشیعه، ج۱۹، ص۳۷.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۷، ص۴۲.

ص: ۱۱۲

یکی از دوست داران خاندان رسالت می گوید:

امام کاظم(ع) را در مزرعه اش دیدم که بیل در دست و عرق ریزان کار می کرد. به ایشان عرض کردم: فدایت گردم! پس کارگران شما کجا هستند که خودتان این گونه عرق می ریزید؟ فرمود: «یَا عَلِیُّ! قَدْ عَمِلَ بِالْیَدِ مَنْ هُوَ خَیْرٌ مِنِّی وَ مِنْ أَبِی فِی أَرْضِه؛ ای علی! کسانی که از من و پدرم بهتر بودند، با دست در مزرعه خویش کار می کردند.» و پس از آنکه پرسیدم: آنان چه کسانی هستند؟ فرمود: «رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله وَ أَمِیرُالْمُؤْمِنِینَ وَ آبَائِی(ع) کلُّهُمْ کانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَیْدِیهِمْ وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِیِّینَ وَ الْمُرْسَلِینَ وَ الْأَوْصِیَاءِ وَ الصَّالِحِینَ؛ پیامبر و امیرالمؤمنین(ع) و پدران گران قدرم علیهم السلام ، همگی کسانی بودند که با دستان خویش کار می کردند؛ چرا که کار و تلاش سیره پیامبران، مرسلین، اوصیاء و صالحین است».(۱)

۲. دام داری و دام پروری

اشاره

۲. دام داری و دام پروری

دام داری، یکی دیگر از عرصه های مهم فعالیت های اقتصادی است. تولیدات دامی در اقتصاد کشورها، به طور اعم و در اقتصاد کشاورزی هر کشور، به طور اخص، نقش مهمی دارد. در کشورهای پیشرفته صنعتی، سهم قابل توجهی از درآمدهای حاصل از تولیدات کشاورزی به تولیدات دامی مربوط است. برای مثال، در آلمان، محصولات دامی حدود ۷۵ درصد از کل درآمد بخش کشاورزی را تشکیل می دهد.

دام داری، از نظر اهمیت و جایگاه همطراز کشاورزی است. امروزه در دنیا با وجود پیشرفت های علمی که در زمینه های مختلف صورت گرفته است،

۱- الکافی، ج۵، ص۷۶.

ص: ۱۱۳

هنوز هم مسئله غذا از نظر اجتماعی و اقتصادی در درجه اول اهمیت قرار دارد و مسئله ای استراتژیک به شمار می آید، به گونه ای که موقعیت کشوری، با سطح و نوع غذای مردم آن کشور مشخص می شود. بدون شک آنچه در میان مواد غذایی بسیار اهمیت دارد و جزو جدایی ناپذیر مواد غذایی روزانه است، پروتئین حیوانی است که از راه دام تهیه می شود. تولیدات و فرآورده های دامی، افزون بر تأمین غذای مردم جوامع، در تأمین پوشاک و برخی محصولات صنعتی و دارو و مواد بهداشتی کاربرد فراوانی دارند.

اهمیت و جایگاه دام داری در اسلام

اهمیت و جایگاه دام داری در اسلام

در آموزه های دینی، به موضوع دام داری با توجه به نقشی که در تأمین نیازهای مردم دارد، اهمیت زیادی داده شده است. بر اساس روایات دینی و تاریخی، انبیا و اولیای الهی، دام دار بود. برای نمونه، حضرت موسی(ع) سال ها چوپان بود و نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله نیز بخشی از عمر شریف خویش را به چوپانی و گله داری گذراند.

در اشاره به این حقیقت، در برخی روایات چنین آمده است: «ما بَعَثَ اللهُ نبیاً قَطُّ حتّی یستَرْعِیهِ الغَنَمَ؛ خدا هیچ پیامبری را برنینگیخت، مگر اینکه وی را بر شبانی گمارد».(۱)

دام داری از نظر تأمین نیازمندی های زندگی، در درجه دوم اهمیت است؛ زیرا بسیاری از مواد غذایی، پوشاک و... از فرآورده های دامی فراهم می شود.

به همین دلیل، بر اساس آموزه های حیات بخش اسلام، دام داری اهمیت فوق العاده ای دارد. در آیات و روایات، به صورت های مختلفی از فواید و

۱- بحارالانوار، ج ۱۱، ص ۶۴.

ص: ۱۱۴

برکات دام داری سخن به میان آمده است. خداوند در آیه ای می فرماید: «وَجَعَلَ لَكم مِّن جُلُودِ الأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكمْ وَمِنْ أَصْوَافِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَمَتَاعًا...؛ (خداوند) برای شما از پوست های چارپایان، خانه و خیمه هایی فراهم آورد که (هنگام استفاده از آنها) در سفرها و در اقامتگاه ها، احساس سبکی می کنید و از پشم ها و کرک ها و موهای آنها، اثاث و متاع (تهیه می کنید)...». (نحل: ۸۰)

در روایات اسلامی، از پیشه دام داری و دام پروری، بسیار تجلیل شده است و ثروتی که از این راه کسب شده باشد، بهترین مال و نیکوترین درآمد معرفی می شود و برای گسترش آن سفارش های بسیاری به چشم می آید.

امام صادق(ع) به نقل از پدران بزرگوارش فرمود:

از پیامبر خدا پرسیدند که کدام مال بهتر است؟ فرمود: «کشتی که صاحبش آن را بکارد و آن را بارور سازد و پس از درو کردن حق آن را بدهد.» گفتند: ای پیامبر خدا، پس از زراعت، کدام مال نیکوتر است؟ فرمود: «(مال) مردی گوسفنددار که به دنبال گوسفندان خود به سرزمین های باران خیز می رود.» عرض شد: ای پیامبر خدا! پس از گوسفندداری چه مالی؟ فرمود: «گاوداری که صبح و شام از آن سود و بهره می رسد».(۱)

در این باره پیامبر به روایت امام علی بن ابی طالب(ع) فرموده است: «عَليكمْ بِالغَنَمِ وَ الحَرثِ، فَإِنَّهُمَا يُغَدوان بِخيرٍ، وَ يَروُحانِ بخيرٍ؛ به گوسفندداری و کشاورزی رو آورید، که این دو شغل، صبح و شام سود می رسانند».(۲)

نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به عمه خود فرمود:

۱- کافی، ج۵، ص ۲۶۰؛ تفسیر نورالثقلین، ج۳، ص۳۹.

۲- بحارالانوار، ج۶۴، ص۱۳۳.

ص: ۱۱۵

ما یَمنِعک مِنْ أنْ تتخذی فی بیتکَ البرکهَ؟ فقالتْ: یا رسولَ اللهِ ! ما البرکهُ؟ فَقالَ: شاهٌ تَحْلَبُ، فَأِنَّهُ مِنْ کانَتْ فِی دارِهِ شاهٌ تُحْلبُ أو نَعجَهٌ أو بقرهٌ فَبرکاتٌ کلُّهنَ.(۱)

چه چیز تو را از آوردن برکت بر خانه ات باز داشته است؟ عرض کرد: یا رسول الله! برکت چیست؟ فرمود: «گوسفند شیرده، چه آن کس که گوسفندی شیرده یا گوساله ای یا ماده گاوی در خانه اش داشته باشد، همه اینها برکت است.

در روایتی دیگر، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، پرورش گوسفند را یکی از سه برکتی دانست که خداوند به بشر عطا کرده است و فرمود: «انّ الله أنزل ثلاث برکات: الماء و النّار و الشاه؛ خداوند سه برکت نازل کرده است: آب، آتش و گوسفند».(۲)

امام علی(ع) نیز فرموده است:

بهترین چیزی که انسان در منزلش برای خانواده اش نگه داری می کند، گوسفند است. هر کس در منزلش گوسفندی داشته باشد، ملایکه دو بار در روز او را تقدیس می کنند و بار سوم می گویند: مبارک باد.(۳)

۳. صنعت و فن آوری

اشاره

۳. صنعت و فن آوری

در گذشته، کشاورزی تنها منبع اصلی درآمد ملی بیشتر کشورها بود. مردم با ابزاری ساده و اندک، در روستاها روی زمین کار و از مواهب طبیعت بهره برداری می کردند، اما با همت و تلاش انسان ها، کم کم روستاها رشد کرد و به صورت شهرهای پرجمعیت درآمد. راه ها، بزرگ راه ها، پل ها و بندرها

۱- سفینه البحار، ج۱، ص۷۱۹.

۲- سفینه البحار، ج۱، ص۷۱۹.

۳- تفسیر نورالثقلین، ج۳، ص۴۰.

ص: ۱۱۶

ایجاد شد که از پیش شرط های جامعه صنعتی به شمار می آید. کارها هر چه بیشتر تخصصی شد و شکل های جدید مهارت پدید آمد و طولی نکشید انقلاب صنعتی روی داد و سبب شد تا در برداشت مردم از جهان طبیعت و غایت زندگی اجتماعی، تغییری عمده پدید آید.

به موازات رشد فن آوری و صنعت رشد اقتصادی، جامعه از نظر فرهنگی و اجتماعی نیز رشد می کند. در واقع، انقلاب صنعتی، انقلاب اندیشه است. وقتی صنعت رشد می کند و بر فن آوری افزوده می شود، سطح آگاهی های عمومی در همه زمینه ها بالا می رود و امکان بررسی، تحقیق، تتبع و ابتکار در زمینه های گوناگون علمی، فنی، دینی، فرهنگی و... فراهم می گردد. ازاین رو، شایسته است جدیدترین و پیشرفته ترین فن آوری ها، آموخته شود و صنعت هر چه بیشتر در خدمت انسان درآید.

امروزه صنعت در تعیین میزان قدرت و اعتبار کشورها نقش مهمی دارد. چنانچه مجموع تولیدات صنعتی جامعه ای از میزان مصرف آن کمتر باشد، آن جامعه، جامعه ای مصرفی و عقب مانده قلمداد می شود. امروزه عقب ماندگی، مشکلی است که تا حدود بسیاری از راه تلاش های بی وقفه صنعتگران سخت کوش و خستگی ناپذیر در جامعه برطرف می شود. البته رویارویی کامل با عقب ماندگی و پی آمدهای آن، جهادی بزرگ و همه جانبه می طلبد که در خط مقدم آن، صنعتگران و پیشه ورانی هستند که وسایل مورد نیاز مردم را با کیفیتی عالی تولید می کنند و خط پشتیبانی آن، مردمی هستند که صنایع از آنان حمایت و پشتیبانی می کنند.

در عصر حاضر که جمعیت رشد داشته، تأمین نیازهای غذایی کشورها، تنها از راه کشاورزی صنعتی امکان پذیر است. اصولاً بخش کشاورزی و

ص: ۱۱۷

صنعت، لازم و ملزومند و هماهنگی آنها می تواند در فرآیند توسعه اقتصادی هر کشوری اثر انکارناپذیری ایجاد کند. از طرفی دیگر جهان با کار و تولید به رفاه و آسایش می رسد و این فعالیت می تواند در بخش های کشاورزی، صنعت و خدمات انجام پذیرد.

تلاش شبانه روزی صنعتگران، کشورها را به سوی رشد، توسعه و خودکفایی می کشاند و جامعه را از ابرقدرت های جهان بی نیاز می کند. تنها در صورتی جامعه نیازمند بیگانگان نمی شود و زیر بار ذلت آنان نمی رود که افراد آن جامعه، به کار و فعالیت بپردازند و از هر نوع وابستگی، دوری گزینند. به همین دلیل، دین مبین اسلام بر خودکفایی جامعه اسلامی تأکید فراوان دارد و بسیار سفارش شده است که مسلمانان، برای رفع نیازهای جامعه خود بکوشند و دستشان را به سوی بیگانگان دراز نکنند. امروزه چنین هدف مهمی بدون توجه به پیشرفت صنعت و فن آوری امکان پذیر نیست.

صنعت در اسلام

صنعت در اسلام

همواره مسلمانان به مسئله صنعت اهتمام داشته اند. در منابع اسلامی، اعم از آیات و روایات، تشویق و تأکیدهای بسیاری در این زمینه وارد شده است؛ به گونه ای که این تشویق ها هر مسلمانی را وادار به کار و کوشش و تلاش و فعالیت می کند و او را در رساندن جامعه اسلامی به حد خودکفایی اقتصادی و بی نیازی از بیگانگان متعهد می سازد. این تشویق ها در طول تاریخ، انگیزه ای شد که مسلمانان، دانش و علوم و اطلاعات رایج در هر زمان را به دست آوردند. سپس آنها را با آمیزه ای از نوآوری های خود به کار گیرند و به ویژه با کوشش بیشتر در عرصه صنعت و کشاورزی، به موفقیت های چشم گیری دست یابند.

ص: ۱۱۸

خداونـد در آیات متعـددی، مردم را به عمل و کار کردن، تشویق کرده است. خداونـد در سوره آل عمران چنین فرموده است: «أَنِّی لاَـ أُضِ‍یعُ عَمَ‍لَ عَامِ‍لٍ مِّنکم مِّن ذَکرٍ أَوْ أُنثَی؛ من عمل هیـچ صاحب عملی از شـما را از مرد یا زن تباه نمی کنم.» (آل عمران: ۱۹۵) همچنین در سوره نجم فرموده است: «وَأَنّ لَّیْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَی؛ و به انسان جز آنچه انجام می دهد، نخواهد رسید». (نجم: ۳۹)

در این گونه از آیـات، عمـل شامل اعمال معنوی و کارهای دنیوی، ماننـد صـنعت و کشاورزی می شود. صـنعت، یکی از مهم ترین عرصه های فعالیت های اقتصادی به شـمار می آید. ازاین رو، در آموزه های اسـلامی بسیار به آن توجه و تأکید شده است. خداوند در قرآن از پیامبرانی نام برده است که صـنعتگر بوده انـد، ماننـد ادریس(ع) که صـنعت خیاطی می دانست و داوود که آهن را ذوب می کرد و از آن زره می سـاخت: «وَعَلَّمْنَاهُ صَ‍نْعَهَ لَبُوسٍ لَّکمْ لِتُحْصِ‍نَکم مِّن بَأْسِ‍کمْ؛ و تعلیم دادیم به (حضـرت داوود) صـنعت زره بافی را به خاطر شما تا حفظ کند شما را در مقابل خطرات». (انبیاء: ۸۰)

وجود آیـات متعـدد درباره مواد صـنعتی و انواع صـنایع، حکایت از جایگاه والای صـنعت در بینش اسـلامی دارد. در ضـمن، برخی آیات اهمیت برخی از این مواد را به مردم یادآوری کرده است تا آنها با برکات آن مواد آشـنا شوند و از آن در مواردی که کاربرد دارنـد، به صـورت شایسـته بهره برداری کننـد. برای نمونه، در آیه ای از آهن و ویژگی هـا و فوایـد آن سـخن به میـان آمـده است: «وَأَنزَلْنَا الْحَدِیدَ فِیهِ بَأْسٌ شَدِیدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ؛ ما آهن را که دارای اسـتحکام و مقاومت و سود زیادی است، در اختیار (انسان ها) قرار دادیم». (حدید: ۲۵)

خداوند تبارک و تعالی، در ضـمن این آیه، هم به قابلیت های آهن در برآوردن نیازهای انسان ها اشاره و هم به صورت غیر مستقیم آنها را تشویق به بهره برداری از آهن در عرصه های مختلف زندگی می کند. از سوی دیگر

ص: ۱۱۹

هم بررسی ها نشان می دهد که این نعمت بزرگ الهی، در حدّ بسیار زیادی در طبیعت وجود دارد تا انسان از آن در تأمین انواع نیازهایش، از جمله صنعت و فن آوری بهره برداری کند. همچنین در آیات فراوانی، به این حقیقت تصریح شده است که خداوند تبارک بسیاری از صنایع را به وسیله پیامبرانش به مردم آموزش داده است که این واقعیت، ادعای نادرست برخی دشمنان ادیان است که می گویند دین با دانش و صنعت و فن آوری، مخالفت دارد؛ زیرا در چند آیه تأکید شده است که انبیای الهی بسیاری از صنایع مهم را به انسان آموختند. در ادامه به برخی از این آیات اشاره می کنیم:

الف) به نوح وحی می شود که با کمک غیبی و رهنمود الهام بخش خداوند، کشتی بسازد: «وَاصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحْيِنَا وَلاَ تُخَاطِبْنِي فِي الَّذِينَ ظَلَمُواْ إِنَّهُم مُّغْرَقُونَ؛ و زیر نظر ما و [به] وحی ما کشتی را بساز و درباره کسانی که ستم کرده اند با من سخن مگوی، چرا که آنان غرق شدنی اند». (هود: ۳۷)

«وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكُلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلأٌ مِّن قَوْمِهِ سَخِرُواْ مِنْهُ قَالَ إِن تَسْخَرُواْ مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنكُمْ كَمَا تَسْخَرُونَ؛ و [نوح] کشتی را می ساخت و هر بار که اشرافی از قومش بر او می گذشتند، او را مسخره می کردند. حضرت نوح به آنها می گفت اگر ما را مسخره می کنید، ما [نیز] شما را همان گونه که ما را مسخره می کنید، مسخره خواهیم کرد». (هود: ۳۸)

بر اساس این آیات شریفه، حضرت نوح(ع) از پیش کسوتان استفاده درست از دانش و صنعت به شمار می آید و صنعت کشتی سازی نوح(ع) الگویی برای ساخت و پرداخت هرگونه وسایل نقلیه دریایی و زیردریایی، به طور خاصّ اعم از وسیله نقل مسافر، بار و مانند آن و نیز وسایل نقلی زمینی و هوایی، به طور عام است.(۱)

۱- عبدالله جوادی آملی، بنیان مرصوص امام خمینی، ص۳۴۷.

ص: ۱۲۰

ب) حضرت داوود، پدر سلیمان(ع) از امکانات فراوانی برخوردار بود. او مأمور شد که صنعت زره بافی را رواج دهد. وی زره های وسیع، حلقه های هندسی شده و روزنه های هم اندازه و متناسب می ساخت تا انسان با پوشیدن آن در جنگ ها از صدمه تیر و نیزه و... محفوظ بماند.

خداوند متعال درتبیین این واقعیت چنین می فرماید: «وَلَقَدْ آتَیْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا یَا جِبَالُ أَوِّبِی مَعَهُ وَالطَّیْرَ وَأَلَنَّا لَهُ الْحَدِیدَ. أَنِ اعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَقَدِّرْ فِی السَّرْدِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّی بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِیرٌ؛ و به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم [و گفتیم] ای کوه ها با او [در تسبیح خدا] هم صدا شوید و ای پرندگان [هماهنگی کنید] و آهن را برای او نرم گردانیدیم [که] زره های فراخ بساز و حلقه ها را درست اندازه گیری کن و کار شایسته کنید؛ زیرا من به آنچه انجام می دهید، بینایم». (سباء: ۱۰ و ۱۱)

این حرفه، منشأ و مبدأ ساختن هرگونه وسایل دفاعی برای انسان است، خواه در برابر تیر و مانند آن و خواه در برابر مواد و سلاح های شیمیایی و نظایر آن.

ج) حضرت سلیمان(ع) از جمله انبیای الهی است که خداوند امکانات فراوانی را در اختیار او قرار داده بود. قرآن کریم، شیوه استفاده او از وسایل صنعتی آن روزگار را در سوره سبأ بازگو میکند و می فرماید کارگزاران حضرت سلیمان، هم در صنعت معماری، بناهای بلند و قصرهای رفیع می ساختند و هم در صنعت نقاشی و هنر، تمثال ها را با زیبایی ترسیم می کردند تا ضمن تشویق به هنر و ارضای غریزه زیباجویی، روش بهره برداری درست از این امور را به انسان ها آموزش دهند و نیز در صنعت فلزکاری، ظرف های مورد نیاز فردی و جمعی را می ساختند تا علاوه بر

ص: ۱۲۱

هنرآموزی، زمینه تهیه و ساخت وسایل رفاهی را فراهم آورند و آیین بهزیستی را در سایه تأمین لوازم ضروری زندگی بیاموزند.(۱)

قصر ظریف شیشه ای حضرت سلیمان، هم شاهد مهمی بر پیشرفت صنعت معماری، هنری و صنعتی آن عصر است و هم شاهد اینکه اولیای الهی از امکانات و دستاورد های صنعتی و زینت ها، به صورت شایسته استفاده می کردند.

صنعت معماری و کارهای دستی و ظرایف هنری و ساختن ظرف های فلزی سلیمان(ع)، نمونه ای برای ساختن هرگونه لوازم زندگی به شمار می آید که نیازمندی های فردی یا گروهی و هنری و ادبی، با آن برطرف می شود.

د) ذوالقرنین از همه امکانات لازم بهره مند بود و کارهای خارق العاده ای انجام داد که یکی از آنها ساختن سد عظیم نفوذناپذیر بود. وقتی وی با جمعیتی روبه رو شد که از ناحیه دشمنان خون خواری چون یأجوج و مأجوج درگیر جنگ بودند، آنها مقدم ذوالقرنین را که قدرت و امکانات عظیمی داشت، غنیمت شمردند و دست به دامن او شدند و درخواست کمک کردند و پیشنهاد دادند تا تمام امکانات خود را در اختیار او قرار دهند تا وی برای نجات ایشان چاره اندیشی کند. ذوالقرنین در جواب درخواست آنان چنین

۱- «وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوُّهَا شَهْرٌ وَرَوَاحُهَا شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقِطْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَنْ أَمْرِنَا نُذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِيَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاء مِن مَّحَارِيبَ وَتَمَاثِيلَ وَجِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّكُورُ؛ و باد را برای سلیمان [رام کردیم] که رفتن آن بامداد یک ماه و آمدنش، شبانگاه یک ماه [راه] بود و معدن مس را برای او ذوب [و روان] گردانیدیم و برخی از جن به فرمان پروردگارشان، پیش او کار می کردند و هر کس از آنها از دستور ما سر برمی تافت، از عذاب سوزان به او می چشانیدیم. [آن متخصصان] برای او هر چه می خواست، از نمازخانه ها و مجسمه ها و ظروف بزرگ، مانند حوضچه ها و دیگ های چسبیده به زمین می ساختند. ای خاندان داوود، شکرگزار باشید و از بندگان من اندکی سپاسگزارند.» (سبا: ۱۲ و ۱۳) بنیان مرصوص امام خمینی، صص ۳۳۴ و ۳۴۵.

ص: ۱۲۲

پاسخ داد: «آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده [از کمک مالی شما] بهتر است. مرا با نیرویی [انسانی] یاری کنید [تا] میان شما و آنها سدی استوار قرار دهم. برای من قطعات آهن بیاورید، تا آن گاه که میان دو کوه برابر شد، گفت بدمید تا وقتی که آن [قطعات] را آتش گردانید. آن گاه گفت مس گداخته برایم بیاورید تا روی آن بریزم. در نتیجه، دشمنان آنها نتوانستند از آن [مانع] بالا روند یا آن را سوراخ کنند. ذوالقرنین گفت: این رحمتی از جانب پروردگار من است و[لی] چون وعده پروردگارم فرا رسد، آن [سد] را درهم کوبد و وعده پروردگارم حق است». (کهف: ۹۵ ۹۸)

این آیات دلالت دارند که ذوالقرنین از امکانات پیشرفته آن زمان برای ساختن سدی به آن عظمت بهره برد که به راحتی قابل فتح و بر اثر استواری و استحکام، قابل سوراخ کردن نبود؛ زیرا سدی فلزی بود و از قطعه های آهن و مس گداخته، ساخته شده بود که چنین کاری، به ویژه در آن عصر مرسوم نبود.

علاوه بر اینها، در احادیث و روایات بسیاری به نیاز جامعه به صنعت و فن آوری روز، اشاره شده است. امیر مؤمنان امام علی(ع)، درباره نیاز جامعه به صنعتگران چنین می فرمایند:

مردم جامعه از گروه های گوناگونی تشکیل شده است و هیچ یک از این گروه ها، از گروه دیگر بی نیاز نیست، اما هیچ یک از گروه های دیگر، بدون بازرگانان وصاحبان صنایع نمی توانند دوام بیاورند؛ زیرا آنان وسایل زندگی را با دست آن گونه می سازند که از توان دیگران خارج است.(۱)

۱- نهج البلاغه، نامه۵۲.

ص: ۱۲۳

از این سخن امام علی(ع)، به اهمیت و ارزش صنعتگران پی می بریم که یکی از قشرهای مهم جامعه هستند. آن حضرت افزون بر تبین جایگاه و اهمیت صنعت و صنعتگران، به صنعتگران سفارش می کند، به کیفیت محصولات و خدمات صنعتی اهمیت بدهند. ایشان در این باره می فرماید: «لا تَطلُب سُرعَهَ العَملِ وَ اطلُبْ تَجویدَهُ ؛ فَإنَّ النّاسَ لایَسألونَ فیکمْ فَرَغَ مِنَ العَمَلِ؟ إنَّما یَسألونَ عَن جَودَهِ صَنعَتِهِ؛ به دنبال سرعت در انجام دادن کار مباش، بلکه کیفیّت خوب را بجوی. مردم نمی پرسند: در چند روز کار را به پایان برده است، بلکه در پی خوبی و نیکویی محصول کارند».(۱)

امام صادق(ع)، صنعتگران را برای موفقیت بیشتر در کسب و کارشان، چنین راهنمایی می کنند: «کلُّ ذی صَناعَهٍ مُضطَرٌّ إلی ثَلاثِ خِصالٍ یَجتَلِبُ بِهَا المَکسَبَ و هُوَ أن یَکونَ حاذِقا بِعَمَلِهِ مُؤَدِّیا لِلأمانَهِ فِیهِ مُستَمیلاً لِمَن؛ استَعمَلَهُ؛ هر صنعتگر از سه خصلت گریزی ندارد تا با آنها کسبش را رونق بخشد: در کارش زبردست باشد، امانت دار باشد و نظر کارفرمای خود را [تأمین و] به خود جلب کند».(۲)

با دقت به مجموعه این مطالب، می توان با دیدگاه اسلام درباره صنعت و بهره برداری از صنایع و فن آوری آشنا شد. بنابراین، از منظر آموزه های اسلامی، پرداختن به صنعت، جایز و استفاده از آن، لازم و ضروری است، اما این نکته را هم نباید فراموش کرد که اسلام، در صورتی دانش ها و پیشرفت ها را قبول دارد که در جهت هدف اصلی آفرینش، یعنی سعادت انسان باشد. به عبارتی دیگر، صنایع، ابزار و وسیله ای برای رساندن انسان به این هدف غایی باشند. ازاین رو، زمانی انسان ها مجوز استفاده از این ابزار ها

۱- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص۲۶۷.

۲- تحف العقول، ص۲۳۷، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۵۳۹.

ص: ۱۲۴

را دارند که آنها را در امور سازنده و سودمند به کار بگیرند. در نتیجه، استفاده درست از صنعت و فن آوری، خواست اسلام است و بهره برداری از آن در امور تخریبی، مانند آلوده سازی زمین، دریا، هوا، گیاهان، جانوران، انسان ها، طبیعت یا ...، هرگز جایز نیست.

۴. تجارت و بازرگانی

اشاره

۴. تجارت و بازرگانی

یکی دیگر از بسترهای کار و سرمایه گذاری، عرصه بازرگانی است. امروزه با توجه به پیشرفت های انجام شده در زمینه ارتباطات و گسترش امکانات حمل و نقل و برداشته شدن فاصله بین جوامع، مسئله تجارت اهمیت کم نظیری دارد، به گونه ای که در هیچ عرصه ای به اندازه عرصه بازرگانی، کار و اشتغال توسعه نیافته است و عمده سرمایه گذاری ها در این بخش به کار گرفته می شود. به تعبیر دیگر، امروزه اهمیت توزیع کالا که به دست بازرگانان انجام می گیرد، کمتر از اصل تولید نیست.

در آموزه های اسلامی، به مسئله بازرگانی، به ویژه در متون فقهی، به دلیل اهمیت و گستردگی مسائل بازرگانی، از زاویه های مختلف پرداخته شده است؛ زیرا از سویی بازرگانی، حرفه رایج مردم حجاز و جایگاه تشریع احکام اسلامی بوده است و همه مردم، چه بازرگانان و چه دیگر قشرها، با مسائل بازرگانی درگیر بودند. از سوی دیگر، رابطه بازرگانی با تولید و نقش آن در رشد تولید و دست یابی به اهداف اقتصادی دیگر نیازمند سیاست گذاری صحیح و قوانین و مقررات جامع است. ازاین رو، در روایات معصومان علیهم السلام به موضوع بازرگانان در جامعه اسلامی، بسیار توجه شده است و ائمه اطهار علیهم السلام دستورهای فراوانی برای بهبود وضعیت تجارت، داده اند.

ص: ۱۲۵

از دیدگاه امام علی(ع)، جامعه از طبقات مختلف نظامیان، کشاورزان، قضات، کارمندان، بازرگانان، صنعتگران و... تشکیل شده و سرنوشت این طبقات در جامعه و حیات اجتماعی، به یکدیگر وابسته است. در این میان، نقش بازرگانان و صنعتگران برجسته تر است. حضرت در این باره می فرمایند:

... و کار طبقاتی، چون سپاهیان، کشاورزان، قضات، عاملان و نویسندگان، استوار نمی شود، جز با بازرگانان و صنعتگران که با سودی که به دست می آورند، بازارها را بر پا می دارند و کار مردم را کفایت می کنند... .(۱)

صنعتگران به یاری فکر و بازو و سرمایه خود، مصنوعات (کالاهای سرمایه ای و مصرفی) را می سازند. بازرگانان این مصنوعات را به بازارهای مصرف می رسانند و چرخه تولید را استمرار می بخشند. اگر تولیدات مصنوعات صنعتی، به یاری بازرگانان به بازارهای مصرف روانه نگردد، تولید صنایع ادامه نمی یابد و طبقاتی چون کشاورزان، نظامیان و قضات و کارمندان به کالاها و ابزارهای مورد نیاز خود دست نمی یابند. در نتیجه، ادامه کار آنها ممکن نیست. بدین سبب، امام علی(ع)، قوام کار دیگر طبقات را به دو طبقه بازرگانان و صنعتگران وابسته می داند. به تعبیر دیگر، در هر دوره از حیات اجتماعی انسان، طبقه کشاورز به صنایع و ابزار کشت نیاز دارد و نظامیان و سپاهیان، نیازمند سلاح و ساز و برگ نظامی هستند و قضات و دیگر کارگزاران دولت به درآمد مالیات وابسته اند. اگر صاحبان صنعت، ابزارهای لازم را تولید نکنند و بازرگانان آنها را به بازارهای مصرفی نرسانند، بدون شک روابط اجتماعی مختل می شود. البته از این نکته هم نباید غافل شد که صنعتگران و کشاورزان و بازرگانان، برای فعالیت خود و برقراری امنیت به نظامیان و قضات و از نظر نظم اجتماعی و زمینه سازی و اجرای قراردادها، به کارگزاران و دولت مردان نیازمندند.

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

ص: ۱۲۶

حضرت علی(ع) در نامه خود به مالک اشتر، بازرگانان و صنعتگران را در کنار یکدیگر نام می برد و ضمن بر شمردن اهداف مشترک دو گروه به حاکم اسلامی، در رسیدگی به امور آنان سفارش می کند و می فرماید:

سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آنها را به نیکوکاری سفارش کن. چه بازرگانانی که در شهر ساکنند و چه آنان که همواره در حال سیر و کوچ کردن می باشند. بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می کنند. آنان منابع اصلی منفعت و وسایل زندگی و آسایش را از جاهای دور دست و دشوار، مانند بیابان و دریا و دشت و کوهسار و دیگر مکان هایی که مردم از رفتن به آنجا خودداری می کنند یا جرئت رفتن به آن مناطق را ندارند، تهیه می کنند و به شهرها و آبادی ها می آورند.(۱)

جایگاه تجارت در اسلام

اشاره

جایگاه تجارت در اسلام

تجارت از جمله مشاغلی بوده است که اعراب پیش از اسلام به آن مشغول بودند. خداوند در قرآن به این نکته اشاره می کند و می فرماید: «لِإِيلَافِ قُرَيْشٍ إِيلَافِهِمْ رِحْلَةَ الشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ؛ برای الفت دادن قریش، الفتشان به هنگام کوچ زمستان و تابستان». (قریش: ۱ و ۲)

وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدینه منوره هجرت کرد، یهودیان در عرصه تجارت فعال بودند و بیشتر اهالی یثرب، به کشاورزی می پرداختند. در کنار رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز شماری از مهاجران هم در زمینه تجارت، کارآزموده بودند. وقتی پیامبر میان مهاجران و انصار، پیمان برادری برقرار کرد، مسلمانان بر امور اقتصادی مدینه چیره شدند. انصار به کشاورزی و مهاجران به تجارت

۱- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

ص: ۱۲۷

سرگرم شدند. این کار در دشمنی یهود با رسول خدا صلی الله علیه و آله بی تأثیر نبود؛ زیرا این سیاست، به طور جدی حیات اقتصادی آنان را تهدید می کرد. به هر حال، بازرگانی پیشرفت زیادی کرد و قلمرو حکومت اسلامی، گسترش یافت. از این رهگذر، ثروت های بسیاری به مسلمانان رسید.

اسلام به تجارت اهمیت زیادی داده و علاوه بر ویژگی اقتصادی، به آن وجهه دینی و تبلیغی نیز بخشیده است. این دو ویژگی، چنان به هم گره خورد که جدایی بین آنان ممکن نبود؛ زیرا تجارت نیازمند روابط اجتماعی بین کشورها بود و اسلام موجب می شد تاجران مسلمان در آن کشورها، به پایگاهی اقتصادی دست یابند.

امیر مؤمنان، علی(ع) با پیروی از رسول خدا صلی الله علیه و آله ، به تجارت اهمیت بسیاری می داد و مسلمانان را به آن تشویق می کرد و می فرمود: «تَعرضُوا لَلتِّجارَهِ فَانَّ فِیها غنی لَکُم عَمّا فِی اَیدِی النّاسِ؛ به تجارت بپردازید که شما را از آنچه در دست مردم است، بی نیاز می گرداند.»(۱) حضرت در جای دیگری می فرماید: «تجارت کنید، خداوند به شما خیر و برکت دهد. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: روزی، ده جزء دارد که نه جزء آن در تجارت است و یک جزء در دیگر کارهاست».(۲)

ایشان در زمینه تشویق به تجارت می فرماید: «ما اجملَ فِی الطَلبِ مَنْ رَکِبَ البحَرِ للتِجَارهِ؛ چه زیباست که انسان برای طلب روزی به دریا سفر کند و به تجارت بپردازد».(۳)

۱- کافی، ج۵، ص۱۴۹.

۲- کافی، ج۵، ص۱۴۹.

۳- کافی، ج۵، ص۳۱۸.

ص: ۱۲۸

همان گونه که گفته شد، تجارت در دین اسلام بر پایه معنویت و فضیلت استوار است و بارها در کتاب های فقهی، به تاجران تأکید شده است که از روی عدل و انصاف رفتار کنند.

در جامعه اسلامی، همه روابط اجتماعی باید بر مبنای فضایل اخلاقی و در نظر گرفتن ارزش های الهی انجام بگیرد. از جمله اصول مهم حقوق تجارت در عصر حاضر، گردش ثروت و توزیع عادلانه آن است و در قرآن کریم در این باره چنین آمده است:

ای اهل ایمان بسیاری از علما و راهبان اموال مردم را به باطل طعمه خود کرده اند و از راه خدا باز می دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و انباشته می کنند و آنها را در راه خدا انفاق نمی کنند آنان را به عذاب دردناک بشارت بده. (توبه: ۳۴)

برای اینکه داد و ستد روندی اسلامی و شایسته داشته باشد، باید احکام و مقررات و سیره و روش پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام مورد توجه باشد. به یک اعتبار مجموعه سفارش های اسلام درباره تجارت را می توان در محورهای زیر خلاصه کرد:

الف) انگیزه سالم

الف) انگیزه سالم

انسان به هر عملی که می پردازد، اعم از عبادات و اعمال صالح یا فعالیت های اجتماعی، باید در انجام آن نیت و انگیزه سالم و شرعی داشته باشد. در ارزش گذاری رفتارهای آدمی از دیدگاه اسلام، افزون بر حسن عمل، سنجش ها و معیارهایی همچون نیت نقش دارند. از سوی دیگر، پسندیدگی حسن نیت، همه رفتارها و کردارهای آدمی را در بر می گیرد و این امر تنها به انجام وظایف عبادی منحصر نمی شود. رسول گرامی اسلام به ابوذر غفاری

ص: ۱۲۹

فرمود: «یا اباذرُ! لِیکُنْ لکَ فی کُلِّ شَیءٍ نیهٌ صالحهٌ حتّی فی النومِ و الاکلِ؛ ای ابوذر، در هر کاری نیت پاک داشته باش، حتی در خوابیدن و خوردن».(۱)

انگیزه در رفتارهای اقتصادی و داد و ستد، نقش مهمی دارد؛ زیرا در آموزه های دینی، داشتن انگیزه سالم و هدف متعالی، نقش اثرگذاری در حسن عمل دارد. تجارت در اسلام، نوعی عبادت به شمار می رود و رکن عبادت، همان انگیزه و نیت درست است.

ب) صداقت و راستی

ب) صداقت و راستی

صداقت، یکی از اصول و فضیلت های مهم اخلاقی است. به اندازه ای صداقت در گفتار و رفتار، نزد خداوند اهمیت دارد که خداوند از همه پیامبران، به صداقت و راستی پیمان گرفت و آنان را پیش از بعثت به این صفت آزمود.

صداقت و دوری از نیرنگ، در همه زمینه ها لازم و ضروری است. در رهنمودهای اولیای الهی، برخورداری از صداقت، به ویژه در عرصه تجارت بسیار تأکید شده است.

در حدیثی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «یا مَعْشَرَ التُجّار انّ التُجّار یبعثُونَ یومَ القیامهَ فُجّاراً اِلّا مَنِ اتّقی وَ بَرَّ وَ صَدَقَ؛ ای گروه تجار، همه شما به دلیل رعایت نکردن مسائل اخلاقی، فاجر هستید، مگر کسانی که در معاملات از خدا بترسند و نیکی کنند و صداقت و راستی در معامله داشته باشند».(۲)

در روایت دیگری، یکی از یاران به نام عبدالرحمان انصاری از پیامبر پرسید: چرا تاجران فاجرند؟ حضرت فرمود: برای اینکه در معامله دروغ می گویند. قسم می خورند و تقلب و نیرنگ به کار می برند.(۳)

۱- مکارم الاخلاق، ج۲، ص ۳۷۰، ش ۲۶۶۱.

۲- کنزالعمال، ش۹۴۳۷.

۳- کنزالعمال، ش۹۲۱۹؛ میزان الحکمه، ج۲، صص ۶۱۹ و ۶۲۰.

ص: ۱۳۰

صداقت و راستی در معامله آثار مثبت فراوانی دارد که عبارتند از: جلب اعتماد عمومی، برکت معامله و سود بیشتر و...، صداقت و راستی اساس هرگونه پیشرفت و رشد اقتصادی در جامعه است. صداقت، مایه ارتقای منزلت و شخصیت آدمی است و در مقابل دروغ و تقلب، مایه رسوایی و بی آبرویی به شمار می آید. همچنین صداقت و راستی، سبب رهایی و رستگاری و صفا و صمیمیت می شود.

امام صادق(ع) در پاسخ کسی که درباره تجارت سؤال کرده بود، فرمود:

بر تو باد راست گویی در سخن. مبادا عیبی را که در کالای تو هست، پنهان داری و مشتریی را که به تو واگذار کرده است، مغبون مکن؛ چرا که این غبن در حکم رباست. برای مردم مپسند، مگر آنچه را که برای خود می پسندی. درست بده و درست بستان... تاجر راست گو در روز قیامت، همراه با کاتبان (فرشتگان) بزرگوار نیکوکار خواهد بود. از قسم خوردن بپرهیز که قسم نادرست، قسم خورنده را به جهنم می برد. تاجر و کاسب، فاجر است، مگر اینکه به صورت سالم داد و ستد کند.(۱)

شیوع معضلاتی مانند غش در معامله، کم فروشی، ثبات نداشتن نرخ ها و... در نبود صداقت ریشه دارند، که همه از گناهان کبیره به شمار می آیند.

ج) دانش و تخصص

ج) دانش و تخصص

انجام هر عملی، نیازمند دانش، مهارت، تجربه و تخصص است. تجارت در دیدگاه اسلام، به دو دلیل نیازمند آگاهی است: نخست به دلیل فراگیری احکام بازرگانی است که در روایات به آن تأکید شده است.

کسی که می خواهد به فعالیت های اقتصادی بپردازد، پیش از آن باید احکام شرعی اقتصادی مورد نیاز را یاد بگیرد. همواره به این موضوع در دین

۱- مستدرک الوسائل، ج۲، صص۴۶۳ و ۴۶۴.

ص: ۱۳۱

مقدس اسلام تأکید و دلیل عقلی بر آن اقامه شده است. در کتاب های فقهی، برخی بزرگان، این تعبیر را دارند: «ینْبَغی تَعَلُّمُ اَحْکامِ التَّجارَه؛ یادگیری احکام تجارت، سزاوار و شایسته است».

در آیات و روایات و سیره معصومین علیهم السلام ، آموزش و یادگیری احکام شرعی اقتصادی، پیش از ورود به عرصه کسب و کار، بسیار سفارش شده است: «الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَر؛ اول یادگیری احکام، سپس پرداختن به تجارت».(۱)

اصبغ ابن نباته می گوید: «از امیر مؤمنان، علی(ع) شنیدم که فرمود: یا مَعشَر التُجّار الْفِقْهَ ثُمَّ الْمَتْجَر؛ ای اهل تجارت، اول با احکام شرعی تجارت آشنا شوید، بعد وارد معامله شوید.(۲) سه بار این جمله را تکرار کرد. سپس حضرت ادامه داد و فرمود: به خدا سوگند، در بین مردم، ربا پنهان تر از حرکت مورچگان در سنگ سخت است، یعنی چه بسیار معاملات ربوی صورت می گیرد، در حالی که افراد اصلاً متوجه آن نیستند».(۳)

امام صادق(ع) از امیر مؤمنان، علی(ع) در این باره نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «مَن اتَّجرَ بغیرِ علمٍ ارتطمَ فی الرّبا ثُمَّ ارتطمَ؛ هر کس بدون دانستن احکام شرعی تجارت و خرید و فروش، مشغول تجارت شود، گرفتار ربا می شود و هر لحظه بیش از پیش در آن فرو می رود».(۴)

فراگیری احکام واجب و حرام داد و ستد که فرد مسلمان در تلاش های اقتصادی به آن نیاز دارد، وظیفه مهمی است و برای این مسئله دلایل خاصی وجود دارد. تجارت در اسلام مقرراتی دارد که آگاهی از آنها نیازمند آموزش و فراگیری است. بنابراین، حتی حکم به استحباب در فراگیری احکام

۱- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۰.

۲- میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۲۰.

۳- کافی، ج ۵، ص ۱۵۴.

۴- کافی، ج ۵، ص ۱۵۴.

ص: ۱۳۲

تجارت و روا دانستن ترک آن، بسترسازی برای گرفتار آمدن به محرمات شرعی است. هرگز ندانستن را برای جواز انجام فعالیت های اقتصادی حرام نمی توان دلیل به شمار آورد. تاجر مسلمان باید به تمامی احکام و قوانین دینی مربوط به نحوه و آداب تجارت، علم داشته باشد. همچنین تجارت موفق، تجارت کسانی است که از تخصص و آگاهی های لازم برخوردار باشند و قوانین و قراردادهای تجاری، چند و چون تولیدات کشورها و ویژگی های بازارها را بشناسند و در این زمینه اطلاعات لازم را داشته باشند.

این امر مهم به ویژه در عصر کنونی، که با انقلاب در فن آوری های اطلاعات و ارتباطات و گذر از فن آوری سخت افزاری به نرم افزاری، نقطه عطفی در شکل گیری بازارهای مبتنی بر نظام ها و شبکه های اطلاعاتی به وجود آورده، بیش از پیش ضرورت می یابد؛ زیرا کسانی که تخصص اقتصادی و آگاهی های لازم را دارند، پیوسته خود و جامعه را با خطر عملکردهای تجاری نادرست و ویرانگر، روبه رو می سازند. ازاین رو، خداوند در قرآن کریم، از قرار گرفتن اموال در دست افراد «سفیه» نهی می کند: «وَلاَ تُؤْتُواْ السُّفَهَاء أَمْوَالَكُمُ الَّتِی جَعَلَ اللّهُ لَكمْ قِیاماً؛ اموال خود را که خداوند آن را وسیله قوام [زندگی] شما قرار داده، به سفیهان مدهید.» (نساء: ۵) انسان باید در سرمایه گذاری و انجام فعالیت های تجاری، خردمندان و دانشمندان را به کار گیرد. چنان که امام صادق(ع) نیز می فرماید: «کان اَمیرُ المؤمنین(ع) یَقولُ: لایقَعُدنَّ فی السّوقِ الّا مَنْ یَعقَلُ الشّراءَ و البیعَ؛ کسی که احکام و قوانین خرید و فروش را نمی داند نباید در بازار مشغول کار شود و به تجارت بپردازد».(۱)

۱- کافی، ج۵، ص۱۵۴، ح۴.

ص: ۱۳۳

حتی در روایات، اعتماد به شخص تباه کننده، در ردیف اعتماد به خیانت پیشه است؛ زیرا نتیجه هر دو، زیان و خسارت است.

د) رعایت عدل و انصاف

د) رعایت عدل و انصاف

از دیگر اصول و آداب فعالیت اقتصادی، از جمله تجارت، رعایت عدل و انصاف و دوری از ستم است، هر چند رعایت عدل و پرهیز از ستم در همه موارد لازم و ضروری است. خدای متعال در قرآن، به صورت کلی می فرماید: «إِنَّ اللَّهَ یأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسانِ وَ إِیتاءِ ذِی الْقُرْبی وَ ینْهی عَنِ الْفَحْشاءِ وَ الْمُنْکرِ وَ الْبَغْی؛ خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می دهد و از فحشا و بلکه ظلم نهی می کند». (نحل: ۹۰)

این موضوع در تجارت و بازرگانی نیز اهمیت ویژه ای دارد. در حدیثی حضرت علی(ع) فرموده است: «الْعَدْلُ الْإِنْصَافُ وَ الْإِحْسَانُ التَّفَضُّل؛ عدل آن است انصاف را رعایت کنی و حق مردم را به آنها برسانی و احسان آن است که بر آنها تفضل کنی و سخت نگیری».(۱)

انصاف در معامله، از خلق و خوی پیامبران الهی و برترین ارزش هاست. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

کسی که در زندگی انصاف را رعایت کند، شبیه ترین افراد از نظر اخلاق با من است. پس با مردم منصفانه رفتار کن تا برکت و آبادانی به شما روی آورد و از ستم پرهیز کنید تا از خشم الهی در امان باشید.

انصاف در معامله صورت های گوناگونی دارد که از جمله آنها می توان به مواردی چون پرهیز از گران فروشی و به حداقل سود بسنده کردن، اشاره کرد.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۲۳۱؛ میزان الحکمه، ج۱۳، ص۶۳۰۸.

ص: ۱۳۴

در روایات درباره میزان سود تأکید شده است. ضمن پرهیز از سودهای کلان به حداقل سود بسنده شود، چون از دید آموزه های دینی، گرفتن سود از برادر مؤمن در حکم رباست. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «ربح المومن علی المومن ربا؛ سود گرفتن از برادر دینی در حکم رباست».(۱)

ازاین رو، مغبون کردن برادر دینی در معامله، حرام دانسته شده است. بنابراین، گران فروشی، یکی از مصادیق مهم بی انصافی به شمار می آید که در آموزه های اسلامی مردود است. امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «غبن المومن حرامٌ؛ مغبون کردن مؤمن حرام است».(۲)

ه) اولویت تجارت داخلی

ه) اولویت تجارت داخلی

تا حد ممکن باید در تجارت و داد و ستد، اولویت را به معامله گران داخلی داد و در صورت مازاد کالاـ با کشورهای خارجی معامله کرد. بی گمان، فعالیت های تجاری و داد و ستدهای بازرگانی، باید به سود جامعه و منافع ملی باشد و سبب رشد و شکوفایی اقتصاد و توان مندی ملی شود و از وابستگی به بیگانگان بکاهد. این امر مهم، افزون بر آنکه گامی در راه استقلال اقتصادی است که از مهم ترین اهداف اقتصاد اسلامی نیز به شمار می رود، آثار خوبی در زمینه های سیاسی و فرهنگی به جا خواهد گذاشت.

تاجر مسلمان باید برای خدمت به جامعه و رفاه و آسایش مردم بکوشد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی می فرمایند: «فإنّ الجالِبَ اِلی سُوقِنا کالمُجاهِدِ فی سَبیلِ الله.»(۳) واژه «جالب» در مفهومی گسترده، انتقال هرگونه سرمایه، فن آوری،

۱- بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۱۰۳، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۵۶۲.

۲- کافی، ج۵، ص۱۵۳، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص ۵۷۱.

۳- نهج الفصاحه، ح۱۳۱۷.

ص: ۱۳۵

مدیریت و کارآفرینی و کالاهای مورد نیاز به کشور را در بر می گیرد که زمینه رونق تجاری و رفاه عمومی را فراهم می سازد. اکنون دولت ها نه تنها تلاش می کنند از فرار سرمایه های گوناگون، اعم از انسانی و غیر انسانی جلوگیری کنند، بلکه از فعالیت سرمایه گذاران خارجی نیز استقبال می کنند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن عصر، برای تحقق این امر تدابیری اندیشیدند. ایشان برای واردکنندگان کالاهای استراتژیک و اساسی از خارج کشور، امتیازاتی در نظر گرفت که از جمله می توان به تأمین مخارج آنان در اقامت در شهر و بیمه کالاهای آنان در برابر خسارت ها اشاره کرد.

و) انتخاب کالای مرغوب

و) انتخاب کالای مرغوب

زمانی خداوند به تجارت مسلمانی واقعی عنایت می کند که فرد، کالاهای مرغوبی در اختیار مردم قرار دهد. از وظایف اخلاقی و اجتماعی تاجر مسلمان و متعهد، ارائه خدمات مناسب و عرضه کالاهای مرغوب است. گسترش این کار در جامعه، دست کم این اثر اقتصادی مثبت را دارد که تولیدکنندگان به کیفیت محصولات خود توجه ویژه داشته باشند. هرگاه از کالاهای نامرغوب در بازار استقبال نشود، تولیدکنندگان ناگزیر نیروی فکری و فیزیکی بیشتری را در بهبود کیفیت آنها صرف می کنند، به ویژه در اجناسی که بازار رقابت شدیدتری دارد. طبیعی است که تولید بیشتر کالاهای مرغوب بر اثر بالا رفتن میزان تقاضا می تواند به کاهش قیمت ها نیز بینجامد.

ز) استفاده بهینه از امکانات

ز) استفاده بهینه از امکانات

بیشتر مؤسسه های بزرگ بازرگانی و مراکز تجارت جهانی، با سرمایه گذاری های اندک و امکانات و فعالیت های محدود، آغاز به کار کرده

ص: ۱۳۶

و به طور شایسته از کمترین فرصت ها و زمینه ها سود جسته انـد. ازاین رو، در روایات تأکید شده است که بر کار و پیشه خود، هر چند با درآمد اندک مداومت کنید تا به پیشرفت دست یابید. امام صادق(ع) می فرمایند: «مَن طَلَبَ قَليلَ الرِّزقِ كانَ ذلك داعيةً الى اِجتلابِ كثيرٍ مِنْ الرّزقِ».(۱)

بی گمان عمل به این فرمان، در ایجاد فرصت های شغلی برای افراد بی کار، افزایش درآمـد و نیز جلوگیری از بی کار شدن نیروی کـار، نقش اثرگـذاری می توانـد داشـته باشـد. با وجود این، ایجاد روحیه در افراد بر تقویت اراده و ایجاد پاره ای از زیرساخت های اخلاقی، چون شکیبایی، خرسندی و قناعت، به امید و توکل به خدا بستگی دارد.

ح) اصلاح سرمایه

ح) اصلاح سرمایه

سرمـایه از دیـدگاه اسـلام، امـانتی الهی در دست انسـان است که با هـدف حفظ منافع خود و جامعه بایـد برای رشـد، افزایش و نگه داری آن کوشـید. در روایات با واژه های اصـلاح، استصلاح، استثمار و حفظ به این امر، تأکید شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله در این باره می فرماید: «مِنْ المرُوَّهِ استصلاحُ المالِ».(۲)

گفتنی است، واژه اسـتثمار در زبـان عرب، به معنـای بهره برداری، سودجویی و سـرمایه گـذاری است و بـا مفهوم رایـج آن در زبان فارسـی؛ یعنی بهره کشـی سـتم کارانه، فرق دارد. سرمایه گذاری و به گردش درآوردن سرمایه در فعالیت های اقتصادی، از برجسته ترین مصادیق اصلاح و استثمار آن، به شمار می رود.

۱- عزیزالله عطاردی، مسند الامام الصادق، ج۱۳، ص۳۳۵.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۴۰، ح ۴ و ۵.

ص: ۱۳۷

نفی واسطه گری های غیر ضروری

نفی واسطه گری های غیر ضروری

اسلام برای سلامت و حفظ روند طبیعی بازار، اقدام به وضع قوانین حقوقی و اخلاقی و نظارت مستمر کرده است. یکی از مقررات، نهی از واسطه گری های کاذب است که بر پایه روایات و احادیث نهی واسطه ها دستوری الزامی برای سامان دهی و سالم سازی امور تجاری و فراتر از نهی کراهتی است؛ چرا که این کار نوعی استثمار، نیرنگ و فریب و ستمگری است. کسی که با خرید کالاها به قیمت پایین، تجارت آن را به انحصار خود در می آورد و با قیمت گزاف آن را می فروشد، بدون انجام کاری مفید، سود سرشاری را به دست می آورد و فشار گرانی و گاه کمبود کالارا بر جامعه تحمیل می کند. پس هرگاه واسطه گری، تنها مایه گرانی کالاها و زیان رساندن به فروشندگان و سبب اختلال و ناهماهنگی در روند طبیعی عرضه و تقاضا شود، مشمول نهی و حرمت شرعی می شود.(۱)

در روایات بسیاری، واسطه گری در زمینه خرید و فروش، نهی شده که یکی از مصادیق آن در اصطلاح تلقی رکبان است؛ یعنی فرد مال کاروان های تجارتی را در خارج از شهر بخرد و آنها را در شهر به قیمت گران تری بفروشد. امام صادق(ع) می فرماید: «لاتلقِ فَاِنّ رسولَ اللهِ صلی الله علیه و آله نَهی عَنْ التلقّی؛ به پیش باز کاروان های تجارتی نرو (که از آنها کالاهایشان را ارزان بخری و بعد در شهر گران بفروشی) زیرا رسول خدا صلی الله علیه و آله از این کار نهی کرده است».(۲)

علاوه بر آنچه بیان شد، در متون فقهی آداب دیگری برای تجارت و داد و ستد ذکر شده است. برای مثال، در کتاب شرح لمعه، برای تجارت ۲۴ فرمان بیان شده که از جمله آنهاست:

۱- لیلا نعمتی، آداب داد و ستد از منظر اسلام.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، صص۳۲۷ و ۳۲۸.

ص: ۱۳۸

۱. تاجر باید با عدل و انصاف و مساوات رفتار کند.

۲. تاجر مکلف است، چنانچه یکی از مشتریان از معامله اظهار عدم رضایت نموده، معامله را فسخ نماید.

۳. تاجر نباید کالای خود را برای جلب افراد ناآگاه بیارآید.

۴. هرگاه در کالاـ عیبی، اعم از آشکار و نهان باشد، فروشنده باید آن را به خریدار اظهار نماید. البته چنین اعلامی کمال خیر خواهی و تمامیت ایمان تاجر است.

۵. از سوگند یاد کردن به هنگام خرید و فروش خودداری شود. در این باره رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «وای بر تاجر که تکیه کلامش به هنگام معامله، «نه به خدا» و «بلی به خدا» باشد».(۱)

۶. در تجارت باید مقدار و قیمت کالاـ معیّن و معلوم باشد، در غیر این صورت و در حالت مجهول بودن، مورد معامله به تجارت خلل وارد می شود.

۷. در تجارت، فروشنده، کالای خود را نستاید و مشتری، کالای فروشنده را نکوهش نکند.

۸. تاجر در ورود به بازار برای شروع تجارت از دیگران سبقت و پیشی نگیرد و سعی کند پس از تأمین مخارج روزانه خود زودتر از سایر تجار به کسب خود خاتمه دهد و بازار را ترک کند.

۹. از جمله آداب تجارت، خودداری کردن از معامله با اشخاص لاابالی و بی مبالات است.

۱- وسائل الشیعه، ج۱۲، صص۳۲۷ و ۳۲۸، به نقل از: الحیاه، ج۵، ص۵۷۵.

ص: ۱۳۹

۱۰. تاجر نباید در وزن و پیمانه بی دقتی کند، به نحوی که از لحاظ زیادتی و نقصانی، مرتکب حرام شود.

۱۱. تاجر نباید در معامله برادر مؤمن خود مداخله نماید، کراهت و حرمت این عمل وقتی است که شخص ثالثی در انجام معامله ای که بین طرفین توافق شده یا نزدیک به تراضی می باشند، اقدام کند و معامله را بر هم زند.

۱۲. ازجمله آداب مذموم در تجارت، اخذ رباست که در اسلام به شدت از آن نهی و حرام دانسته شده است.(۱)

۱- اللمعه الدمشقیه، باب بیع و تجارت.

ص: ۱۴۰

ص: ۱۴۱

فصل چهارم: راهکارهای افزایش کار ، سرمایه گذاری و تولید

اشاره

فصل چهارم: راهکارهای افزایش کار ، سرمایه گذاری و تولید

پس از آنکه اهمیت کار و سرمایه و تولید در پیشرفت جوامع و تحقق اهداف آن مشخص شد، گام دیگر، پاسخ به این پرسش است که راه رشد کار و افزایش سرمایه گذاری و ارتقای تولید چیست؟ چگونه با وجود بدیهی بودن تأثیر مثبت رونق فعالیت های اقتصادی و بهبود زندگی افراد یک جامعه و علاقه مندی همه انسان ها به رشد و تعالی، شاهد وجود کشورهای بسیار عقب مانده ای در سراسر جهان هستیم؟

بررسی های کارشناسانه، عوامل مختلفی را برای رکود فعالیت های اقتصادی و به تبع آن برای عقب ماندگی های همه جانبه نشان می دهد که عبارتند از: نبود ساختارهای مناسب اجتماعی و سیاسی، سلطه بیگانگان، نبود برنامه ریزی های کارآمد، رشد بی رویه جمعیت، نبود عدالت اجتماعی، پایین بودن سطح زندگی، کمبود منابع طبیعی، واردات بی رویه، نبود سازوکار جذب سرمایه ها، مصرف گرایی افراطی، بی بهره بودن از ابزارهای پیشرفته صنعتی و فن آوری های جدید، نبود نیروی کار ماهر و متخصص، نبود نظام آموزشی کارآمد، نبود فرهنگ تعاون و همکاری، رواج فرهنگ غلط در زمینه

ص: ۱۴۲

کـار و تولیـد، فقر و بی سوادی مردم، افزایش بی کـاری و از بین رفتن زمینه هـای اشـتغال، نبود امنیت، بهره برداری نامنـاسب از وام های خارجی، ناکارآمدی قوانین و مقررات، کوتاهی دولت ها در حمایت و نظارت و کنترل و... .

بـدیهی است در رکود فعـالیت هـای اقتصـادی هر کشوری، همه این عوامـل نقش ندارنـد. ممکن است وجود چنـد نارسایی ، سـبب رکود اقتصـاد جـامعه ای شود. بر این اسـاس، در هر کشوری بایـد بـا توجه به آسـیب های موجود در آن، برنامه ریزی و اصـلاحاتی انجـام بگیرد. در هر حـال، بـا جمع بنـدی مجموعه آسـیب ها و نارسایی ها می توان چنین نتیجه گرفت که از راه اجرای چنـد اصل، امکان رونق بخشیدن به کار و افزایش میزان سرمایه گذاری و ارتقای تولید میسر است.

۱. اصلاح برخی برداشت های نادرست فکری، فرهنگی و اعتقادی

اشاره

۱. اصلاح برخی برداشت های نادرست فکری، فرهنگی و اعتقادی

عناصر و عوامل فرهنگی، زمانی اثر مثبت در پی دارند که به ارزش تبدیل شوند و حالت ارزش بودن خودشان را حفظ کنند. در این صورت، آنها انگیزه های قوی و واکنش های اثرگذاری را در رفتار افراد ایجاد می کنند. وقتی مجموعه عناصر فرهنگی، به صورت منظم و پویا، واکنش های سازنـده ای را برای افراد ارائه کرد، این کار سبب ایجاد دگرگونی در همه عرصه های اجتماعی، از جمله فعالیت های اقتصادی می شود. از این رهگذر، فرهنگ درست زمینه حرکت به سوی تعالی را در جامعه فراهم می سازد، اما اگر این ویژگی از عناصـر فرهنگی گرفته شود، کم کم رکود و سـستی و تن آسـایی و شانه خالی کردن از مسـئولیت های فردی و اجتماعی شیوع پیدا می کند. در نهایت، فرهنگ به صورت یک مانع بزرگی در برابر هرگونه تحول و دگرگونی سازنده در می آید.

با توجه به این نکات، عامل برخی عقب مانـدگی ها و حـداقل مانع بسـیاری از حرکت های سازنده در عرصه فعالیت های اقتصادی، از جمله کار و

ص: ۱۴۳

سرمایه گذاری و افزایش تولید، پیدایش برخی اندیشه های نادرست یا ایجاد تحریف در معنی بعضی موضوع های اسلامی یا به فراموشی سپرده شدن ارزش های اصیل اسلامی است.

وقتی سخن از ضرورت توجه به کار و سرمایه گذاری و افزایش تولید به میان می آید، بلافاصله این دغدغه ها به صورت سلسله نگرانی هایی مطرح می شود. آیا پرداختن به این امور، دنیادوستی نیست؟ آیا سرگرم شدن به این امور، با زهد و قناعت سفارش شده در آموزه های دینی، هم خوانی دارد؟ چگونه این کار با وجود نکوهش درباره ثروت اندوزی، قابل جمع است؟ مسئله تقدیر رزق و روزی و توکل به خدا چه می شود؟ و ده ها سؤال دیگر... .

دیدگاه ارزشی هر مکتب اجتماعی، درباره مفاهیم گفته شده، سازنده پیکره اصلی فرهنگ اقتصادی آن مکتب است که در پی آن، رفتارهای اقتصادی خاصی در عرصه های مختلف کار و تولید و سرمایه به مردم و مسئولان القا می شود که پیشرفت یا عقب ماندگی جامعه با آن رقم می خورد. از جمله نارسایی های موجود در جوامع اسلامی، وجود برداشت های ناصواب درباره این موضوع هاست که برای تحقق پیشرفت در عرصه های اقتصادی، لازم است این برداشت اصلاح شود.

آیت الله مطهری رحمه الله در بررسی علل عقب ماندگی جوامع اسلامی، تصریح می کند که نوع داوری و برداشت نادرستی که مسلمانان از مفاهیمی همانند تقدیر الهی، اعتقاد به آخرت و تحقیر دنیا، زهد و توکل و قناعت پیدا کردند، یکی از عوامل عقب ماندگی جوامع اسلامی از پیشرفت علمی، فنی و اعتقادی و... به شمار می آید.(۱)

۱- احمدعلی یوسفی، نظام اقتصاد علوی، ص۱۴۴.

ص: ۱۴۴

چگونه تمدن بزرگ اسلامی با وجود آن همه عظمت، به انحطاط علمی و فنی دچار شد؟ این پرسش را می توان از زوایای مختلف، تحلیل و بررسی کرد. یکی از پاسخ ها می تواند این باشد که شیوع برخی برداشت های نادرست از مفاهیم گفته شده، مانعی در راه پرداختن به فعالیت های اقتصادی، از جمله کار و تولید، زمینه ساز بسیاری از عقب ماندگی هاست. اولین و مهم ترین گام در راه تلاش برای پیشرفت، اصلاح دیدگاه افراد درباره این قبیل از مفاهیم و تبیین معنای درست آنهاست که در ادامه به آنها اشاره می کنیم:

الف) تبیین مفهوم تقدیر روزی انسان

الف) تبیین مفهوم تقدیر روزی انسان

در آیات مختلف و نیز روایات فراوانی، تصریح شده که روزی هر کس را خداوند تعیین کرده است: «ان الله هو الرزاق؛ خداوند روزی رسان است.» (ذاریات: ۵۸) «إِنّ رَبّک یَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ یَشاءُ وَ یَقْدِرُ؛ پروردگار تو در رزق و روزی هر کس که بخواهد گشایش می دهد یا تنگ می گیرد.» (اسرا: ۳۰)

در روایتی امیر مؤمنان، علی(ع) می فرماید: «بهره هر کسی، همچون قطره های باران است که از آسمان به زمین فرود می آید، به هر کس هر اندازه که سهم اوست (کم یا زیاد) می رسد.»(۱) ایشان در جای دیگری می فرماید:

(خداوند) روزی انسان ها را مقدر ساخت و آن گاه آنها را زیاد و کم و به تنگی و فراخی عادلانه، تقسیم کرد تا هر کس را که بخواهد، به وسعت روزی یا تنگی آن بیازماید و از طریق سپاسگزاری و شکیبایی توانگر و تهی دست را آزمایش کند.(۲)

متأسفانه ناآشنایی با شیوه های استفاده از آیات و روایات یا تحت تأثیر القائات نادرست عمدی برخی افراد مغرض، عده ای با تمسک به این گونه از

۱- نهج البلاغه، خطبه ۲۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۹۱.

ص: ۱۴۵

آیـات و روایات معتقـد شـده انـد، فعالیت های اقتصادی در توسـعه و رشـد و رفاه جامعه و افزایش روزی افراد نمی توانـد اثر داشـته باشـد؛ چرا که خداونـد پیشـاپیش این امـور را تعیین کرده است. بـدیهی است، رواج چنین دیـدگاهی، راه را بر هر نوع پیشـرفت، از جمله پیشرفت های اقتصادی می بندد.

بنابراین، ضـرورت دارد از راه ارائه تفسـیر درست این قبیل از آیات و روایات و نشان دادن منشأ خطای صاحبان این برداشت ها، این موانع را از سـر راه برداشت. بر این اساس، پس از بررسـی دقیق موضوع معلوم می شود که پیـدایش چنین دیـدگاه های نادرستی، به این دلایل شکل گرفته است:

۱. بی توجهی به این نکته که چنین دیدگاهی سر از جبر درمی آورد، در حالی که بر طبق آموزه های اسلامی جبری در کار نیست، وگرنه تکلیفی متوجه انسان، و کیفر و عقابی نسبت به اعمال آدمی مطرح نمی شد.

۲. بی دقتی در معنی این روایـات. برای مثال، اگر گفته شـده، روزی بنـدگان را از راه هایی که هیـچ گمانش را نمی برنـد،(۱) «من حیث لایحتسب» می دهد(۲) یا روزی هر کس از طرف خدا تعیین شده است.(۳)

این قبیل روایات، نه تنها با کار و تلاش منافاتی نـدارد، بلکه با توجه به روایات دیگری که در این باره نقل شـده است، اصولاً کار و تلاش یکی از علل تعیین و تحصیل روزی مقدر است. امام علی(ع) فرموده است: «لکل

۱- غررالحکم و دررالکلم، ج۲، ص۵۳۹.

۲- تاریخ نشان می دهد، سران بنی امیه به عمد از راه تمسک به اموری چون قضا و قدر و ارائه برداشت های نادرستی از بسیاری از معارف اسـلامی، سعی در منحرف کردن مردم داشتند و با این کار درصدد تحکیم پایه های حکومت خود بودند، چون اگر مردم با معانی درست این معارف آشـنا می شدند، هرگز به قبول حکومت آنها و پیروی از سـیاست هایشان تن نمی دادند... . اسـتاد مطهری نقل کرده است: «در زمان امویان... هر وقت شـکایتی از زبان کسـی در مورد اعمال حکومت در می آمد، طرفداران حکومت آن را حواله به تقـدیر کرده و می گفتنـد: آنچه می شود، مقـدر و مرضـی خداونـد است و نباید اعتراض کرد». (مجموعه آثار، ج۱، صص ۳۷۵ و ۳۷۶)

۳- مجموعه آثار، ج۱، ص۳۴.

ص: ۱۴۶

شیء سبب؛ هر چیزی سبب و علتی دارد.»(۱) امیر مؤمنان، علی(ع)، درباره ارزاق تصریح کرده است: «قَدْ تَکفَّلَ لَکُمْ بِالرِّزْقِ وَ امُرتُم بِالعَمَلِ...؛ خداوند روزی شما را بر عهده گرفته و شما را بر تلاش فرمان داده است.»(۲) بنابراین، انسان بایـد روزی مقدر را از راه کوشش به دست آورد.

۳. غفلت از دستورهای قرآن و اهل بیت علیهم السلام درباره کار و تلاش. در قرآن برای انجام عمل صالح تأکید شده است و اهل بیت علیهم السلام به ارتزاق از کدّ یمین (دست رنج) سفارش کرده انـد. همچنین سیره عملی آنان هم مؤید این واقعیت است که آنها بیش از دیگر مردم، در به دست آوردن روزی کوشش می کردنـد و هرگز دیـده نشـده است که بـدون انجام کار، امید دست یابی به درآمدی داشته باشند. بنابراین، اعتقاد به مقدر بودن روزی، هرگز سبب کوتاهی در کار و تلاش نمی شود.

ب) تبیین مفهوم توکل

ب) تبیین مفهوم توکل

به نظر گروهی از افراد، برخی آیات و روایات وارد شـده درباره توکل ماننـد «وَ مَنْ یَتَوَکلْ عَلَی اللّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ؛ هر کس به خـداوند توکل کنـد خداونـد برای او کفایت می کنـد.» (طلاق: ۳) «لَوْ تَوکَّلْتُم عَلی الله حَقّ تَوکلِهِ لَرَزَقُکْم کَما یَرزقُ الطیرَ؛(۳) اگر شـما به صورت شایسـته بر خداوند توکل کنید، خداوند روزی شـما را تضمین می کند، همان گونه که به پرنده روزی می دهد.»، به تحمل رنج کار و تلاش، نیازی نیست. همین قدر که انسان توکل به خداوند داشته باشد، مشکلاتش حل می شود.

بـدیهی است، چنین برداشت هـای نـادرستی در درک نکردن معنای درست توکل در فرهنگ اسـلامی ریشه دارد، با دقت در موارد توصیه به توکل درمی یابیم، معمولاً توکل در جایی مطرح می شود که تشویق به عمل هم

۱- میزان الحکمه، ج۲، ص۱۲۳۲، ح۸۱۶۸.

۲- نهج البلاغه، خطبه۱۱۴.

۳- مستدرک الوسائل، ج۱۱، ص۲۱۷، ح۱۲۷۸۹.

ص: ۱۴۷

هست. به گفته استاد مطهری رحمه الله ، توکل در قرآن مفهومی حماسی و زنده دارد. هرجا قرآن خواسته است بشر را وادار به عمل کند و ترس ها و بیم ها را از او دور سازد، می گوید: «نترس و به خدا توکل کن و تکیه ات به خدا باشد... .»(۱) ایشان در جای دیگری نیز می نویسد:

توکل تضمین الهی است، برای کسی که همیشه حامی و پشتیبان حق است. مثلاً شما از مغازه ای متاعی را خریداری می کنید و صاحب مغازه مرغوبیت آن را تضمین نموده، به شما اطمینان می دهد. راه حق هم چیزی است که انبیا آن را از طرف خدا شناسانده و آن را تضمین کرده اند که هر کس این راه را برود به نتیجه می رسد... معنای توکل این نیست که کاری نکنید... و به خدا اعتماد کنید که به جای شما وظیفه تان را انجام می دهد. کار نکردن و راه نرفتن که تضمین نمی خواهد.(۲)

بنابراین، توکل به معنای حقیقی اش، هرگز سبب دست کشیدن از کار و تلاش نمی شود و هرگز موجب رواج تنبلی و سستی نمی گردد، بلکه سبب افزایش امید انسان در برداشتن گام های بزرگ می شود، چون از راه توکل انسان تکیه گاه بزرگی چون خداوند را پشتوانه کار خود می یابد و از دچار شدن به نگرانی در امان می ماند. علاوه بر این، در برخی روایات، به صورت صریح این برداشت نادرست از توکل نکوهش شده است.

نقل می کنند که «روزی امیر مؤمنان، علی(ع) به گروهی برخورد کرد که ساکن مسجد شده و دست از کار و تلاش کشیده بودند. حضرت از ایشان پرسید: شما چه کسانی هستید؟ پاسخ دادند: ما اهل توکل هستیم. حضرت

۱- مرتضی مطهری، حق و باطل، صص۱۲۳ و ۱۲۴.

۲- مرتضی مطهری، بیست گفتار، صص ۱۳۷ و ۱۳۸.

ص: ۱۴۸

می فرماید: این طور نیست، بلکه شما سر بار مردم هستید. اگر شما اهل توکل هستید، این توکل شما چه سودی به حالتان دارد؟ آنها پاسخ دادند: فایده توکل ما این است که چون چیزی بیابیم، می خوریم و زمانی که چیزی پیدا نکنیم بردباری پیشه می کنیم. امام علی(ع) ضمن نکوهش آنها فرمود: نزد ما سگان نیز چنین کنند».(۱)

نظیر این کلام از رسول اکرم صلی الله علیه و آله هم نقل شده است. در این گونه از روایات با برداشت نادرست از معنای توکل برخورد شده است تا کسی به بهانه توکل به خدا، به تنبلی و کوتاهی در تلاش تن ندهد.

ج) تبیین مفهوم زهد و قناعت

ج) تبیین مفهوم زهد و قناعت

زهد و قناعت، دو مفهوم دیگری هستند که چه بسا تصور شده است، رعایت آن دو با تلاش برای تحصیل ثروت و سرمایه و افزایش تولید، هم خوانی ندارد، ولی با دقت به مفهوم درست زهد و قناعت در آموزه های اسلامی، معلوم می شود که این قبیل برداشت ها، در نشناختن مفهوم واقعی زهد و قناعت ریشه دارد. زهد در برابر حبّ دنیا مطرح است، یعنی وقتی انسان به مقام زهد دست می یابد که حب دنیا از قلبش بیرون رود. اما قناعت در برابر حرص به دنیاست. بر این اساس، لازمه دست یابی به مقام زهد، قانع بودن است و به اصطلاح قناعت زمینه ساز زهد است. ازاین رو، اگر شبهه مربوط به زهد پاسخ داده شود، در حقیقت، شبهه موجود درباره قناعت هم خود به خود برطرف خواهد شد. به هر حال، عده ای گمان کرده اند دعوت به زهد با تشویق به تلاش برای رشد و توسعه امور اقتصادی، یعنی ترغیب به کار و سرمایه گذاری و تلاش برای تولید، منافات دارد. وقتی حضرت علی(ع)

۱- مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۲۱۷، ح ۱۲۷۹۸.

ص: ۱۴۹

می فرماید: «اِنَّکَ لَنْ تَخلُقَ لِلدُّنْیا فَازَهَد فِیها وَ اَعرَضَ عَنْها؛ ای انسان تو برای دنیا آفریده نشده ای. بنابراین، به دنیا بی میل باش و از آن دوری کن.»(۱) یا آنجا که حضرت به نوفی می فرماید:

ای نوف! خوشا به حال زاهدان در دنیا و دل بستگان به آخرت! آنان مردمانی هستند که زمین را سفره، خاک را بستر، آب را عطر، قرآن را شعار و دعا را ورد زبان قرار داده اند. آن گاه دنیا را به روش مسیح از خود دور ساخته اند.(۲)

گمان شده است، با وجود این گونه از آموزه ها، هیچ گاه جامعه به رشد و توسعه اقتصادی نخواهد رسید. اگر در مجموعه روایات مربوط به زهد بیشتر تأمل شود و تنها به برخی از آنها بسنده نشود، درمی یابیم از روایات، زهد تعریف شده است. برای نمونه، حضرت علی(ع) می فرماید: «اَصلُ الزهدِ حُسنُ الرَغبَه فیما عِندَاللهِ؛ اساس زهد، رغبت نیکو به آنچه نزد خداست».(۳)

بر اساس آنچه خدا در قرآن می فرماید: «ما عِنْدَکمْ یَنْفَدُ وَ ما عِنْدَ اللّهِ باقٍ؛ آنچه نزد شماست، فانی می شود، ولی آنچه نزد خداست، باقی و پایدار است»، (نحل: ۶۰) زاهد کسی نیست که فقط بی رغبت به دنیا باشد، بلکه باید به نعمت های آخرت علاقه مند و شیفته هم باشد. به عبارت دیگر، زاهد کسی است که به جهت دلدادگی به آخرت و نعمت های جاویدان به دنیا بی اعتناست.

حضرت در جایی دیگر می فرماید: «ای مردم! زهد، کوتاه کردن آرزو و شکرگزاری نعمت ها و پرهیز از حرام است.»(۴) ایشان در کلام دیگری باز می افزاید:

۱- ۱. عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، شرح خوانساری، ج۳، ص۵۷، ح۳۸۱۱.

۲- نهج البلاغه، حکمت۱۰۴، ص۳۷۶.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج۲، ص۴۱۵، ح۳۰۸۶.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۸۱.

ص: ۱۵۰

همه زهـد در یک جمله قرآن است که خداوند می فرماید: «تا بر آنچه از دسـتتان، رفته، غمگین نشوید و به آنچه به شـما داده شده، شادمان و دلـداده مباشـید.» هر کس که بر گذشـته تأسف نخورد و به آنچه بر وی روی می آورد، شادمان نباشد، زهد را به صورت کامل به دست آورده است.(۱)

امام صادق(ع) نیز می فرماید: «زهد در دنیا به نابودی مال یا حرام شـمردن حلال خدا نیست، بلکه آن است که اعتمادت به آنچه در اختیار داری، در مقایسه با آنچه در دست خداست، بیشتر نباشد».(۲)

با جمع بندی روایاتی درباره زهد، می توان دریافت، زاهد کسـی است که شیفته و دلبسته دنیا نیست و آرزوهای بلند دنیایی ندارد و در برابر نعمت ها شاکر است و از دست دادن نعمت، غمگین و به دست آوردن آن، خوشـحالش نمی کنـد و به مقدار نیاز و در حد کفاف، از نعمت ها بهره برداری می کند و دل باخته آخرت و نعمت های اخروی است.

با این وصف، وی سودپرست و لذت دوست نیست، ولی این دلالت ندارد که وی مخالف رشد و توسـعه اقتصادی و افزایش سرمایه و تولید است، بلکه وقتی معنای زهد، اکتفا به حد نیاز و متعارف باشد، نتیجه میانه روی در مصرف، به ضمیمه نکوهشی که از کنز و ثروت انـدوزی در آموزه های دینی شده است، زمینه را برای پس انداز و سـرمایه گذاری در عرصه تولید فراهم می آورد. می دانیم که تولید بیشتر سـبب برآورده شدن نیاز هم نوعان می گردد که مصداق آخرت گرایی است؛ زیرا برآوردن نیاز هم نوعان در بینش اسلامی، نوعی عبادت است و انسان زاهد، شیفته آخرت.

۱- نهج البلاغه، حکمت ۴۳۹.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۶، ص۱۵، ح۱۳.

ص: ۱۵۱

این نوع زهـدگرایی سـبب می شود جامعه زهـدگرا از مصـرف زیاد بکاهـد و مازاد مصـرف و پس انـدازش در راه تولید و خدمات مورد نیاز جامعه به کار گیرد و از این راه، طرح های بزرگ تولیـدی را راه انـدازی کنـد. بنابراین، زهـدورزی با رشد اقتصادی هیچ گونه منافاتی ندارد. باید گفت رشد اقتصادی که به کمک آن همگان بتوانند از امکانات اقتصادی جامعه بهره مند شوند، تنها از راه توسعه این فرهنگ زهدگرایانه میسر است.

ممکن است گفته شود این شـیوه در نهایت به انباشت تولیـد می انجامـد و روحیه زاهـدانه مردم سـبب خواهـد شـد، مازاد تولید دور ریخته شود که این اسـراف به شـمار می آیـد. معنای زهـد و روش زاهدانه، زندگی کردن به این معنا نیست که اگر تولیدات فراوان شـد و همه مردم از حـداقل امکانات زندگی بهره مند شدند، حق نداشـته باشـند از امکانات بیشتر اسـتفاده کنند، بلکه باید وضـعیت اقتصـادی هر زمان و وضع عمومی مردم را در نظر گرفت. ازاین رو، در زمان رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و امام علی(ع)، وضـع اقتصادی مردم بسیار نامناسب بود. ازاین رو، سطح زندگی آنها همانند عموم مردم و پایین تر از آنها بود، ولی وقتی وضع تغییر یافت و نوع زندگی مردم بهتر شد، شیوه بهره برداری از نعمت ها نیز تغییر کرد. بر این اساس، وقتی عباد بن کثیر بصری، به امام صادق(ع) اعتراض می کند که جد شما لباس ساده می پوشید، شما چرا لباس خوب پوشیده اید؟ حضرت در پاسخ وی می فرماید:

علی(ع) در زمانی زنـدگی می کرد که لباسـش مناسب همان زمان بود. اگر مثل آن لباس در این زمان بپوشـیدیم، مردم می گویند: این شخص ریاکارانه خود را عابد نشان می دهد.(۱)

۱- کافی، ج۶، ص۴۴۳، ح۹.

ص: ۱۵۲

بنابراین، زهد و قناعت، مانع رشد و توسعه اقتصادی نیست و سبب رکود تلاش در عرصه های کار و سرمایه و تولید نمی شود؛ زیرا «اِنَّ اللّهَ جَمِیلٌ یُحبُّ الجَمالَ وَ یُحبُّ انَ یری اَثَر النِّعمهِ عَلی عَبدِهِ؛ خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و نیز دوست دارد اثر نعمت را بر بنده اش ببیند».(۱)

هیچ فرد عاقلی نمی پذیرد خداوند انواع نعمت ها را بیافریند، اما بندگانش را از بهره برداری از آنها محروم سازد، بلکه باید گفت در صورت نبود مانع، مؤمنان در مقایسه با دیگران در بهره برداری از نعمت ها از اولویت برخوردارند. با توجه به این حقیقت، امام صادق(ع) به سفیان ثوری فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله در زمان تنگ دستی و سختی به سر می برد و متناسب با آن شرایط، از نعمت ها برخوردار بود، اما بعد از آن دنیا رو به فزونی آورد (وضع اقتصادی جامعه بهتر شد) و سزاوارترین اهل دنیا به نعمت های آن، نیکان دنیا هستند.» سپس با استشهاد به آیه ای از قرآن کریم که می فرماید: «بگو چه کسی زینت الهی را که خداوند آفریده و نیز روزی های پاکیزه را حرام کرده است» فرمود: «ما سزاوارترین کسانی هستیم که از نعمت هایی که خداوند عطا فرموده است، استفاده کنیم».(۲)

از آنچه گفته شد، تعارض ظاهری موجود بین روایاتی که به نکوهش دنیا و ثروت می پردازند با روایاتی که به کار و تلاش برای کسب روزی تشویق می کنند، بر طرف می شود. چون آنچه مذموم است، هدف قرار گرفتن دنیاست. ازاین رو، هیچ وقت نباید دنیا و مظاهر آن را هدف نهایی فعالیت های اقتصادی قرار داد، اما تلاش برای تحصیل دنیا و مظاهر آن برای فراهم سازی زمینه کسب آخرت، نه تنها امر مطلوب و پسندیده ای است، بلکه عبادت هم به شمار می آید. انسانی که دنیا و امکانات آن را همانند پل و

۱- میزان الحکمه، ج۲، ص۷۷۲.

۲- میزان الحکمه، ج۲، ص۴۴۲، ح۸.

ص: ۱۵۳

ابزاری برای دست یابی به کمالات و زندگی جاویدان اخروی دید، هدفش از کار و تولید، منحصر در رفع نیازهای مادی و دنیوی نمی شود، بلکه به رفع نیاز دیگر انسان ها، اعم از خویشاوندان یا برادران دینی و همه بشریت توجه می کند؛ زیرا بر اساس آموزه های اسلامی، اعتقاد دارد از این طریق به هدف غایی، یعنی کمال معنوی و زندگی سعادتمند ابدی دست می یابد. در این گونه نگرش، دیگر کار و سرمایه گذاری برای تولید بیشتر، پایانی ندارد. چون کمال آدمی بی نهایت است و به هر اندازه که در رفع نیاز دیگران، چه از راه تولید یا کار و انجام خدمات بیشتر کمک کند، به همان میزان بر کمال معنوی و ارتقای منزلت واقعی و سعادت ابدی خود افزوده است. پس این نوع از رویکرد به دنیا، یکی از راه های بسیار مهم در توجه به فعالیت های اقتصادی و تلاش در راستای رشد و توسعه آن است.

۲. ترویج و تبیین دیدگاه اسلام در زمینه فعالیت های اقتصادی

اشاره

۲. ترویج و تبیین دیدگاه اسلام در زمینه فعالیت های اقتصادی

اسلام به عنوان یک برنامه کامل هدایت بشر، به تمام ابعاد زندگی انسان توجه کرده است و در هر زمینه طرح و برنامه خاصی دارد. آشنایی با نظام اقتصاد اسلامی و مجموعه رهنمودهایی که اسلام درباره فعالیت های اقتصادی دارد، بسیار ضروری است. تنها از راه دست یابی به الگوی اقتصاد اسلامی است که بشر می تواند از نابسامانی های ناشی از به کارگیری اقتصاد سرمایه داری و سوسیالیستی نجات یابد؛ چرا که این نظام، بر اساس خواست افراد نیست، بلکه بر اساس نیازهای واقعی انسان و اقتضائات و قوانین و مقررات حاکم بر نظام هستی، طراحی شده است، اما متأسفانه غفلت مسلمانان و حاکمیت طاغوت ها در طول تاریخ و نفوذ فرهنگ و ملاک های مورد نظر قدرت های مسلط جهانی، آموزه های اسلامی به فراموشی سپرده شده است.

ص: ۱۵۴

اینک ضرورت دارد در روند احیای تمدن اسلامی که با پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شده است، مجموعه آموزه های اقتصادی اسلام در قالب طرحی منسجم ارائه شود و از راه تحقق اهداف مورد نظر آن، زمینه برای حاکمیت نظام اقتصاد اسلامی فراهم شود. پیش نیاز این امر مهم، آشنایی با جنبه های گوناگون آموزه های اقتصاد اسلام است. این کار می تواند در تصحیح نوع نگرش افراد جامعه، به مقولاتی چون کار و سرمایه گذاری و تولید بسیار اثرگذار باشد و انگیزه آنها را در برطرف سازی مشکلات اقتصادی جامعه تقویت سازد و آنان را به تلاش در عرصه های رشد و توسعه اقتصادی تشویق کند. از این دیدگاه می توان به موضوعات بسیاری پرداخت و با در نظر گرفتن هدف این نوشته، به بیان چند مورد بسنده می شود.

الف) کار در اسلام

الف) کار در اسلام

کار و تلاش در آموزه های اسلامی، جایگاه والایی دارد. نیل به تمام اهداف از راه تلاش میسر می شود. از مجموعه رهنمودهای وارد شده در زمینه کار چنین به دست می آید که:

یک آفرینش جهان و انسان به گونه ای انجام شده است که انسان از طریق کار و تلاش به خواست های خود دسترسی پیدا کند. در قرآن کریم می خوانیم: «خداوند شما را از خاک آفریده و شما را برای آباد سازی آن گماشته است.»(۱) همچنین امام سجاد(ع) می فرماید: «سپاس خداوندی را که... در بدن ما اندام هایی را که برای کار کردن لازم است آفرید.»(۲) خداوند در قرآن کریم نیز می فرماید: «از جمله رحمت های خداوند اینکه... روز را آفرید تا در آن به جست وجوی نعمت های او برخیزید».(۳)

۱- «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا». (هود: ۶۱)

۲- «... اثبتَ فِينا جَوارحَ الاعمالِ.» صحیفه سجادیه، دعای اول، ص۳۹.

۳- «... وَلِتَبْتَغُوا مِن فَضْلِهِ...». (قصص: ۷۳)

ص: ۱۵۵

امام سجاد(ع) می فرماید:

سپاس خدا را که شب و روز را با قدرت خویش بیافرید... روز را روشن ساخت تا به جست وجوی نعمت او بپردازند و راه نان درآوردن را پیدا کنند و به دنبال سامان بخشی امور خود باشند و آنچه را در این دنیا به آن نیاز دارند و آنچه را در آن دنیا به کارشان خواهد آمد، بطلبند.(۱)

دو انسان ها را تشویق می کند از دست رنج خود ارتزاق کنند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «...از حاصل آنچه با دست خود انجام داده اند، بخورند.» (یونس: ۳۵) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «کُلوا مِن کَدّ ایدِیکُم؛ از دست رنج خود رزق و روزی بخورید».(۲)

ایشان، کسانی را که با دست رنج خود زندگی شان را اداره می کنند، جزو پیامبران الهی به شمار آورده و آنها را بهره مند از پاداش دانسته است(۳) و تصریح می فرماید این قبیل افراد، مشمول رحمت خداوند هستند و از عذاب در امان خواهند بود.(۴)

سه تلاشگران برای تأمین زندگی خود و خانواده شان، در زمره جهادگران در راه خدا هستند. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «الکادُّ علی عِیالِهِ کالمجُاهِدِ فِی سبیلِ اللهِ؛ کسی که برای تأمین زندگی عیال خود زحمت می کشد، همچون مجاهد در راه خداست.»(۵) همچنین در کلامی از امام رضا(ع)، پاداش چنین شخصی بیشتر از پاداش مجاهد در راه خدا دانسته شده است.(۶)

۱- «الحمدلِلهِ الذّی خَلقَ اللیلَ وَ النهارَ بِقُوَّتِهِ... خلق النهارَ مَبصراً لِیبتغُوا فِیهِ مَنْ فَضْلِهِ... .» صحیفه سجادیه، دعای ششم، صص۶۸ و ۶۹.

۲- بحارالانوار، ج۶۶، ص۳۱۴.

۳- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۱۷.

۴- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۱۷.

۵- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۲۴.

۶- «اعظمُ اجراً مِنْ المجاهدِ فِی سبیلِ اللهِ.» تحف العقول، ص۳۲۸.

ص: ۱۵۶

چهار امام باقر(ع) می فرماید: «حضرت موسی(ع) به خدا گفت: پروردگارا از کدام یک از بندگانت بیشتر نفرت دارید؟ خداوند فرمود: کسی که شب هنگام چون مردار است (تا صبح در بستر می افتد) و روز را با بی کاری به سر می برد.»(۱) امام کاظم(ع) می فرماید: «خداوند از بنده پرخواب، بیزار است و از بنده بی کار، متنفر».(۲)

پنج امام صادق(ع) می فرماید: «کسی که بار زندگی خود را به دوش دیگران بنهد، ملعون است.»(۳) نقل می کنند وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله از ظاهر کسی خوشش می آمد، بلافاصله از کار او می پرسید. اگر می گفتند کار ندارد، می فرمود: «از چشمم افتاد.» وقتی دلیل آن را پرسیدند، جواب می داد: «چون اگر مؤمن کار و شغلی نداشته باشد، با دینش زندگی می کند (به نام دین سر بار دیگران می شود)».(۴)

فردی حضور امام صادق(ع) آمد و عرض کرد: از من بر نمی آید که با دست خود کار کنم و نیز نمی توانم به کسب و بازرگانی بپردازم. من فردی بدبخت و نیازمندم. امام فرمود: «کار کن و با سر خود برای این و آن بار ببر، تا خود را از مردم بی نیاز سازی».(۵)

شش عبادت در فرهنگ اسلامی، بالاترین ارزش ها به شمار می آید و کار جزو عبادات افضل است. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «العبادهُ تسعونَ جزءاً افضلُها طلبُ الحَلالِ؛ عبادت هفتاد جزء است که افضل آنها، کار و تلاش برای کسب روزی حلال است».(۶)

۱- بحارالانوار، ج۷۶، ص ۱۸۰.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۳۷.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۸.

۴- مستدرک الوسایل، ج۲، ص۴۱۵.

۵- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۲۳.

۶- سیری در اررش کار و کارگر، ص۲۷.

ص: ۱۵۷

وقتی از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال می شود: کدام کسب انسان پاکیزه تر است؟ می فرماید: «کار کردن او با دستش.»(۱) در روایتی دیگر، طلب کردن روزی حلال را بر همه انسان ها، اعم از زن و مرد، فریضه و عملی واجب معرفی می کند.(۲)

ب) برادری مؤمنان در اسلام

ب) برادری مؤمنان در اسلام

اسلام، افراد جامعه اسلامی را برادران ایمانی یکدیگر معرفی می کند. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ؛ همانا مؤمنان با هم برادرند». (حجرات: ۱۰)

از این رهگذر، مؤمنان نسبت به همدیگر حقوقی دارند. در جامعه ای که اعضای آن برادر یکدیگر به شمار می آیند، امکان ندارد افراد نسبت به وضع همدیگر بی تفاوت باشند. برای نمونه، در حالی که عده ای در مشکلات اقتصادی دست و پا می زنند، ممکن نیست عده ای دیگر در انواع نعمت ها غرق باشند و به هر نوع عیش و نوش مشغول باشند که دلشان می خواهد. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

مسلمان، برادر مسلمان است. به او ستم روا نمی دارد و او را تسلیم (حوادث) نمی کند. هر کس در پی برآوردن نیاز برادرش باشد، خدا نیاز او را بر می آورد و هر کس اندوهی را از مسلمانان دور کند، خدا در مقابل، اندوهی را از اندوه های روز قیامت از او دور خواهد کرد و هر کس مسلمانی را بپوشاند، خدا در قیامت او را خواهد پوشاند.(۳)

۱- مجمع البیان، ج۲، ص ۳۸۰.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۹.

۳- مجمع البیان، ج۹، ص۱۳۴.

ص: ۱۵۸

امیر مؤمنان، علی(ع) با اشاره به حقوق برادری دینی، چنین می فرمایـد: «لایشـبعُ المؤمنُ وَ اخوُهُ جائعٌ؛ مؤمن در حالی که برادر دینی اش گرسنه است به سیر بودن راضی نمی شود».(۱)

امام صادق(ع) نیز می فرماید:

مسـلمان برادر مسـلمان است و حق مسـلمان بر برادر مسـلمانش این است که اگر برادرش گرسنه باشد، او سیر نخورد و اگر برادرش تشـنه است، سـیراب نشود و هرگـاه برادرش جامه نـدارد، جامه (زیاد) نپوشـد. پس حق مسـلمان بر برادر مسـلمانش، چه حق بزرگی است.(۲)

بر اساس این روایات، بایـد بین مؤمنان الفت و مهربانی حاکم باشد که در مشـکلات زندگی، پشتیبان و حامی یکدیگر باشـند و اگر یکی از آنها یا گروهی از آنان دچار مشکل شدند، بقیه وارد میدان شوند و برای حل مشکل و گرفتاری او چاره اندیشی کنند.

وقتی از امـام صـادق(ع) پرسـیدند: کمترین حق مؤمن بر برادرش چیست؟ حضـرت فرمود: «اینکه چیزی را که او به آن بیشتر نیازمند است، نزد خود نگاه ندارد».(۳)

با توجه به این گونه روایات، چگونه ممکن است وقتی برادران دینی، نیازمنـد به سـرمایه گـذاری و تولید بیشتر باشـند، افرادی بدون توجه به نیاز آنان، به جمع آوری و انباشت سرمایه، سرگرم باشند. ازاین رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «لیسَ بمؤمنٍ مَنْ شبعانُ و جارُهُ طاویاً؛ کسی که سیر بخوابد، در حالی که همسایه او گرسنه باشد، مؤمن نیست».(۴)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص۳۴۸؛ الحیاه، ج۵، ص۱۳۹.

۲- سفینه البحار، ج۱، ص۱۳.

۳- بحارالانوار، ج۷۴، ص۳۹۱.

۴- مکارم الاخلاق، ص۱۵۷.

ص: ۱۵۹

امام صادق(ع) نیز با اشاره به چگونگی تعامل مؤمنان با همـدیگر چنین می فرماید: «المؤمنُ اخو المؤمنِ کالجَسدِ الواحِد، اِن اشـتکی شیئاً مِنْهُ وَجِدَ اَلَم ذلکَ فی سائِرِ جَسَدِهِ؛ مؤمن برادر مؤمن است، همچون تن واحد که اگر جایی از آن به درد آید، همه تن دردمند می شود».(۱)

اگر مؤمنان به این وظیفه عمل کنند، لحظه ای از حال یکدیگر غافل نمی شوند و تا فقیری در جامعه اسلامی وجود دارد، نه دست از کـار می کشـند و نه سـرمایه ای برای خود می اندوزنـد، بلکه پس از شـناسایی راه برطرف شـدن مشـکلات اقتصـادی، بـا همکـاری همدیگر آن را عملی می سازند، اگر این مشکل ناشی از نبود ابزار باشد، به تهیه آن اقدام می کنند یا اگر به دلیل نبود سرمایه باشد، سرمایه اش را در آن مسیر به کار می اندازند.

ج) مواسات در اسلام

ج) مواسات در اسلام

مواسـات، یکی از اصول مهم روابـط اسـلامی است. مواسـات یعنی دیگری را در مـال خویش شـریک قرار دادن، به گونه ای که هر گونه، خود او از مالش اسـتفاده می کند، دیگری نیز در آن تصرف و از آن بهره برداری کند. گفته شده است، وقتی مواسات شکل می گیرد که شـخص به اندازه کفاف خود داشته باشد، نه بیشتر و دیگری را در همان مقدار کفاف شریک سازد، ولی اگر افزون از اندازه کفاف داشت و از آن مال افزون به کسی داد، این مواسات نیست.(۲)

طبق آموزه های اسـلامی، مؤمن حقیقی کسـی است که به مواسات پای بنـد باشد. امام صادق(ع) از رسول خدا صـلی الله علیه و آله روایت کرده است: «هر کس به فقیر مواسـات کنـد (او را در مـال خود شـریک نمایـد) و داد مردم را از خود بسـتاند، مؤمن راسـتین است».(۳)

۱- الحیاه، ج۵، صص۱۷۲ و ۱۷۳.

۲- الحیاه، ج۵، صص۱۵۶ و ۱۵۷.

۳- اصول کافی، ج۲، ص۱۴۷.

ص: ۱۶۰

امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید: «بهترین برادران (دینی) تو کسی است که با تو به مواسات رفتار کند. (تو را در مال خود شریک سازد) و بهتر از او کسی است که تو را از دیگران بی نیاز سازد.»(۱) آن حضرت در روایت دیگری فرموده است: «برترین مرتبه جوان مردی، و مواسات با برادران دینی، یعنی مال بخشیدن به آنهاست و همانند ایشان زندگی کردن است».(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله در توصیف آثار رعایت اصل مواسات می فرماید:

هر کس برادر برهنه خود را بپوشاند، خداوند لباس بهشتی بر او خواهد پوشاند... آن کس که برادر گرسنه اش را خوراک دهد، خدا از خوراک های پاکیزه بهشتی به او خواهد داد و کسی که تشنه ای را سیراب کند، خداوند از رحیق مختوم بهشتی، به او خواهد نوشاند تا سیراب شود... هر کس برادر مؤمن خویش را بر مرکب خود سوار کند، خدا او را بر مرکبی از مرکب های بهشتی سوار خواهد کرد و کسی که برای برادر دینی خویش، همسری تهیه کند و او را از تنهایی نجات بخشد... خداوند از حوریان بهشتی بر او همسری بر خواهد گزید.(۳)

به اندازه ای مواسات اهمیت دارد که از جمله ملاک های شناخت شیعیان واقعی شمرده شده است. امام صادق(ع) می فرماید: «شیعه ما را با سه چیز امتحان کنید... با مواسات مالی با برادران خویش و چگونگی اجرای آن».(۴)

محمد بن عجلان می گوید: «روزی در حضور امام صادق(ع) بودیم. مردی وارد شد و پس از احوال پرسی، امام صادق(ع) از ایشان پرسیدند: حال برادرانت چگونه است؟ آن مرد ایشان را ستود. امام فرمود: مواسات و خیررسانی ثروتمندانشان به فقیران چگونه است؟ عرض کرد: اندک است. حضرت فرمود:

۱- غررالحکم و دررالکلم، ص۱۷۲.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ص۹۸.

۳- بحارالانوار، ج۷۷، ص ۱۹۲.

۴- بحارالانوار، ج۷۴، ص ۳۹۱.

ص: ۱۶۱

دیدار ثروتمندان از فقیران چگونه است؟ عرض کرد: اندک. حضرت سپس فرمود: کمک مالی توان مندان به فقیران از چه قرار است؟ آن مرد گفت: شما از اخلاق و آدابی می پرسید که در نزد ما این امور کمتر یافت می شود. امام صادق(ع) فرمود: پس آنان چگونه می پندارند که شیعه ما هستند».(۱)

اگر مسلمانان متوجه باشند که جامعه اسلامی مورد نظر قرآن و اهل بیت علیهم السلام ، جامعه ای است که مردم آن کاملاً ـ با همدیگر مواسات داشته باشند، بدون تردید نسبت به کاستی های اقتصادی نمی توانند بدون تفاوت باشند، آنان بر اساس اصل مواسات، مکلف هستند برای حل مشکلات اقتصادی برادر دینی شان بکوشند. اگر این مشکلات در وجود بی کاری در جامعه ریشه داشت، موظفند برای فراهم شدن زمینه های اشتغال، تلاش کنند یا اگر این امر به جهت وجود موانعی در راه تولید پیش آمده است، باید زمینه های افزایش تولید را فراهم سازند. در هر حال، بر اساس اقتضای اصل مواسات اسلامی، تک تک افراد جامعه اسلامی، به ویژه کسانی که از امکانات مالی بیشتری برخوردارند، باید نسبت به روند فعالیت های اقتصادی، احساس مسئولیت داشته باشند و از پدید آمدن مشکل در آن عرصه، جلوگیری کنند تا از پیدایش نابسامانی های فرهنگی و اجتماعی و اخلاقی، جلوگیری شود.

د) تعاون همگانی در اسلام

د) تعاون همگانی در اسلام

اسلام همه مردم را در برابر پیش آمدهای اجتماعی مسئول می داند و از آنها می خواهد از راه همکاری جمعی در زمینه حفظ سلامت جامعه و برطرف کردن مشکلاتی که پیش می آید، اقدام کنند. خداوند در قرآن کریم، در فرمانی صریح، از مؤمنان می خواهد: «تَعاوَنُوا عَلَی البِرِّ وَ التَّقوَی؛ در راه نیکی کردن به یکدیگر و پرهیزکاری با همدیگر، همکاری داشته باشید». (مائده: ۲)

۱- کافی، ج۸، ص۲۱۴.

ص: ۱۶۲

بـدون تردیـد، هیـچ امری هماننـد همکاری همگانی در پیشبرد اهـداف و تحقق برنامه های جامعه اثر گذار نخواهد بود. امیر مؤمنان، علی(ع) می فرماینــد: «خـوضُ النّـاسِ فِی الشَّیءِ مُقَـدمهُ الکـاَئِن؛ روی آوردن مردم برای انجـام کـاری، مقــدمه تحقق و انجـام آن است».(۱)

بر این اسـاس، حضـرت در جـای دیگری می فرمایـد: «انّمـا عمودُ الـدِّینِ وَ جماعُ الْمُسـلِمینَ... العامهَ مِنْ الاُمَّهِ؛ قوام جامعه اسـلامی و عامل اصلی رشد و تعالی آن، توده های مردمند».(۲)

از راه مشـارکت همگـانی، همه مشـکلات جامعه حل شـدنی است. یکی از معضـلات مهم اجتماعی، که در روایات برای حل آن به اصل تعاون و مشارکت عمومی تأکید شده است، حل موضوع فقر و نداری است. امیر مؤمنان، علی(ع) از جامعه اسلامی می خواهد: «فُقراءُ المسلِمینَ اَشْرَکُوهُم فی مَعیشَتِکُم؛ بینوایان مسلمانان را در زندگی شریک خویش سازید».(۳)

در جـای دیگری نیز می فرمایـد: «خداونـد ثروتمنـدان را مکلف سـاخت تـا از مـال خویش به بینوایان خوراک بدهنـد و بار سـنگین زندگی را از دوش آنان بردارند».(۴)

امام صادق(ع) در این باره تأکیـد می کنـد که خـدای متعال، ثروتمندان و بینوایان را در اموال شـریک قرار داد. پس ثروتمندان حق ندارند ثروت را در غیر شریکانشان هزینه کنند.(۵)

فقرزدایی، یکی از مهـم تریـن آرزوهـای هر جـامعه ای اسـت؛ زیرا از راه فقر و کمبودهـای معیشـتی، مشـکلات بزرگ فرهنگی و اجتماعی و اعتقادی، به جوامع آسیب می رساند. اسلام انجام این امر مهم را تکلیفی همگانی می داند.

۱- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص ۲۴۰.

۲- الحیاه، ج ۲، ص ۲۸۲.

۳- الحیاه، ج ۴، ص ۳۹۱.

۴- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۴۶.

۵- وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۱۵۰؛ الحیاه، ج ۴، ص ۳۹۲.

ص: ۱۶۳

امروزه نیز همه کارشناسان مسائل اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی، اعتراف می کنند از میان بردن فقر و آثار منفی ویرانگر آن، جز با مشارکت مردم و مسئولان ممکن نیست. امام سجاد(ع) در دعای بیست و ششم صحیفه سجادیه، برای عامه مردم چنین دعا می کنند:

پروردگارا، ایشان (مسلمانان) را به برپایی سنت های خود و دست یابی به تربیت نیک موفق دار تا برای ناتوانان، سودمند باشند و نیاز آنان را تأمین کنند... و وسایل مورد نیاز را به شایستگی در اختیار آنان بگذارند و با آنان با جود و بخشش و تأمین نیازها پیش از سؤال برخورد کنند.(۱)

امام صادق(ع) در روایت هشدار می دهد:

هر مؤمنی که توانایی برآوردن حاجت مؤمنی را داشته باشد و به رفع حاجت او اقدام نکند، خدای متعال در روز قیامت او را با چهره سیاه و چشمان برگشته محشور خواهد کرد، در حالی که دست های او به گردنش بسته شده است. آن گاه گفته می شود، این آن شخصی است که به خدا و رسول او خیانت کرده است و سپس فرمان می رسد تا او را به دوزخ ببرند.(۲)

بر این اساس، نه تنها در فقرزدایی که در همه اهداف مهم اقتصادی دیگر، مشارکت و همکاری عمومی ضرورت دارد که در آموزه های دینی به آن تأکید شده است. تک تک مردم، با توجه به مقدار توان و قدرتی که دارند، در پیشبرد اهداف خود باید اعلام آمادگی کنند. در غیر این صورت، بدون تردید به عقاب الهی دچار خواهند شد. امروزه به باور همه کارشناسان امور اقتصادی، رشد و توسعه اقتصاد جامعه، بدون همکاری جامعه ممکن نیست. ازاین رو، بر اساس آموزه های اسلامی، همگان در حد توان، باید در بهبود بخشیدن به فعالیت های اقتصادی، کمک کنند؛ گروهی با انجام دادن کار و گروهی با سرمایه گذاری.

۱- صحیفه سجادیه، ص۱۷۷؛ الحیاه، ج۴، ص۳۳۶.

۲- اصول کافی، ج۲، ص۳۶۷.

ص: ۱۶۴

راه دیگر کمک به رشد اقتصادی کشور، تبیین و ترویج آن بخش از معارف اسلامی که مردم را با دیدگاه های اسلام، در زمینه وظایف شان در برابر فعالیت های اقتصادی آشنا می کند به فراهم شدن بستر مجموعه ای از کارهایی که در راستای انجام توسعه اقتصادی ضرورت دارد، کمک و در توده های مردم، آمادگی لازم برای مشارکت در این کار ایجاد شود.۳. توجه به سنت های الهی در تدبیر جوامع

بر اساس آموزه های اسلام، سلسله ضوابطی در نظام هستی وجود دارد که در امور عالم و آدم اثرگذارند که از آنها به عنوان سنت های الهی در تدبیر جوامع یاد می شود.

این سنت ها را به دو دسته اخروی و دنیوی تقسیم می کنند. سنت های دنیوی نیز به دو دسته تقسیم می شوند؛ دسته ای از سنت های دنیوی که به اعمال و رفتار فردی انسان اختصاص دارند و به مباحث جامعه شناختی ربطی ندارند و بخش دیگر سنت های دنیوی، به رفتارهای اجتماعی مربوط می شوند. در هر حال، قسمتی از این سنت ها در رفتارهای اقتصادی مردم و جامعه و سیاست های اقتصادی دولت ها اثرگذارند. اولیای الهی این سنت ها را به صورت های گوناگون گوشزد کرده و از مردم خواسته اند تا آنها را بشناسند و از راه در نظر داشتن آنها و موضع گیری شایسته در قبالشان، آینده بهتری را برای خود رقم بزنند. بنا بر آنچه بیان شد، بر اساس جهان بینی اسلامی، از جمله اموری که در رشد و توسعه فعالیت های اقتصادی، مانند افزایش سرمایه و تولید محصولات مورد نیاز جامعه اثرگذار است، رعایت این سنت هاست. تعداد این سنت های الهی زیاد است. برای نمونه به بعضی از آنها اشاره می شود.

ص: ۱۶۵

الف) پای بندی به ایمان و تقوای الهی

الف) پای بندی به ایمان و تقوای الهی

ایمان به خدا و رعایت پرهیزکاری و عمل به دستورهای الهی، افزون بر کمک برای رسیدن به سعادت ابدی، سبب افزونی نعمت ها و برکات دنیوی می شود. در آیات و روایات فراوانی، به صراحت به این امر اشاره شده است. در مورد اهل کتاب چنین آمده است: «اگر آنان(اهل کتاب) تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارشان به آنان فرو فرستاده شده است بر پا می داشتند از بالای سر و از زیر پاهایشان (روزی) می خوردند». (مائده: ۶۶)

خداوند در آیه دیگری به صورت عام می فرماید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُواْ وَاتَّقَواْ لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاء وَالأَرْضِ؛ اگر مردم شهرها و آبادی ها ایمان می آوردند و تقوا و پرهیزکاری می کردند، برکاتی از آسمان و زمین بر آنان نازل می کردیم». (اعراف: ۹۶)

امیر مؤمنان امام علی(ع) در این باره فرموده است:

هر کس تقوای الهی را بیشتر سازد، سختی هایی که به او روی آورده اند، برطرف می شوند. تلخی ها، شیرین می گردند و امواج متراکم گرفتاری ها، برطرف و مشکلات پیاپی خسته کننده آسان می شود. عظمت از دست رفته باز می آید و رحمت قطع شده خداوند، تجدید می شود و نعمت های الهی، به جوشش می آیند و برکات کم شده، افزایش می یابند.(۱)

ب) استغفار از گناهان

ب) استغفار از گناهان

بر اساس آموزه های اسلامی، شیوع گناهان یکی از عوامل اصلی بروز فقر و مشکلات اقتصادی در جامعه است. ازاین رو، ضرورت دارد انسان در کنار کار و کوشش، اولاً به از بین رفتن زمینه های گناه در جامعه توجه کنند و ثانیاً از استغفار غافل نباشند. استغفار از گناهان، یکی دیگر از سنت های الهی است

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸.

ص: ۱۶۶

که به ویژه در برطرف شدن فقر نقش مهمی دارد. در آیات بسیاری، توبه و استغفار از گناهان، به وسیله ای برای جلب رحمت الهی و نزول باران و دیگر نعمت های الهی است. خداوند در قرآن از زبان حضرت نوح می فرماید:

به آنها گفتم از پروردگار خویش آمرزش بطلبید که او بسیار آمرزنده است. تا باران های پربرکت آسمان را پی در پی برای شما بفرستد و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد. (نوح: ۱۰ ۱۲)

از زبان حضرت هود(ع) نیز می فرماید:

ای قوم، از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید تا باران آسمان را پی در پی بر شما نازل کند و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید. گنه کارانه روی از حق بر نتابید. (هود: ۵۲)

امیر مؤمنان، علی(ع)، ضمن تلاوت این آیه، چنین می فرماید:

خدای متعال، بندگانش را که مرتکب اعمال ناشایست شوند، به کاسته شدن میوه ها و قطع برکات و خیرات می آزماید تا توبه کنندگان، توبه کنند و گناه کاران از گناه کردن خودداری کنند... خداوند، آمرزش خواستن را سبب فراوانی روزی و رحمت بر آفریدگان قرار داده است... خداوند رحمت کند، کسی را که به توبه روی می آورد.(۱)

ج) صله رحم

ج) صله رحم

برای صله رحم در آموزه های دینی، برکات فراوانی بیان شده است که از جمله آنها: طولانی شدن عمر و آبادانی شهرها، پاک شدن و زیاد شدن اموال، و در مقابل ترک یا بی توجهی به آن، سبب کوتاهی عمر و ویرانی شهرها و وقوع بلاها و کمی ارزاق و روزی ها می شود. ازاین رو، در بسیاری از آموزه های اسلامی، رعایت صله رحم گوشزد شده است.

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۴۳.

ص: ۱۶۷

ابوحمزه ثمالی نقل می کنـد، روزی در حضور امیر مؤمنان، علی(ع) بودیم. حضـرت فرمود: «اَعُوذُ بِاللهِ مِنَ الذُنوبِ الَّتی تُعجِّلُ الفَناءَ؛ به خداوند پناه می برم از گناهانی که سـبب نابودی می شود. ابن کوّا از خوارج در آنجا بود. گفت: یا علی، مگر گناهانی هست که سبب تعجیل در نابودی شود؟ حضرت فرمود: نَعَم. و تِلکَ قَطیعَهُ الرَحِم؛ آری، آن گناهی که سبب تعجیل در هلاکت می شود، قطع صله رحم است».(۱)

در این باره از امام باقر(ع) نیز نقل شده است که فرمود: «صله رحم، اعمال را پاک و اموال را زیاد می کند. بلاها را دور می گرداند و اجل آدمی را به تأخیر می اندازد و حساب روز قیامت را آسان می سازد».(۲)

از امیر مؤمنان امام علی(ع) روایات بسـیاری درباره تأثیر صـله رحم درباره مسائل اقتصادی نقل شـده است: صـله رحم سـبب حفظ و افزایش نعمت های الهی،(۳) سرازیر شدن نعمت های خدا،(۴) رشد اموال،(۵) آبادانی نعمت ها(۶) خواهد شد.

د) پرداخت زکات مال

د) پرداخت زکات مال

برخلاـف تصور عـامه مردم که پرداختن حقوق مالی، از جمله زکات را عامل کم شـدن مال و ثروت می داننـد، اولیای الهی عمل به این دسته از تکـالیف را یکی از راه هـای مهم افزایش ثروت معرفی می کننـد. یکی از برداشت هـایی که ازاین روایـات، شـده، این است که اگر افراد به پرداخت زکـات پـای بنـد باشـند، قشـرهای فقیر هم به کمک این اموال، وضع بهتری پیـدا می کننـد. در نتیجه، نیازمندی در جامعه یافت نمی شود.

۱- کافی، ج۴، ص۴۸.

۲- کافی، ج۳، صص ۲۲۱ ۲۲۳.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج۴، ص۴۱۲، ح۴۹۲۹.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج۳، ص۲۳۸، ح۴۳۴۶.

۵- غررالحکم و دررالکلم، ج۴، ص۲۱۵، ح۵۸۷۸.

۶- غررالحکم و دررالکلم، ج۴، ص۲۱۸، ح۵۸۸۳.

ص: ۱۶۸

یکی از روایاتی که به این برداشت شاهد ذکر شده، روایت امام رضا(ع) است. آن حضرت در این باره می فرماید: «هرگاه مردم زکات اموال خود را پرداخت می کردند، هیچ کس نیازمند نمی شد»؛(۱) یعنی پرداخت زکات جلوی پیدایش فقر را می گرفت، اما در دسته ای از روایات به سنت حتمیه الهی تصریح شده است که زکات دادن سبب جاری شدن برکات الهی می شود. در این باره از امام علی(ع) روایت است که فرمود: «اذا مُنِعوا الزَکاه مُنعَت الاَرضُ بَرکاتها مِنَ الزَرعِ و الثِمار و المَعادِن؛ هرگاه مردم زکات خود را نپردازند، زمین هم برکات خود را؛ یعنی زراعت و میوه ها و معدن ها را از آنان دریغ می دارد».(۲)

باز از آن حضرت نقل شده است: «زکات مال سبب فراوانی روزی ها می شود.»(۳) در نقل دیگری وارد شده است: «زکات، مایه حفظ اموال می شود و برکت مال را افزایش می دهد».(۴)

ه) رعایت عدل و داد

ه) رعایت عدل و داد

عدالت در حفظ کیان هستی و در همه عرصه های زندگی، نقش سازنده ای دارد. در اشاره به نقش مثبت عدالت در فعالیت های اقتصادی، مطالب بسیاری از اهل بیت علیهم السلام وارد شده است. از امیر مؤمنان، علی(ع) نقل است که فرمود: «بِالعَدلِ تَتَضاعَفُ البَرَکات؛ با برقراری عدالت، برکات و نعمت های خدا افزایش می یابد.»(۵) امام در جای دیگری می فرماید: «هیچ چیز مانند عدالت شهرها را آباد

۱- میزان الحکمه، ج۲، ص۱۱۴۷، ح۷۵۶۵.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج۱، ص۳۲۴.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج۴، ص ۴۵۰.

۴- غررالحکم و دررالکلم، ج۴، صص ۲۶۰ و ۴۰۹.

۵- میزان الحکمه، ج۳، ص۳۴۹۷، ح ۱۱۹۷۱.

ص: ۱۶۹

نکرده است.»(۱) در مقابل اگر ستم و خیانت در جامعه شیوع یابد، نعمت ها از دست می روند. امیر مؤمنان، علی(ع) در این باره می فرماید: «الظُّلمُ یَطرِدُ النِعَم؛ ستم، نعمت ها را از بین می برد».(۲)

ایشان درباره اثر خیانت نیز چنین می فرماید: «اذا ظَهَرتظ الخیانهُ ارتَفَعَت البَرکَات؛ وقتی خیانت ها (که از مهم ترین مصداق های ظلم و ستم است) در جامعه شیوع پیدا کند، برکت های الهی از بین می رود».(۳)

افزون بر آنچه بیان شد، در بروز مشکلات اقتصادی، یعنی کسادی کار و کاهش تولید و کمبود سرمایه و امور دیگر نیز اثرگذارند که عبارتند از: شیوع کم فروشی، ترک امر به معروف و نهی از منکر، شراب خواری، بی اعتنایی به نماز، ناسپاسی، اختلاف و تفرقه، بداخلاقی، خودداری از انفاق، کفران نعمت و... .

۴. استفاده از تجربیات و دستاوردهای علمی

اشاره

۴. استفاده از تجربیات و دستاوردهای علمی

بدون تردید، یکی از مهم ترین دستاورد های حیات بشر، مجموعه تجربیات و معلوماتی است که در عرصه های گوناگون زندگی به دست آمده است. انسان از راه توجه و به کارگیری این تجربه ها، شاخه های مختلف علوم را پی ریزی کرده و به کمال رسانده است. بخش قابل توجهی از این دستاوردهای علمی در بستر فعالیت های اقتصادی تحقق یافته است که در نهایت به پیدایش دانش اقتصاد و زیرشاخه های آن منجر شده است. علم اقتصاد در طبقه بندی علوم، یکی از علوم اجتماعی به شمار می آید که به بررسی فعالیت های فردی و جمعی مربوط به تولید و مبادله و مصرف کالا و خدمات می پردازد.(۴)

۱- میزان الحکمه، ج۷، ص۳۴۹۲، ح۱۱۹۷۹.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ج۱، ص۱۸۶، ح۷۰۹.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ج۱، ص۳۱۲.

۴- تئوری اقتصاد و خرد، ص۹.

ص: ۱۷۰

در این علم، کیفیت فعالیت اقتصادی و چگونگی روابط اقتصادی افراد با همدیگر و اصول و قوانینی که بر این امور اثر دارند و مسائلی بحث و گفت وگو می شود که باید در عمل با توجه به شرایط زمانی و مکانی موردنظر باشد تا زمینه رفاه و آسایش معیشتی افراد جامعه فراهم شود. امروزه به دلیل تحولاتی که در زندگی انسان به واسطه رشد علم و صنایع به وجود آمده، نوع فعالیت های اقتصادی بسیار پیچیده شده است. در نتیجه، بدون در نظر گرفتن دستاوردهای علمی، پیشرفت اقتصادی ممکن نیست. ازاین رو، بسیاری از کارشناسان، داشتن نگرش علمی را مهم ترین عامل رشد و توسعه اقتصادی می دانند. در آموزه های اسلامی به این موضوع بسیار توجه شده است، به گونه ای که از هر اقدامی که پشتوانه علمی نداشته باشد، به شدت نهی شده است.

از امام صادق(ع) نقل می کنند که فرمود: «قِف عِندَ کُلّ امرٍ حتّی تَعرِفُ مَدخَله مِن مَخرَجه قَبلَ اَن تَقَعَ فیه فَتندم؛ پیش از پرداختن به هر کاری درباره آن درنگ و تأمل کن تا قبل از اینکه به آن در افتی و پشیمان شوی، از راه ورود و خروج آن آگاه باشی».(۱)

حضرت به مناسبتی دیگر، در اشاره به اقدامات ناآگاهانه در کارها چنین می فرماید: «العاملُ بِغیرِ عِلم کالسّائرِ عَلی غَیرِ طَریقٍ. فَلایزیدُه بُعده عنِ الطریقِ الواضحِ الّا بعداً فی حاجتهِ و العاملُ بالعلمِ کالسّائرِ عَلَی الطریقِ الواضحِ...؛ عمل کننده بدون علم، همانند کسی است که در خارج از راه پیش می رود، یعنی هر چه از راه روشن دورتر شود، از مقصود خود دورتر خواهد شد و آنکه با علم عمل کند، چون کسی است که بر راه روشن حرکت می کند...».(۲)

۱- الحیاه، ج ۱، ص ۲۷۴.

۲- الحیاه، ج ۱، ص ۱۹۹.

ص: ۱۷۱

بنا بر آنچه گفته شد، ضرورت دارد به راهکارهای ارائه شده در دانش اقتصاد، در راستای پیشرفت کار و افزایش سرمایه و تولید توجه شود. در این قسمت، به صورت مختصر به بعضی از این راهکارها اشاره می کنیم:

الف) راهکارهای توسعه کار و تلاش

اشاره

الف) راهکارهای توسعه کار و تلاش

در نظام های اقتصادی، کار و تلاش، پایه اصلی اقتصاد به شمار می آید. بررسی ها نیز نشان داده است، جامعه ای که به کار توجه کرده، پیشرفت اقتصادی داشته است، ولی در همه جوامعی که دچار عقب ماندگی بوده اند، نگرش شایسته ای برای کار و تلاش نبوده است. در نتیجه، اهمیت کافی و لازم به آن داده نشده است. امروزه به اثبات رسیده است تا زمانی که مردم به مسئله کار اهتمام نداشته باشند، هرگز نمی توانند در زمینه اقتصاد به رشد و توسعه لازم دست یابند. در این باره سفارش های فراوانی شده است که عبارتند از:

یک ایجاد و حفظ فرهنگ کار

یک ایجاد و حفظ فرهنگ کار

به دلیل آنکه اقتصاد، بر تصرف در طبیعت متکی است و این امر جز با کار محقق نمی شود، بنابراین کار بر ای اقتصاد، مانند ستون ساختمان است. اصولاً ـ اقتصاد منهای کار، معنا و مفهومی ندارد. ازاین رو، اولین گام در جامعه ای که خواهان اقتصاد پیشرفته و توسعه یافته است، توجه به فرهنگ کار است. متأسفانه در جوامع عقب مانده اقتصادی، نگرش درستی درباره کار، به ویژه کارهای یدی وجود ندارد. بنابراین، ضرورت دارد پیش نیاز زاویه دید مردم نسبت به کار تغییر یابد. آن گاه وجدان کاری و صداقت در انجام وظایف، تقویت شود.

در هر جامعه ای، افزون بر کمک گرفتن از نوع ارزش های حاکم، با راهکار های مناسبی که وجود دارد، باید مردم به این باور برسند که زندگی مناسب جز در سایه انجام کار به دست نمی آید. مبدأ حرکت اغلب جوامعی

ص: ۱۷۲

که در تاریخ به موفقیت هایی دست یافته اند، اصلاح ذهنیت مردم نسبت به کار بوده است. از بررسی های تاریخی چنین به دست می آید که در آغاز بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ، مردم حجاز به جای تن دادن به کار، ترجیح می دادند از راه چپاول و غارت اموال دیگران یا وادار ساختن غلامان و کنیزان به کار، نیازهای خود را برطرف سازند. رسول خدا صلی الله علیه و آله در اولین گام جامعه سازی خود، به تبیین ارزش و اهمیت کار و گسترش فرهنگ آن در جامعه پرداخت و نخست جایگاه والای کار و تلاش را بیان کرد، به گونه ای که تلاش برای کسب روزی را در ردیف بافضیلت ترین کارها در اسلام، یعنی عبادت(۱) و جهاد در راه خدا(۲) قرار داد. سپس ارتزاق از دست رنج دیگران را به شدت نکوهش کرد(۳) و علاوه بر این، خود نیز در موقعیت هایی که پیش می آمد، به انجام کارهایی چون زراعت و دام پروری مشغول می شد. به این ترتیب، افراد کار کردن را ارزش و فضیلتی شناخته شده پنداشتند و دید نادرستی که درباره کار کردن شکل گرفته بود؛ از بین رفت، به گونه ای که کوشش انبیا و اولیای الهی و سستی و تنبلی در آن، ویژگی افراد فرومایه و دون همت به شمار آمد.(۴)

در این باره مطالب بسیاری از اولیای الهی نقل شده است. از جمله وقتی علی بن حمزه دید امام کاظم(ع) در اوج گرما، در مزرعه ای کار می کنند، عرض کرد: ای پسر رسول خدا! چرا شما کار می کنید. خدمتکارانتان کجایند؟ حضرت فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان، علی(ع) و همه پدران من، خودشان کار می کردند. این (با دست خود کار کردن) سیره تمامی انبیا الهی و اوصیا و صالحان بوده است».(۵)

۱- بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۹.

۲- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۲۴.

۳- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۱۸.

۴- بحارالانوار، ج۷۶، ص ۱۸۰.

۵- کافی، ج۵، صص۷۵ و ۷۶.

ص: ۱۷۳

درباره فرزند بزرگوار امام باقر(ع)، از ابوبصیر نقل شده است که گفت: از امام صادق(ع) شنیدم که می فرمود: من در بعضی از زراعت هایم، چندان کار می کنم که عرق از بدنم جاری می شود. با اینکه کسی را دارم که به جای من کار کند، ولی می خواهم خدای عزوجل ببیند که من خود برای طلب روزی حلال تلاش می کنم».(۱)

مسئله بعدی درباره تصحیح دید مردم درباره کار، توجه به درست انجام شدن کار است. در بسیاری از جوامع به نظر می رسد، مردم اقبال به کار دارند و عده بسیاری سرگرم به کارند و حتی بی کاری را نکوهش می کنند، ولی نتیجه و بازدهی لازم که مورد انتظار است، به دست نمی آید. بررسی های آسیب شناسانه نشان می دهد، افراد این جوامع چنان که باید وجدان کاری لازم را ندارند و به استحکام کار و انجام درست و به موقع آن اهمیت نمی دهند. ازاین رو، گام بعدی احیای وجدان کاری به مردم بستگی دارد. در آموزه های اسلامی، در این باره رهنمودهای بسیاری نقل شده است. برای نمونه، از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود: «خدای تبارک و تعالی، دوست دارد وقتی کسی کار می کند، آن را به خوبی انجام دهد».(۲)

وقتی سعد بن معاذ از دنیا رفت، رسول خدا صلی الله علیه و آله در گذاشتن وی به قبر، بسیار دقت می کرد. کار که تمام شد، فرمود: «من می دانم به زودی این قبر فرسوده و خراب خواهد شد، اما خداوند دوست دارد وقتی بنده ای متصدی انجام کاری شد، آن را به صورت احسن و بی عیب انجام دهد».(۳)

نتیجه آنکه یکی از راهکارهای پیشرفت در عرصه کار و تلاش، ایجاد فرهنگ و زمینه علاقه مندی افراد به کار و تشویق آنان به درست انجام دادن آن است.

۱- وسائل، ج۱۲، ص۲۳.

۲- میزان الحکمه، ج۹، ص۴۰۳۷.

۳- وسائل الشیعه، ج۲، ص۸۸۴، ح۲.

ص: ۱۷۴

دو تربیت نیروی کار ماهر

دو تربیت نیروی کار ماهر

امروزه فعالیت در عرصه های اقتصادی، با گذشته بسیار متفاوت است. نوع کالاهای تولیدی و کمیت و کیفیت آنها و فرآیند تولیدشان، بسیار پیچیده تر شده است. بر این اساس، به نیروهای کاری ماهر و متخصص نیاز است که از توانایی های لازم برای کار با ابزارهای پیشرفته صنعتی برخوردار باشند و بتوانند نوآوری داشته باشند. با توجه به این امر مهم، امروزه آموزش را زیربنای رشد و توسعه توصیف می کنند. در مقابل، کمبود نیروی های کاردان و متخصص، از موانع بزرگ پیشرفت اقتصادی به شمار می آید. ازاین رو، در همه کشورهای علاقه مند به رشد و پیشرفت، مسئله آموزش کارکنان، ضرورت دارد و از راه ایجاد و تحول در مراکز آموزشی، تلاش می شود زمینه برای پرورش نیروهای متخصص فراهم گردد. تجربه نشان داده است، استفاده از فن آوری ها، اگر همراه با آموزش حرفه ای نیروهای کار نباشد، هرگز بازدهی مناسب نخواهد داشت. به این مسئله در آموزه های اسلامی، به صورت کامل توجه شده است.

اولاً در روایات بسیاری، ضمن نکوهش جهل و بی سوادی تصریح شده است که رشد و پیشرفت و سعادت مندی با دانش و آگاهی پیوند دارد و نابسامانی و عقب ماندگی و آشفتگی، در جهل و نادانی ریشه دارد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در روایتی می فرماید: «الجَهلُ رَأسُ الشَّرِ کُلّه؛ اساس بدی ها و بدبختی ها نادانی است.» (۱) امام علی(ع) نیز می فرماید: «ده طایفه خود و دیگران را فریب می دهند. یکی از آنان اصلاح طلبی است که از علم و آگاهی لازم برخوردار نباشد».(۲)

۱- الحیاه، ج ۱، ص ۹۵.

۲- الحیاه، ج ۱، ص ۲۷۶.

ص: ۱۷۵

امام صادق(ع) از زبان رسول خدا صلی الله علیه و آله این خطر را برای افراد جامعه اسلامی به صورت عام گوشزد می کند که: «مَن عَمِلَ عَلَی غَیرِ عِلمٍ کانَ مَا یفسِدُه اَکثر مِمَّا یُصلِح؛ کسی که بدون علم به عمل اقدام کند، بیش از آنکه اصلاح کند، تباهی به بار می آورد».(۱)

ثانیاً در ضمن آیات و روایات، درباره واگذاری کار به افراد به تخصص بسیار تأکید شده است. حضرت یوسف از پادشاه مصر درخواست می کند، تهیه غله برای سال های خشک سالی ها را به وی واگذار کند. در بیان دلیل آمادگی خود برای این کار مهم، به مسئله برخورداری از تخصص و آشنایی لازم به آن کار در کنار امانت داری تصریح می کند و می فرماید: «انّی حفیظٌ علیمٌ». (یوسف: ۵۵)

امام صادق(ع) می فرماید: «صاحب هر شغل و صناعت، به چند ویژگی نیاز دارد تا کاری را که انجام می دهد، از رونق بیشتری برخوردار شود که از جمله آنها مهارت و تخصص است».(۲)

آن حضرت به این نکته نیز تأکید می فرماید که سپردن کار به انسان غیرمتخصص و ناآگاه، تفاوتی با سپردن آن به فرد غیر امین و خائن ندارد،(۳) چون هر دو موجب ضایع شدن آن کار می شوند.

بر اساس آنچه گفته شد، ضرورت دارد در روند تلاش برای رشد اقتصادی جامعه، که نسبت به ارتقای توان علمی و تخصصی نیروهای کار، اقدامات لازم انجام گیرد و با اصلاح نظام آموزشی یا راه اندازی مراکز آموزشی در سطوح مختلف، همگام با پیشرفت های تکنولوژیکی و صنعتی مهارت نیروهای کاری را به صورت روز افزون به سطح مطلوب رساند. در

۱- الحیاه، ج۱، صص۹ ۱۹۸.

۲- «اَنْ یکونَ حاذِقاً فی عَمَلِهِ.» تحف العقول، ص۲۳۷.

۳- تحف العقول، ص ۲۷۰.

ص: ۱۷۶

ضمن، باید همه دست اندرکاران فعالیت های اقتصادی را به این باور رساند که آموزش مهارت، جزو مهم ترین عوامل رشد و توسعه جامعه است. این امر سبب خواهد شد، آحاد جامعه پس از آگاهی از اهمیت آموزش و مهارت در پیشرفت ها، نه تنها از برنامه های آموزشی استقبال کنند، بلکه خود نیز نسبت به فراهم شدن زمینه های مهارت یابی کمک کنند.

سه ایجاد اشتغال و بستر کار

سه ایجاد اشتغال و بستر کار

یکی از عوامل بسیار مهم، به توسعه کار و فراهم سازی بستر کار و اشتغال مربوط است. بسیاری از صاحب نظران درباره مسائل مربوط به توسعه، سلامت اجتماعی اقتصادی جامعه را با شاخص اشتغال ارزیابی می کنند که این نشانه اهمیت اشتغال است. همان گونه که بیشتر روان شناسان، بسیاری از نابسامانی های اجتماعی را با مسئله بی کاری مرتبط می دانند. واقعیت این است، آنچه رشد اقتصادی را در پی می آورد، وجود نیروی ماهر نیست، بلکه به کارگیری آنان است. وقتی نیروی کار متخصص از عوامل توسعه اقتصادی محسوب می شود که فرصت و بستر مناسبی برای کار را در اختیار داشته باشد، وگرنه اگر بستر کار مهیا نباشد، علاوه بر هرز رفتن، این سرمایه عظیم منشأ بسیاری از معضلات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی خواهد بود. امروزه الگو های بسیاری از سوی اقتصاددانان برای اشتغال ارائه شده است. هر یک از این الگو ها با در نظر گرفتن شرایط جوامع دیگر، به ویژه جوامع غربی، تنظیم و تدوین شده اند، ولی واقعیت های موجود در آنها می تواند راهنمایی باارزش در راستای یافتن الگویی مناسبِ اشتغال برای جوامع در حال توسعه، از جمله جامعه ما باشد. البته باید این نکته را در نظر داشت که در به کارگیری راهکارها و الگو ها، به مبانی فکری و اعتقادی و نظام ارزش جامعه

ص: ۱۷۷

اسلامی توجه کرد؛ چرا که بـدون توجه به این امر، آن راهکارها نه تنها به هیچ گونه پیشـرفتی نمی انجامد، بلکه از جهات دیگری، گرفتاری های بیشتری را نیز در پی می آورنـد. چنان که تجربیات نشان می دهد، همواره اسـتفاده از الگو های پیش گفته در جوامع اسلامی، نه تنها سـبب هیـچ گونه پیشـرفتی نشـده، بلکه از راه آسـیب رسانی به ارزش های دینی و اخلاقی، عـدالت اجتماعی و هم بستگی های اعتقادی ملی و تعاون و اخوت اسلامی را نیز از بین برده است. در راستای ایجاد اشتغال، توجه به دو امر ضروری است:

۱. شـناسایی بستر هـای منـاسب کـار، با توجه به مجموعه امکانات جامعه و اهـداف کلانی که جامعه دارد. بعـد از آنکه عرصه های پیشـرفت مشـخص و اولویت ها شـناسایی شد، برای نمونه اگر در جامعه ای اولویت رشد و توسعه، صنعت، کشاورزی یا... تشخیص داده شده است، باید اشتغال زایی در همان عرصه ایجاد شود. اگر بر فرض مردم و مسئولان جامعه ای، پیشرفت صنعتی را در اولویت قرار دادند، باید بسترهای توسعه کار را در اموری که به این هدف جامه عمل می پوشاند، قرار دهند که از جمله آنها عبارتند از:

الف) برنامه ریزی صنعتی؛

ب) تهیه تکنولوژی های پیشرفته و مدرن؛

ج) تعاون؛

د) ایجاد صنایع مناسب جانبی؛

و) تحقیقات صنعتی؛

ه) آموزش های فنی و حرفه ای و... .

اگر اولویت و جهت گیری، پیشـرفت رشـد و توسـعه کشاورزی بود، بایـد اشـتغال در اموری باشد که در نهایت به تحقق کشاورزی پیشرفته و

ص: ۱۷۸

توسعه یافته بینجامد، یعنی بستر کار اموری چون اصلاح و آماده سازی زمین های کشاورزی، توسعه صنایع کشاورزی، تحقیقات کشاورزی، حفظ سلامت زمین های کشت و منابع آبی، ایجاد روش های مناسب آبیاری، تکنولوژی ماشین آلات کشاورزی، حمل و نقل و... قرار داده شود.

۲. برای آنکه مقدمات اشتغال در عرصه های شناسایی شده و مطلوب جامعه فراهم شود، ضرورت دارد برخی مقررات و قوانین جدیدی وضع شود. همچنین بسیاری از اموری که در قالب قانون یا هر امر دیگری سبب ایجاد موانعی در مسیر اشتغال و کارآفرینی شده است، اصلاح شود.

بدیهی است، در وضع یا اصلاح قوانین، باید اصول و مبانی نظام اقتصادی جامعه لحاظ شود؛ زیرا مردم هر جامعه ای بر اساس جهان بینی و نظام اعتقادی و اخلاقی خاصی که دارند، در هر یک از عرصه های زندگی دنبال اهداف به خصوصی در قالب طرح و برنامه ویژه ای هستند که با روش هایی که مناسب این هدف هاست و در عین حال، هماهنگی کامل با نظام اعتقادی و اخلاقی شان دارد، آنها را دنبال می کنند، وگرنه دست یابی به هدفی خاص از هر راهی، ممکن و مطلوب نیست. برای مثال، اگر یکی از اهداف تمام نظام های اقتصادی، دست یابی به خودکفایی یا قدرت اقتصادی است، گرچه در نظام سرمایه داری حاکم بر جهان تلاش می شود از هر راه ممکن به این هدف برسند و لازمه چنین کاری، به راه انداختن جنگی بزرگ یا اشغال کشوری یا تخریب اقتصاد جوامع دیگر از راه اموری چون تحریم و محاصره اقتصادی، استعمار، احتکار، و... باشد، چنین کارهایی از منظر آموزه های اسلامی مردود است؛ زیرا بر اساس جهان بینی الهی اسلام، ستم ممنوع و تمامی این امور، مصداق بارز و مسلم ظلم است.

ص: ۱۷۹

مطلب دیگر این است که با توجه به شرایط طبیعی و موقعیت های جغرافیایی و منابع و امکانات موجود در هر جامعه ای، عرصه های خاصی برای رشد و پیشرفت مناسب است. ازاین رو، در برنامه ریزی های مربوط به رشد و توسعه، باید جهت گیری های کار و سرمایه به آن سمت باشد، اما در آموزه های اسلامی تذکر داده شده است که حتی الامکان از منحصر ساختن فعالیت ها در عرصه خاص، برای مثال تنها در صنعت یا کشاورزی یا دام داری و...، خودداری شود؛ زیرا تجربه نشان می دهد، چنین جوامعی هنگام بروز برخی مشکلات، بسیار آسیب پذیر و از سوی دشمنان، متحمل زیان های جبران ناپذیری می شوند.

در آموزه های اسلامی، به اموری سفارش شده است که مورد نیاز بشر است؛ یعنی در کنار سفارش به کشاورزی، به صنعت و دام پروری هم تأکید می شود. پیام چنین سیاستی این است که مردم و مسئولان جامعه اسلامی تا می توانند و شرایط محیطشان اقتضا کند، در عرصه های مختلف به فعالیت بپردازند تا در شرایط سخت، محتاج دیگران نباشند و در بعضی روایات هم از چنین کاری به عنوان بهترین تدبیر یاد شده است. امام صادق(ع) می فرماید: «خداوند تبارک، سامان یابی زندگی مردم را در انواع کارها و صنعت ها قرار داده است. این شیوه ضامن بقا و استمرار زیست آدمی است و می توان آن را صحیح ترین تدبیرها در این زمینه دانست».(۱)

چهار توجه به حقوق کارگر و حفظ انگیزه کار

اشاره

چهار توجه به حقوق کارگر و حفظ انگیزه کار

یکی از اموری که به رشد و توسعه فعالیت های اقتصادی و حفظ فرهنگ کار در جامعه کمک می کند، حفظ انگیزه نیروهای انسانی فعال در عرصه های کار و کوشش است.

۱- پدیده شناسی فقر و توسعه، ج۴، ص۲۴۷.

ص: ۱۸۰

امروزه با شیوه های مختلفی تلاش می شود، ضمن حفظ جایگاه و اهمیت کار در اذهان توده های مردم، انگیزه نیروهای شاغل در عرصه های اقتصادی افزایش یابد. در هر جامعه ای برای تحقق این کار از روش های به خصوصی استفاده می شود که مرسوم ترین این روش ها، وضع و اجرای قوانین و مقررات مربوط به حقوق قشر کارگر و اجرا شدن سیاست های تشویقی است که در قالب دستمزد عادلانه، بیمه، تأمین اجتماعی، استخدام و ایجاد شرایط ایمنی کار، فراهم سازی امکان ارتقای شغلی، خدمات درمانی، از کار افتادگی و ایجاد تعاونی های کارگری انجام می پذیرد.

در آموزه های اسلامی نیز به این امر توجه شده است. همزمان با بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله ، قشر کارگر، گرفتار انواع بی عدالتی ها و بی احترامی ها بوده است. از همان آغاز، رهبران اسلامی با عملی کردن دو راهکار ارزشمند، به حمایت از نیروی کار جامعه برخاستند.

اول ارتقای جایگاه و احترام کارگر در جامعه

اول ارتقای جایگاه و احترام کارگر در جامعه

نخستین کاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله در این زمینه انجام داد، احیای شخصیت و احترام کارگر در میان افراد جامعه اسلامی بود. ایشان نوع نگاه مردم را، که در آن زمان به دیده حقارت به کارگر نگاه می کردند، تغییر داد. آن حضرت با بوسیدن دست کارگر و بیان این مطلب که «این دستی است که آتش دوزخ به آن آسیب نمی رساند»،(۱) جایگاه والای کارگر را از دید اسلام به جهانیان معرفی کرد. همچنین با بیان این امر که نوع پیامبران الهی، کارگر بودند، به تحقیر کارگرانی که ناشی از حاکمیت فرهنگ های جاهلی بود، پایان بخشید و آنان را در ردیف انبیای الهی قرار داد.

۱- الحیاه، ج۵، ص۵۰۴.

ص: ۱۸۱

امام باقر(ع) از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می کند که آن حضرت فرمود: «خداوند عزوجل در آن زمان که حضرت آدم(ع) را در زمین ساکن کرد، به او فرمان داد تا با دست خود زراعت و از دست رنج خویش ارتزاق کند».(۱)

همین طور با بیان این نکته که حضرت داود(ع) از راه بافتن زره و فروش آن و حضرت سلیمان(ع) از راه فروش زنبیل هایی که از شاخه های درخت خرما می بافت، به گذراندن زندگی می پرداخت یا حضرت موسی(ع) به شبانی می پرداخت.(۲)

به این ترتیب، دوباره شخصیت پای مال شده قشر کارگر، در جامعه احیا شد، به گونه ای که دیگر، این قشر از موقعیت و وضع خود ناراضی نبود بلکه به آن افتخار می کرد.

دوم احیای حقوق کارگر

دوم احیای حقوق کارگر

دومین اقدام رسول خدا صلی الله علیه و آله در حق کارگران، تبیین حقوق ایشان و دفاع از آن بود. در این راستا، از جمله کارهایی که انجام داده شد، به این شرح بوده است:

آزادی کارگر در انتخاب کار؛

لزوم تعیین مزد کارگر قبل از شروع کار؛

حرمت مغبون واقع شدن کارگر؛

مستحب بودن نوشتن قرارداد برای کار؛

بیمه و تضمین اجتماعی برای کارگر؛

ضامن نبودن کارگر در برابر تلف شدن چیزی، مگر در صورت ثابت شدن خیانت و کوتاهی اش؛

محفوظ بودن حق استراحت و عبادت کارگر.

۱- مستدرک الوسائل، ج۲، ص۴۱۷.

۲- الحیاه، ج۵، صص ۴۷۱ ۴۷۷.

ص: ۱۸۲

در این باره روایات فراوانی نقل شده است که به ذکر چند مورد اکتفا می شود. پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «دستمزد کارگر را قبل از خشک شدن عرق بدنش به او بپردازید».(۱)

ایشان در روایت دیگری فرموده است: «وقتی یکی از شما کارگری را اجیر می کند، حتماً دستمزد او را قبل از آغاز کار مشخص کند».(۲)

از امیر مؤمنان، علی(ع) روایت شده است که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه و آله از معامله کردن با کسی که در شرایط اضطرار قرار گرفته است، نهی فرمودند».(۳)

راضی شدن کارگر به مزد اندک از روی ناچاری، نوعی معامله با مضطر به شمار می آید و چنین کاری از دید اسلام صحیح و مطلوب نیست.

ب) راهکارهای استفاده از سرمایه و افزایش سرمایه گذاری

اشاره

ب) راهکارهای استفاده از سرمایه و افزایش سرمایه گذاری

پس از آنکه نقش سرمایه گذاری در فرآیند توسعه و پیشرفت اقتصاد جامعه روشن شد؛ یعنی همان گونه که نظریه پردازان اقتصادی معتقدند، سرمایه از قوی ترین اهرم های دست یابی به یک اقتصاد پیشرفته است. بدون برخورداری از سرمایه نه تنها امکان تحقق بخشی به اهداف اقتصادی میسر نیست، بلکه جبران عقب ماندگی های اقتصادی هم ناممکن است. حال سؤال مهم این است که راه دست یابی به سرمایه و شیوه های افزایش آن چیست؟ در پاسخ به این پرسش، کارشناسان اقتصادی چندین راهکار را پیشنهاد می کنند. گفتنی است در انتخاب این راهکارها باید کاملاً دقت شود؛ زیرا اولاً همه این راهکارها به یک میزان دارای کارآیی نیستند. ثانیاً اگر زمینه های لازم برای عملی سازی برخی از این راهکارها فراهم نشود، چه بسا گزینش آنها، نه تنها به رشد اقتصاد کمک

۱- «اِعطُوا الاجِیرَ حَقَّهُ قَبلَ اَنْ یَجِفَّ عَرَقَهُ.» کنزالعمال، ص۹۰۷، ح۳.

۲- «اذا استجارَ اَحدُکُم اجیرا فَلْیَعلِمُه اجره.» کافی، ج۵، ص۲۸۹.

۳- الحیاه، ج۵، ص۳۸۵.

ص: ۱۸۳

نمی رساند، بلکه مشکلات بسیار دیگری را هم از نظر سیاسی و فرهنگی و اجتماعی در پی خواهد داشت. بر این اساس، ضرورت دارد در گزینش راهکارهای افزایش سرمایه، همه ابعاد موضوع بررسی و از وقوع هرگونه اشتباه جلوگیری شود. بعضی از شیوه های افزایش سرمایه به این شرح است:

یک انباشت سرمایه

اشاره

یک انباشت سرمایه

یکی از راه های افزایش سرمایه، تمرکز و انباشت سرمایه هاست که این کار از راه پس انداز درآمدها میسر می شود. بنابراین، باید بسترهای لازم برای روی آوردن مردم به سمت پس انداز فراهم گردد. تحقق چنین کاری به اموری بستگی دارد که در ادامه به آنها اشاره می کنم.

اول هم بستگی اجتماعی

اول هم بستگی اجتماعی

وقتی بین مردم جامعه ای اتحاد و هم بستگی لازم وجود نداشته باشد، هرگز همکاری شایسته ای برای برطرف سازی مشکلات و پیشرفت کارها باهم نخواهند داشت. بر این اساس، با توجه به نظام اعتقادی و ارزشی حاکم بر هر جامعه، از عوامل خاصی برای ایجاد هم بستگی و اتحاد استفاده می شود. در جامعه اسلامی، بر اساس اموری چون مواسات و اخوت اسلامی، بین آحاد مردم پیوند عمیقی وجود دارد که این امر زمینه مساعدی را برای هم یاری در تحقق یابی اهداف اجتماعی و اقتصادی و... پدید می آورد. وقتی بر اساس اخوت اسلامی، هر مسلمانی در ژرفای دل خود حریصانه آرزومند سعادت مردم جامعه اسلامی باشد، بدون تردید زمانی که به این حقیقت پی برد که رشد اقتصاد جامعه به پس انداز سرمایه آحاد مردم و به کارگیری آن در عرصه فعالیت های اقتصادی نیاز دارد، از آن دریغ نخواهد کرد. بنابراین، یکی از اموری که به امکان انباشت سرمایه کمک می رساند، وجود هم بستگی اجتماعی در جامعه است.

ص: ۱۸۴

دوم پرهیز از اسراف و تبذیر

دوم پرهیز از اسراف و تبذیر

هرگز انباشت سرمایه یا پس انداز با اسراف ممکن پذیر نیست. ازاین رو، یکی از لوازم تحصیل سرمایه، ترک اسراف و تبذیر است. امیر مؤمنان، علی(ع) می فرماید: «میانه روی (مال) کم و اندک را زیاد می کند، ولی اسراف (مال) فراوان را نابود می سازد».(۱)

ایشان درباره تعیین حد و اندازه اسراف چنین می فرماید: «مَافوقَ الکفافِ اسرَاف؛ بیش از حدّ کفاف (مقدار متعارف رفع نیازها) اسراف است».(۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله خبر داده اند که هر کس به تبذیر، یعنی بیهوده خرج کردن روی آورد، دچار فقر و ناداری می شود.(۳)

سوم قناعت

سوم قناعت

اگر مردم جامعه ای در مصرف میانه رو و قانع باشند، به عزت و استقلال می رسند. امام کاظم(ع) می فرماید: «هر کس میانه رو و قانع باشد، نعمت در دست او باقی می ماند».(۴)

اگر افراد میانه روی و قناعت را پیشه خود سازند، می توانند مازاد بر نیازشان را پس انداز کنند و در راستای تأمین سرمایه مورد نیاز، به فعالیت اقتصادی کلان بپردازند.

در نتیجه، اگر مردم جامعه در تأمین نیازهایشان میانه رو شدند و قناعت پیشه کردند و از آلودگی به اسراف و مصرف گرایی افراطی و غرق شدن در تجملات اضافی بپرهیزند، زمینه برای تمرکز و انباشت سرمایه فراهم می شود. آن گاه از طریق هدایت سرمایه ها به بخش فعالیت های اقتصادی، می توان به پیشرفت های لازم دست یافت.

۱- الحیاه، ج۴، ص۳۴۸.

۲- الحیاه، ج۴، ص۳۰۹.

۳- «مَنْ بذّر افَقَرهُ اللّٰه.» الحیاه، ج۴، ص۳۲۳.

۴- تحف العقول، ص۲۹۷.

ص: ۱۸۵

راکد ماندن سرمایه ها در دست افراد خاص که از آن در آموزه های دینی به عنوان کنز یاد می شود یا روی آوردن به سرمایه های غیر مولد، یعنی سرمایه گذاری هایی که از آنها چیزی خلق نمی شود و ارزشی پدید نمی آید، مانند خرید خانه و طلا و نگه داری آن به امید سود بیشتر و...، از جمله موانعی به شمار می آیند که باید از آنها جلوگیری شود. این قبیل کارها، انباشت سرمایه تولید به شمار نمی آیند و انواع مشکلات اقتصادی را برای جامعه ایجاد می کنند.

دو امنیت اقتصادی

دو امنیت اقتصادی

نبود امنیت، افزون بر آنکه زمینه را برای شیوع انواع ناهنجاری ها فراهم می سازد، مانع اجرای تمام برنامه های مورد نیاز و سازنده می شود. بر این اساس، گام اول در انجام اصلاحات اجتماعی، برقراری نظم و امنیت قضایی است. با توجه به نقش بی نظیری که امنیت در پیشرفت و حفظ سلامت جامعه دارد، در آموزه های اسلامی با عبارت های گوناگونی از اهمیت امنیت یاد شده است. از امام صادق(ع) نقل شده است که فرمود: «امنیت از جمله اموری است که بدون آن انسان نمی تواند از زندگی لذت ببرد.»(۱) امام علی(ع) می فرماید: «جامعه ای که در آن امنیت حاکم نباشد، خیری در آن نیست».(۲)

برای انجام شایسته فعالیت های اقتصادی، افزون بر امنیت قضایی و اجتماعی، به امنیت اقتصادی نیاز است که عبارت از آزادی از هر نوع ترس، شک و ابهام در بلاء اجرا ماندن تعهدات و مطالبات و در عین حال حصول اطمینان از ثمره فعالیت هایی است که در زمینه تولید ثروت و توزیع و مصرف آن صورت

۱- الحیاه، ج۴، ص۲۷۴.

۲- میزان الحکمه، ج۱، ص۵۲۷.

ص: ۱۸۶

می گیرد.(۱) هرگاه در جامعه ای، شاخص های امنیت سرمایه گذاری، وضعیت مطلوبی را نشان دهند، صاحبان سرمایه با اطمینان خاطر، حاضر به مشارکت در فعالیت های اقتصادی می شوند. این شاخص ها عبارتند از:

۱. برقراری ثبات سیاسی در پرتوی ثبات دولت و عملکرد اقتصادی؛

۲. مشارکت مردمی در پرتوی آزادی های مدنی، حقوقی و سیاسی؛

۳. نظام حقوقی سالم در پرتوی حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قرارداد ها به وسیله دولت؛

۴. نظام اداری سالم در پرتوی کاهش میزان فساد مالی؛

۵. کاهش میزان خشونت سیاسی در پرتو کاهش تنش های قومی، خطر جنگ ها و منازعات داخلی.

در شرایط بی نظمی و هرج و مرج، سرمایه های اقتصادی به سمت کارهای غیر تولیدی، مانند دلالی، واسطه گری، توزیع انگلی، واردات و...، گرایش پیدا می کنند که این کار علاوه بر هدر دادن استعداد ها و سرمایه ها، سبب آسیب استقلال کشور می شوند. در هر حال، تا در جامعه ای افزون بر امنیت قضایی و سیاسی، امنیت اقتصادی و سرمایه گذاری ایجاد نشود، نمی توان به سرمایه گذاری و توسعه و پیشرفت اقتصادی امیدی داشت. در زمینه امنیت اقتصادی، به طور عام، روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام نقل شده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «حرمت مال مؤمن، همانند حرمت خون اوست.»(۲) ایشان در جای دیگری می فرماید: «تمام امور متعلق به مؤمن، اعم از عرض او و مال او خون او محترم است».(۳)

۱- شهرزاد برومند، امنیت اقتصادی در ایران و چند کشور دیگر، ص۲۵.

۲- الحیاه، ج۳، ص۲۰۳.

۳- تحف العقول، ص۴۶.

ص: ۱۸۷

این همه تأکید بر حرمت مال برای آن است که بر اساس فرموده خدا در قرآن: «خداوند (مال) را وسیله قوام و برقرار ماندن زندگی انسان قرار داده است.» (نساء: ۲۹) اگر امنیت اقتصادی از بین برود، امکان پیشرفت اقتصادی میسر نخواهد شد و زندگی انسان از بین خواهد رفت. بر این اساس، یکی از آثار زیان بار نبود امنیت اقتصادی، از بین رفتن زمینه جذب سرمایه ها و هدایت شان به سوی فعالیت های مهم اقتصادی، مانند تولید است.

سه استفاده از سرمایه های خارجی

اشاره

سه استفاده از سرمایه های خارجی

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، منابع سرمایه گذاری داخلی برای جبران عقب ماندگی ها و رونق فعالیت های اقتصادی، کفایت نمی کند؛ چون مشکلاتی همانند درآمد ناچیز، جمعیت انبوه، مصرف فراوان، کمبود منابع طبیعی، صنعت و کشاورزی، کم بازده و ناکارآمدی نظام سیاسی و اداری و فرهنگی، وضعیت نامطلوب توزیع و خدمات و... مانع از تحصیل و انباشت سرمایه به میزان مورد نیاز است. بر این اساس، مسئولان چنین جوامعی برای تهیه سرمایه مورد نیاز طرح های عمرانی و اقتصادی کشور، به استفاده از سرمایه های خارجی روی می آورند تا از راه به کارگیری این سرمایه ها، همه عقب ماندگی های گذشته را جبران کنند و به رشد و توسعه اقتصادی پایدار دست یابند.

کارشناسان مسائل توسعه اقتصادی، درباره استفاده از سرمایه های خارجی نظریه های متفاوتی دارند. برخی از آنها چنین کاری را با توجه به آثار مثبتی که ممکن است در پی داشته باشد، بسیار مفید و ضروری ارزیابی می کنند و بر این باورند که این کار در نهایت از راه گسترش صادرات و جلوگیری از واردات، به روند پیشرفت ها سرعت می بخشد. در مقابل، گروه دیگری از کارشناسان، با اشاره به آثار منفی که ممکن است چنین کاری در پی داشته باشد، آن را هدیه مسموم می دانند و با آن به شدت مخالفت می کنند. بدیهی

ص: ۱۸۸

است، تقابل سود سرمایه گذاران خارجی با منافع کشورهای استفاده کننده از این سرمایه اجتناب ناپذیر است. در چنین شرایطی، بایـد به راه میانه ای اندیشید که هیچ یک از طرفین متحمل زیان نشونـد. در هر حال، برخی از آثار منفی استفاده از سرمایه های خارجی، عبارتند از:

۱. این سرمایه در برخی شاخه های فعالیت های تولیدی به کار گرفته می شود. در نتیجه، دیگر بخش ها با بی توجهی مواجه و رشد نامتعادل ایجاد می شود و از بین می روند. این امر سبب ایجاد شکاف شدید طبقاتی می شود و به اصطلاح، بین بخش مدرن و سنتی جامعه فاصله طبقاتی شدیدی به وجود می آید. این حالت ناشی از تورم است که بر اثر رشد نامتعادل پدیدار می شود. از طرف دیگر، برای بازپرداخت وام ها، به افزایش صادرات نیاز است. کشور وام گیرنده مجبور می شود به محصولاتی توجه کند که کشورهای وام دهنده آن را می خواهند. این مورد هم سبب بی توجهی به تولیدات داخلی می شود و بهای کالاهای اساسی در داخل افزایش می یابد. در نتیجه، مردم متحمل فشار زیادی می شوند.

۲. انتقال سود، ارزش اضافی، سود سهام، حق امتیاز، اصل و فرع سرمایه و دستمزد کارکنان خارجی بر کسری تراز پرداخت کشور میزبان، اثر زیان باری دارد و ارز فراوانی را از کشور خارج می سازد.

۳. در این نوع از سرمایه گذاری ها، از راه هایی استفاده می شود که انتقال فن آوری به کشور میزبان، به صورت کامل انجام نمی گیرد و همواره آن کشور را به سرمایه گذاری نیازمند نگه می دارند و به دلیل استفاده از امکانات فرسوده، بازدهی کم و هزینه های تعمیر بالاست.

۴. وقتی سرمایه گذاران خارجی وارد کشوری شدند، در دستگاه حاکمه آن نفوذ می کنند و آنها را به تغییر قوانین یا وضع قوانین جدیدی که به نفع

ص: ۱۸۹

سرمایه گذاران باشد، وادار می سازند و آنها را ملزم می کنند از سرمایه ها در طرح هایی استفاده کنند که بیش از آنکه به رشد و پیشرفت کشور میزبان کمک کند، برای تأمین منافع سرمایه گذاران مفید باشد. در نهایت، این قبیل از امور سبب تشدید انواع نارسایی فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و به بروز بی ثباتی در سطح جامعه منجر می شود و انقلاب، کودتا و شورش ها و ناامنی ها را در پی می آورد.

در مقابل از اموری هم به عنوان آثار مثبت سرمایه گذاری خارجی یاد شده است که عبارتند از:

۱. سرمایه گذاری های خارجی شکاف بین پس انداز و سرمایه گذاری مورد نیاز در کشورهای کمتر توسعه یافته را پر می کند و در این جوامع تمرکز سرمایه را بهبود می بخشد و کمبود ارز را تأمین می کند.

۲. همراه با سرمایه گذاری خارجی، فن آوری جدید، مدیریت صحیح، نیروی متخصص، تحقیق و نوآوری در شیوه های تولید و روش های تازه بازاریابی به کشورهای توسعه نیافته، که فاقد این امور هستند، گسیل می شود.

۳. سرمایه های خارجی برای کشور، ارزش افزوده به ارمغان می آورد و تولید ملی را افزایش می دهد.

۴. این سرمایه ها، منبع درآمدی برای کشورها به شمار می آید؛ زیرا دولت ها با گرفتن مالیات، حقوق گمرکی و غیره، به درآمدهای قابل توجهی دست می یابند.

۵. سرمایه گذاری خارجی سبب افزایش بازدهی سرمایه و نیروی کار می شود.

۶. در کشور میزبان، سطح دستمزد کارگران مشغول در مؤسسات خارجی، بالا می رود و به دنبال آن تقسیم کار، بهتر و منسجم تر انجام می شود.

ص: ۱۹۰

۷. در صورت سرمایه گذاری در بخش تولید کالاهای صادراتی، به سوددهی اجتماعی آن بسیار توجه شده است.

۸. مشکل اشتغال را در کشورهای جهان سوم بهبود می بخشد.

۹. این سرمایه گذاری ها در کوتاه مدت، تراز پرداخت ها را به سود کشور میزبان تغییر می دهد؛ زیرا در اوایل شروع پروژه تا بهره برداری از آن، فاصله ای وجود دارد که سرمایه گذار خارجی هزینه لازم را تأمین می کند.

۱۰. وجود سرمایه گذاران خارجی سبب می شود، سرمایه گذاران کشور میزبان، سرمایه خود را به کار اندازند و در کشور سومی سرمایه گذاری کنند و سودهای خوبی برای کشورشان به دست آورند.

پس از بیان دیدگاه های مثبت و منفی کارشناسان، توجه به این نکته لازم است که بین اصل دریافت سرمایه خارجی و شرایطی که سرمایه گذاران مطرح می کنند، باید تفاوت قائل شد. برای کشورهایی که از منابع طبیعی و سرمایه های بزرگ داخلی محرومند، یکی از راه های جذب سرمایه، استفاده از سرمایه های خارجی است. این کار به خودی خود امر مثبتی به شمار می آید، منتهی باید مراقب بود شرایط و محدودیت هایی که وام دهندگان مطرح می کنند، هدف اصلی از دریافت این سرمایه ها را از بین نبرد که همانا دست یابی به پیشرفت و استقلال است. به اصطلاح به جای پیشرفت، سبب عقب ماندگی و به جای خودکفایی و استقلال و اقتدار، موجب وابستگی نشود. بررسی ها نشان می دهد، در تمام کشورها سرمایه گذاری های خارجی یکسان نبوده است. برخی از آنها که با در نظر گرفتن جوانب امر و رفتار منطقی و عقلانی، از طریق استفاده از این نوع سرمایه ها به اهدافی که داشته اند، تا حدود زیادی دست یافته و به پیشرفت و توسعه رسیده اند، اما در بسیاری از کشورهای توسعه نیافته، استفاده از این قبیل سرمایه ها، آثار منفی

ص: ۱۹۱

داشته و این آثار تنها به مسائل اقتصادی هم مربوط نبوده، بلکه از نظر سیاسی، فرهنگی و اجتماعی، زیان های فراوانی را متوجه کشور ها ساخته است.

اسلام و استفاده از سرمایه های خارجی

اسلام و استفاده از سرمایه های خارجی

در اسلام وام دادن، کار بسیار پسندیده ای است. خداوند در قرآن کریم فرموده است: «کیست که به صورتی نیکو به خداوند وام (قرض الحسنه) بدهد تا آن را خداوند برای او دو چندان کند و مزدی کریمانه بهره او شود». (حدید: ۱۱)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود: «هر کس به ستم دیده ای وام دهد و در زمان سررسید آن، با خوش رفتاری از او بدهی اش را طلب کند، خداوند همه گناهان او را می آمرزد و در برابر هر درهم وامی که داده است، هزاران برابر از (نعمت های) بهشتی به وی خواهد بخشید».(۱)

این حکم مربوط به جامعه اسلامی است، ولی در صورت نیاز و با رعایت برخی شرایط، استقراض یا وام گرفتن از کشورهای دیگر نیز اشکالی ندارد. هر چند در شرایط عادی، بدون نیاز حتی قرض خواستن مؤمن از مؤمن هم پسندیده نیست. همواره ترک سؤال از دیگران، ولو از برادر مؤمن مورد سفارش اسلام است.

امام باقر(ع) می فرماید: «دست نیاز به سوی مردم دراز کردن عزت را می رباید و حیا و شرم را می برد و چشم بر کندن از آنچه در دست مردم است، مایه عزت مؤمنان و طمع همان فقر موجود است.»(۲) امام علی(ع) نیز می فرماید: «سؤال کردن طوق خواری است که عزت را از عزیز و بزرگی را از بزرگ زاده می رباید».(۳)

۱- الحیاه، ج۶، ص ۱۵۰.

۲- میزان الحکمه، ج۵، ص۲۳۲۷.

۳- میزان الحکمه، ج۵، ص۲۳۲۷.

ص: ۱۹۲

روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: «با من پیمان ببندید که از مردم چیزی نخواهید. از آن پس وقتی در حال سوار بودن بر مرکب، از دست یک نفرشان چوب دستی می افتاد، خود پیاده می شد و آن را بر می داشت و به کسی نمی گفت: آن را به من بده.»(۱) از آن حضرت روایت می کنند که فرمود: «نیاز خواهی روا نیست، مگر در صورت فقر کشنده یا قرض کمرشکن».(۲)

بر این اساس، تا نیاز مبرمی نباشد، هرگز نباید به سوی سرمایه خارجی رفت و تا جایی که ممکن است، به سرمایه های داخلی بسنده شود، اما در شرایط اضطرار، اگر مجبور به استفاده از آن شد، حتماً باید مراقبت شود که این کار با عزت و استقلال جامعه اسلامی منافات نداشته باشد. در این زمینه، به چند مورد اشاره می شود:

۱. پیش بینی توان بازپرداخت سرمایه خارجی

اگر درست کارشناسی نشود و در چگونگی بازپرداخت سرمایه، برنامه ریزی دقیقی نباشد، مشکل آفرین خواهد شد. امام صادق(ع) می فرماید: «لایَسْتَقْرِضُ عَلی ظَهْرِهِ اِلّا وَ عندَهُ وَفاءٌ...؛ در صورتی استقراض و استفاده از سرمایه دیگران در صورتی جایز است که فرد یا جامعه بتواند از عهده بازپرداخت آن برآید».(۳)

۲. استثمارگرانه نبودن شرایط سرمایه خارجی

به شرایطی که سرمایه گذاران خارجی برای سرمایه گذاری ها مطرح می کنند، باید دقت شود که در ضمن آن، اصول غیر انسانی و غیر اخلاقی در آن گنجانده نشود؛ چرا که بر اساس آموزه های قرآنی، ارتباط جامعه اسلامی با

۱- میزان الحکمه، ج۵، ص۲۳۲۹.

۲- میزان الحکمه، ج۵، ص ۲۳۳۱.

۳- پدیده شناسی فقر و توسعه، ج۳، ص۲۹۵.

ص: ۱۹۳

دیگر جوامع نباید به گونه ای باشد که زمینه برای تسلط یا نفوذ بیگانگان فراهم شود؛ چرا که «لَنْ یجعلَ الله لِلْکافِرینَ عَلی الْمُسلِمینَ سَبیلًا». (انفال: ۲۶)

۳. هم خوانی شرایط سرمایه خارجی با اصول هدایت

گاهی شرایط سرمایه گذاران در راه سعادت انسان ها مانع ایجاد می کند. کسی حق ندارد، به بهانه دریافت سرمایه، به این گونه شرایط تن دهد. خدا در قرآن می فرماید: «آنانی که کافر شده اند، اموالشان را برای بازداشتن مردم از راه خدا خرج می کنند. آنان این اموال را که در این راه مصرف می کنند، این کار مایه حسرت و اندوهشان خواهد شد و شکست خواهند خورد». (انفال: ۲۶)

۴. هم خوانی استفاده از سرمایه خارجی با استقلال

استفاده از سرمایه خارجی به گونه ای نباشد که سبب وابستگی شود، چون هرگونه وابستگی از جمله وابستگی اقتصادی، از دید اسلام محکوم و مطرود است.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلَن یَجْعَلَ اللّهُ لِلْکافِرینَ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ سَبِیلًا؛ خداوند هرگز راهی برای سلطه بیگانگان (کافران) بر مؤمنان قرار نداده است». (نسا: ۱۴۱)

۵. هماهنگی شرایط استفاده از سرمایه خارجی با عزت اسلامی

گاهی مفادی در سرمایه گذاری های خارجی گنجانده می شود که با عزت اسلامی مطابقت نمی کند. هیچ فرد مسلمانی حق ندارد زیر بار چنین شرایطی برود؛ چرا که طبق آموزه های اسلامی، عزت از آن خداوند است: «کسانی که کافران را به جای مؤمنان دوست خود انتخاب می کنند، آیا عزت و آبرو را نزد آنان می جویند؟ با اینکه همه عزت ها از آن خداوند است.» (نساء: ۱۳۹) همان گونه که در آیه ای دیگر آمده است: «عزت، مخصوص خدا و رسول او و مؤمنان است». (منافقون: ۸)

ص: ۱۹۴

امام باقر(ع) نیز فرمود: «... زمام اختیار خود را به دست مردم مسپار که ذلیل می شوی».(۱)

انسان حق ندارد عزت و آبروی خود را در پای منافع مادی قربانی کند. لقمان حکیم، به فرزند خود چنین اندرز می دهد:

ای فرزند، اگر می خواهی عزت دنیا را به دست آوری، طمع خویش را از آنچه مردم دارند، ببر؛ زیرا پیامبران و صدیقان به سبب بر کندن طمع از دیگران، به آن مقامات دست یافته اند.(۲)

چهار تحمل سختی های اقتصادی مقطعی

اشاره

چهار تحمل سختی های اقتصادی مقطعی

تلاش برای تحقق هر هدفی، علاوه بر فراهم سازی امکانات لازم، به تحمل برخی سختی ها و ناملایمات نیاز است. رسیدن به پیشرفت های اقتصادی، بدون صبر بر برخی کمبودهای مقطعی، میسر نیست. بر این اساس، یکی از راه های تهیه سرمایه برای استفاده در طرح های تولید آن است که افراد، با پذیرش برخی سختی ها و قناعت بر امکانات کم، سرمایه های لازم را مهیا کنند. ازاین رو، می توان با اجرای برخی سیاست های اقتصادی، به جمع شدن سرمایه کمک کرد. لازمه چنین کاری، تحمل سختی ها و حتی محرومیت های مقطعی است.

البته باید برنامه ریزی و مدیریت امکانات به گونه ای باشد که تحمل این تنگناهای معیشتی طاقت فرسا نباشد. در این راستا، سیاست گذاران و توان مندان جامعه باید به افراد کم توان توجه کنند تا کاستی ها و کمبودها به آنها آسیب نرسانند.

در آموزه های دینی، صبر بر ناملایمات، یکی از راه کارهای دست یابی به موفقیت، بیان شده است. تحمل و ریاضت اقتصادی، از جمله اموری است که علاوه بر حفظ کرامت انسانی، در برهه های حساس، ضامن بقا و حفظ استقلال

۱- میزان الحکمه، ج۸، ص ۳۷۴۱.

۲- میزان الحکمه، ج۸، ص۳۷۴۳.

ص: ۱۹۵

جامعه هم است. البته صبر بر ناملایمات، هرگز به معنای سکوت در برابر تبعیض ها و سیاست های نادرست و اسراف و تبذیرها نیست، بلکه صبر به این معناست که انسان در ناملایماتی که ناگزیر دامن گیر جامعه شده است، ناشکیبایی نکند و برای دست یابی به اهداف بزرگ، سختی ها را تحمل کند و در مقابل خواهش های نفسانی، مقاومت کند و حقوق دیگران را محترم شمارد؛ چرا که انسان مؤمن تمام پیش آمدهای زندگی را نوعی امتحان الهی می داند و معتقد است : «اِنَّ مَعَ العُسرِ یسرَا؛ با هر سختی، گشایشی هست». (انشراح: ۶)

امیر مؤمنان، علی(ع) می فرماید: «الصبرُ عونٌ عَلی کُلِّ اَمرٍ؛ صبر بر هر کاری، به انسان یاری می رساند».(۱)

رسول اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمود: «اِنَّ النصرَ مَعَ الصَّبرِ؛ پیروزی (بر ناملایمات) با شکیبایی به دست می آید».(۲)

در این زمینه امام صادق(ع) نوید می دهد: «پایداری عالمانه در برابر مشکلات و رنج های مقطعی را به جان خریدن، نوید بخش آینده درخشان است. به میزان استقامت در این مسیر، چیرگی بر مشکلات سرعت می گیرد».(۳)

امام علی(ع) بشارت می دهد که اگر مردم، تحمل سختی ها را بر خود هموار سازند، بر دشمنان پیروز خواهند شد: «الصَّبرُ یزعَمُ الاَعدَاء؛ شکیبایی سبب شکست دشمنان می شود».(۴)

امام صادق(ع) ایستادگی در برابر ناملایمات را اخلاق پیامبران دانسته اند: «اربعةٌ مِن اخلاقِ الاَنبیاء.... والصبرُ عَلَی النابِئه؛ چهار چیز از اخلاق پیامبران است... از جمله آنهاست، ایستادگی در رویارویی با مشکلات و سختی ها».(۵)

۱- میزان الحکمه، ج۵، ص۲۵۷.

۲- میزان الحکمه، ج۵، ص۲۵۹.

۳- پدیده شناسی فقر و توسعه، ج۱، ص۲۷۱.

۴- الحیاه، ج۵، ص۲۵۶.

۵- الحیاه، ج۶، ص۹۴.

ص: ۱۹۶

امام رضا(ع) صبر را از عوامل کامل شدن ایمان به شمار می آورد و می فرماید: «مقاومت در برابر تنگناها، فشارها و حوادث ناخوشایند، از مراتب بالای دین داری است که بدون آن ایمان آدمی کامل نمی شود».(۱)

در شرایطی که به تحمل سختی های معیشتی نیاز است، به توان مندان سفارش شده است که وضعیت قشرهای کم درآمد را رعایت و به آنها در حد توان خود کمک کنند و با وجود داشتن امکان استفاده از امکانات، از آنها چشم پوشی کنند تا به جهت عاطفی و روانی، افراد مستمند آزرده خاطر نشوند. امام علی(ع) می فرماید: «الصَّبرُ صَبران و صَبرٌ مِمَّا تُحِبّ؛ صبر بر دو گونه است و یکی از آنها، صبر در برابر دوست داشتنی هاست».

خودداری کردن از خرید کالاهای دوست داشتنی، نوعی ریاضت اقتصادی به شمار می آید. ایشان در عبارتی دیگر می فرماید: «یکی از اقسام صبر این است که انسان امور ناخوشایند را (آنچه را دوست ندارد) عاقلانه تحمل کند».(۲)

در مقابل به افراد مستمند سفارش شده است که مراقب باشند، کمبودها آنان را از جاده مستقیم خارج نسازد و به حرام آلوده نشوند. امام علی(ع) می فرماید: «فرد و جامعه ای که در مقطعی از زمان مشکلات را تحمل کند، مدت ها ستایش می شود».(۳)

از حضرت عیسی(ع) نیز نقل شده است که فرمود: «انسان به خواسته های مطلوب خویش نمی رسد، مگر آنکه از ناملایمت با بردباری به سلامت بگذرد».(۴)

۱- الحیاه، ج۵، ص۲۵۶.

۲- میزان الحکمه، ج۵، ص۲۹۷.

۳- الحیاه، ج۵، ص۲۶۵.

۴- الحیاه، ج۵، ص۲۶۵.

ص: ۱۹۷

علاوه بر موارد چهارگانه پیشین، برای افزایش سرمایه، اموری دیگری نیز ذکر شده است که با توجه به ویژگی های هر جامعه ای، می توان در چارچوب اصول اعتقادی و فرهنگی و اخلاقی، از این راهکارها در راه تحصیل سرمایه بهره برداری کرد.

اول ایجاد تعاونی های اعتبار

اول ایجاد تعاونی های اعتبار

این تعاونی ها از راه جمع آوری پس اندازهای اندک افراد و هدایت آنها به سوی برنامه های عمرانی در سراسر کشور، می توانند در روند پیشرفت اهداف اقتصادی سهیم شوند.

دوم تشویق مردم به پس انداز

دوم تشویق مردم به پس انداز

همه دولت ها با توجه به اهرم ها و امکاناتی که در اختیار دارند، می توانند مردم را به پس انداز و سرمایه گذاری در فعالیت های اقتصادی تشویق کنند. این کار سبب می شود مردم بسیاری سرمایه های غیر مولد را وارد بازار کار، و به حل برخی مشکلات اقتصادی کمک کنند.

سوم اصلاح و تصویب قوانین

سوم اصلاح و تصویب قوانین

دلیل بسیاری از نابسامانی های اقتصادی و اجتماعی، در نبود قوانین و مقررات لازم و مناسب ریشه دارد. اگر در این باره گام های درستی برداشته شود، بستر برای سرمایه گذاری در عرصه های اقتصادی فراهم می شود و مردم و نهادها می توانند سرمایه های خود را با آرامش خیال و اطمینان کامل به سوی فعالیت های اقتصادی هدایت کنند.

ص: ۱۹۸

ص: ۱۹۹

فصل پنجم: وظایف مردم، دولت و رسانه

اشاره

فصل پنجم: وظایف مردم، دولت و رسانه

زیر فصل ها

۱. وظایف مردم در فعالیت های اقتصادی

۲. وظایف دولت

۳. نقش رسانه ملی در عرصه فعالیت های اقتصادی

۱. وظایف مردم در فعالیت های اقتصادی

۱. وظایف مردم در فعالیت های اقتصادی

الف) جدّیت در کار و شرکت در تولید

مردم، اصلی ترین عامل رونق کار و رشد و توسعه تولید در جامعه اسلامی به حساب می آیند. از آنجا که گام اول در پیشرفت هر جامعه ای، عنصر کار و تلاش است و دست یابی به تمامی اهداف از جمله هدف های اقتصادی تنها از راه کوشش میسر است، ازاین رو، تک تک افراد جامعه اسلامی وظیفه دارند در حد توان نسبت به تحقق این هدف ها کمک کنند. در آموزه های دینی، به صورت های مختلف به این موضوع توجه شده است. در قرآن کریم، راه دست یابی به زندگی پاک و خوب، کار نیکو و شایسته معرفی شده است: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُواْ يَعْمَلُونَ؛ هر کس از مرد و زن که مؤمن باشد و کار نیکو انجام دهد، زندگی خوش و پاکیزه ای به او خواهیم داد و پاداشی بهتر از کارشان به آنان می دهیم». (نحل: ۹۷)

ص: ۲۰۰

حضرت علی(ع) در توصیف ارزش و اهمیت کار، فرموده است: «العَملُ یبلُغ بکَ الغایه؛ کار تو را به هدف می رساند». (۱)

ایشان در روایت دیگری، مردم را این چنین برای انجام دادن کار سفارش می کند: «العَمل، العمَل، ثُمَّ النَهایه النَهایه و الاستقامه و الاستقامه، ثم الصَبر الصَبر و الوَرع الوَرع انَّ لکُم نهایهً فانتَهوا الی نهَایتکم؛ کار کنید کار کنید و آن را به سرانجام برسانید و در آن پایداری و شکیبایی و پارسایی داشته باشید...». (۲)

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ، کار کردن برای کسب مال حلال و هزینه های زندگی را برای هر مرد و زنی وظیفه و تکلیف معرفی می کنند. (۳) در مقابل، بی کاری و شانه خالی کردن از آن بسیار نکوهش شده است: «خداوند از بنده... بی کار به شدت متنفر است.» (۴) یا «کسی که بار خود (هزینه زندگی) را به دوش دیگران بیفکند، از حاصل زحمات دیگران ارتزاق کند، از رحمت خداوند دور است». (۵)

بر این اساس، با مطالعه سیره انبیا و اولیای الهی در می یابیم، آنها زندگی شان را با دست رنج شان اداره می کردند و علاوه بر آن با کار و تلاش، برای سامان یابی زندگی دیگران، کمک می کردند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «هرگز کسی غذایی بهتر از دست رنج خود نخورده است. پیامبر خدا، حضرت داود(ع)، از دست رنج خود ارتزاق می کرد». (۶)

وقتی حواریون حضرت عیسی(ع) از وی سؤال کردند، بهترین افراد از پیروان شما کیست؟ آن حضرت فرمود: «کسی که با دست خود کار کند و از کسب خودش زندگی را اداره کند». (۷)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ش ۲۰۶۰.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶.

۳- بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۹.

۴- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ابواب مقدمات تجارت، باب ۱۷، ح ۴.

۵- وسائل الشیعه، ج ۱۲، ابواب مقدمات تجارت، باب ۶، ح ۱۰؛ به نقل از: مبانی اقتصاد اسلامی، ص ۱۳۶.

۶- کنزالعمال، ش ۹۲۲۳؛ میزان الحکمه، ج ۱۱، ص ۵۱۷۵.

۷- بحارالانوار، ج ۱۴، ص ۲۷۶، ح ۷.

ص: ۲۰۱

امام صادق(ع) می فرمود: «در طلب معاش، کوتاهی و تنبلی نکنیـد. همانا پـدران ما در پی به دست آوردن معاش، می دویدند و آن را طلب می کردند».(۱)

در جایی دیگر، آن حضرت به اصحاب خود می فرمود:

به هر یک از یارانتان که برخوردید (شیعیان) سلام مرا به ایشان برسانید و بگویید: بر شما باد رعایت تقوای الهی و توجه به آنچه به وسیله آن به ماعنـدالله (پاداش الهی) می توان دست یافت. سوگند به پروردگار، ما به شـما فرمانی را نمی دهیم، مگر آنکه خود آن را به جای می آوریم. بر شـما باد کار و کوشـش و جدیت در آن. هرگاه از نماز صبح فارغ شدید، صبح زود در پی روزی بروید و در پی طلب حلال باشید. خداوند به شما روزی دهد و بر آن یاری تان خواهد کرد.(۲)

فضل بن ابی قره می گویـد: «روزی بر امام صادق(ع) در بسـتانی برخوردم که در آن مشـغول کار بودند. عرض کردم: فدایت شوم، اجـازه بدهیـد مـا به جـای شـما برایتـان کـار کنیم یا غلامان کار را انجام بدهنـد. حضـرت فرمود: مرا آزاد بگذاریـد تا کار کنم. من دوسـت دارم خـدای عزوجـل ببینـد که بـا دست خـودم کـار می کنم و روزی حلاـل خـود را در به زحمت انـداختن خـود طلب می کنم».(۳)

امام موسـی بن جعفر(ع)، به یکی از یارانش که کاسب و فروشـنده بود، فرمود: «اُغْدِ الی عزّک؛صـبح زود به سوی عزت و سربلندی خود بشتاب».(۴) منظور آن حضـرت، کسب و تجـارت بوده است. عزت انسان، در سایه تلاش او در جهت تولیـد به دست می آیـد. ازاین رو، پیشوایان معصوم علیهم السلام با تمام مشکلات و مسئولیت های طاقت فرسای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، در عرصه کار و تلاش های اقتصادی، کوشا و فعال بودند و در کنار کارگران و غلامان به کار و تولید می پرداختند.

۱- وسائل الشیعه، ج۲۲، باب۱۸، ح۸.

۲- وسائل الشیعه، ج۲۲، باب۴، ح۸.

۳- وسائل الشیعه، ج۲۲، باب۹، ح۱۱، به نقل از مبانی اقتصاد اسلامی، ص۱۸۹.

۴- عزیزالله عطاردی، مسند الامام الکاظم۷، ج۲، ص۳۵۹.

ص: ۲۰۲

پیشوایان معصوم علیهم السلام ، علاوه بر اینکه خود در عرصه تولید و تلاش های اقتصادی پیش گام بودند، از تولیدکنندگان و کشاورزان حمایت می کردند و به آسیب دیدگان و ورشکستگان و بدهکارانی که زندگی اقتصادی آنها به دلیل مشکلات طبیعی مختل شده بود، کمک های فراوانی می کردند.

امام علی(ع) به تولیدکنندگان و کشاورزان، عنایت ویژه ای داشت. امام صادق(ع) در این باره می فرماید: «کان امیرَالمؤمنینَ یَکْتُبُ وَ یُوصی بِفلّاحِینَ خَیْراً؛ امیر مؤمنان همیشه به عمال و کارمندانشان، سفارش کشاورزان را می کرد».(۱)

«امام موسی کاظم(ع) از کشاورزان و تولیدکنندگان مدینه، بسیار حمایت می کرد. شخصی می گوید: در نزدیکی مدینه صیفی کاری داشتم. موقعی که فصل برداشت محصول نزدیک شد، ملخ ها آن را نابود کردند. من خرج مزرعه را با پول دو شتر، بدهکار بودم. نشسته بودم و فکر می کردم. ناگهان امام موسی بن جعفر(ع) را دیدم که در حال عبور از آنجا بود و مرا دید، فرمود: چرا ناراحتی؟ عرض کردم: به خاطر اینکه ملخ ها کشاورزی مرا نابود کرده اند.

حضرت فرمود: چه قدر ضرر کرده ای؟ عرض کردم: یک صد و بیست دینار، با پول دو شتر. حضرت به غلام خود فرمود: یک صد و پنجاه دینار به او بده. سی دینار سود به اضافه اصل مخارج و دو شتر هم، به وی تحویل بده!

آن مرد می گوید: وقتی این کمک را تحویل گرفتم، عرض کردم: وارد زمین من شوید و در حق من دعا کنید. حضرت وارد زمین شد و دعا کرد. سپس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرد و فرمود: از بازماندگان مشکلات، به درستی مراقبت و نگه داری کنید».(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج۱۳، ص۲۱۶.

۲- خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج۱۵، ص۱۶.

ص: ۲۰۳

بدین سان، امام به مسئولان و افراد جامعه می آموزد که چگونه به آسیب دیدگان کمک کنند. حضرت موسی بن جعفر(ع)، در کمک به کشاورزی که زراعت او آسیب دیده بود، علاوه بر اصل سرمایه، مقدار سودی که انتظار داشت به او می پردازد، ضمن اینکه حمایت معنوی خود را نیز اعلام می دارد و برای آن کشاورز دعا می کند و با ذکر روایتی از پیامبر او را مشمول هدایت فکری و معنوی خود قرار می دهد.

بنابراین، هر جامعه ای برای ادامه حیات و بقا، به کار و فعالیت مردم و مسئولان نیاز دارد. کار، شامل قسمت مهم زندگی انسان می شود. به عقیده بسیاری از متفکران اجتماعی و اندیشمندان اسلامی، انسان موجودی اجتماعی است. انسان ها قسمت اعظم نیازهای خود را از راه کار گروهی و اجتماعی تأمین می کنند.

ب) نظارت بر کار دولت

در جامعه اسلامی، همه در برابر یکدیگر مسئول به شمار می آیند. حیطه مسئولیت افراد در جامعه اسلامی گسترده است. امیر مؤمنان، علی(ع) می فرماید: «ای مردم تقوای الهی را درباره بندگان خدا و سرزمین هایش رعایت کنید؛ زیرا شما نسبت به سرزمین و چارپایان نیز مسئول به حساب می آیید. از خدا اطاعت و از نافرمانی اش خودداری کنید.»(۱) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در سخنی مشهور فرموده است: «اَلا کُلُّکُم رَاعٍ وّ کُلُّکُم مَسئولٌ..؛ آگاه باشید همه شما سرپرست و مسئول هستید...».(۲)

گذشته از آنچه بیان شد، جامعه در برابر کارهای دولت، بر اساس اصل امر به معروف و نهی از منکر مسئول است. وقتی امام علی(ع) درباره حقوق

۱- نهج البلاغه، خطبه۱۶۷.

۲- میزان الحکمه، ج۵، ص ۲۳۱۰.

ص: ۲۰۴

مردم و حکومت سخن می گوید، این حقوق را به صورت متقابل بیان می کند، یعنی دولت و مردم در برابر همدیگر مسئول به شمار می آیند. آن حضرت با اشاره به موارد خاصی به مردم تعلیم می دهد که متوجه باشند در برابر اعمال حکومت، باید به وظیفه کنترل و نظارتی که دارند، عمل کنند.

وقتی با هجوم آوردن مردم، امیر مؤمنان علی(ع) زمام حکومت را در دست گرفت، در همان مجلس به مردم فرمود: «ای مردم کوفه! اگر از نزد شما به غیر از خانه و مرکب و غلامی که از قبل داشته ام، بیرون رفتم، بدانید که به شما خیانت کرده ام».(۱)

با توجه به این روایات، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، یکی از اصول مهم، ضرورت رسیدگی به اموال رهبران جامعه است. از این رهگذر، زمینه نظارت مردم بر حکومت فراهم شده است. اگر اصل نظارت، به صورت شایسته به همه تصمیم های اقتصادی دولت به وسیله مردم انجام گیرد، بسیاری از نارسایی ها برطرف و زمینه رشد و توسعه فعالیت های اقتصادی، فراهم می شود و جلوی هرگونه سوء استفاده از قدرت را می گیرد.

حضرت امام خمینی رحمه الله ، نظارت مردم بر اعمال دولت مردان را بسیار مهم می شمارد و می فرماید:

هر فردی از افراد ملت حق دارد که مستقیماً در برابر سایرین، زمام داران مسلمین را استیضاح کند و به او انتقاد کند و او باید جواب قانع کننده بدهد و در غیر این صورت، اگر برخلاف وظایف اسلامی خود عمل کرده باشد، خود به خود از مقام زمام داری معزول است.(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج ۱۱، ص۸۳.

۲- صحیفه امام، ج۱۵، ص۴۰۹.

ص: ۲۰۵

ایشان در جای دیگری در این باره می فرماید:

همه ملت موظفند نظارت کنند بر این امور. نظارت کنند، اگر من پایم را کنار گذاشتم، کج گذاشتم. ملت موظف است که بگویند پایت را کج گذاشتی. خودت را حفظ کن... تا این کج را درست کنند.(۱)

از نگاه شیعی، نظارت مردمی برحکومت اصلی بنیادین به شمار می آید. حضرت علی(ع) درباره فرهنگ سیاسی، مردم را به شجاعت، نظارت و اظهارنظر درباره حکومت خودش فرا می خواند و می فرماید:

فَلا تُکلِمُونِی بِما تُکَلَّمُ بِهِ الجَبابِرَهُ، وَ لا تَتَحَفَّظُوا مِنّی بِمایَتحفَّظُ بِه عِنـدَ أَهلِ البادِرَهِ وَ لاتُخالِطُونی بِالمُصانَعَهِ وَ لا تُظنُّوا بی استِثقالاً فِی حقٍّ قِیلَ لِی وَ لا ـ اِلتماسَ اِعظام لِنفسی، فَاِنَّهُ مَنْ اِسْتَثقَلَ الْحقَّ أنْ یُقالَ لَهُ أو العدلَ أنَ یُعرَضَ عَلَیهِ، کانَ العملُ بِهما أثقلَ عَلَیهِ، فَلا تَکُفُوا عَن مَقالهٍ بِحقٍ أو مَشورهٍ بِعدلٍ، فَانّی لَستُ فِی نَفْسی بِفُوقِ أنْ أخطِئ وَ لا آمَنُ ذلِکَ مِنْ فِعْلی.(۲)

بنابراین، آن گونه که با زمام داران ستمگر سخن می گویید، با من سخن نگویید و چنان که در پیشگاه حکام خشمگین و جبار، خود را جمع وجور می کنید، در حضور من نباشید و به طور تصنعی، با من رفتار منمایید و هرگز گمان مبرید در مورد حقی که به من پیشنهاد کرده اید، کندی ورزم و نه اینکه خیال کنید، من در پی بزرگ ساختن خویشتنم؛ زیرا کسی که شنیدن حق یا عرضه داشتن عدالت به او برایش مشکل باشد، عمل به آن برای وی مشکل تر است! با توجه این، از گفتن سخن حق یا مشورت عدالت آمیز، خودداری مکنید؛ زیرا من، خویشتن را مافوق آنکه اشتباه کنم، نمی دانم و از آن در کارهایم ایمن نیستم... .

۱- صحیفه نور، ج۷، ص۳۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

ص: ۲۰۶

درباره سخن امیر مؤمنان(ع)، نکات مهمی وجود دارد که آنها را برمی شماریم:

۱. گفتن سخن حق به بالاترین مقام حکومتی و ارائه مشورت در کارها و...، منوط و مشروط به نظارت است؛ زیرا تا کسی نداند و نبیند که در شرایط موجود، چه چیزهایی و چگونه امور تدبیر می شود، چگونه می تواند اظهار نظر کند؟

۲. نظارت، علاوه بر جلوگیری از مشکلات، خطا و سوء استفاده ها، می تواند سبب ارتقای کیفیت مدیریت شود. دعوت حضرت علی(ع) از دیگران برای نظارت و مشارکت در حکومت، برای ارائه حکومتی مطلوب تر و کارکردی مناسب تر است. ضمن اینکه ممکن است مراد حضرت، لزوماً شخص حضرت علی(ع) نباشد، بلکه مراد نظارت و دخالت مردم در ساختار حکومتی است که افراد بسیاری در آن فعال هستند و همه آنها امکان خطا یا حتی سوء استفاده از موقعیت حکومتی را دارند و به نظارت و کنترل نیاز دارند. چنان که در مواردی حضرت علی(ع) از شیوه عملکرد استانداران و فرماندارانش، به شدت ناراضی می شد و به صورت مکتوب یا حضوری، با آنها برخورد می کردند.

ج) پرهیز از رفاه زدگی و مصرف بی رویه

اسلام ضمن اینکه با رفاه و آسایش انسان ها مخالف نیست و آن را لازم می داند، اما با هر گونه تجمل گرایی و غرق شدن در لذات که به طغیان انسان ها منجر می شود، مخالف است و با آن مبارزه می کند. اصولاً شیوه مصرف در جامعه اسلامی، نباید به گونه ای باشد که عده ای غرق در نعمت ها باشند و عده ای دیگر، محروم از آنها. اگر چنین اتفاقی بیفتد، جامعه در معرض تهدید، تنفر و انزجاز خدای متعال خواهد بود. خداوند

ص: ۲۰۷

در قرآن کریم می فرمایـد: «ذَرْهُمْ یَأْکلُواْ وَیَتَمَتَّعُواْ وَیُلْهِهِمُ الأَمَلُ فَسَوْفَ یَعْلَمُونَ؛ بگـذارشان تا بخورنـد و برخوردار شونـد و آرزوها سرگرمشان کند، پس به زودی خواهند دانست». (حجر: ۳)

و در جای دیگر غرق شدن در نعمت ها و افراط در بهره برداری از آنها را ویژگی کافران توصیف می کند: «وَالَّذِینَ کفَرُوا یَتَمَتَّعُونَ وَیَأْکلُونَ کمَا تَأْکلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًی لَّهُمْ؛ کسانی که کافر شـده انـد، در ظاهر بهره می برند و همان گونه که چارپایان می خورند، می خورند و جایگاه آنها آتش است». (محمد: ۱۲)

امام سـجاد(ع) در دعایی از خداونـد چنین درخواست می کنـد: «خـدایا مرا از اسـراف و زیاده روی باز دار. به بخشـش و میانه روی قوام بده و حُسن تقدیر را به من بیاموز و به لطف خود مرا از تبذیر نگاه دار».(۱)

حضـرت امـام خمینی رحمه الله در وصـیت نامه سیاسـی الهی شان، مردم را از خطرهای تجمل گرایی و رفاه زدگی آگاه می کنـد و خواستار ممنوعیت ورود کالاهای لوکس و تجملاتی به کشور می شود. ایشان چنین می نویسد:

از ورود کالاهای مصـرف ساز و خانه برانـداز جلوگیری نماییـد و مردم به آنچه دارنـد بسازنـد تا خود همه چیز بسازند و از جوانان، دختران و پسـران می خواهم، که استقلال و آزادی و ارزش های انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج فدای تجملات و عشرت ها و بی بنـد و بـاری هـا و حضور در مراکز فحشـا... که از طرف غرب و عمال بی وطن به شـما عرضه می شود نکننـد که آنان چنان چه تجربه نشان داده جز تباهی شـما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما... و مصرفی نمودن ملت و کشور شما به چیز دیگر فکر نمی کنند.(۲)

۱- تحف العقول، ص۴۸.

۲- الحیاه، ج۴، ص۲۳۵.

ص: ۲۰۸

(پی آمدهای منفی مصرف گرایی و رفاه زدگی

هر پدیده اجتماعی، پی آمدهایی دارد. بر این اساس، مصرف گرایی دارای سلسله پی آمدهای زیان باری است که برخی از آنها عبارتند از:

یک نابودی سرمایه های مادی

مصرف بی رویه و تجمل گرایی سبب می شود فرد بیش از آنچه تولید می کند، مصرف کند. بدین ترتیب، در سطح وسیع تر، جامعه ای که به بیراهه تجمل طلبی و رفاه زدگی گام نهاده است، جامعه ای مصرف زده خواهد بود؛ یعنی با مصرف بیشتر منابع و امکانات آن، در عرصه تولید و سرمایه گذاری، با مشکل بزرگی روبه رو خواهد شد.

اسلام از گرایش فطری بشر به زیبایی آگاه است. به همین دلیل، برآوردن این نیاز طبیعی و فطری را در محدوده شریعت و عقل تأیید می کند، ولی فراتر از آن را ممنوع کرده است؛ زیرا هدر دادن ثروت و اموال برای امور واهی، مانند تجمل گرایی مجاز نیست. امام رضا(ع) در روایتی فرموده است: «انّ اللهَ یَبَغَضُ القِیلَ وَ القالَ وَ اِضاعَةَ الْمالِ وَ کثرةَ السؤالِ؛ خداوند، قیل و قال (گفتار بیهوده) و تباه سازی اموال و درخواست کردن فراوان را دوست نمی دارد».(۱)

دو زمینه سازی برای گناهان

افراط در مصرف و تجمل گرایی، زمینه را برای انجام بسیاری از گناهان، مانند غرور، حسد، طمع، شهوت پرستی و کینه توزی آماده می سازد. خدای متعال می فرماید:

همانا بدانید که زندگانی دنیا، بازیچه و سرگرمی کودکانه است و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر و حرص افزودن بر مال و فرزندان است... دنیا جز متاع فریب و غرور چیزی نیست. (حدید: ۲۰)

۱- عیون اخبار الرضا۷، ج۱، ص۲۷۶.

ص: ۲۰۹

سه گسترش فقر در جامعه

بی توجهی به میانه روی در دخل و خرج زندگی و پرداختن به تجملات، زمینه های پیدایش فقر را فراهم می آورد. امام علی(ع) درباره اندازه نگه نداشتن مخارج زندگی و زیاده روی در مصرف می فرماید: «اندازه نگه نداشتن در معیشت، سبب فقر و نیازمندی انسان می شود».(۱)

افراد بسیاری هستند که با رنج و زحمت، اشرافی گری پیشه می کنند و به زیاده روی در مصرف روی می آورند. پس از مدتی چنین افرادی، به سبب زیاده روی و ترک میانه روی در زمینه معیشت، به دیگران محتاج، و به فقر مبتلا می شوند.

امیر مؤمنان، علی(ع)، در این باره فرموده است:

خدای سبحان، روزی فقیران را در مال توانگران قرار داده است. پس هر جا بینوایی گرسنه است، حق او در سفره رنگین اغنیاست و خدای متعال از توانگران بازخواست خواهد کرد.(۲)

بدیهی است یکی از علل گسترش فقر در جامعه، بی توجهی توان مندان به مشکلات اجتماعی برادران دینی خود است.

امام صادق(ع) نیز در این باره می فرماید: «... مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نمی شوند، مگر به دلیل گناهان و ستم کاری توانگران».(۳)

چهار تبدیل ارزش به ضد ارزش

تبدیل باورها و ارزش های دینی و مذهبی به ضد ارزش، یکی دیگر از پی آمدهای مصرف گرایی است. با گسترش مصرف گرایی، ارزش هایی که دین بر آن تأکید می کند و هر انسان عاقلی آن را می پذیرد و حتی تجربه پیشینیان

۱- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۴۷.

۲- نهج البلاغه، حکمت ۳۲۸.

۳- وسائل الشیعه، ج ۹، ص ۱۲.

ص: ۲۱۰

آن را به اثبات رسانده و در تار و پود جامعه دینی و مذهبی، ریشه دوانده است، دستخوش نابودی، و ضد ارزش قلمداد می شود. در جامعه ای که تلاش همه، دست یابی به تجملات بی حد و حصر و امکانات بهتر و بیشتر باشد، دیگر مفاهیم زهد، قناعت، انفاق و ایثار، جایگاهی نخواهد داشت؛ زیرا همه این ارزش ها مخالف خواست و میل آنان است و هیچ کدام برای آنها ارزشی ندارند. مصرف گرایی و تجمل پرستی، در میل درونی انسان به اندوختن مال و زینت های مادی ریشه دارد. خداوند در قرآن می فرماید: «موسی(ع) گفت: پروردگارا! تو فرعون و اشراف وابسته به او را در زندگی دنیا، زیور و دارایی داده ای که با آن، مردمان ما را از راه تو گمراه می کنند. خدایا! دارایی آنان را نابود ساز». (یونس: ۸۸)

امام رضا(ع) درباره این گونه افراد فرموده است:

«مال دنیا جمع نمی شود، مگر با پنج خصلت، بخل بسیار و آرزوهای دراز و چیرگی آزمندی (بر انسان) و ترک صله رحم (و رسیدگی به بستگان تنگ دست) و دنیاپرستی و فراموش کردن آخرت.(۱)

پنج ورشکستگی و بدهکاری

بیشتر ورشکستگی ها و بدهکاری های اقتصادی، به دلیل رعایت نکردن میانه روی در دخل و خرج است. تجمل پرستانی که دل در هوا و هوس دنیایی دارند، زمانی به خود می آیند که کار از کار گذشته و دیگر برای بازگشت شان راهی نمانده است. کم نیستند کسانی که دست به طرف دیگران، دراز می کنند و قرض می گیرند، تا زندگی ساده و معمولی شان را به پای زندگی اشراف و اعیان برسانند. به همین دلیل، ناچار می شوند سرمایه هایشان را در این دنیا، قربانی تجمل پرستی و دست یابی به زندگی اشرافی کنند.

۱- تحف العقول، ص۳۲۶.

ص: ۲۱۱

امام کاظم(ع) می فرماید: «کسی که میانه روی داشته باشد و قناعت کند، نعمت ها (و اموال) خود را از دست نخواهد داد. در مقابل، کسی که اسراف و تبذیر کند، نعمت ها را از دست می دهد (و محتاج دیگران می شود)».(۱)

شش ناتوانی در انجام وظیفه

از نظر دین مبین اسلام، هر مسلمانی در جامعه اسلامی، در برابر خود و اجتماعی که در آن زندگی می کند، دارای وظایفی است. البته این وظایف در شرایط متفاوت، فرق دارد. اگر شماری از اعضای این جامعه به مصرف بی رویه و تجمل گرایی سرگرم شوند، خواه ناخواه از وظایف خود در برخی موارد باز می مانند و به خود و دیگران آسیب می رسانند؛ زیرا پرداختن انسان به امور فرعی، او را از توجه به امور مهم وی در زندگی فردی و اجتماعی باز می دارد. بر این اساس، غرق شدن در زرق و برق دنیا، سبب تباهی عقل و ادراک آدمی می شود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «کسی که به دنیا عشق و علاقه بورزد و آرزوهای طولانی برای خود بپروراند، خدا قلب او را کور می کند، به هر انداز ه ای که نسبت به دنیا علاقه بورزد».(۲)

د) تلاش برای سرمایه گذاری

سرمایه، یکی از مهم ترین عوامل تولید است که در تولید نقش مهمی دارد. شکی نیست که امروزه روند توسعه اقتصادی، نیازمند منابع مالی و سرمایه فراوانی است و بدون آن انجام هیچ کاری، اعم از عمرانی و اقتصادی، میسر نخواهد بود.

سرمایه به معنای ذخیره عوامل فیزیکی، قابل تولید مجدد در روند تولید است. هنگامی که در طول زمان، ذخایر سرمایه افزایش می یابد، روند تمرکز سرمایه (تشکیل سرمایه) نامیده می شود. ازاین رو، باید همگان در این فرآیند شرکت

۱- صحیفه سجادیه، دعای ۳۰.

۲- سید روح الله موسوی خمینی، وصیت نامه الهی سیاسی.

ص: ۲۱۲

داشته باشند تا برنامه های توسعه و پیشرفت اقتصادی اجرا شود و این کار نیازمند آن است که سطح آگاهی سیاسی و اقتصادی مردم، در این زمینه بالا برود و احساس ضرورت پس انداز در آنان به وجود آید؛ زیرا پس انداز عامل اصلی در فرآیند تمرکز و انباشت سرمایه است و اگر مردم بخواهند به این مورد عمل کنند، باید هزینه ها را کاهش بدهند و به نیازهای ضروری و حیاتی بسنده کنند.

امروزه تقریباً بیشتر اقتصاددانان بر تمرکز و تشکیل سرمایه، به مثابه مهم ترین عامل تعیین کننده رشد و توسعه اقتصادی تأکید دارند. اختصاص بخشی از درآمد به پس انداز و سرمایه گذاری، برای تولید بیشتر و ایجاد زمینه های کار و اشتغال برای رفاه جامعه اسلامی در آینده، امری مطلوب است و فایده های بسیاری برای جامعه دارد.

سرمایه گذاری در تولید سبب افزایش تولید کالا، امکانات و فرصت های اشتغال می شود. تمرکز سرمایه سبب گسترش مؤسسات علمی و تحقیقاتی و در نهایت، سبب گسترش پیشرفت های فنی می گردد که صرفه جویی های اقتصادی در جنبه های گسترده و گسترش تخصص و مهارت ها در تولید را امکان پذیر خواهد ساخت. این عامل سبب گسترش ماشین آلات، ابزارهای تولید و تجهیزات برای نیروی کار در حال رشد و تضعیف عوامل مخرب غیراقتصادی بازدارنده توسعه اقتصادی می شود. تمرکز سرمایه، جنبه های بازار را گسترش خواهد داد و عوامل ویرانگر در تکامل بازار را از طریق ایجاد امکانات عدیده در ایجاد سرمایه های بالاسری اجتماعی و اقتصادی، تضعیف می کند. افزون بر این، حتی تمرکز سرمایه در حالت های افزایش جمعیت و نیروی کار نیز امکان توسعه اقتصادی را فراهم می سازد.

از طرفی راکد گذاشتن سرمایه یا زیاده روی در هزینه ها و به کار نبستن سرمایه در کارهای بنیادی، برخلاف فلسفه وجودی مال از دیدگاه اسلام

ص: ۲۱۳

است؛ چرا که خداوند متعال، اموال را برای برطرف کردن نیازهای انسان آفریده است. پس اگر انسان هایی به اموال نیازمند باشند، آن اموال نباید راکد و بدون استفاده بمانند. بر اساس این منطق، امیر مؤمنان، علی(ع)، ذخیره کردن مال در محل بیت المال را نمی پسندید.(۱)

در روایات فراوانی از معصومان علیهم السلام آمده است که راکد گذاشتن مال، خلاف مسیر اصلاح مال است و بهترین دارایی آن است که انسان، مال خود را در مسیر بهره وری و بهره برداری و توسعه و رشد جامعه اسلامی قرار دهد.

در روایتی از امام صادق(ع) می خوانیم: «سخت ترین و بدترین چیزی که شخص پس از خود به جا می گذارد، مال راکد است. راوی سؤال می کند: پس با آن چه کار کند؟ امام فرمود: آن را در ساختن بنای و بستان یا خانه ای، سرمایه گذاری کند».(۲)

در قرآن کریم نیز آمده است: «وَالَّذِینَ یَکنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّهَ وَلاَ یُنفِقُونَهَا فِی سَبِیلِ اللّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِیمٍ؛ کسانی را که زر و سیم می اندوزند و در راه خدا انفاقش نمی کنند، به عذابی دردآور بشارت ده.» (توبه: ۳۴) امیر مؤمنان، علی(ع) با الهام از قرآن کریم می فرماید: «لاترغبْ فی اِقتناءِ الامْوالِ؛ به گردآوری مال تمایل پیدا نکن.»(۳) ایشان در جایی دیگر می فرماید: «به دارایی زیاد مردمان فریفته نشوی که خود به چشم خود دیدی آن را که پیش از تو بود و مال ها اندوخت.»(۴) همچنین حضرت، گردآوری ثروت را نهی می کند و می فرماید: «المالُ یعسوبُ الفُجّارِ؛ ثروت پیشوای تباهکاران است».(۵)

۱- نظام اقتصاد علوی، ص۲۳۵.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۲، ص۴۴.

۳- شرح نهج البلاغه، ج ۲۰، ص۳۳۳.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۲.

۵- کلمات قصار، ۳۰۸.

ص: ۲۱۴

ثروت اندوزی، شخص را به سرکشی و ارتکاب جرایم وا می دارد، اما اگر جمع کردن مال برای انفاق و سرمایه گذاری باشد، کاری پسندیده است و مسلمان در ازای آن پاداش می گیرد. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «مَّثَلُ الَّذِینَ یُنفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ کَمَثَلِ حَبَّهٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِی کُلِّ سُنبُلَهٍ مِّئَهُ حَبَّهٍ وَاللّهُ یُضَاعِفُ لِمَن یَشَاء وَاللّهُ وَاسِعٌ عَلِیمٌ؛ مَثَل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند دانه ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه ای صد دانه باشد و خداوند برای هر کس که بخواهد (آن را) چند برابر می کند، و خداوند گشایشگر داناست». (بقره: ۲۶۱)

با توجه به این مطالب، می توان چنین نتیجه گرفت که کاهش هزینه ها از طرف مردم و پس انداز آن و به کارگیری سرمایه در عرصه فعالیت های تولیدی و اشتغال زایی، به رشد و توسعه اقتصادی جامعه اسلامی کمک می کند. ازاین رو، مردم جامعه اسلامی کمک باید در جهت این امر مهم بکوشند و از اسراف و تبذیر، خودداری کنند.

ه) رقابت در جهت ارتقا کیفیت محصولات

رقابت بین افراد یکی از کارهایی است که سبب رشد اقتصادی جامعه در همه عرصه ها، از جمله کار و تولید و سرمایه می شود و انگیزه فعالیت و تلاش در این امور را افزایش می دهد.

اگر در میان مردم، فرهنگ رقابت، البته به معنای صحیح و اسلامی آن رایج و نهادینه شود، سبب می شود افراد بیشتر بکوشند و اقتصاد جامعه اسلامی رونق یابد.

رقابت به معنای کوشش و مبارزه با رقیبان برای پیروزی در دست یابی به امکانات اقتصادی بیشتر است. با کوشش برای به دست آوردن سود بیشتر، رقابت در اقتصاد شکل می گیرد. برای مثال، هر تولیدکننده ای در رقابت با

ص: ۲۱۵

تولیدکنندگان دیگر، همه کوشش خود را برای کاهش هزینه تولید و کاهش قیمت ها به کار می گیرد تا در سایه آن به منافع بیشتری دست یابد.

به یقین، رقابت برای سود بیشتر، بدون محبت شدید به امور دنیایی ممکن نیست. اگر این محبت بدون ملاحظه ضوابط اخلاقی و شرعی باشد، به یقین مفاسد فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

اصل رقابت در اسلام پذیرفته است، اما رقابتی که در فرهنگ و آموزه های اسلامی تأیید شده است، هیچ گاه رقابت به معنایی نیست که در نظام سرمایه داری موجود است؛ زیرا عنصر انحصار و امور ضدارزشی و تهدید در رقابت اسلامی پذیرفته نیست. پرهیز از رفتارهای انحصارگرانه و رعایت امور اخلاقی و ارزشی، از جمله ضوابط حقوقی است که باید در فعالیت های اقتصاد اسلامی رعایت شود.

هیچ گاه در چنین بستری، فعالان اقتصادی با تهدید همدیگر روبه رو نمی شوند و هرگاه نیاز باشد، در مشکلات اقتصادی به یاری هم می شتابند و با تدابیر اقتصادی سبب رونق فعالیت های اقتصادی دیگران می شوند. در واقع، رقابت در اسلام به معنای تشویق افراد، برای کوشش بیشتر در فعالیت های اقتصادی برای به دست آوردن سود بیشتر است. منتهی این رفتار آنها به حد رفتار انحصارگرانه یا به حد ارتکاب کار و رفتارهای حرام و ضدارزشی نمی رسد.

مسئله اصلی در رقابت، قصد و انگیزه انسان هاست. اگر در اسلام هدف از رقابت، افزایش سود مادی در سایه احکام اسلامی و شرعی باشد، اشکال ندارد. دلیل روشن در این باره، سیره عملی و قولی امام علی(ع) است. حضرت در بازارها می گشت و بازاریان را نصیحت می کرد و آنان را از ارتکاب حرام باز می داشت، ولی هرگز آنها را از به دست آوردن سود یا رقابت با هم، در به دست آوردن سود بیشتر، منع نمی کرد.(۱)

۱- دانش نامه امام علی علیه السلام، ج۷، صص ۵۱۲ ۵۲۸.

ص: ۲۱۶

امام باقر(ع) درباره نظارت امام علی(ع) می فرماید:

زمانی که امام علی(ع) در کوفه بود، هر روز صبح در حالی که تازیانه ای در دست داشت، به بازار می رفت. به هر بازاری که می رسید، می ایستاد و صدا می زد: ای تاجران، از خدا بترسید. بازاریان با شنیدن صدای حضرت، هر آنچه در دست داشتند، رها می کردند و به سخنان او گوش می دادند. حضرت می فرمود: خیر و نیکی را بر هر چیزی مقدم بدارید و با سهل گرفتن در معامله در پی برکت باشید. خود را به بردباری زینت دهید و از سوگند خودداری کنید و از دروغ بپرهیزید. از ستم فاصله بگیرید و با مظلومان به انصاف برخورد کنید و به ربا نزدیک نشوید و اندازه و میزان را رعایت کنید و کالاهای مردم را حقیر نشمارید و در زمین فساد نکنید.(۱)

یادآوری این نکته لازم است که اگر تزاحمی بین سود معنوی و مادی رخ بدهد، اسلام اولویت را به سود معنوی می دهد. در آیات و روایات فراوانی، به مؤمنان برای پیشی گرفتن از هم در امور خیر و نیک، سفارش، و در این زمینه به آنها فرمان داده شده است. امام علی(ع) می فرماید: «خیرُ اخِوانِکَ مَنْ سارعَ الی الخیرِ وَ جذبَکَ اِلیهِ وَ اَمَر بالبِرِّ وَ اَعانَکَ عَلَیهِ؛ بهترین برادران تو کسی است که در حرکت به سوی خیر از دیگران سرعت بگیرد و تو را به سوی آن بکشاند و به آن امر کند و نیز تو را در امر نیک یاری رساند».(۲)

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «فَاسْتَبِقُوا الخَیْرَاتِ؛ در امور خیر از همدیگر سبقت و پیشی بگیرید.» (مائده: ۴۸) پیشی گرفتن از هم در امور خیر، سود مادی و آخرتی فعالیت های اقتصادی را فزونی می بخشد؛ چرا که سود آخرت،

۱- الکافی، ج۵، ص ۱۵۱.

۲- شرح غررالحکم و دررالکلم، ج۳، ص۴۳۳.

فراوان تر و پایدارتر است. امام علی(ع) فرمود: «اِربَحُ النّاسَ مَنْ اشِتری بالدنیا الآخِرَهَ؛ پر سودترین انسان کسی است که با دنیا، آخرت را بخرد».(۱)

در نتیجه، رقابت سالم برای ارتقا و شکوفایی اقتصادی جامعه، بسیار سودمند و لازم است و انگیزه افراد را در فعالیت های اقتصادی بالا- می برد، ولی منظور رقابت سالم است، نه رقابت به معنایی که در نظام های سرمایه داری لیبرال مطرح است. در آن نظام ها، ارزش های اخلاقی، هیچ جایگاهی ندارد و تنها کسب سود و درآمد مال، هدف به شمار می آید.

رقابت مسئولانه مردم در فعالیت های اقتصادی، آثار بسیار دارد که از جمله می توان به این موارد اشاره کرد:

(مانع شکل گیری انحصارهای بزرگ می شود و از تمرکز ثروت در دست گروهی اندک، جلوگیری می کند و توزیع مناسب و عادلانه را ممکن می سازد؛

(دست یابی به امنیت واقعی را میسر می سازد؛ زیرا در چنین رقابتی تهدید وجود ندارد، به ویژه اگر رقابت برای حداکثر سود مادی و معنوی باشد، عنصر تهدید به مراتب ضعیف تر خواهد بود.

(سبب رشد اقتصادی و کاهش هزینه های تولید و تعدیل قیمت ها می شود؛ زیرا همیشه رقابت موجب نوآوری و خلاقیت ها می گردد و زمینه پیشرفت بیشتر را فراهم می آورد؛

(افزایش عرضه، قیمت را پایین می آورد و هر کدام از رقیبان می کوشند کالای خود را با قیمتی ارزان تر از دیگران به مشتری ها عرضه کنند؛

(هر تولیدکننده ای درصدد جلب مشتری است و می کوشد کالای با کیفیت برتر ارائه دهد؛

۱- شرح غررالحکم و دررالکلم، ج۲، ص۴۱۳.

ص: ۲۱۸

(هر تولیدکننده ای، برای کاهش هزینه تولید، ضایعات را کاهش می دهد و بیشتر به صرفه جویی اهمیت می دهد تا جایی که ضایعات را نیز به کالاهای قابل استفاده تبدیل می کند.

(هر یک از رقبا، برای به دست آوردن سود بیشتر می کوشد تا بیش از دیگران کالاهای مورد نیاز مردم را عرضه کند. در نتیجه، عرضه کالا افزایش می یابد؛

و... .

و) مصرف کالاهای داخلی

یکی از مسئولیت های مهم در زمینه مسائل اقتصادی که متوجه مردم جامعه اسلامی است، استفاده از کالاهای داخلی است. این کار علاوه بر آنکه سبب حمایت از کار و تولید و انباشت سرمایه می شود، از نظر فرهنگی و سیاسی و اجتماعی، سبب تقویت خودباوری و حفظ استقلال و اقتدار حاکمیت اسلامی می گردد.

مصرف کالاهای داخلی، سبب رونق اشتغال و توسعه تولید می شود و تولیدکنندگان را به این باور می رساند که بدون کمک بیگانگان می توانند نیازهای جامعه اسلامی را برطرف کنند. احساس خودباوری آنها، در راستای تهیه و تأمین کالاهای مورد نیاز جامعه، سبب نوآوری و ابتکار می شود و چون اطمینان به حمایت مردم دارند، از درگیر شدن با مشکلات بزرگ، هیچ گونه هراسی به دل راه نمی دهند و در نهایت، زمینه پیشرفت های بزرگ را فراهم می سازند.

همچنین پای بندی به استفاده از تولیدات داخلی، زمینه هرگونه نفوذ دشمنان در عرصه های فرهنگ و اقتصاد و نظام سیاسی را از بین می برد؛ چون

ص: ۲۱۹

عمده شیوه نفوذ دشمنان در فرهنگ و اندیشه مردم جوامع، از راه صدور محصولاتشان انجام می گیرد، چون آنها هر کالایی را که وارد کشوری می کنند، در یک زمان با انجام یک کار به چند هدف دست می یابند. اولاً با این کار برتری خود را به رخ مردم جامعه واردکننده می کشند و ثانیاً اعتماد به نفس و خودباوری آنها را از بین می برند و ثالثاً از طریق این کالاها، فرهنگ و ارزش های خود را در میان دیگر جوامع گسترش می دهند که این کار در نهایت سبب به خطر افتادن استقلال و عزت و اقتدار آنها می شود.

با توجه به این قبیل امور، در آموزه های اسلامی به مسئله پرهیز از استفاده کالاهای بیگانگان توجه بسیاری شده است. در بخشی از روایات تأکید شده که دراز کردن دست نیاز به سوی دیگران، سبب وابستگی و پای مال شدن عزت می شود و هیچ مؤمنی حق ندارد، عزت و کرامت و آزادگی خود را فدای برخی امور مادی کم ارزش کند. ازاین رو، مؤمنان موظف اند برای تأمین نیازهایشان، چاره اندیشی و از دست دراز کردن به سوی بیگانگان خودداری کنند.

در این باره امیر مؤمنان علی(ع) می فرماید: «اِحتَجْ لِمَنْ شِئتَ تَکُنْ اَسِیرُهُ، اِستَغْنِ عَمّنْ شِئتَ تَکُنْ نَظِیرَهُ؛ به (سوی) هر کس می خواهی، دست نیاز دراز کن، (ولی بدان) اسیر او خواهی شد؛ اما اگر استغنا داشته باشی، از دست دراز کردن به سوی دیگری خودداری کنی، همانند و هم ردیف او می شوی.»(۱) ازاین رو، او نمی تواند فخرفروشی کند و خودش را از تو بزرگ تر بداند.

بهره مندی از محصولات بیگانگان، به ویژه در زمینه نیازهای اساسی، یکی از مصادیق برجسته دست دراز کردن به سوی دیگران است. افزون بر این، داشتن پیوند تجاری گسترده در زمینه نیازهای اساسی، کم کم سبب برقراری

۱- میزان الحکمه، ج ۲، ص ۵۳۶.

ص: ۲۲۰

روابط دوستانه بـا بیگانگـان می شود که در نهـایت، این دوستی، اعتمـاد و رکون به دشـمنان را در پی می آورد که قرآن کریم به شـدت با این گونه کارها مخالفت کرده و به مؤمنان دسـتور داده است: «لَا تَتَّخِذُواْ الْكافِرِينَ أَوْلِيَاء؛ کافران را دوست خود نگیریـد.» (نساء: ۱۴۴)

خداونـد در جایی دیگر تأکیـد کرده است: «وَلاَ تَرْكَنُواْ إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُواْ فَتَمَسَّكُمُ النَّارُ؛ به سـتم پیشـگان تکیه ننماییـد؛ چون این کار سبب می شود آتش شما را فراگیرد؛ یعنی آنها شما را به سوی آتش می کشانند». (هود: ۱۱۳)

یکی از آثار اسـتفاده از کالاهای بیگانگان، باز شـدن راه نفوذ دشـمنان در سـرنوشت مسـلمانان است: «وَلَن يَجْعَلَ اللّهُ لِلْكافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلاً؛ خداونـد هرگز کافران را بر مؤمنان تسـلطی نداده است.» (نساء: ۱۴۱) بنابراین، آنها هم حق ندارنـد راه نفوذی برای کافران در سرنوشت و مقدرات جامعه اسلامی ایجاد کنند که یکی از راه های نفوذ، استفاده از کالاهای آنهاست.

این کار به اندازه ای اهمیت دارد که امام صادق(ع) در روایت بسیار مهمی، از امیر مؤمنان علی(ع) چنین روایت کرده است: «لاتَزال هـذه الامهُ بِخَیرٍ مالَمْ یَلْبَسُوا لباسَ العَجَم وَ یطعَمُوا اَطعِمَهَ العَجمِ فَاذا فَعَلُوا ذلک ضَربَهُم الله بالـذُّلِّ؛ همیشه این امت اسـلامی در نیک بختی و خوبی به سـر می برد تا وقتی که لباس بیگانگان را نپوشـند و غـذای بیگانگان را نخورند؛ اما وقتی چنین کردند (محصولات بیگانگان را مصرف کردند) خداوند آنان را به ذلت و خواری گرفتار خواهد ساخت».(۱)

منظور از این تعبیر که خداونـد آنها را به خواری گرفتار می سازد، یعنی اقتضای این عمل ناپسـند، اسـتفاده از محصولات بیگانگان، گرفتاری به ذلت و خواری است.

۱- بحارالانوار، ج۶۶، ص۳۲۳، ح۶.

ص: ۲۲۱

حضرت امام خمینی رحمه الله در وصیت نامه الهی سیاسی خود، ضمن هشدار به مردم، خواستار ممنوعیت ورود کالاهای لوکس و تجملاتی در کشور شد. ایشان چنین می نویسد: «از ورود کالاهای مصرف ساز و خانه برانداز جلوگیری نمایید و مردم به آنچه دارند، بسازند تا خود همه چیز بسازند و از جوانان، دختران و پسران می خواهم که استقلال و آزادی و ارزش های انسانی را ولو با تحمل زحمت و رنج فدای تجملات و عشرت ها و بی بند و باری ها و حضور در مراکز فحشا... که از طرف غرب و عمال بی وطن به شما عرضه می شود، نکنند که آنان چنانچه تجربه نشان داده، جز تباهی شما و اغفالتان از سرنوشت کشورتان و چاپیدن ذخایر شما... و مصرفی نمودن ملت و کشور شما به چیز دیگر فکر نمی کنند».(۱)

درباره وظایف مردم در فعالیت های اقتصادی، علاوه بر مواردی که بیان شد، می توان به امور دیگری هم اشاره کرد که البته بیشتر به بسترسازی برای فراهم شدن زمینه مشارکت مردم در عرصه های اقتصادی اعم کار، سرمایه گذاری، تولید و توزیع و... مربوط می شوند.

یک حفظ و تقویت هم بستگی اجتماعی

اگر هم بستگی اجتماعی و عوامل اتحاد در میان مردم، جایگاه و استحکام لازمی نداشته باشد، آنچنان که باید به مصالح اجتماعی توجه نمی شود. این وضع سبب رشد اندیشه تقدم منافع فردی بر مصالح عمومی می گردد. در نهایت، ادامه چنین امری به بی اعتنایی نسبت به اهداف نظام اقتصادی می انجامد و به طور کلی امکان رشد و توسعه اقتصادی منتفی می شود.

بر این اساس، یکی از مسئولیت هایی که متوجه جامعه اسلامی است، مراقبت از عوامل هم بستگی میان امت اسلامی است که شامل اموری چون

۱- سید روح الله موسوی خمینی، صحیفه روح الله، تهیه و تنظیم: رسول سعادتمند، صص ۵۱ و ۵۲.

ص: ۲۲۲

حفظ و تقویت اخوت اسلامی، رعایت حقوق عمومی، همانند تکافل اجتماعی، مواسات و... ، می شود که در مجموعه آموزه های اسلامی، دستورهای فراوانی درباره هر یک از این امور آمده که در بخش های گذشته، به آنها پرداخته شده است.

دو تقویت تلاش و تعاون همگانی

اگر در تلاش برای رسیدن به اهداف کلان نظام اقتصادی، همکاری و تعاون همگانی نباشد، تحقق این هدف امکان پذیر نیست. بنابراین، لازمه دست یابی به این اهداف، همکاری مردم در پیشبرد همه برنامه هایی است؛ که به تحقق این اهداف کمک می کنند. یعنی همه افراد از احساس مسئولیت بسیاری برخوردارند، به گونه ای که در اموری چون احترام به قانون، رعایت نظم و انضباط، تحمل مشکلات، جدیت در کار و کوشش، آموزش مهارت ها، بهره مندی بهینه از امکانات، دوری از اسراف و... ، با یکدیگر کمال همکاری را داشته باشند. این در حالی است که اگر هر کس به تشخیص یا خواست و میل خود عمل کند، هیچ گونه پیشرفتی به دست نمی آید و در عین حال، سرمایه ها و امکانات جامعه از بین می رود.

سه احترام به برنامه و سیاست های اقتصادی دولت

اگر مردم با دولت همکاری لازم را نداشته باشد و در عمل به طرح ها و برنامه هایی پای بند نباشد که دولت برای پیشرفت و توسعه امور اقتصادی تصویب می کند، این طرح ها شکست می خورند. ازاین رو، از طریق شکست برنامه های دولت، انواع نابسامانی ها در سطح جامعه پدید می آید که خسارت آن سبب عقب ماندگی کشور می شود که در این صورت به همگان آسیب می رساند.

ص: ۲۲۳

در آموزه هـای دینی، به ویژه در سـفارش هـای امیر مؤمنان، علی(ع)، به مسـئله پشتیبانی و همکاری مردم با سـیاست های دولت، در عرصه پیشبرد اهداف کلان اجتماعی و اقتصادی، بسـیار تأکید شده است. حتی بسیاری از شکست هایی که در دوره حکومت علوی متوجه جـامعه اسـلامی شـد، بر اسـاس تحلیـل هـایی که از امیر مؤمنـان(ع) بر جـای مانـده، در نداشـتن همکاری و کوتاهی مردم در پشتیبانی از برنامه های حکومت اسلامی ریشه دارد. اگر به دقت مشکلات حکومت علوی بررسی شود، نقش همکاری نکردن مردم با دستورها و برنامه های حضرت علی(ع)، کمتر از انواع توطئه ها و کارشکنی های دشمنان داخلی و خارجی، در وقوع نابسامانی ها نبوده است.

چهار توجه به دانش و روش های علمی

امروزه در توسـعه و پیشـرفت همه جـانبه جوامع، از جمله در امور اقتصادی، کمتر عاملی هماننـد بهره برداری از دانش و تخصـص و مهـارت و به کـارگیری روش هـای علمی اثرگـذار است. بر این اسـاس، بایـد مردم از راه ارتقای توان علمی و آموزش مهارت های لازم در عرصه های کاری و آموزش شـیوه های پیشـرفته علمی در پیشبرد کارها، به رونـد انجام کارها و اسـتفاده از فن آوری های مـدرن و پیشـرفته، سـرعت ببخشـند و لازمه انجـام چنین مسـئولیتی، این است که علاوه بر اعلام آمـادگی برای کسب مهارت ها و گذرانـدن دوره هـای آموزشـی، مشـخص شـده از سوی مراکز آموزش خود نیز در ایجـاد و گسترش مراکز آموزشـی، در حـد توان مشارکت داشته باشند.

ص: ۲۲۴

۲. وظایف دولت۱

اشاره

۲. وظایف دولت(۱)

از دیدگاه اسلام، دولت مشروعیت خود را از خداوند می گیرد. کسی به خودی خود حق زمام داری بر مردم و تصدی امور آنان را ندارد. خداوند متعال بر اساس آموزه های اسلامی، تصدی جامعه اسلامی را به رسول خدا صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام واگذار کرده است. خداوند در قرآن کریم می فرماید: «إِنَّمَا وَلِیُّکُمُ اللّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِینَ آمَنُواْ الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاَهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَهُمْ رَاکِعُونَ». (مائده: ۵۵)

خداوند بر اساس این آیه که مشتمل بر منشور اعتقادی شیعه در باب ولایت است، نخست ولایت را برای خود و بر رسول خدا صلی الله علیه و آله و آن گاه برای علی بن ابی طالب(ع)، ثابت می کند.(۲) سپس زمام داری جامعه اسلامی، در زمان غیبت امام معصوم(ع)، بر اساس ادله فراوان بر عهده فقهای جامع الشرایط است.(۳)

الف) مسئولیت دولت اسلامی

اشاره

الف) مسئولیت دولت اسلامی

وظیفه دولت اسلامی، تحقق آرمان های اسلام در جامعه و اداره امور اجتماع بر اساس معیارهای اسلامی است. در حوزه اقتصاد، دولت مسئول اصلی اجرای نظام اقتصادی اسلام و عینیت بخشیدن به آن در خارج است. البته هرگز این به معنای سلب مسئولیت از مردم نیست، بلکه جامعه اسلامی مکلفند از ارزش های اسلامی، پاسداری کنند و در راه تحقق نظام های اسلامی در خارج بکوشند.

به دلیل آنکه آرمان های نظام اقتصاد اسلام در اهداف آن متجلی است، وظیفه اصلی دولت در صحنه اقتصاد، تحقق اهداف اقتصادی اسلام، یعنی عدالت

۱- گاهی دولت به حکومت، با تمام بخش های آن، یعنی مجریه، مقننه و قضاییه گفته می شود که در زبان انگلیسی از آن به عنوان state یاد می شود و گاهی دولت به معنای قوه مجریه به کار می رود که معادل آن در زبان انگلیسی Goverment است. در این نوشته معنای اول مورد نظر است.

۲- بر اساس روایات فراوانی از شیعه و سنی، مصداق «الَّذِینَ آمَنُواْ الَّذِینَ یُقِیمُونَ الصَّلاَهَ وَیُؤْتُونَ الزَّکَاهَ وَهُمْ رَاکِعُونَ»، امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب۷ است و بعد از ایشان فرزندان معصومش:. (اصول کافی، ج۱، ص۲۸۸)

۳- شیخ صدوق، کمال الدین، ج۲، ص۴۸۳؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص۱۷۷؛ وسائل الشیعه، ج۱۸، ص۱۰۱.

ص: ۲۲۵

اقتصادی و قدرت اقتصادی است که برای رسیدن به عدالت اقتصادی، باید اولاً رفاه عمومی در جامعه تأمین و ثانیاً ثروت ها تعدیل شود و قدرت اقتصادی هم از راه رشد اقتصادی و استقلال و خودکفایی اقتصادی تحقق پذیر است.

بدیهی است، تحقق نظام اقتصادی اسلام، مشروط به حصول مبانی و شکل گیری نهادهای آن است که دولت باید امکان آن را فراهم سازد.

از یک نگاه، مجموعه وظایف دولت اسلامی در زمینه اقتصاد را می توان به این شرح بیان کرد:

یک تحقق اهداف اقتصادی اسلام

یک تحقق اهداف اقتصادی اسلام

این کار از دو راه قابل انجام است:

۱. گسترش عدالت اقتصادی در پرتوی بسط رفاه عمومی، رفع فقر از جامعه و تعدیل ثروت؛

۲. تقویت اقتصاد کشور از طریق سرمایه گذاری های بنیادی در زمینه زیرساخت های اقتصادی، گسترش تولید داخلی و حمایت از آن و تقویت صادرات و حمایت از پول ملی و... .

دو زمینه سازی برای تحقق عینی مبانی اقتصاد اسلامی

دو زمینه سازی برای تحقق عینی مبانی اقتصاد اسلامی

این زمینه سازی از طریق این راهکارها تحقق پذیر است:

۱. حفظ ارزش اموال و ثروت ها به وسیله کنترل بازار و گسترش تولید و جلوگیری از کاهش ارزش پول... ؛

۲. صیانت و بسط مالکیت مختلط از راه شناسایی اموال دولتی و عمومی و در اختیار گرفتن آنها و حمایت از مالکیت های خصوصی و تعیین محدوده آن؛

ص: ۲۲۶

۳. تأمین آزادی اقتصادی در چارچوب احکام اسلام، برای همه مردم، از راه وضع قوانین مناسب و ایجاد امنیت اقتصادی و فراهم آوردن فرصت های اقتصادی برای همه.

سه تحقق نظام اقتصادی اسلام

سه تحقق نظام اقتصادی اسلام

این مهم با انجام این امور ممکن است:

۱. پی ریزی نهادهای موقعیتی دولتی بر اساس نهادهای جهان شمولی دولتی؛

۲. سازمان دهی نهادهای موقعیتی غیر دولتی هماهنگ با نهادهای جهان شمولی دولتی؛

۳. تنظیم روابط مجموعه نهادها بر اساس احکام ثابت اسلامی؛

۴. جبران کاستی های قانونی، متناسب با موقعیت از طریق قانون گذاری؛

گفتنی است، وقتی دولت اسلامی این وظایف را می تواند انجام دهد که اختیارات و امکانات لازم را داشته باشد که این امر در قالب این محور ها پیش بینی شده است:

(اختیار سیاست گذاری و برنامه ریزی؛

(مسئولیت اجرای حدود و تعزیرات؛

(حق قانون گذاری؛

(در اختیار داشتن منابع گسترده مالی.(۱)

ب) جایگاه دولت در اقتصاد

ب) جایگاه دولت در اقتصاد

تعیین جایگاه دولت در اقتصاد، یکی از مباحث مهم در نظام های اقتصادی است. اصل ضرورت دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی، در همه نظام ها پذیرفته شده است، ولی هنوز در میزان دخالت دولت نظر واحدی وجود ندارد.

۱- مهدی هادوی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، صص ۱۴۷ ۱۵۲.

ص: ۲۲۷

نخستین اقتصاددانان نظام سرمایه داری، به نقش دولت در فعالیت های اقتصادی اعتقادی نداشتند. این امر در اهداف و مبانی فلسفی نظام اقتصاد سرمایه داری یا مکتب کلاسیک ها ریشه داشت. آنها به جهت باور به دییسم(۱) و اصالت فرد،(۲) به مالکیت خصوصی، آزادی مطلق فعالیت های اقتصادی و دخالت نکردن دولت در امور اقتصادی تأکید داشتند و معتقد بودند، دولت جز تأمین امنیت و حفاظت از ثروت های مردم، در اقتصاد نقش مهم دیگری ندارد. همه فعالیت ها به عهده بخش خصوصی است. می گفتند اگر عوامل تولید و بازارهای توزیع آزاد گذاشته شوند، اقتصاد به تعادل لازم خواهد رسید و تولیدکنندگان و مصرف کنندگان در سایه این وضعیت متعادل به

۱- دییسم: از جمله مسائلی که در شکل گیری نظام های مختلف اقتصادی نقش مهمی دارد، نگرش هر مکتب به مسئله خداشناسی است. اغلب دانشمندان و مردم اروپا در قرون وسطا، خداوند را خیر برتر و علت العلل همه حوادث و پدیده ها و مدبر و پروردگار پیوسته جهان هستی می شمردند، ولی هم زمان با آغاز رنسانس (عصر روشنفکری) در اروپا، تحولاتی در زمینه نقش خداوند در طبیعت به وجود آمد که از جمله آنها فلسفه «دییسم»، زیر بنای فلسفی نظام سرمایه داری و «ماتریالیسم»، زیربنای فلسفی سوسیالیسم است. بر اساس فلسفه دییسم، خداوند آفریدگار هستی است و چنان طبیعت را بر اساس قانون مندی ها به وجود آورده است که به صورت خودکار به حیات خود ادامه می دهد. در این بینش، خداوند پس از آفرینش، به هیچ وجه در امور جهان دخالت نمی کند و جهان همانند ساعتی به کار خود ادامه می دهد و ساعت ساز هم دیگر با آن کاری ندارد. بر اساس فلسفه ماتریالیسم، ماده اساس و جوهر کلیه واقعیات مادی و روحی است و خداوند به عنوان موجودی جدا از طبیعت مادی انکار می شود. (سید عباس موسویان، کلیات نظام اقتصاد اسلام، صص ۱۷ و ۱۸)

۲- «یکی از اموری که در شکل گیری اهداف و مبانی مکتبی نظام های اقتصادی مؤثر است، دیدگاه آنها نسبت به فرد و جامعه است. اصالت فرد بینشی است که هسته و محور اجتماع را فرد می داند و اجتماع را چیزی جز مجموع اجزای تشکیل دهنده آن (یعنی تک تک افراد) نیست که با حفظ هویت و استقلال خود آن را به وجود آورده اند. بنابراین، اجتماع فاقد وجود حقیقتی است، فقط وجود اعتباری دارد. اعتقاد به اصالت فرد، تبلور کامل خود را در نظام اقتصاد سرمایه داری و در توجه این نظام به اصالت منافع فردی و نادیده گرفتن منافع جامعه نشان می دهد. طرف داران این بینش، هیچ جایگاهی را برای منافع جامعه در نظر نمی گیرند و آن را امری اعتباری و قابل تحقق در ضمن منافع فرد معرفی می کنند. بر اساس این، دیدگاه اقتصاددانان سرمایه داری مالکیت خصوصی بدون حد و مرز، آزادی های مطلق اقتصادی را توجیه کرده و آن را به نفع جامعه می دانند. (حسین نمازی، نظام های اقتصادی، صص ۸۸، ۱۵۹ و ۱۶۳، به نقل از: کلیات نظام اقتصادی اسلام، صص ۲۵ ۲۸)

ص: ۲۲۸

خواسته های خود دست خواهند یافت، اما وقتی در نیمه دوم قرن نوزدهم، کم کم نارسایی های این اندیشه آشکار شد و به ویژه بحران هایی را در کشورهای صنعتی پدید آورد، به ناچار اقتصاددانان نظام سرمایه داری، برای جلوگیری از نابودی این نظام و حفظ منافع مشترک دولت و طبقه سرمایه دار، به انجام تحولاتی در نظام اقتصاد سرمایه داری تن داد، یعنی با قبول وضع قوانین و مقرراتی به سود طبقه کارگر، سبب شدند نظام سرمایه داری لیبرال به نظام اقتصاد سرمایه داری مقرراتی یا ارشادی تبدیل شود. در نتیجه، زمینه برای دخالت دولت در اقتصاد فراهم شد. بر این اساس، بعدها به دنبال انتشار کتاب اشتغال اثر کینز، اقتصاددان انگلیسی انقلابی، در عقاید اقتصادی سرمایه داری به وجود می آید و بسیاری از نظریات کلاسیک ها زیر سؤال می رود.

وی نه تنها دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی را جایز شمرد، بلکه این کار را برای جلوگیری از وقوع بحران ها و رکود اقتصادی، ضروری دانست. از دیدگاه کینز، دولت می تواند از راه اعمال سیاست های مالی، روند توسعه اقتصادی را سرعت بخشد و در شرایط رکود، اقتصاد را رونق دهد و از وقوع بحران های اقتصادی جلوگیری کند.

بنابراین، امروزه دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی، از نظر نظام سرمایه داری، کاملاً امری پذیرفته شده است.(۱)

گفتنی است، مکتب اقتصاد سوسیالیستی که به نشانه اعتراض به نظام سرمایه داری پدید آمده است در آغاز منشأ همه گرفتاری ها را در مالکیت خصوصی و آزادی فعالیت های اقتصادی می دید. در نتیجه، نظام اقتصادی

۱- نظام های اقتصادی، ص۹۷.

ص: ۲۲۹

خود را بر مبنای سه اصل، اصالت جمع،(۱) مالکیت دولتی و برنامه ریزی متمرکز اقتصادی بنا گذاشت و ساختار اقتصاد را بر اساس ساختاری تک بخشی دولتی مبتنی ساخت، اما به دلیل آنکه با این کار آن نظام در برابر نظام سرمایه داری، دچار تفریط شده بود، طولی نکشید آثار منفی آن هم با نابودی انگیزه فردی در عرصه های کار و تولید مشخص شد، به گونه ای که بزرگ ترین کشور سوسیالیستی که پیش از حاکمیت نظام سوسیالیستی، از جمله صادرکنندگان بزرگ بود، به واردکننده عمده محصولات کشاورزی و غیر کشاورزی تبدیل گشت. این امر سبب شد، سردمداران جوامع سوسیالیستی در ساختار نظام اقتصادی خود تجدید نظر کنند و حضور بخش خصوصی را در کنار دولت بپذیرند(۲) و با این کار تا حدی مالکیت دولتی محدود شد.

نظام اقتصادی اسلام، با توجه به مبانی و اهدافی که داشت، ساختاری دو بخشی دارد، یعنی برای دولت جایگاه خاصی در نظر گرفته است که به عنوان عامل اصیلی (نه به عنوان استثنا یا نهادی که تنها در شرایط بحرانی به میدان بیاید) مطرح است که پیوسته در جریان اقتصادی حضور فعال دارد، به گونه ای که دولت اسلامی از یک سو با نظارت مستمر بر رفتارهای اقتصادی بخش خصوصی و هدایت آن از انحرافات جلوگیری می کند و مانع تحقق

۱- «اصالت جامعه یا جمع: اقتصاددانان سوسیالیستی در قرن نوزدهم میلادی، نظام اقتصادی سوسیالیستی را بر مبنای اصولی متضاد با اصول نظام سرمایه داری، پایه گذاری و مطرح کردند. در این دیدگاه، نظم طبیعی اجتماع انسانی، تحت تأثیر قوانین طبیعت و در قالب زندگی اشتراکی افراد تضمین می شود. بنابراین، جامعه از وجود حقیقی برخوردار بوده و وجود فرد به اعتبار جامعه است. به همین دلیل، وجودش اعتباری است. نتیجه طبیعی این دیدگاه، تقدم منافع جامعه بر فرد است و اثر عملی آن اصول سوسیالیستی، چون نفی مالکیت خصوصی ابزار تولید، نفی آزادی فعالیت های اقتصادی و برنامه ریزی متمرکز اقتصادی، نشان می دهد.» (نظام های اقتصادی، صص ۸۸، ۱۵۹ و ۱۶۳، به نقل از: کلیات نظام اقتصادی اسلام، صص ۲۵ ۲۸).

۲- نظام های اقتصادی، ص۱۵۹، به نقل از: کلیات نظام اقتصادی اسلام، صص ۷۳ ۷۵.

ص: ۲۳۰

آثـار سوء نظـام سـرمایه داری می شود و از سوی دیگر، به دلیـل مـداخله نکردن مسـتقیم در فعالیت های بخش خصوصـی و باور به آزادی افراد در چارچوب احکام و مقررات اسـلامی، از آسیب رسانی به انگیزه افراد در عرصه فعالیت های اقتصادی، خودداری می کند.

در نتیجه، نظـام اقتصـادی اسـلام بـا توجه به پـذیرش مالکیت مختلط(۱) و آزادی در چـارچوب قـوانین اسـلامی و بـا تـوجه به بینش اصالت فرد و جامعه(۲) برای دولت در اقتصاد، جایگاه ویژه ای قایل است.

ج) مسئولیت دولت در قبال کار و سرمایه و تولید

اشاره

ج) مسئولیت دولت در قبال کار و سرمایه و تولید

بـدون تردید، اصـلی ترین عناصـر هر اقتصادی، عبارت از کار و سـرمایه و تولید است، به گونه ای که رونق کار و اشـتغال و افزایش سرمایه گذاری و جذب سـرمایه و توسعه و تولید، از شاخص های مهم پیشرفت فعالیت های اقتصادی هر جامعه ای به شمار می آید. تحقق اهداف اقتصادی، در گروی رشد و توسعه این

۱- مسـئله مالکیت در هر نظام اقتصادی، در مسائل فکری و فلسـفی و اصول ارزشـی آن ریشه دارد. نظام سرمایه داری به جهت باور به اصـالت فرد و مقـدم داشـتن منـافع فرد بر منـافع جـامعه در مسـئله مـالکیت، اصالت را به مالکیت خصوصـی می دهـد و در نتیجه، مالکیت دولتی را به صورت استثنا در موارد خاص می پذیرد. در مقابل، نظام سوسـیالیستی به جهت اعتقاد به اصالت جامعه و مقدم داشـتن منافع جامعه بر فرد مالکیت خصوصـی را منشأ همه مفاسد می داند و آن را جز در کالاها و خدمات مصـرفی به رسمیت نمی شناسد، اما نظام اقتصاد اسلامی با توجه به بینش اصالت فرد و جامعه و اعتقاد به رعایت مصالح فرد و جامعه و تقدم مصالح جامعه بر مصالح فرد، در موارد تزاحم سه نوع مالکیت، خصوصی، عمومی و دولتی را در کنار هم مطرح می کند.

۲- «در جهان بینی اسـلامی، انسان موجودی صـرفاً مادی نیست. بنابراین، به اجتماع انسان ها ماننـد ترکیب مواد نگریسـته نمی شود، بلکه انسـان به جهت ترکیب خاصـش از جسم و روح در اجتمـاع ظـاهر می شود. در عین حـال که شخصـیتی مسـتقل دارد، از دیگر انسان ها نیز اثر می پذیرد. به عبارت دیگر، هویت جامعه از دید اسلام، نه امری موهوم و اعتباری است و نه حقیقتی مستقل از هویت افراد، بلکه امری انـتزاعی است، یعنی خودش در خـارج وجود نـدارد، ولی منشـأ انـتزاعش حقیقی است. هر چنـد این روح جمعی از قدر مشترک هویت افراد انتزاع می شود، ولی در عین حال بر هویت افراد نیز تأثیر می گذارد. این دیدگاه که از قرآن به دست آمده است، به اصالت فرد و جامعه شناخته می شود.» (میر معزی، نظام اقتصاد اسلامی، مبانی فلسفی، صص۹۶ و ۹۷).

ص: ۲۳۱

سه عنصر اصلی است. بر این اساس، ضرورت دارد دولت با توجه به امکانات و اختیاراتی که دارد، نسبت به سامان یابی روند رونق کار و گسترش بیشتر آن در همه عرصه های اجتماعی به ویژه در بسترهای اقتصادی، اهتمام به خرج دهد و با برنامه ریزی های شایسته، زمینه انباشت سرمایه ها و هدایت آن به سوی تولید را فراهم سازد. علاوه بر آن، با تقویت راهکارهای افزایش تولید ملی، خودکفایی و اقتدار اقتصادی جامعه اسلامی را محقق سازد. برای انجام چنین مسئولیت بزرگی که بر سر راه آن انواع موانع و تنگناها وجود دارد، ناگزیر باید دو گونه کار انجام گیرد که بخشی از این کارها جنبه زمینه سازی دارند و قسمتی دیگر، مستقیماً به رونق و توسعه کار و سرمایه و تولید، مربوط می شوند.

یک بسترسازی برای رشد و پیشرفت فعالیت های اقتصادی

اشاره

یک بسترسازی برای رشد و پیشرفت فعالیت های اقتصادی

بخشی از وظایف دولت در زمینه کار و تولید و سرمایه، به سرمایه گذاری های بنیادی مربوط است. این نوع از سرمایه گذاری ها در تولید و کار و در توسعه اقتصادی نقش مستقیمی ندارند، اما بدون آنها اهداف اقتصادی تحقق پذیر نیست. گاهی از این نوع سرمایه گذاری ها به عنوان سرمایه گذاری بالاسری اجتماعی یاد می شود که عبارت از سرمایه گذاری هایی است که به خودی خود عامل توسعه اقتصادی نیستند، اما برای دست یابی به پیشرفت اقتصادی، ضرورت دارند؛(۱) زیرا بستر را برای فعالیت های اقتصادی فراهم می سازند، مانند سرمایه گذاری برای افزایش کیفیت کار نیروی انسانی و گسترش مراکز فرهنگی، آموزشی و بهداشتی... .

این بخش از مسئولیت دولت، شامل سرمایه گذاری های بسیاری می شود که عبارتند از:

۱- رشد و توسعه اقتصادی و مسائل جهان سوم، ص۱۴۸.

ص: ۲۳۲

اول ایجاد تحول علمی و فرهنگی

اشاره

اول ایجاد تحول علمی و فرهنگی

امروزه بیشتر کارشناسان مسائل اجتماعی بر این باورند که گام اساسی برای موفقیت در عرصه فعالیت های اقتصادی و دست یابی به پیشرفت و توسعه پایدار، ارتقای فرهنگ و اندیشه و ایجاد تحول در دانش و بینش افراد جامعه است. مجموعه بررسی های مربوط به علل پیشرفت نکردن جوامع عقب مانده، گویای این واقعیت است که عمده ترین عامل عقب افتادگی، پایین بودن سطح دانش و آگاهی ها و رواج دیدگاه های ناصواب درباره فعالیت های اقتصادی است. تا زمانی که این وضع تغییر نکند، یعنی آموزش های عمومی گسترش نیابد و در نوع نگرش افراد، نسبت به کار و کوشش و سرمایه گذاری و تولید، تحول ایجاد نشود، رشد و توسعه اقتصادی ممکن نخواهد شد.

به دلیل آنکه معمولاً این کار به صورت طبیعی تحقق پیدا نمی کند، ضرورت دارد با دخالت دولت انجام شود. در این راستا، دولت موظف است دو کار را در اولویت قرار دهد:

۱. توسعه آموزش

۱. توسعه آموزش

تا زمانی که سطح دانش و تخصص و آگاهی افراد به حد مطلوبی نرسد، انتظار وقوع دگرگونی های مثبت بزرگ نامعقول است، چون اگر تغییرات را به انقلابی تشبیه کنیم، آموزش فراهم سازی، پشتوانه فکری آن انقلاب به شمار می رود. بدیهی است، هیچ انقلابی بدون داشتن زمینه های فکری مناسب به پیروزی نهایی نمی رسد. اگر به آموزش توجه نشود، همه تلاش هایی که برای رشد و پیشرفت اقتصادی انجام می گیرد، بی اثر خواهد شد. بنابراین، دولت به عنوان پیش نیاز پیشرفت اقتصاد، باید به توسعه مراکز آموزشی و اصلاح نظام آموزشی بپردازد تا زمینه برای ارتقای سطح آگاهی ها و

ص: ۲۳۳

تخصـص هـا فراهم شود و از این رهگـذر، تربیت نیروهـای انسانی ماهر مورد نیاز برای عرصه های اقتصادی انجام گیرد، چون همان گونه که اشاره شد، نیروی انسانی نقطه مرکزی هر نوع پیشـرفت و توسـعه به شمار می آید، وگرنه منابع مادی و سرمایه ها به خودی خود در پیشـرفت نقش تعیین کننـده ای ندارند و منابع انسانی آگاه و برخوردار از بینش و تخصـص، روند پیشـرفت را مشـخص می کنند.

فردریک هاریبسون معتقد است:

منـابع انسانی... پایه اصـلی ثروت ملت ها را تشـکیل می دهـد. سـرمایه و منابع طبیعی عوامل تولیـد انـد در حالی که انسان ها عوامل فعالی هسـتند که سـرمایه ها را متراکم می سازند، از منابع طبیعی بهره برداری می کنند، سازمان های اجتماعی اقتصادی و سیاسی را می سازند و توسـعه ملی را جلو می برند. به وضوح کشوری که نتواند مهارت ها و دانش مردمش را توسـعه دهد و از آن در اقتصاد ملی به نحو مؤثر بهره برداری کند، قادر نیست هیچ چیز دیگر را توسعه بخشد.(۱)

سرمایه گذاری در زمینه نیروی انسانی، مهم تر و سودمندتر از سـرمایه گذاری در طرح های صنعتی است. بررسی ها نشان می دهد، در برخی جوامع که سـرمایه گـذاری های خوبی هم در عرصه های صـنعتی و غیر صـنعتی انجام می گیرد، باز گاهی رشـد اقتصادی آن گونه ای که بایـد انجام بگیرد، صورت نمی پذیرد. این امر ناشـی از کمبود سـرمایه گذاری در منابع انسانی است. بر این اساس، برخی گفته اند: آینده هر ملت را نیروی انسانی(کارآور رشدیافته) آن تعیین می کند، چه اینکه مواد خام و منابع طبیعی هر کشور را نیروی انسانی آن تغییر می دهند و قابل استفاده می کند.(۲)

۱- توسعه اقتصادی جهان سوم، ج۱، ص۴۷۳.

۲- اقتصاد رشد و توسعه، ج۲، ص۶۵۸ و ۶۵۸؛ نوسازی جامعه، ص۶۲.

ص: ۲۳۴

بنابراین، دولت از راه توسعه مراکز آموزشی، در سطوح مختلف باید نقیصه پایین بودن سطح دانش و نبود نیروی انسانی ماهر و متخصص را برطرف سازد. در آموزه های دینی، ضمن اینکه به ضرورت دانش افزایی و تربیت انسان های اندیشمند و توانا تأکید فراوان شده است و از دانش آموزی به عنوان فریضه و تکلیفی همگانی یاد می شود.(۱) با وجود این، پرداختن به این امر، یکی از وظایف مهم دولت به شمار آمده است.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «... بِالتَّعلیمِ اُرْسِلتُ لَمّا اُرْسِلتُ؛ رسالت من، آموزش و ارائه آگاهی های مطلوب است».(۲)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به معاذ بن جبل، هنگام گسیل وی به یمن فرمود: «اظهر امر الاسلام کله صغیره و کبیره؛ امر اسلام (احکام و آداب آن) را به تمامی ظاهر گردان و بزرگ و کوچک آن را عملی کن».(۳)

امیر مؤمنان، علی(ع)، توسعه آموزش را از جمله وظایف خود به شمار می آورد و می فرماید: «اَیُّها الناسُ اِنَّ لِی عَلیکُمْ حَقاً وَ لَکُمْ عَلیَّ حقٌّ؛ فَامّا حَقُّکُم عَلیَّ... تَعلیمکُمْ کَیْ لاتَجهلُوا وَ تادِیبکُمْ کَیْ تَعْلَمُوا؛ ای مردم! به درستی که مرا بر شما حقی و شما را نیز بر من حقی است، اما حق شما بر من... آموزش دادن شماست تا در نادانی نمانید و پرورش شما تا آگاه شوید».(۴)

در سیره آن حضرت وارد شده است که «کانَ اذا یَفرغُ مِن الجَهادِ یَتفرغُ لِتَعلیم النّاسِ؛ وقتی از جهاد در راه خدا فارغ می شد، به آموزش مردم می پرداخت.»(۵) همچنین امیر مؤمنان، علی(ع) در نامه ای به قثم بن عباس، فرماندار مکه چنین می نویسد: «...عَلّمْ الجاهلَ وَ ذاکرْ العالِمَ؛ نادان را تعلیم کن و با دانشمند، مذاکره علمی نما».(۶)

۱- «طلبُ العلم فریضهٌ علی کُلِ مُسلمٍ وَ مُسلمهٍ.» الحیاه، ج۱، ص۴۱.

۲- الحیاه، ج۱، ص۳۷.

۳- تحف العقول، ص۲۵؛ الحیاه، ج۲، ص۶۴۶.

۴- نهج البلاغه، خطبه۳۴؛ تاریخ طبری، ج۵، ص۹۱.

۵- ارشاد القلوب، ص۲۱۸؛ بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۱۶، ح۷۰.

۶- نهج البلاغه، نامه ۶۷؛ بحارالانوار، ج۳۳، ص۴۹۷.

ص: ۲۳۵

آن حضرت باز به مناسبتی می فرماید:

اَلَمْ اَعملْ فِیکُمْ بِثقلِ الاکبرِ وَ اترکْ فیکُمْ ثِقَل الاصغرِ وَ رکزتُ فیکم رایهَ الایمانِ وَ وقفتُکُمْ عَلی حدودِ الْحَلالِ وَ الْحَرامِ و اَلْبستُکُمْ العافیهَ من عَدْلی وَ فرشتکم المعروفَ مِن تَولی و فعلی و اریتکُمُ کرائَم الاخلاقِ مِنْ نفسی. (۱)

آیا در میان شما به ذخیره بزرگ پیامبر عمل نکردم و ذخیره کوچک تر او (فرزند پیامبر) را در میان شما نگذاشتم؟ من پرچم ایمان را در میان شما گرفتم و بر حدود حلال و حرام آگاهتان ساختم و با دادگری خویش، لباس عافیت بر شما پوشانیدم و با گفتار و کردار خود و معروف (کار نیک) را در میان شما رواج دادم و اخلاق نمونه را با سیرت خویش به شما نمایاندم.

بنابراین، دولت مقدمه تحقق پیشرفت هاست و باید با شیوه های گوناگون موجود، امکان ارتقای آموزش مردم و تربیت نیروهای کیفی برای عرصه های اقتصادی را فراهم و عملی سازد.

۲. ترویج فرهنگ اسلامی

۲. ترویج فرهنگ اسلامی

هر نظام اقتصادی در بستر فرهنگ خاصی تحقق پذیر است. بر این اساس، نظام اقتصادی اسلامی در جامعه ای قابل تحقق است که آموزه ها و عناصر فرهنگ اسلامی در آن حاکمیت پیدا کرده باشد. فرهنگ اقتصادی اسلام، مشتمل بر ارزش هایی است که توجه به آنها در عین حال که بسیاری از مشکلات موجود بر سر راه تحقق اهداف اقتصادی را برطرف می سازد، زمینه را نیز برای هر چه بیشتر فراهم شدن بسترهای پیشرفت مهیا می کند. مردم جامعه ای که نسبت به

۱- نهج البلاغه، ص۱۲۱۵؛ الحیاه، ج۲، صص ۶۰ و ۶۱.

ص: ۲۳۶

کـار، دیـد مثبتی ندارنـد و آن را به نوعی سرشکسـتگی می داننـد و حتی این امر در میـان آنها، به صورت فرهنگ درآمـده است و همین طور نیروهای فعال جامعه، وجـدان کاری لازم را ندارند و شانه خالی کردن از کار را نوعی زیرکی به حساب می آورند و در قبال مشکلات اقتصاد جامعه هیچ گونه احساس مسئولیتی نکنند و در به دست آوردن ثروت به هیچ حد و مرز و اصلی مقید نباشند و منافع فردی و گروهی خود را بر تمام مصالح ملی و اجتماعی ترجیح دهند و در بهره برداری از منابع طبیعی و استفاده از سرمایه ها بی رویه عمل کننـد و در مصـرف مرتکب اسـراف و تبـذیر شونـد و...، بـدیهی است انتظار محقق شـدن اهـدافی چون رفاه عمومی، عدالت اجتماعی و خودکفایی و دست یابی به قدرت اقتصادی بالا، کار بیهوده ای است.

با توجه به آنچه گفته شـد، بایـد اصـلاح فرهنگ و رشـد فرهنگ اسـلامی را مقـدمه اصـلاحات اقتصادی دانست و مسـئولان جامعه اسـلامی، از رهگذر توسـعه فرهنگی سازوکار رسـیدن به اقتصاد سالم و دست یابی به اهداف بزرگی چون عدالت اقتصادی را دنبال کننـد. اگر می بینیم همواره اولیـای الهی نهـادینه سـازی ارزش هـای اسـلامی را در سـطح جـامعه در اولویت قرار می دادنـد و از هر فرصتی، برای توسـعه فرهنگی اسـلام به بهترین وجه اسـتفاده می کردنـد، هـدف آنها فراهم شـدن زمینه و بستر انجام اهداف بزرگ اجتماعی، از جمله هـدف های اقتصادی بوده است. بر این اساس، حضـرت علی(ع) به صورت اصل و قانونی کلی می فرمایند: «عَلی الامـامِ اَنْ تَعلَّمَ اَهـلَ وِلایَتِهِ حُـدُودَ الاسـلامِ وَ الایمانِ؛ بر حکمران (حکومت) است که به مردمان تحت حکومتش، احکام و مقررات اسلام و ایمان را بیاموزد».(۱)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ش۶۱۹۹؛ عیون الحکم و المواعظ، ص۳۲۸، ح۵۶۳۷.

ص: ۲۳۷

امام باقر(ع) نیز می فرماید:

هنگامی که حضرت علی(ع) نماز صبح به جا می آورد، در حال تعقیبات نماز به سر می برد تا خورشید طلوع می کرد. هنگام طلوع خورشید تهی دستان و مستمندان و دیگر قشرهای مردم جمع می شدند، آن حضرت به ایشان قرآن و احکام اسلامی را آموزش می داد و در ساعتی خاص آن جلسه را به پایان می رساند.(۱)

امام علی بن موسی الرضا(ع) در تبیین فلسفه حکومت و نصب حاکم برای جامعه اسلامی چنین می فرماید: «فَجَعَل علیهِمْ قَیّماً... یُقیمُ فِیها الحُدودَ و الاحکامَ؛ از طرف خداوند برای مردم سرپرستی قرار داده شده است تا حدود و احکام الهی را در بین ایشان اقامه کند».(۲)

امیر مؤمنان، علی(ع) روایت شده است که فرمود: «امام (دولت اسلامی) باید آرمان های اجتماعی اصیل دینی را در مردم نهادینه کند، پیام دین را به آنها برساند و در خیرخواهی و جهت دهی درست مردم نهایت توان خود را به کار گیرد.»(۳) ایشان در روایتی دیگر تصریح می کند: «اِنّه لیسَ علی الامامِ الاّ... احیاءٌ لِلسَّنَهِ؛ امام (دولت اسلامی) مسئولیتی جز احیای سنت های دینی (احکام و ارزش های اسلامی) ندارد».(۴)

بر اساس آنچه بیان شد، دولت اسلامی برای دست یابی به توسعه و پیشرفت اقتصادی، نخست باید به توسعه فرهنگ و ارزش های اسلامی، به ویژه فرهنگ اقتصادی بپردازد؛ یعنی مردم را با احکام و مقرراتی آشنا سازند که خداوند کریم و حضرات معصوم علیهم السلام درباره کار و سرمایه و تولید بیان کردند،

۱- شرح نهج البلاغه، ج۴، ص۱۰۹؛ بحارالانوار، ج۴۱، ص۱۳۲.

۲- معیارهای اقتصادی تعالیم رضوی، ص۲۸۸.

۳- الحیاه، ج۶، ص ۳۱۰.

۴- الحیاه، ج۶، ص ۳۱۰.

ص: ۲۳۸

به گونه ای که آنها همه امکانات، از جمله منابع طبیعی را از طرف خداوند امانتی بدانند و در تصرف آنها چارچوب های شرعی را رعایت و از هر گونه اسراف و تبذیر خودداری و به مقدار کفایت، بسنده کنند و تلاش برای برقراری عدالت اجتماعی و اقتصادی را تکلیف به شمار آورند و مقدم داشتن منافع و مصالح اجتماعی و ملی را بر خواست های نفسانی و منافع فردی و گروهی لازم بدانند. و کار و تلاش را عبادت، و بی کاری و کوتاهی در به دست آوردن روزی و تهیه هزینه های زندگی را ناشایست بشمارند و تلاش در عرصه های تولید و سرمایه گذاری را تا حدی که جامعه اسلامی به خودکفایی و اقتدار اقتصادی برسد، وظیفه تلقی کنند و رعایت قوانین و دستورهای حکومت اسلامی در عرصه فعالیت های اقتصادی را واجب بدانند.

بدیهی است وقتی دولت اسلامی به درستی این قبیل از آموزه های اسلامی که در هر مورد آنها ده ها آیه و روایت موجود است تبیین کند و مردم با وظایف خود در مورد فعالیت های اقتصادی به صورت کامل، آشنایی پیدا کنند و راه برای تحقق هدف های اقتصادی هموار شود، مشکلات موجود بر سر راه پیشرفت های جامعه، یکی پس از دیگری به کمک مردم برطرف می شود. در نتیجه، بین مردم و دولت همدلی و هماهنگی پدید می آید و هیچ یک از توطئه ها و کارشکنی های دشمنان نمی تواند آسیبی را متوجه جامعه سازد.

دوم ایجاد و تقویت عدالت اجتماعی

دوم ایجاد و تقویت عدالت اجتماعی

امروزه عدالت اجتماعی یکی از ارکان مهم توسعه و پیشرفت به شمار می آید. بیشتر نظریه پردازان توسعه، بر این باورند که هرگز پیشرفت اساسی حاصل نخواهد شد، مگر اینکه به میزان قابل قبولی عدالت اجتماعی در جامعه وجود

ص: ۲۳۹

داشته باشد. بر این اساس، توسعه و پیشرفت اقتصادی، بدون توجه به عدالت اجتماعی ناممکن است. ازاین رو، در آموزه های اسلامی، عدالت اجتماعی جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد؛ زیرا در سایه عدالت اجتماعی، همگان زندگی خوبی دارند و زمینه برای شکوفایی مهارت ها و مشارکت در فعالیت های اجتماعی، از جمله کارهای اقتصادی فراهم می شود. در حالی که نبود عدالت اجتماعی، سبب گسترش فقر و انباشت سرمایه در دست گروه خاصی می شود. در نتیجه، با پیدایش فاصله ظالمانه طبقاتی، مردم جامعه به دو قشر فقیر و غنی تقسیم می شوند. گروه گرفتار فقر، توانایی مشارکت در پیشبرد هدف های اقتصادی و اجتماعی را ندارد و قشر پول دار هم به دلیل ترجیح منافع شخصی، در طرح های مربوط به تحقق هدف های بزرگ اقتصادی جامعه، حاضر به مشارکت نمی شوند.

در اسلام با شیوه های گوناگونی، از به وجود آمدن چنین شرایطی جلوگیری شده است. دولت باید از راه آماده سازی بستر و با به کار بردن راهکارهایی، جلوی تقسیم مردم جامعه، به دو دسته فقیر و غنی را بگیرد که این کار تنها با حاکمیت عدالت در همه عرصه های اجتماعی ممکن است. با توجه به این حقیقت، امام کاظم(ع) می فرماید: «لو عدل فی الناس لاستغنوا؛ اگر در میان مردم عدالت اقامه گردد، همه مستغنی می شوند».(۱)

بر این اساس، امیر مؤمنان، علی(ع) در تقسیم بیت المال بین مردم، عادلانه رفتار می کرد و می فرمود: «فَانتُمْ عِبادُاللهِ وَ المالُ مالُ الله یُقَسَّم بینکُمْ بِالسَّوِیَهِ، لافضَلَ فِیهِ لِاحدٍ علی احدٍ...؛ شما بندگان خدایید و مال، مال خداست، در نتیجه، آن در میان شما به صورت مساوی تقسیم می شود. هیچ کس را در آن نسبت به دیگری برتری نیست».(۲)

۱- اصول کافی، ج ۱، ص۴۵۵، ح۴.

۲- الحیاه، ج۲، ص۴۰۹.

ص: ۲۴۰

وقتی از امام صادق(ع) درباره تقسیم بیت المال و امکانات عمومی سؤال شد، آن حضرت فرمود: «اهل الاسلام هم ابناء الاسلام اسوّی بینهم فی العطاء و فضائلهم بینهم و بین الله؛ اهل اسلام همه فرزندان اسلامند که به صورت مساوی باید از امکانات برخوردار شوند. هر کسی فضیلتی دارد، آن بین خودش و خداست»؛(۱) یعنی فضیلت ها سبب ترجیح افراد بر یکدیگر نمی شود.

وقتی امیر مؤمنان، علی(ع) در تقسیم بیت المال مساوات را رعایت کرد، گروهی از افراد ویژه که در دوره حکومت های قبلی از بیت المال سهم بیشتری دریافت می کردند، به آن حضرت اعتراض کردند. حضرت به آنها فرمود:

آیا به من دستور می دهید که پیروزی (حکومت بر مردم) را با ستم بر کسانی که زمام دارشان هستم، به دست آورم؟ سوگند به خدا تا جان در بدن دارم و جهان برقرار است، چنین پیشنهاد و درخواستی را قبول نخواهم کرد. اگر مال از آنِ خودم بود، آن را بین مردم، به صورت برابر تقسیم می کردم، چه رسد که آن مال خداوند است.(۲)

بنا بر آنچه گفته شد، اولین و در عین حال مهم ترین کار حضرت در ایجاد عدالت اجتماعی، تقسیم مساوی بیت المال در میان مردم بود. علاوه بر این، حضرت دو کار بسیار مهم را با هدف تحقق عدالت اجتماعی انجام داد:

الف) مبارزه با فقر: در این باره امیر مؤمنان نخست از فقر و ویژگی هایش می گوید تا مردم به خوبی آن را بشناسند. برای مثال، ایشان در روایتی فرموده است: «الا! و اِنَّ مِن البَلاءِ الفاقهُ؛ آگاه باشید که فقر و فاقه، از جمله بلاهاست.»(۳) ایشان در جایی دیگر می فرماید: «قبر از فقر بهتر است».(۴)

۱- الحیاه، ج۱، ص۲۵۷.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۲۶؛ تحف العقول، ص۱۸۵.

۳- الحیاه، ج۴، ص۳۸۱.

۴- الحیاه، ج۴، ص۳۸۴.

ص: ۲۴۱

آن حضـرت به فرزندشان، محمد حنفیه چنین فرمود: «پسرم، من از فقر برای تو بیمناکم. از آن به خدا پناه ببر، چون فقر سبب نقصان دین می شود.»(۱) سپس حضرت عوامل پیدایش فقر را معرفی می کند و در این باره می فرماید: «سَبَبُ الفَقرِ الاسرَافُ؛ اسراف سبب فقر است.»(۲) ایشان در روایتی دیگر می فرمایـد: «اندازه نداشـتن در معیشت، فقر می آورد.»(۳) یا «نبود تـدبیر و برنامه ریزی، کلید فقر است.»(۴) امام علی(ع) در جای دیگری تصریح می فرماید: «خرابی زمین، نتیجه فقر مردم آن است و فقر مردم، ره آورد حریص بودن حاکمان بر جمع مال است...».(۵) آن گاه درباره خودش می فرماید:

من با این اندك چیز (اشاره به آنچه در بقچه کوچک در دست داشت) وارد شـهر شما شدم. اسباب سفر من این هاست. پس اگر از سرزمین شما با بیشتر از این مقدار دارایی که آورده ام، خارج شوم، به یقین من از خیانت کارانم.(۶)

زمینه رسیدگی به وضع فقرا و سامان دهی به زندگی ایشان، علاوه بر آنکه هر کاری از دست خویش بر می آمد، انجام می داد، به کارگزاران خود سفارش می کرد، مشکلات این قشر را بر طرف سازند. ایشان به مالك اشتر می نویسد:

در مورد طبقه پایین اجتماع، یعنی بینوایان و نیازمنـدان و زمین گیرشـدگان که چاره ای ندارنـد، همواره خـدا را در نظر داشـته باش. بخشی از بیت المال و محصولاتی که در اختیار توست، به آنها اختصاص بده... از آنان روی مگردان و آنان را از نظر دور مدار.(۷)

۱- الحیاه، ج۴، ص۳۸۸.

۲- الحیاه، ج۴، ص ۴۴۰.

۳- الحیاه، ج۴، ص ۴۴۰.

۴- الحیاه، ج۴، ص ۴۸۰.

۵- الحیاه، ج۴، صص ۲ ۴۸۱.

۶- الحیاه، ج۴، ص ۵۰۰.

۷- الحیاه، ج۴، ص۵۰۲.

ص: ۲۴۲

علاوه بر آن، ایشان به ثروتمندان گوشزد می کرد که مبادا از مستمندان غافل شوند. حتی در وصیت خود یادآور شده است: «خدا را خدا را، درباره فقیران و بینوایان (در نظر بگیرید) و آنان را در معیشت هایتان شریک قرار دهید».(۱)

گذشته از آنچه بیان شد، حضرت علی(ع) برای مبارزه با فقر، کارهای دیگری نیز انجام داده است که عبارتند از:

تشویق فقیران به انجام کار و یادگیری دانش و تخصص و سفارش به قناعت و زهد، بردباری و تحمل، عفت و پاکدامنی؛

تشویق ثروتمندان بر محبت به فقرا و بذل و بخشش به آنها؛

ایجاد زمینه های اشتغال فقرا؛

آموزش راه های کاهش هزینه ها و غنیمت شمردن فرصت ها؛

ایجاد و گسترش روحیه تعاون و همکاری و... .

ب) مبارزه با انباشت ثروت اغنیا: بدون تردید یکی از عوامل مهم پیدایش فقر، انباشت ثروت در دست اغنیاست. اسلام با این کار مخالف است، چون آثار زیان بار آن، جامعه انسانی را به انحطاط می کشد. ازاین رو، برای تعدیل ثروت و ایجاد توازن اقتصادی، احکام و مقرراتی تعیین شده است که عبارتند از: منع از احتکار و انحصار، جلوگیری از اسراف و تبذیر، تحریم ربا و بهره، ارث، انفاق های واجب و مستحب، تأمین اجتماعی و... .

رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن کمک به مستمندان و تلاش برای ریشه کن شدن فقر، به تعدیل ثروت ها در جامعه می پرداخت. بر این اساس، دولت اسلامی باید با اجرای شایسته این گونه از قوانین، نسبت به تحقق عدالت اجتماعی در جامعه بپردازد تا از این رهگذر، سطح زندگی افراد و جامعه اسلامی، به

۱- الحیاه، ج۴، ص۵۸۸.

ص: ۲۴۳

انـدازه ای ارتقا یابـد که زمینه برای امکان ورود آنها به عرصه فعالیت های اقتصادی فراهم شود و هر یک از آنان با توجه به توانایی های مالی یا تخصصی و علمی بتوانند در روند رشد و توسعه اقتصادی اثر گذار باشند.

سوم تأمین امنیت اقتصادی

سوم تأمین امنیت اقتصادی

یکی از وظایف مهم دولت در زمینه رشد و توسعه امور اقتصادی، برقراری نظم و امنیت اقتصادی است. نبود امنیت اقتصادی، شرایط و فضایی را در جامعه ایجاد می کند که همه فعالیت های اقتصادی از رونق می افتد و زمینه های اشتغال، یکی پس از دیگری از بین می رود؛ زیرا برنـامه های عمرانی تنها در سایه آرامش و حاکمیت قانون و ثبات و امنیت، قابل اجرا و پی گیری است. با نبود امنیت، برنـامه هـا به کنـار گذاشـته می شونـد و بـا کنار رفتن برنامه ها، بسترهای ایجاد کار و اشـتغال نابود می شود. همین طور نبود امنیت، جذب سـرمایه ها را ناممکن می سازد. سـرمایه گذار دنبال محیط و شرایط امن است. ازاین رو، همواره، نبود امنیت سرمایه و سرمایه گذار را فراری می دهد. بدیهی است، با از بین رفتن زمینه های کار و انباشت سـرمایه، دیگر جایی برای صـحبت از تولید نمی ماند، چه بسا در چنین وضـعی سرمایه های انسانی بی کار، به سمت شغل های غیر اقتصادی (غیر تولیدی) نظیر واسطه گری، توزیع انگلی و... کشیـده می شود. در ضـمن، روح ابتکار و خلاقیت به تدریج نابود می گردد و سـرمایه ها در کارهای غیر اقتصادی، به اصطلاح زود بازده به کار گرفته می شوند که چنین کاری در نهایت به ایجاد و گسترش تورم و گرانی قیمت ها و رشد بی رویه خدمات و... می انجامـد. بنابراین، وقتی دولت مصـمم شـد، برنامه های مربوط به توسـعه و پیشـرفت اقتصادی را اجرا کنـد، پیش از آن ضـرورت دارد، به موضوع نظم و امنیت و حاکمیت یابی آن دو در

ص: ۲۴۴

همه عرصه های اجتماعی به ویژه اقتصاد توجه کند. در آموزه های اسلامی، به صورت های مختلف، به اهمیت امنیت و آسیب های ناشی از نبود آن تأکید و تصریح شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: «لاخیرَ فی... الوَطن اِلاّ مَعَ الامَنِ؛ سرزمینی که در آن امنیت نیست، در آن خیری وجود ندارد.»(۱) امام صادق(ع) می فرمایـد: «هر جا که امنیت وجود ندارد، در آنجا زندگی گوارا نیست.»(۲) باز از آن حضرت نقل شده است: «امنیت از جمله امور سه گانه ای است که همگان به آن نیاز دارند».(۳)

امیر مؤمنان، علی(ع) در تشریح فلسفه تشکیل حکومت، از برقراری امنیت یاد می کند و می فرماید:

مردم به زمام دار نیازمندنـد، خواه آن زمام دار نیک رفتار یا فاجر و بـدکار باشد تا مؤمن در سایه حکومت او کارش را بکند و کافر بهره و سـهم خود را برد... به وسـیله او اموال بیت المـال گردآوری و به کمـک او بـا دشـمنان مبـارزه و پیکـار گردد و راه ها امن و حقوق ناتوان از توان مند گرفته شود، تا آنجا که نیکو رفتار آسوده باشد و از گزند و آسیب بدکار در امان ماند.(۴)

به دلیل آنکه به تبیین هدف حکومت خود می پردازد، به این نکته نیز اشاره می کند که هدف دولت علوی، برقراری امنیت، به ویژه برای اقشار پایین جامعه است. ایشان می فرماید:

«پروردگارا! تو می دانی آنچه از من سر زد (گرفتن زمام حکومت) به خاطر رغبت و میل به حکومت و سهم بیشتر از دنیا نبود؛ بلکه

۱- میزان الحکمه، ج ۱۰، ص۵۲۷.

۲- الحیاه، ج۴، ص۲۷۴.

۳- الحیاه، ج۶، ص۴۱۳.

۴- نهج البلاغه، خطبه ۴۰.

ص: ۲۴۵

می خواستیم نشانه های دین را بر جای خود بنشانیم و اصلاح در شهرها را آشکار سازیم تا بندگان مظلوم و ستم دیده ات به امنیت برسند... .(۱)

ایشان در این باره از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود: «اگر امنیت در جامعه به میزانی نبود که ضعیف بتواند بدون کوچک ترین دغدغه و اضطراب حق خود را از قوی بستاند، چنین جامعه ای قابل احترام نیست».(۲)

ایشان در جایی دیگر، در معرفی بدترین سرزمین ها می فرماید: «شر البلاد بلد لاامن فیه و لاحصب؛ بدترین مکان ها آن شهر و دیاری است که در آن امنیت و آبادانی نباشد».(۳)

ایشان از مردم جامعه اسلامی می خواهد که او را در برقراری امنیت یاری کنند: «اَیُّها الناسُ اعیونی علی انفسِکُمْ وَ اَیمُ اللهُ لِاَنْصِفَنَّ المَظلومَ مِن ظالِمه وَ لاقودنَّ الظالَم بِجازِمَته حتی اُورَدهُ مِنْهَلِ الْحَقِّ وَ انْ کان کارِهاً؛ ای مردم مرا در برابر نفس (هوس های) خود یاری کنید. به خدا سوگند من داد و حق ستمدیده را از ستمگر خواهم ستاند و مهار و زمام ستمگر را چندان می کشم تا او را هرچند دوست ندارد به سرچشمه حق برسانم و به رعایت حق ملزم کنم».(۴)

درباره امنیت اقتصادی، جداگانه مطالبی بیان می کند: «اولاً همان گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: احترام مال مؤمن همانند احترام خون اوست».(۵)

سپس اهمیت و احترام اموال مردم را گوشزد می فرماید و در این باره می فرماید: «اعظمُ الخطایا اقتطاعُ مالِ امرءٍ مسلمٍ بغیرِ حقٍ؛ بردن و خوردن مال مسلمان

۱- نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱.

۲- «لَنْ تقدُّسْ اُمهٌ لایُوخَذُ لِلضَّعِیفِ فیها حَقُّهُ مِنْ القَّوِیِ غَیْرَ مُتعتعٍ.» نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ح ۵۶۸۴.

۴- الحیاه، ج ۲، ص ۴۲.

۵- الحیاه، ج ۳، ص ۲۰۳.

ص: ۲۴۶

به ناحق، از بزرگ ترین خطاها (گناهان) به شمار می آید.»(۱) ثانیاً سوگند یاد می کند، اگر به مالی که به ناحق گرفته شده است، برخورد کند، بی درنگ آن را به صاحبش بر می گرداند: «واللهُ لَوْوجدتُهُ... لَرَدْدُتُه».(۲)

نقل می کنند وقتی آن حضرت خبردار شد یکی از کارگزارانش تصرفات ناشایستی در دارایی ها انجام داده است، به ایشان نامه ای نوشت و در آن خطاب به وی فرمود:

از تو به من گزارشی دادند که اگر چنان باشد، خدای خود را به خشم آورده و امام خویش را نافرمانی کرده ای. خبر رسیده است که تو غنیمت مسلمانان را به خویشاوندانت می بخشی و... حق پروردگارت را سبک مشمار و دنیای خود را با نابودی آخرتت، آباد مکن... .(۳)

آن گاه از وی می خواهد هر چه اموال نزد اوست، بازگرداند. همچنین در این باره به زیاد بن ابیه می نویسد:

به خدا سوگند... اگر به من خبر رسد که در اموال مسلمانان اندک یا بسیار خیانت روا داشته ای، چنان بر تو سخت می گیرم که کم مایه گردی تا جایی که نتوانی هزینه عیال و زندگی ات را تأمین کنی و حقیر و بی مقدار گردی.(۴)

بدون برقراری امنیت به ویژه امنیت اقتصادی، امکان رونق و پیشرفت در عرصه های اقتصادی نیست، ازاین رو، حکومت اسلامی مسئولیت دارد با راهکارهای مناسب، نظم و امنیت اقتصادی را برای جامعه فراهم سازد تا عوامل اقتصادی، اعم از کارگر و صاحب سرمایه و تولیدکننده با اشتیاق فراوان وارد میدان شوند.

۱- بحارالانوار، ج۷۸، ص۵۵.

۲- نهج البلاغه، خطبه۵۱.

۳- نهج البلاغه، نامه ۴۳.

۴- نهج البلاغه، نامه ۳۰، به نقل از: اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه، ص۲۰۹.

ص: ۲۴۷

گفتنی است ناامنی اقتصادی در بسیاری از فعالیت های اقتصادی، از قبیل اشتغال و تجارت و سرمایه گذاری ممکن است رخ بدهد که در هر مورد باید با توجه به امکانات و شرایط موجود، اقدامات لازم انجام شود. برای مثال، ناامنی در زمینه اشتغال و خطرات احتمالی در بخش تجارت را که ریشه ناامنی ها به شمار می آیند می توان از راه بیمه کالاهای تجاری از میان برداشت، مهم ترین راه های شکل گیری ناامنی های اقتصادی، عبارت از بی ثباتی سیاسی، حاکمیت نداشتن نظم و قانون، بی توجهی به قراردادها، فساد دستگاه های اداری، گرفتن مالکیت از سرمایه گذاران و وقوع انواع خشونت ها در جامعه و وجود نداشتن ضوابط عادلانه و یا وجود ابهام در قوانین و ضوابط و... است.

دولت اسلامی از راه سیاست گذاری های دقیق، باید جلوی پیدایش این قبیل از امور را بگیرد و در صورت وقوع برخی از این موارد، در کمترین زمان ممکن، برای برطرف ساختن آن، اقدامات لازم را انجام دهد.

چهارم قانون گذاری و اجرای قوانین و مقررات

چهارم قانون گذاری و اجرای قوانین و مقررات

به دلیل آنکه تأمین نیازهای مادی و معنوی بشر، بدون زندگی اجتماعی میسر نیست، خداوند زندگی او را به صورت اجتماعی قرار داده است. وقتی در زندگی اجتماعی، تعارض منافع پیش می آید، به مجموعه ای از قوانین و مقررات نیاز است که در سایه آن حقوق افراد مشخص شود تا از بروز هرگونه نابسامانی و تخاصم جلوگیری شود. به علاوه اجرای این قوانین به ضمانت اجرایی نیاز دارند. در همه جوامع، دولت، ضامن اجرای احکام و مقررات است. بر این اساس، بخش قابل توجهی از مسئولیت های هر دولتی، به وضع و اجرای قانون و مقررات مربوط است. در این راستا، در جامعه اسلامی، دولت افزون بر مسئولیت نظارت بر رعایت احکام و قوانین شرعی اقتصادی، موظف است برای تنظیم امور اقتصادی، در صورت نیاز به وضع مقررات و احکام جدید بپردازد.

ص: ۲۴۸

توضیح آنکه در اسلام، دو دسته احکام و قوانین وجود دارد که شامل قوانین ثابت و قوانین متغیر می شود. احکام ثابت اقتصادی، چارچوب نظام اقتصادی را تشکیل می دهد و ماهیت اسلامیت آن را حفظ و احکام متغیر، جنبه پویایی و نیازهای مربوط به شرایط و مقتضیات زمان و مکان را تأمین می کند. این دو دسته از قوانین مکمل همدیگرند. وجود هر دو برای نظام اقتصادی، ضروری است. برای حفظ سلامت روند فعالیت های اقتصادی و توسعه و رشد آن ضرورت دارد که اولاً دولت به اجرای همه جانبه قوانین ثابت و متغیر اهتمام بورزد، ثانیاً در مواقعی که به مقررات و احکام جدیدی نیاز است، نسبت به تهیه و تدوین آن در کوتاه ترین زمان، عمل کند.

بخشی از قوانین اسلامی که به رشد تولید و رونق کار و اشتغال در جامعه کمک می کند و دولت موظف به اجرای آنهاست، به این شرح است:

۱. باز پس گرفتن زمین از کسانی که آن را بدون استفاده رها کرده اند، ضرورت دارد. بر اساس آموزه های اسلامی، مالکیت در زمینه منابع طبیعی و ثروت های عمومی، در صورتی به وجود می آید که دولت اسلامی در مقام مالك این منابع، اجازه فعالیت و کار را در این منابع بدهد. همچنین تملک درآمد در برابر کار و تلاش خدماتی یا تولیدی، با نبودن ممنوعیت قانونی و شرعی نسبت به آن خدمت و تولید حاصل می شود. بنابراین، مالکیت از نظر پیدایش مالکیت ابتدایی و مالکیت ارزش افزوده کالاهای تولیدی، تابع شرایط و حدودی است که حاکمیت اسلام آنها را مشخص می سازد؛

۲. ممنوعیت حمی(۱) در اسلام؛

۳. افرادی که به احیای یکی از منابع طبیعی می پردازند، اگر فعالیت خویش را نیمه کاره رها کنند، حقی به آنان تعلق نمی گیرد؛

۱- اینکه کسی بدون کار خاص روی زمین های عمومی، از طریق حریم قرار دادن آن را به خود اختصاص دهد و مانع استفاده دیگران از آن بشود.

ص: ۲۴۹

۴. دولت اسلامی اجازه ندارد منابع طبیعی را در اختیار افراد قرار دهد، مگر به مقدار رفع نیاز؛

۵. درآمدی که بر اساس کار نباشد، مشروع نیست، مثل اینکه کسی چیزی را اجاره کند و آن را با قیمت بیشتری به دیگری اجاره دهد؛

۶. تحریم بهره ربوی. این کار دو اثر بسیار مهم دارد:

الف) از میان رفتن تضاد های شدید بین منافع تجاری و صنعتی، از یک سو، منافع سرمایه های نزولی، از سوی دیگر؛ زیرا سرمایه داران مترصد فرصت مناسبی برای افزایش تقاضای سرمایه برای فعالیت های اقتصادی هستند چون افزایش تقاضا موجب بالا رفتن نرخ بهره می شود و برعکس با لغو بهره ربوی، سرمایه داران ناچارند بر اساس اشتراک در منافع و مضار، در قالب مضاربه یا اجاره و... ، به فعالیت های صنعتی و تجاری بپردازند.

ب) افراد با تحریم ربا، بر خلاف نظام بهره سرمایه های خویش را در طرح های دراز مدت و وسیع به کار می اندازند. در نظامی که بهره پذیرفته شده است، سرمایه دار، اموالش را در وام های کوتاه مدت به کار می اندازد تا در صورت ترقی نرخ بهره، از شرایط بهتر و منافع بیشتر استفاده کند. همچنین وام گیرندگان مجبورند به کارهای کوتاه مدت بپردازند تا بتوانند وام و بهره را به موقع پرداخت کنند؛ و تا اطمینان پیدا نکنند، کاری سودآور است، هرگز به آن کار نمی پردازند. اینها موانعی در راه رشد تولید است که به پیدایش بحران های بزرگ و متزلزل شدن اوضاع اقتصادی منجر می شود، ولی رباخواران با الغای بهره، به صف تولیدکنندگان می پیوندند و منافع و مصالح خویش را در کارهای تولیدی دنبال می کنند. به این ترتیب، به جای آنکه همواره بخشی از سرمایه نقدی در دست رباخواران راکد و بدون استفاده بماند، در عرصه های تولید، به کار می افتد و به فعالیت های اقتصادی، رونق می بخشد.

ص: ۲۵۰

۷. اسلام، قمار و جادوگری را تحریم کرده است.

۸. اسلام از ذخیره کردن نقدینگی و کنز آن جلوگیری می کند. اسلام کسانی را، که دارایی های نقدی خود را از جریان اقتصادی جامعه خارج کنند، مشمول مالیاتی به نام زکات می کند. این مالیات، سالانه بوده و مبلغ ۵/۲ مقدار پس انداز شده است. این مالیات تا وقتی که قیمت مال به ۲۰ دینار کاهش نیافته است، گرفته می شود. با اجرای این سیاست مالیاتی، همه اموالی که از چرخه اقتصادی خارج شده است، دوباره وارد فعالیت های اقتصادی می شوند.

۹. اسلام خرج های اضافی و بی جا را ممنوع کرده است. کارهایی که شخصیت حقیقی انسان را نابود می کند و او را از میدان فعالیت های سالم و مفید دور می سازد.

۱۰. جلوگیری از تمرکز ثروت. در قرآن کریم می خوانیم: «كَيْ لا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِياءِ مِنْكُمْ؛ تا قدرت و توان در میان ثروتمندان خلاصه نگردد.» (حشر: ۷) اسلام این کار را از راه سیاست های تعدیل ثروت عملی ساخته و دولت اسلامی موظف به دنبال کردن این برنامه است. گفتنی است، این اصل به توزیع ثروت مربوط است، ولی به صورت غیر مستقیم با مسئله تولید نیز مرتبط است؛ زیرا تمرکز ثروت در دست گروهی مخصوص، سبب فقر عمومی می شود. در نتیجه، با کاهش قدرت خرید عمومی، توده مردم از تأمین نیازمندی های خویش درمانده می شوند و به تبع آن تولیدات بر روی هم انباشته می گردد و رکود بر سازمان تولید اجتماع حاکم و بدین ترتیب، از میزان تولید کاسته می شود.

۱۱. تحریم واسطه گری در امور بازرگانی؛

ص: ۲۵۱

۱۲. اجازه اسلام بر تملک نزدیکان شخص نسبت به دارایی های او پس از مرگ، که این کار انگیزه فعالیت دائمی را در انسان حفظ می کند؛

۱۳. اسلام، قانون تأمین اجتماعی را وضع کرده است. این موضوع در قلمرو بخش خصوصی بسیار اهمیت دارد؛ زیرا از این طریق، انگیزه روحی مهمی در انسان پدید می آید که سبب می شود جرئت اقدام به انواع فعالیت ها و اختراعات در شخص پرورش یابد. در غیر این صورت، ترس از ضررهای احتمالی که همواره آدمیان را تهدید می کند، موجب می شود بسیاری از فعالیت های اقتصادی تعطیل شود.

۱۴. اسلام کسانی را که قدرت کار دارند، از تأمین اجتماعی محروم می کند و از گدایی کردن باز می دارد؛

۱۵. در اسلام اسراف و تبذیر حرام است. به این ترتیب، بسیاری از مصارف غیر ضروری از بین می رود و در عوض، سرمایه بیشتری در مسیر تولید قرار می گیرد.

۱۶. فراگیری و آموزش فنون و صنایع روز بر عموم مسلمانان واجب کفایی است؛

۱۷. مسلمانان موظفند از عالی ترین تخصص ها در زمینه های گوناگون برخوردار شوند. بر اساس آیه کریمه «وَ أَعِدّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّهٍ؛ آنچه در توان دارید آماده سازید»، به طور مطلق، کلمه قوه شامل تمام نیروها و امکاناتی است که امت اسلامی را به عزت و عظمت می رساند.

دولت اسلامی پس از تلاش بر اجرای این قبیل از قوانین، که بدون تردید سبب رونق تولید و اشتغال می شوند، در صورت نیاز با توجه به حق قانون گذاری و اصل احکام ثانویه حاکمیت جامعه اسلامی می تواند با وضع

ص: ۲۵۲

قوانین و احکام جدید، فعالیت های اقتصادی را به سمت تأمین هر چه بیشتر مصالح جامعه به ویژه تولید سوق دهد، که از این گونه احکام به عنوان احکام متغیر که بنابر مقتضیات زمان وضع می شوند، در آموزه های اسلامی سیاست های اقتصادی حضرت علی(ع) در مورد جلوگیری از احتکار، ضامن دانستن رنگ رزان و طلاسازان به منظور رعایت احتیاط در مورد اموال مردم و مراقبت از آنها و دستور اخذ مالیات از اسب و... به این نوع قانون گذاری ها تطبیق داده شده است.(۱)

البته همان گونه که بیان شد، قانون گذاری دولت اسلامی، بر رعایت معیار های خاصی منوط است که در شرایط و موقعیت های به خصوصی انجام می گیرد. به صورت خلاصه معیارهای کلی قانون گذاری عبارتند از:

۱. توجه و پای بندی به عناصر جهان شمول و احکام ثابت اسلامی؛

۲. رعایت مصالح اسلام و مسلمانان از طریق بررسی های کارشناسانه و تشخیص دقیق بهترین کار در هر موقعیت برای تأمین مصالح اسلام و مسلمین؛

۳. رعایت ضوابط مربوط به باب تزاحم در حوزه الزامیات و تشخیص اهم از مهم، به کمک کارشناسان دینی و خبرگان علوم و... .

اگر دولت با رعایت این موازین اقدام به وضع قوانین کند، از دید آموزه های اسلامی، این قوانین لازم الاتباع است و مخالفت با آنها، همانند مخالفت با احکام و قوانین ثابت الهی تلقی می شود که استحقاق عقوبت اخروی و مجازات دنیوی را در پی دارد.

این امر (اختیار وضع قانون در شرایط خاص) توان مندی دولت اسلامی را در انجام وظایف خود ارتقا می بخشد و آن را قادر می سازد که متناسب با

۱- بازار در سایه حکومت اسلامی، صص ۶۵ ۷۵.

ص: ۲۵۳

شرایط مختلف، به وضع قوانین گوناگون دست بزنـد و از طریق آنهـا زمینه تحقق آرمـان هـای اسـلامی و انجـام مسـئولیت سـنگین اقتصادی را که از جمله آنها افزایش تولید و رونق دادن به کار و اشتغال و جذب و هدایت سرمایه هاست، ... فراهم می سازد.(۱)

دو مشارکت مستقیم دولت در توسعه فعالیت های اقتصادی

اشاره

دو مشارکت مستقیم دولت در توسعه فعالیت های اقتصادی

با توجه به ساختار خاصـی که حکومت در نظام سیاسـی اسـلام دارد و امکانات و اختیاراتی که بر عهده اش نهاده و مسـئولیت هایی کـه برایش تعیین و هـدف هـایی برای آن در نظر گرفتـه شـده اسـت، می تـوان به این حقیقت پی برد که دولت اسـلامی، علاوه بر مـدیریت امور جامعه، به صورت مسـتقیم در توسـعه اقتصادی و تحقق یابی هـدف های نظام اقتصادی اسـلام وظایف مهمی بر عهده دارد. ازاین رو، کوتـاهی در انجام این مسـئولیت ها، دست یابی به اهـداف اجتماعی به ویژه مقاصـد اقتصادی را که زمینه ساز رشـد دیگر بخش ها، مانند: بخش فرهنگی، سیاسی، تربیتی و بهداشتی و... را ناممکن می سازد.

گفتنی است، محورهای اقتصادی که ضرورت دارد دولت در آنها به صورت بی واسطه وارد عمل شود، محدود به چند مورد خاص نیست؛ زیرا در شـرایط مختلف این موارد قابل کم و زیاد شـدن است، اما می توان گفت عرصه هایی که برای تحقق رشـد و توسـعه اقتصادی که غالباً ضرورت دارد دولت در آنها حضور مستقیم و پررنگ داشته باشد، عبارتند از:

اول تهیه طرح و برنامه اقتصادی

اول تهیه طرح و برنامه اقتصادی

برای دست یابی به هر هـدفی به طرح و برنامه نیاز است؛ زیرا برنامه ریزی فرآینـدی است که ضـمن آن اهداف تعیین و روش تحقق آنها شناسایی و

۱- مکتب و نظام اقتصادی اسلام، صص ۲۵۱ و ۲۵۲.

ص: ۲۵۴

ابزار و وسایل و امکانات لازم پیش بینی می شود. اگر دولت درصـدد توسـعه و رشـد اقتصادی جامعه باشـد، ولی اگر طرح و برنامه کاملی تهیه نکرده باشـد که بتوانـد هـدف ها و راهکارها و موانع احتمالی و امکانات و ظرفیت ها را مشـخص سازد، بدون تردید، نه تنهـا در زمینه پیشبرد اقتصـاد و رونق بخشـیدن به فعـالیت هـای اقتصادی موفقیتی به دست نمی آورد، بلکه چه بسا متحمل زیان های بسـیاری هم می شود. امام سجاد(ع) در این زمینه می فرماید: «مَنْ لَمْ یَعْرِفْ داءَهُ اَفَسَدَهُ دوائَهُ؛ کسی که درد خود را نشناسد، مصرف دارو او را از بیـن می برد.»(۱) امیر مؤمنان، علی(ع) نیز می فرمایـد: «اصـلاح طلبی که عالم و آگاه به کار نباشد، سـبب فریب خود و دیگران می شود.»(۲) همچنین از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله نقل شـده که فرموده است: «مَنْ عَمِلَ عَلی غیرِ علمٍ کانَ ما یُفْسِدُهُ اَکثرُ مِمّا یَصلِحُ؛ کسی که بدون علم به عملی اقدام کند، بیش از آنکه اصلاح کند، سبب تباهی می شود».(۳)

بر این اساس، به تـدبیر و برنامه ریزی در آموزه های دینی بسـیار تأکیـد می شود. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله به ابن مسـعود می فرماید: «هرگاه می خواهی کاری انجام بدهی، آن را از روی علم و آگاهی و عقل و اندیشه، انجام بده. مبادا کاری را بدون تدبیر و برنامه ریزی و کسب و آگاهی از ابعاد گوناگون آن انجام بـدهی که همانا خداونـد عزوجل می فرمایـد: همانند آن زنی نباشـید که همیشه رشـته هـای خود را پس از محکم بـافتن، دوباره مجبور می شـد که آنها را از هم باز کنـد»؛(۴) زیرا آن را بر اساس هـدف و طرح مشخصی نمی بافت.

۱- میزان الحکمه، ج۳، ص۳۶۵.

۲- الحیاه، ج۱، ص۲۰۰.

۳- الحیاه، ج۱، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۴- بحارالانوار، ج۷۷، ص۱۰۰.

ص: ۲۵۵

امام علی(ع) داشتن برنامه را مهم ترین نشانه و دلیل توان مندی عقلانی انسان معرفی می کند آنجا که می فرماید: «اوّلُ شیءٍ عَلی غَزارَهِ العَقْلِ حُسنُ التَّدبِیرِ؛ اول نشانه کامل بودن عقل، برخورداری از تدبیر نیکوست».(۱)

در نکوهش بی تدبیری، مطالب بسیاری وارد شده است. امام علی(ع) می فرماید: «هر کس که تدبیر و برنامه ریزی مناسبی در کار نداشته باشد، نابودی و هلاکتش سرعت پیدا می کند.»(۲) ایشان در جایی دیگر فرموده است: «برنامه ریزی بد، سرمایه های زیاد را از بین می برد.»(۳) همچنین فرموده است: «دنیایی که در آن تدبیر و برنامه ریزی نباشد، خیری در آن وجود ندارد».(۴)

برنامه ریزی سبب می شود انسان هر کاری را از راه خودش در زمان و فرصت مناسب با اشراف به تمام زوایای آن انجام دهد و از مقدم داشتن کارهای دیگر خودداری کند و هر کاری را مطابق با نیازهای جامعه، به مقدار لازم در چارچوب احکام و مقررات تعیین شده به انجام برساند. امام رضا(ع) می فرماید:

هر کس هدفی را از راه مخصوص به آن دنبال کند، هرگز لغزش پیدا نمی کند و اگر به فرض دچار لغزش هم شد، راه چاره بر او بسته نمی شود و به راحتی و با تأمل و دقت بیشتر می تواند راه اصلاح آن را بیابد.(۵)

بنابراین، یکی از تکالیف مهمی که اسلام بر عهده حاکمیت جامعه اسلامی گذاشته است، برنامه ریزی مناسب برای پی گیری اهداف اجتماعی، از

۱- غررالحکم و دررالکلم، ح ۳۱۵۱؛ الحیاه، ج ۱، ص ۵۴۴.

۲- الحیاه، ج ۱، ص ۵۴۴.

۳- الحیاه، ج ۴، ص ۳۴۶.

۴- الحیاه، ج ۱، ص ۵۵۴.

۵- الحیاه، ج ۱، ص ۵۵۸.

ص: ۲۵۶

جمله هدف های اقتصادی است؛ چرا که داشتن برنامه نقشه راه به شمار می آید و در کمترین زمان لازم و با صرف حداقل امکانات و سرمایه ها، هدف ها تحقق می یابد. در مجموعه ای از روایات، به فواید برنامه ریزی اشاره شده است که عبارتند از:

۱. کاهش میزان خطا و اشتباه

امام علی(ع) در این باره فرموده است: «التَّدبیرُ قَبْلَ الْعَمَل یُومِنُ العِثارَ؛ داشتن تدبیر قبل از اقدام به کار، سبب در امان ماندن از لغزش هاست».(۱)

۲. فقرزدایی

امام علی(ع) می فرماید: «سُوء التَّدبیرِ مِفْتاحُ الْفَقْرِ»(۲) یا در روایتی دیگر یادآور می شود: «فَلا فَقْرَ مَعَ حُسْنِ التَّدبِیرِ؛ با برنامه ریزی و تدبیر شایسته، فقر و کمبود اتفاق نمی افتد».(۳)

۳. مانع پشیمانی

از امام علی(ع) نقل شده است که فرمود: «التَّدْبیرُ قَبْلَ الْعَمَلَ یُؤمِنُکَ مِنَّ النَّدَمِ؛ برنامه ریزی قبل از کار، تو را از پشیمانی در امان نگاه می دارد».(۴)

۴. افزایش بهره وری

از جمله آثار برنامه ریزی و تدبیر، رشد و افزایش ثروت است. امیر مؤمنان، علی(ع) می فرماید: «حُسنُ التَّدبیرِ یُنمی القَّلِیلَ المالِ؛ سرمایه اندک با برنامه ریزی مناسب رشد پیدا می کند».(۵)

۱- غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۴۸۲.

۲- الحیاه، ج ۴، ص ۳۴۶.

۳- غررالحکم و دررالکلم، ح ۱۰۹۲.

۴- بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۳۸.

۵- الحیاه، ج ۴، ص ۳۵۱.

ص: ۲۵۷

۵. نشانه عنایت الهی

در روایت دیگری، امام علی(ع) می فرماید: «اگر خداوند اراده کند که به بنده ای خیر و نیکی برساند، به او دو چیز را الهام می کند: میانه روی و تدبیر و برنامه ریزی داشتن».(۱)

۶. خنثی سازی تهدید

فایده دیگر برنامه ریزی و تدبیر، این است که خطرات احتمالی دشمنان یا پیش آمدهای ناگوار را نقش بر آب می سازد. امام علی(ع) در این باره می فرماید: «بِالنَظَرِ فی العَواقِبِ تُؤمَنُ المَعاطِبُ؛ با دقت و تدبیر در پی آمد کارها، می توان از خطرات و سختی هایی که ممکن است پیش آید، در امان ماند».(۲)

برنامه ریزی این امکان را می دهد که پیشاپیش برای هر شرایطی، تدبیر و چاره اندیشی لازم انجام پذیرد و هنگام روبه رو شدن با آن پیش آمدها، به راحتی راه برون رفت از آنها را تشخیص داد.

دوم ایجاد زمینه اشتغال و مشارکت در تولید و سرمایه گذاری

اشاره

دوم ایجاد زمینه اشتغال و مشارکت در تولید و سرمایه گذاری

از آموزه های اسلامی مربوط به مداخله دولت در اقتصاد جامعه و کم و کیف آن در می یابیم، در وضعیت طبیعی، مردم و بخش خصوصی، مدیریت بیشتر واحدهای اقتصادی، از جمله واحدهای تولیدی را بر عهده دارند. فقط دولت موظف است، تمام فعالیت های مربوط به اقتصاد را زیر نظر بگیرد و مراقب باشد که این فعالیت ها در چارچوب احکام و مقررات اسلامی انجام گیرد و در صورت مشاهده هر گونه انحراف و نارسایی، به صورت شایسته به راهنمایی آنها بپردازد.

۱- الحیاه، ج۶، ص۲۰۱.

۲- غررالحکم و دررالکلم، ح۴۸۳۳.

ص: ۲۵۸

اصولاً در شرایطی که اوضاع اقتصادی جامعه در حالت عادی و طبیعی است و تنش های خاصی بر آن عارض نشده است، دخالت دولت هیچ گونه توجیه منطقی ندارد؛ زیرا همه افراد بر اساس انگیزه فردی فعالیت های اقتصادی را در چارچوب برنامه اقتصادی که از جانب دولت تعیین شده است، انجام می دهند و سیاست اقتصادی دولت با فرض سلامت وضعیت اقتصادی، باید بر این اساس تنظیم شود که انگیزه های فردی را در مسیر تحقق اهداف مشخص شده هدایت کند، اما در شرایط غیر طبیعی به دولت اختیارات و امکانات لازم برای هرگونه دخالت مستقیم در عرصه های مختلف اقتصادی اعم از تولید، توزیع و خدمات و...، داده شده است.

مالکیت در نظام اقتصادی اسلام، به سه قِسم مالکیت حکومت اسلامی، مالکیت عموم مسلمین و مالکیت خصوصی تقسیم می شود که بیشترین بخش مالکیت در اختیار حکومت اسلامی قرار داده شده که به صورت تسلط بر بخش عظیمی از منابع به عنوان انفال، خمس یا نظارت بر بخش بزرگ دیگری از منابع جامعه به عنوان اموال عمومی، مباحات عامه، مصارف زکات، تجلی می کند. برای مالکیت حکومت اسلامی حکمت هایی هم بیان شده است که آنها را بر می شماریم:

۱. اگر حکومت اموالی را در اختیار نداشته باشد، در راستای اصلاح یا توسعه فعالیت های کلان اقتصادی جامعه، نمی تواند کار مهمی انجام دهد، چون نمی تواند بدون توجه به منافع کمک کنندگان به دولت (برای مثال مالیات دهندگان و...) گام بزرگی بردارد. چه بسا دولت در چنان شرایطی همانند ابزاری در دست توانگران عمل کند و از خدمت به محرومان یا پیشبرد اهداف اقتصاد اسلامی، ناتوان شود.

ص: ۲۵۹

۲. اگر ثروت های طبیعی در اختیار دولت نباشد، چه بسا تملک آن به وسیله مردم، سبب نزاع و درگیری شود؛ زیرا وقتی هر کس مجاز باشد، هر مقدار که می تواند اراضی بیشتری داشته باشد، این امر در هر حال به نزاع و تخاصم می انجامد وقتی دولت متصدی تملک این اموال باشد، می تواند برای بهره بردای از آنها ضوابط و مقرراتی را وضع و از بروز هرگونه نزاع جلوگیری کند. این نکته را از آیه مربوط به سوره انفال در می یابیم: «قُلِ الأَنفَالُ لِلّهِ وَالرَّسُولِ فَاتَّقُواْ اللّهَ وَأَصْلِحُواْ ذَاتَ بِيْنِكُمْ؛ بگو انفال متعلق به خدا و رسول است. پس تقوای خدا را برگزینید و در میان خویش اصلاح انجام دهید». (انفال: ۱)

میان اصحاب رسول اکرم صلی الله علیه و آله درباره مالکیت انفال نزاع درگرفت، وقتی به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مراجعه کردند و از او خواستند، بین آنان صلح برقرار کند، حضرت پس از شنیدن دعوای طرفین این آیه را تلاوت فرمود و گفت: «انفال متعلق به خدا و رسول است و جایی برای نزاع شما درباره آن وجود ندارد».(۱)

۳. از سوی دیگر بیان شده است، وقتی این اموال در اختیار دولت باشد، از به وجود آمدن شکاف طبقاتی در بین افراد جامعه جلوگیری می شود؛ چون اگر این اموال در اختیار تعدادی از افراد جامعه قرار گیرد، بقیه مردم از آنها محروم و درنهایت، مردم به دو قشر فقیر و غنی تقسیم می شوند. وقتی این اموال در اختیار دولت قرار بگیرد، دولت به کمک این اموال می تواند از قشرهای محروم حمایت کند و آنها را به سطح عامه مردم برساند. خداوند در قرآن کریم در این باره می فرماید:

۱- درآمدی بر اقتصادی اسلامی، ص۱۰۶.

ص: ۲۶۰

مَّا أَفَاء اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَى فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِی الْقُرْبَى وَالْیَتَامَى وَالْمَسَاكِینِ وَابْنِ السَّبِیلِ كَیْ لَا یَكُونَ دُولَهً بَیْنَ الْأَغْنِیَاء مِنكُمْ. (حشر: ۷)

آنچه را خداوند از اهل قریه ها به رسولش بازگرداند، متعلق به خدا و رسول و ذی القربی و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است تا اینکه مایه تداول (گردش) میان ثروتمندانتان نباشد.

وقتی ثروت در دست اغنیا انباشته نشود و در جامعه به گردش در آید، نیازمندان هم از آن بهره مند می شوند. در نتیجه، توازن اقتصادی در جامعه برقرار می گردد و از پیدایش دو قشر فقیر و غنی، جلوگیری می شود. گذشته از این امور، این ثروت ها پشتوانه مهمی برای انجام مسئولیت هایی هستند که در آموزه های دینی بر عهده دولت اسلامی قرار داده شده است که عبارتند از: حفظ استقلال جامعه اسلامی و ارتقای قدرت اقتصادی آن و ایجاد رفاه و اقامه عدالت اقتصادی.

تحقق چنین اهدافی و انجام چنین وظایفی، به پشتوانه مالی کلانی نیاز دارد تا دولت به کمک آن در شرایط مختلف بتواند امور مربوط به مسائل اجتماعی و اقتصادی را سامان دهی کند. بدیهی است، لازمه انجام شایسته چنین مسئولیتی، گاهی به کارآفرینی و توسعه اشتغال نیاز دارد و در مواردی هم به سرمایه گذاری و هدایت سرمایه های جامعه به سمت فعالیت های خاص یا وارد شدن مستقیم در عرصه های تولید و توزیع و خدمات، نیازمند است. بر این اساس، در درجه اول، نوع ساختار حکومت اسلامی و اهداف نظام اقتصادی و مسئولیت های حاکم اسلامی اقتضا می کند، در مواردی که نیاز بود، دولت در زمینه ایجاد اشتغال و تولید و سرمایه گذاری، به صورت مستقیم اقدام کند.

ص: ۲۶۱

علاوه بر آن، با بررسی سیره حکومتی رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان، علی(ع) این نکته روشن می شود که در صدر اسلام، با هدف تحقق بخشیدن به همه اهداف فرهنگی و سیاسی و اقتصادی حکومت اسلامی، به محض احساس نیاز در تمامی این عرصه ها، با اقتدار تمام وارد میدان می شدند. برای نمونه، در عرصه فعالیت های اقتصادی و در مسئله کارآفرینی و تولید و سرمایه گذاری، به صورت مستقیم کارهای زیادی انجام می دادند که از میان آنها، به این موارد می توان اشاره کرد:

۱. شکستن تجارت انحصاری قریش

۱. شکستن تجارت انحصاری قریش

هنگام هجرت مسلمانان به مدینه، تقریباً تجارت در انحصار قریش بود. آنان با استفاده از اموال خود و اموال مصادره شده مسلمانان مکه به تجارت می پرداختند. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله برای بازپس گیری اموال مسلمانان و برای از میان بردن این تجارت انحصاری، ابتدا کوشیدند امنیت راه تجاری قریش را برهم زنند. به همین دلیل غزوه بدر در گرفت. بعد از بدر، سران قریش راه تجاری دیگری را انتخاب کردند که از عراق می گذشت. رسول خدا صلی الله علیه و آله ، متقابلاً گروهی را برای مواجهه با آنان فرستادند. بزرگان کاروان همگی گریختند و فقط یک یا دو مرد اسیر شدند. مسلمانان، کاروان را به حضور حضرت آوردند. حضرت، خمس آن را گرفت که معادل بیست هزار درهم بود و بقیه را بین اهل لشکر تقسیم کرد. بعد از شکسته شدن این انحصار، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، سرمایه لازم برای تجارت را از طریق عقد مضاربه برای مسلمانان فراهم آورد و وسیله حمل و نقل کالاـ را که آن روز شتر بود، با تقسیم شترهایی که در جنگ های متعدد به غنیمت گرفته می شد، تأمین کرد. بدین ترتیب، ایشان کاروان تجاری مسلمانان را به راه انداخت.(۱)

۱- سید کاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام، صص۶۶ و ۶۷.

ص: ۲۶۲

۲. مشارکت در تولید

۲. مشارکت در تولید

از نخستین اقدامات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ، فراهم کردن زمینه تولید و اشتغال در مدینه و تشویق انصار و مهاجران به بستن قراردادهای مزارعه و مساقات با یکدیگر بود. انصار که صاحبان مزارع و باغ های مدینه بودند، در ابتدای هجرت می خواستند مهاجران را در املاک و دارایی خویش شریک کنند. حضرت راهنمایی فرمود که مهاجران در مزارع و بستان های انصار به زراعت و باغ داری بپردازند و این امر مهم را از طریق عقد مزارعه و مساقات، حل کنند. این کار افزون بر آنکه مهاجران بدون زمین را به کار کشاورزی واداشت، سبب بازدهی زمین های زیر کشت انصار هم شد.

۳. واگذاری زمین

۳. واگذاری زمین

یکی دیگر از اقدامات مهم پیامبر اسلام، واگذاری زمین برای امور مختلف اقتصادی بود. ایشان گاهی زمین هایی را برای خانه سازی میان مهاجران تقسیم می کرد که به «اقطاع الدور» معروف است و این کار سبب گسترش فرهنگ سازندگی در میان مسلمانان و برآورده شدن یکی از نیازهای اساسی و اولیه مهاجران، یعنی مسکن شد. گاه ایشان با واگذاری زمین های بایر، زمینه سرمایه گذاری و احیا را فراهم آورد و گاهی هم با واگذاری زمین برای ساختن بازار و حمام زمینه فعالیت های تجاری و خدماتی را مهیا کرد.(۱)

۴. کمک به تهیه سرمایه برای فعالیت های اقتصادی

۴. کمک به تهیه سرمایه برای فعالیت های اقتصادی

رسول خدا صلی الله علیه و آله از طریق تقسیم غنایم جنگی بین مجاهدان و توزیع درآمدهای بیت المال، مانند خمس، زکات، خراج و انفاقات در بین مسلمانان و واگذاری حق بهره برداری از انفالی که در اختیار دولت اسلامی

۱- سید کاظم صدر، اقتصاد صدر اسلام، ص۶۶.

ص: ۲۶۳

بود، مسلمانان را به صورت مستقیم یا غیر مستقیم، در تدارک سرمایه های لازم جهت انجام فعالیت های اقتصادی یاری می دادند. حتی در تاریخ به مواردی بر می خوریم که گاهی مسلمانان برای تأمین سرمایه فعالیت تجاری از بیت المال استقراض می کردند.(۱)

۵. اعمال سیاست های مالی و پولی

۵. اعمال سیاست های مالی و پولی

در صدر اسلام، از خراج برای اجرای سیاست های مالی استفاده می شد. روشن ترین این سیاست ها، دستور امام علی(ع) به مالک اشتر است که فرمود:

هنگام خشک سالی و رکود از میزان خراج بکاهد و از این کار نگران نباشد؛ زیرا موجب افزایش درآمد مردم و رونق اقتصاد می شود. پس از بهبود اوضاع والی می تواند دوباره میزان خراج را افزایش دهد.(۲)

۶. عمران و آبادسازی

۶. عمران و آبادسازی

امیر مؤمنان، علی(ع)، آبادانی را یکی از وظایف دولت می داند. در برخی از نامه های آن حضرت، چنین آمده است: «آبادانی سرزمین رشد اقتصادی را در پی دارد و این کار سبب افزایش مالیات ها نیز می شود».(۳)

در آغاز نامه آن حضرت به مالک اشتر نیز آمده است:

هذا ما اَمَر به عَبدِاللهِ عَلیٍّ امیرالمؤمنینَ مالکَ بنَ الحارثِ الاشتر فی عَهْدِهِ اِلیهِ حِینَ وَلاّهُ مُصِرَ جَبایَهَ خِراجِها و جهَادَ عَدَوِّها و استصلاح اَهْلِها وَ عِمارَه بِلادُها.(۴)

۱- جواد علی، المفصل فی تاریخ العرب، ج۷، ص۴۳۶.

۲- کلیات نظام اقتصادی اسلام، صص ۸۰ ۸۳.

۳- نهج البلاغه، نامه ۵۳.

۴- نهج البلاغه، ص۳۲۵.

ص: ۲۶۴

این فرمانی است که بنده خدا، علی، امیر مؤمنان به مالک اشتر، پسر حارث، در عهدی با او می گذارد؛ هنگامی که وی را به حکومت مصر گمارد تا خراج آنجا را گرد آورد، با دشمنان آن جهاد کند و به سامان دادن کار مردم و آبادانی آن سرزمین بپردازد.

امام در جای دیگری از همین نامه، دستور می دهد که همت تو برای آبادانی باید بیش از تلاشت برای جمع آوری مالیات باشد:

وَلیکُنْ نَظرُکَ فِی عِماره الارضِ اَبلَغَ مِن نظرِکَ فِی اِستجلاب الخَراج لِانَّ ذلکَ لایُدرَکُ اِلّا بِالعمارَهِ وَ مَنْ طَلَبَ الخِراجَ بِغَیرِ عِمارَهٍ اخربَ البلادَ وَ اَهلکَ العِبادَ وَ لَمْ یستَقِمْ اَمْرَهُ اِلّا قَلیلًا.(۱)

بایـد توجه تو به آبادانی زمین بیش از جمع آوری خراج باشد؛ زیرا که خراج جز با آبادانی زمین حاصل نمی شود و هر کس خراج را بدون آبادانی زمین طلب کند، شهرها را ویران و بندگان خدا را نابود سازد و حکومتش جز اندک زمانی، دوام نخواهد یافت.

امیر مؤمنان در بازار کوفه، غرفه هایی را برای داد و ستد ساخت و آنها را در اختیار بازاریان قرار داد و از گرفتن اجاره آنها خودداری کرد.(۲) حضرت به یکی از کارگزاران خود به نام قرظه بن کعب، فرمان داد تا نهرهای کشاورزان را لای روبی و برای آب رسانی به زمین های کشاورزی اقدام کند.(۳)

با توجه به آنچه بیان شد، دولت اسلامی در صورت نیاز با استفاده از امکانات و اختیاراتی که دارد، باید در همه عرصه های اقتصادی، اعم از فراهم سازی بستر کار و تهیه سرمایه و توسعه تولید و... ، اقدامات لازم را انجام بدهد تا اهداف

۱- نهج البلاغه، ص۳۳۳.

۲- دانش نامه امام علی علیه السلام، ج۷، ص۵۰۹.

۳- دانش نامه امام علی علیه السلام، ج۷، ص۴۲۵.

ص: ۲۶۵

نظام اقتصادی اسـلام در جامعه، به صورت کامل تحقق یابـد و امت اسـلامی در شـرایط مناسبی، که در سایه تحقق این اهداف پدید می آید، به رشد و کمال و سعادتی دست یابند که شایسته آنان است.

سوم حمایت از تلاشگران عرصه های اقتصادی

اشاره

سوم حمایت از تلاشگران عرصه های اقتصادی

برای تحقق اهـداف نظـام اقتصـادی اسـلام، یکی از وظـایف دولت، حمایت همه جانبه از تلاشـگران عرصه های کار و تولیـد است. واقعیت های تاریخی گویای این حقیقتند که در حکومت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و امیر مؤمنان، امام علی(ع)، از اصلی ترین فعالان اقتصادی، یعنی کارگران، کشاورزان و صـنعتگران و تاجران و... حمایت می کرد تا انگیزه آنها در تولیـد و توزیع، تقویت، و با ادامه تلاش های آنها، نیازهای اساسی افراد جامعه اسلامی، به بهترین شکل تأمین شود و رشد و پیشرفت اقتصادی تحقق یابد.

۱. حمایت از کشاورزان

۱. حمایت از کشاورزان

در آموزه هـای اسـلامی، صـنعت کشـاورزی اهمیت ویژه ای دارد. کشـاورزی، عامـل اساسـی تـأمین معـاش توده های مردم، اعم از خوراك و پوشـاك و دیگر امکانـات زنـدگی به شـمار می رود. بر این اساس، اسـلام به کشاورزان به دلیل تلاش و فعالیت مفیـد و سخت آنان، بسیار احترام گذاشته است. همچنین از آنها با تعابیری چون گنجینه های روی زمین یاد می کند.

امام صادق(ع) در روایتی چنین می فرماید:

کشـاورزان، گنجینـه هـای خداونـد در روی زمین هسـتند. هیـچ کـاری نزد خداونـد، محبـوب تر از کشـاورزی نیست. خداونـد همه پیامبرانی را که برانگیخت، کشاورز بودند، به جز حضرت ادریس که خیاط بود.(۱)

۱- دانش نامه امام علی علیه السلام، ج۵، ص ۵۱۱.

ص: ۲۶۶

امام علی(ع)، در دوره حکومت خود، از کشاورزی و کشاورزان به صورت های گوناگونی حمایت کرد و جلوی هرگونه اجحاف به آنان را گرفت. حضرت در نامه اش به مالک اشتر، درباره نیکی به کشاورزان سفارش هایی دارد:

در زمینه مالیات چنان کن که حال خراج دهندگان (کشاورزانی که در روی زمین های دولتی کار می کردند) وضع دیگران نیز اصلاح می شود و کار دیگران جز با بهبود آن سامان نمی پذیرد؛ زیرا همه مردم روزی خوار خراج و خراج گزارانند و باید نظر و توجه تو بیشتر در آبادانی زمین باشد تا گرفتن خراج. چون خراج بدون آبادانی میسر نیست و کسی که بدون آبادانی خراج بخواهد، سرزمین ها را ویران می کند و بندگان خدا را هلاک می سازد و دولت چنین کسی، چند روزی بیش دوام نمی آورد. اگر مردم (کشاورزان) از سنگینی مالیات یا آفت زدگی یا کم آبی یا خشک سالی یا دیگر عوارض زیان رسان به کشاورزی مثلاً زیان رسانی آب زیاد یا بی آبی شکایت کردند، به آنان به میزانی که وضع زندگی شان بهبود یابد، تخفیف بده. مبادا این تخفیف دادن بر تو گران آید؛ زیرا این کار اندوخته ای است که با آبادانی و زیباسازی شهرها به تو باز می گردد.(۱)

در روایات دیگری وارد شده است که روش آن حضرت این بود که همیشه نسبت به کشاورزان عنایت ویژه ای داشت و به همگان سفارش آنها را می کرد: «کانَ علیٌّ(ع) یوصی بالاکارِینَ وَ هُم الفَلّاحِوَن».(۲)

علامه مجلسی می فرماید: «همواره آن حضرت به مدارا با کشاورزان و دهقانان توصیه می کرد.» همچنین نقل شده است که به فرماندهان نظامی

۱- نهج البلاغه، نامه۵۳.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۱۷۲.

ص: ۲۶۷

تأکید می فرمود: «اَنشَدْکُمْ الله فی فَلاحی الارضِ اَنْ یَظلَمُوا قِبَلَکُمْ؛ از شما فرماندهان نظامی می خواهم که مبادا فلاحت پیشه گان به وسیله شما مورد ستم واقع شوند».(۱)

ایشان به مأموران خراج و مالیات، چنین سفارش می کرد: «...ولاتَبیعنَّ لِلنّاسِ فی الخِراجِ کسوةَ شتاءٍ و لاصیفٍ ولادابهٍ یَعتملون عَلَیها؛ برای گرفتن خراج (از کشاورزان) جامه تابستانی یا زمستانی آنها یا چارپایانی که با آن کار می کننـد یا بنده (غلامی را که دارند) مفروشید»؛(۲) یعنی در عوض خراجشان این کار را با آنها نکنید و حال ایشان را رعایت کنید و بر آنها سخت نگیرید.

در نتیجه سیاست امیر مؤمنـان، علی(ع)، در دوره کوتـاه حکومت حضـرت، صـنعت کشـاورزی چنـان رونقی یافت که برای همگان خوراک منـاسب فراهم شـد. ایشان در این باره می فرمایـد: «ما اَصبح بالکوفهِ احدٌ الاّ نائماً انّ ادناهم لیاکُلُ من البِرُّ؛ در کوفه کسـی نبود، جز آنکه برخوردار و بهره مند بود و نان گندم (به مقدار نیاز) به دست می آورد».(۳)

۲. حمایت از صنعتگران

۲. حمایت از صنعتگران

امروزه توسعه صنعتی، بخشی از فرآیند رشد اقتصادی در سطح کلان مطرح است. اصولاً بدون توسعه صنعت، رشد اقتصادی ممکن نیست. سطح زندگی امروز جوامع بشری، نتیجه روند تکاملی آن در طول تاریخ است. زندگی بشر در آغاز با اتکا به طبیعت و منابع موجود در آن اداره می شـد. شـکار حیوانات در خشـکی و دریا و دام داری و کشاورزی، اساس زیست معیشتی بشـر را تشـکیل می داد و به تدریج با رشد دانش، حرفه های دیگری نیز اضافه شد تا

۱- موسوعه الامام علی بن ابی طالب۷، ج۴، ص۱۷۲.

۲- نهج البلاغه، نامه۵۱.

۳- سیاست نامه امام علی علیه السلام، ص۴۱۲.

ص: ۲۶۸

اینکه با رشد صنعت و فن آوری در زندگی انسان، تحول عظیمی به وقوع پیوست. در هر حال، صنعت ره آورد پیشرفت فنی است که تابعی از پیشرفت های علمی به شمار می آید.

در شرایط کنونی و با توجه به تحولات گوناگون، بدون توجه به صنعت، دست یابی به زندگی ایده ئال میسر نیست؛ زیرا جوامعی که توانایی های صنعتی و فنی لازم را ندارند، نمی توانند استقلال داشته باشند. بررسی های تاریخی، حکایت از این واقعیت دارد که کشورهای برخوردار از صنعت، به شرایط و موقعیتی دست یافته اند که همواره سلطه خود را بر جوامع فاقد صنعت تحمیل کرده اند. ازاین رو، امروزه لازمه حفظ استقلال و کاهش وابستگی، دست یابی به صنعت و فن آوری های پیشرفته است. افزون بر آن، توان مندی صنعتی و تکنولوژیکی قدرت بهره برداری بهینه از منابع را افزایش می دهد و برآورده ساختن نیازهای توسعه یافته کشورها را ممکن می سازد. بر این اساس باید دولت ضمن توجه به همه ابعاد توسعه صنعت، نسبت به استفاده از آن در عرصه های اقتصادی توجه کند به گونه ای که ضمن در امان ماندن جامعه از عوارض منفی آن، از همه جنبه های مثبتش، به صورت شایسته برای پیشرفت و رشد جامعه بهره ببرد.

در آموزه های اسلامی به مسئله صنعت و پیشرفت آن و بهره برداری از دستاوردهایش و حمایت از صنعتگران توجه زیادی شده است. اولاً بهره برداری از انواع صنایع به مردم گوشزد و اشاره شده است که بدون بهره برداری از صنایع گوناگون، زندگی بشری به صورتی که شایسته است به سامان نخواهد رسید.

ص: ۲۶۹

امام صادق(ع) در روایتی می فرماید:

خداوند سامان یابی زندگی مردم را در انواع کارها و صنعت ها قرار داده و بهره برداری از صنایع مختلف هم ضامن بقا و استمرار زندگی انسان است و این کار مناسب ترین تدبیر برای زندگی محسوب می شود.(۱)

آن گاه از انسان خواسته شده است که درباره انواع معادن و منابع طبیعی بیندیشد و از آنها برای سامان بخشیدن به زندگی اش بهره ببرد. این کار فقط از راه پیشرفت در صنایع و فنون میسر می شود. امام صادق(ع) می فرماید: «فَکِّرْ... فی هذِهِ المعادنِ وَ ما یخرجُ منها... مِن القارِ... وَ النَفْطِ وَ غیر ذلکَ مِمّا یَستعملُهُ فِی مارِبِهِم؛ بجاست انسان در معادن و آنچه از آنها به دست می آید، بیندیشد... قیر... نفت و غیر از آنکه از زمین استخراج می شود و انسان می تواند از آنها نیازهای مختلفی را بر آورد».(۲)

در ضمن، به این نکته نیز اشاره شده است که بهره برداری از صنایع به تخصص نیاز دارد. باید هر صنعت گری بکوشد در صنعت خود تخصص پیدا کند تا بتواند به پیشرفت صنعت کمک رساند. امام صادق(ع) در این باره فرموده است: «کلُّ ذی صِناعهٍ مضطرٌ الی ثلاث خلالٍ یجتلبُ بها المکسبَ و هو اَنْ یکونَ حاذقاً بِعَمِلِه؛ هر صنعت گری برای ایجاد رونق در کسب و کار، باید در حرفه و فن خود تخصص یابد و مهارت لازم را به دست آورد».(۳)

امیر مؤمنان، علی بن ابی طالب(ع)، در زمان حکومت خود، با اینکه مردمان عرب به صنعت توجهی نداشتند، به مقوله صنعت بسیار توجه داشت.

۱- «وَ جَعَل اسبابَ ارزاقِهم فی ضروبِ الاعمالِ وَ انواعِ الصناعاتِ.» الحیاه، ج۵، ص۳۵۷.

۲- الحیاه، ج۵، ص۳۵۸.

۳- الحیاه، ج۵، ص۳۶۲.

ص: ۲۷۰

حضرت در تشویق آنها به آموزش صنعت و به کارگیری آن، بسیار کوشید و از صنعتگران به شیوه های مختلف حمایت کرد.

ام حسن نخعی می گوید: روزی امیر مؤمنان، علی(ع) از کنارم می گذشت. از من پرسید: ام حسن مشغول چه کاری هستی؟ عرض کردم: ریسندگی می کنم. حضرت فرمود: «بدان که ریسندگی از جمله حلال ترین کسب هاست».(۱)

ابراهیم نخعی با زنی به نام ام بکر روبه رو شد که مشغول نخ ریسی بود. خطاب به او گفت: ای ام بکر، دیگر پیر شده ای، آیا وقت آن نرسیده است که چرخ نخ ریسی را کنار بگذاری؟ ام بکر گفت: چگونه آن را کنار بگذارم، در حالی که شنیدم حضرت علی بن ابی طالب(ع) می فرمود: «ریسندگی از حلال ترین و پاک ترین کسب و کارهاست».(۲)

امیر مؤمنان، علی(ع) افزون بر تشویق به صنعت و حمایت از صنعت گران، به کارگزاران خود سفارش می کرد، از این قشر حمایت کنند. ایشان در این باره به مالک اشتر چنین نوشته است: «ثُّم استوصَ... بِذوی الصناعاتِ اَوصِ بهم خیراً... فَانَّهم... اَسبابُ المَرافِقِ؛ سپس سفارش مرا در حق صنعت گران بپذیر و به دیگران هم سفارش کن که با آنان به نیکی رفتار کنند، چه این گروه ابزارهای راحتی و آسایش زندگی مردم را فراهم می سازند».(۳)

علاوه بر کشاورزان و صنعت گران، امیر مؤمنان، علی(ع)، به بازرگانان نیز توجه فراوانی داشت. با بررسی شرایط زندگی دوران آن حضرت، می توان گفت ایشان به همه تلاشگران عرصه های اقتصاد عنایت فوق العاده ای داشت و

۱- کافی، ج۵، ص۳۱۱، ح۳۲.

۲- بحارالانوار، ج۱۰۳، ص۵۳، ح۱۵.

۳- نهج البلاغه، نامه۵۳.

ص: ۲۷۱

به صورت کامل از همه آنها حمایت می کرد؛ زیرا عمده راه های تأمین نیازهای مردم آن زمان، عبارت از کشاورزی و صنعت و تجارت بود. ازاین رو، حضرت از هر جهت از این امور و دست اندرکارانش حمایت می کرد.

در مورد تجارت هم با توجه به این نکته که عمده راه تأمین زندگی مردمان عرب، به ویژه جزیره العرب، تجارت و بازرگانی بود، حضرت با تمجید از حرفه بازرگانی، مردم را در این زمینه تشویق می کرد. در روایتی وارد شده است که آن حضرت می فرمود: «تَعرَّضوا للتّجارَهِ فَانّ فیها غنیً لَکُمْ عمّا فی ایدی النّاسِ؛ به تجارت بپردازید که شما را از آنچه در دست مردم هست، بی نیاز می گرداند».(۱)

در روایت دیگری آمده است که آن حضرت خطاب به بازرگانان فرمود: «اِتجرُوا بارکَ اللّهَ لَکُمْ فانّی سمعتُ رسول اللهِ صلی الله علیه و آله یَقولُ: الرِّزقُ عشرهُ اجزاءٍ تِسعهُ اجزاءٍ فی التجارهِ و واحدُها فی غیرِها؛ تجارت کنید تا خداوند به شما خیر و برکت عطا کند. من از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: روزی ده جزو دارد که نه جزو آن در تجارت و بازرگانی است و یک جزء آن در دیگر کارهاست».(۲)

حمایت از آنها در سرلوحه کارهای حضرت بود. یکی از سفارش های آن حضرت به مالک اشتر، درباره حمایت از بازرگانان بود. حضرت در آن نامه ضمن آنکه به تبیین اوصاف آنها می پردازد، به مالک اشتر سفارش می کند:

نیکی به بازرگانان را بپذیر و سفارش کردن به نیکی در حق آنان را بر عهده بگیر.... به کارهای آنها رسیدگی کن، چه در آنجایی که باشند که خود به سر می بری و چه در شهرهای دیگر... .(۳)

۱- کافی، ج۵، ص۱۴۹، ح۹.

۲- کافی، ج۵، ص۱۴۹، ح۹.

۳- نهج البلاغه، نامه۵۳.

ص: ۲۷۲

چهارم نظارت و کنترل فعالیت های اقتصادی

چهارم نظارت و کنترل فعالیت های اقتصادی

نظارت یکی از ارکان حیاتی در ساختارهای حکومتی است. اندیشـمندان مدیریت برای نظارت، تعریف های گوناگونی بیان کردند که هر یک از آنها از زاویه ای به این مورد توجه دارنـد. استیفن رابینز، نظارت را این گونه تعریف می کنـد: «فرآینـد تحت نظر قرار دادن فعالیت ها، به منظور حصول اطمینان از اینکه آنها همان گونه که برنامه ریزی شده اند، انجام می پذیرد...».(۱)

بر اسـاس این تعریف، نظـارت و کنترل، فرآینـدی است که بایـد هـا را بـا هست هـا، مطلوب هـا را بـا موجودهـا و پیش بینی ها را با عملکردهـا مقـایسه می کنـد. ضـرورت چنین کـاری انکارناپـذیر است. با این کار، کارگزاران هر جامعه یا سازمانی، به رونـد انجام کارها اشراف پیدا می کنند و از وقوع هر گونه انحراف در مسیر پی گیری اهداف باخبر می شوند و در کوتاه ترین زمان، به اصلاح آن می پردازند. به عبارت دیگر، مسئولان جامعه با نظارت درست، از حرکت درست همه عوامل به سمت هدف های تعیین شده، بر اساس برنامه ریزی های انجام شـده، اطمینان می یابند. در آموزه های اسـلامی، از جمله مسـئولیت هایی که برای رهبران جامعه ذکر شـده، نظارت کامل بر رونـد کارهاست تا اطمینان بیابنـد، همه فعالیت ها در چارچوب احکام و مقررات اسـلامی، برای تحقق هدف های معیّن در مجموعه نظام های اجتماعی اسلام، در حال انجام است.

امام رضا(ع) می فرماید:

اگر کسـی بگویـد برای چه برای جـامعه اولی الامـر(رهبر) قرار داده شـده و آن گاه به فرمان بردن از او دسـتور داده شـده است؟ در پاسخ گفته

۱- مدیریت در اسلام، ص۳۱۴.

ص: ۲۷۳

می شود: به علت های فراوان. یکی از آنها این است که چون مردمان بر حد معیّن شده ای بایستند و مأمور باشند که برای جلوگیری از فساد از آن حد تجاوز نکنند، این امر ثبات و دوامی پیدا نمی کند، مگر اینکه برایشان امینی گمارده شود که از تجاوز ایشان و دست اندازی به آنچه برایشان ممنوع شده است، جلوگیری کند. اگر چنین نباشد، لذت و منفعت خود را به خاطر نرسیدن فسادی به دیگران ترک نخواهد کرد. ازاین رو، خداوند قیمی برایشان قرار داد تا از فساد جامعه جلوگیری کند.(۱)

از بررسی سیره حکومتی امیر مؤمنان، علی(ع) در می یابیم آن حضرت با دو نوع نظارت، یعنی نظارت علنی و پنهانی، عملکرد مجموعه سازمان ها و نهادهای حکومتی جامعه را زیر نظر داشت. حتی حضرت بر اساس نظارت علنی، در مواردی به صورت مستقیم، این کار را انجام می داد.

از امام باقر(ع) روایت شده است که سیره امام علی(ع) این گونه بود که:

هر روز صبح به تک تک بازارهای کوفه سر می زد، در حالی که تازیانه ای به همراه داشت. در هر بازاری می ایستاد و با صدای بلند ندا می داد: ای تجارت کنندگان! پیش از هر داد و ستدی، از خداوند خیر و نیکی بطلبید و با آسان گیری در معامله، از خداوند برکت مسألت کنید. با خریداران تقرب داشته باشید (گران نفروشید که آنها از شما فاصله بگیرند) و خود را به زینت بردباری آراسته سازید. از دروغ گفتن و سوگند کذب یاد کردن بپرهیزید. از ستم کناره گیری و با مظلومان و درماندگان به انصاف رفتار کنید و به رباخواری نزدیک نشوید. پیمانه و ترازو را دقیق و کامل بگیرید و از اموال مردم چیزی را کم نگذارید و در زمین فساد نکنید... .(۲)

۱- عیون اخبار الرضا، ج۲، ص۱۰۰، به نقل از: الحیاه، ج۶، ص۵۹۶.

۲- «کان امیرالمؤمنین علیٌ۷ کلَّ بُکَرهٍ یطوفُ فِی سواقِ الکُوفَهِ سُوقاً سَوقاً... .» بحارالانوار، ج۴۱، ص۱۰۴.

ص: ۲۷۴

از امام حسین(ع) در این باره نقل شده است:

امیر مؤمنان، علی(ع)، در کوفه بر «شهبا»، مرکب رسول الله سوار می شد و از همه بازارها دیدن می کرد. روزی به بازار گوشت فروشان رفت و با صدای بلند فرمود: « ای قصابان، در ذبح گوسفندان شتاب نکنید. بگذارید روح از بدنشان بیرون رود و هنگام فروش از دمیدن در گوشت برحذر باشید. همانا رسول الله(صلی الله علیه و آله از این عمل نهی می فرمود. سپس به بازار خرمافروشان رفت و فرمود: همان گونه که خرماهای خوب را در معرض دید می گذارید، با خرماهای بد نیز چنین کنید. بعد به بازار ماهی فروشان رفت و فرمود: غیر از ماهی حلال گوشت نفروشید و از فروش ماهی هایی که در دریا مرده اند و موج آنها را بیرون از آب انداخته است، خودداری کنید. حضرت بعد از آن به محله کناسه رفت و در آن تجارت های مختلفی از قبیل شترفروشی، صرافی، بزازی و خیاطی صورت می گرفت. حضرت با صدای بلند فرمود: در این بازارها، قسم خوردن متداول شده است. قسم هایتان را با صدقه درهم آمیزید و از این کار خودداری کنید. همانا خداوند کسی را که قسم دروغ بخورد، پاک نخواهد کرد».(۱)

به کارگزاران خود نیز دستور می داد برای نظارت و بازرسی کارها، مأمورانی را گسیل دارند. برای مثال، به مالک اشتر سفارش می کند: «ثُمَّ تَفَقّدْ اَعْمالَهُمْ وَ ابعثْ الْعُیُونَ مِنْ اَهْلِ الصِّدْقِ وَ الوَفاءِ عَلَیْهِمْ؛ سپس با فرستادن مأموران راست گو و با وفا، کارهای آنان را زیر نظر داشته باش».(۲)

۱- دعائم الاسلام، ج۷، ص۵۳۸، ح۱۹۱۳، به نقل از: نظام اقتصاد علوی، ص۴۴۲.

۲- نهج البلاغه، نامه۵۳.

ص: ۲۷۵

همچنین نقل می کنند، گاهی حضرت علی(ع) برای نظارت بر کارگزاران مناطق، افرادی را به آن مناطق می فرستاد تا از روند کارها و عملکرد کارگزاران حکومتی گزارشی تهیه کنند. از جمله افراد مورد اعتماد حضرت، شخصی به نام مالك بن کعب ارحبی بوده است. وی فرماندار منطقه «عین التمر» بود. حضرت در نامه ای به او دستور می دهد تا به منطقه عراق برود و گزارشی از عملکرد فرماندار عراق و روند کارهای آنجا تهیه کند. حضرت در بخشی از نامه خود چنین نوشته است:

پس کسی را به عنوان جانشین خود قرار بده و خود به همراه گروهی از یارانت (به منظور نظارت بر رفتار و اعمال کارگزاران منطقه عراق) به آن منطقه برو و تمام سرزمین عراق را منطقه به منطقه بگردید و از چگونگی اعمال و رفتار کارگزاران و مسئولان آن مناطق جویا شوید و بر سیره و روش و عمل و رفتارشان نظارت داشته باشید.(۱)

امیر مؤمنان، علی(ع)، درباره نظارت بر عملکرد کارگزارانش و چگونگی روند کارها، دقت بسیاری داشت، به گونه ای که کوچك ترین عملکرد ها از دید او پنهان نمی ماند. اگر عثمان بن حنیف، کارگزار حضرت، در بصره در مهمانی اشرافی شرکت می کند، خبردار می شود و در نامه ای او را توبیخ می کند که: « گمان نمی کردم تو مهمانی افرادی را بپذیری که نیازمندانشان از آن سفره رانده و ثروتمندانشان، دعوت شده اند...».(۲)

وقتی نیز خبردار می شود منذر بن جارود عبدی، مرتکب کار خلافی شده و حقوق مردم را پای مال کرده است، در نامه ای به او می نویسد: «وَلَئِنْ کانَ ما

۱- قاضی ابویوسف، الخرایج، ص۱۱۸، به نقل از: مدیریت علوی، ص۱۱۶.

۲- نهج البلاغه، نامه۴۵.

ص: ۲۷۶

بلغَنی عنکَ حَقّاً، لَجَملُ اهلِکَ و شَسع نَعْلِکَ خیرٌ منک... فَاْقبلْ اِلیَّ حینَ یَصِلُ اِلَیکَ کتابی هذا... ؛ اگر آنچه در مورد تو به من گزارش شده است، درست باشد، همانا شتر خانواده ات و بند کفشت از تو بهتر هستند... آن گاه که نامه ام به دست تو رسید، به سوی من حرکت کن».(۱)

دولت اسلامی باید بر فعالیت های اقتصادی نظارت داشته باشد تا کارها به گونه ای شایسته و در چارچوب مقررات اسلامی، در همه این عرصه ها جریان یابد و در صورت بروز هرگونه نابسامانی یا تخلف با دخالت دولت، کارها به روال سالم خود برگردد تا مراحل سرمایه گذاری و کار و تولید و توزیع، به شیوه ای که با هدف های نظام اقتصادی هم خوانی کامل داشته باشد، با جدیت تمام انجام گیرد. برای مثال، دولت برای حفظ سلامت بازار و جریان رقابت سالم در آن، مانع رفتارهای انحصارگرانه شود و از هر گونه فعالیت های انحصاری جلوگیری کند و بستر رقابت مسئولانه را فراهم سازد یا در تصرفات مربوط به ثروت های طبیعی و منابع تولید، از راه وضع قوانین یا برنامه ریزی و نظارت ترتیبی دهد که افراد به میزانی که حق دارند و به مصلحت جامعه است، از آنها بهره ببرند یا در مرحله توزیع، پس از تولید دولت، همانند دیگر مراحل تدبیری بیندیشد که سهم بردن عوامل تولید، فقط بر اساس معیار کار مفید اقتصادی و نقشی تعیین شود که افراد در تولید دارند، و باید جلو بهره مندی عوامل تولید به شکل ربا را بگیرد.

مورد دیگر، نظارت بر مالکیت است. دولت باید به همه شکل های مالکیت نظارت داشته باشد تا مشخص شود، زمین هایی که با حیازت به

۱- نهج البلاغه، نامه ۷۱.

ص: ۲۷۷

تملک افراد در آمده است یا از جمله انفال به شمار می آید، به خوبی اداره می شوند و در بهره برداری از آنها و در احیا و آبادسازی آن و مسئولیت هایی که در قبالش بر عهده اداره کنندگان است، کوتاهی نمی شود.

از امام علی(ع) در این باره روایت شده است:

هر کس از مسلمانان زمین مواتی را احیا کند و آن را آباد نگه دارد و خراج آن را به امام از اهل بیت بپردازد، هر چه از آن سود می برد، مال اوست و اگر زمین را رها کند یا به اهل آن آسیب برساند و مردی از مسلمین آن را پس از او بگیرد و آبادش سازد و در احیای آن بکوشد، به آن سزاوارتر از کسی است که آن را رها کرده است و باید خراج آن را به امام بپردازد.(۱)

گفتنی است، نظارت حکومت بر همه عرصه های اقتصادی ضرورت دارد که عبارتند از:

۱. بر چرخش مال در اجتماع؛

۲. بر توزیع امکانات و نیازمندی های مردم؛

۳. بر روابط اقتصادی و معیشت؛

۴. بر تحقق بخشیدن به اصل « اندازه نگه داشتن در معیشت و مصرف کردن» در همه جوانب که شامل این موارد می شود:

در تولید کشاورزی؛

در تولید صنعتی؛

در زمینه واردات؛

در عرصه مالکیت ها؛

در مصرف و امثال آن و از همه مهم تر در زمینه نرخ گذاری.(۲)

۱- وسائل الشیعه، ج۲، ص۱۴۳.

۲- الحیاه، ج۶، ص۵۹۵.

ص: ۲۷۸

۳. نقش رسانه ملی در عرصه فعالیت های اقتصادی

اشاره

۳. نقش رسانه ملی در عرصه فعالیت های اقتصادی

رسانه ها در دنیای امروز، از چنان جایگاه و اهمیتی برخوردارند که تقریباً هیچ هدف مهمی بدون بهره برداری از رسانه تحقق پذیر نیست. اگر مدیریت رسانه، بر اساس اصول انسانی و اخلاقی و عدالت انجام گیرد، می توان نظام فکری، اعتقادی و اخلاقی جامعه را به بهترین شکل سامان داد و به تبع آن، صلح و عدالت و فضیلت های اخلاقی را در سراسر عالم حاکم کرد. بر این اساس، اگر مجموعه رخدادهای بزرگ و کوچک دنیا، تحلیل شود، درمی یابیم همه آنها به کمک رسانه ها رخ داده اند. رسانه ها به گونه ای در تحولات اثرگذارند که عصر حاضر را عصر رسانه ها و ارتباطات می نامند.

وقتی مردم و مسئولان هر جامعه ای، بر اساس اصول و ارزش های فکری و اعتقادی خاص آن جامعه بتوانند رسانه ها را با خود همراه سازند و از ظرفیت و قابلیت های آن در راستای اهداف کلان اجتماعی به صورت شایسته بهره برداری کنند، به موفقیت های بزرگی دست خواهند یافت. بنابراین، در جامعه اسلامی هم ضرورت دارد که برای تحقق به هدف های اجتماعی، از جمله رشد و توسعه اقتصاد، از ظرفیت رسانه به بهترین شکل ممکن استفاده شود. به دلیل آنکه در نظام اسلامی، رسانه ها وظیفه دارند با توجه به سه کارکرد بسیار مهمی که دارند، یعنی آموزش و بصیرت افزایی، تبلیغ و ترویج، اطلاع رسانی و آگاهی بخشی معرفت دینی را گسترش دادند و ایمان روشن بینانه را تعمیق بخشند و اخلاق فاضله را در میان مردم نهادینه سازند، می توانند از این رهگذر در ایجاد فرهنگ کار و اشتغال و سرمایه گذاری و رشد و افزایش تولید و سامان یابی توزیع و مصرف بهینه و جلوگیری از اسراف و تبذیر و... اثرگذار باشند.

ص: ۲۷۹

بر اساس آنچه گفته شد، رسانه ملی می تواند در پیشبرد هدف های نظام اقتصادی جامعه اسلامی، به ویژه در زمینه توسعه کار و سرمایه و تولید از طریق تبیین موضوع و بیان اهمیت آن و انجام آسیب شناسی شایسته، کمک کند.

الف) رسانه و کار و اشتغال

اشاره

الف) رسانه و کار و اشتغال

رسانه در زمینه ایجاد فرهنگ کار و اشتغال و گسترش وجدان کاری و ارتقای انگیزه کارگران در عرصه های اجتماعی، به صورت هم زمان می تواند چندین کار مهم را انجام دهد.

یک تبیین اهمیت کار در اسلام

یک تبیین اهمیت کار در اسلام

در اسلام، کار محور اساسی مالکیت است. خداوند در قرآن می فرماید: «وَأَن لَّيْسَ لِلْإِنسَانِ إِلَّا مَا سَعَى». (نجم: ۳۹)

انسان در جامعه اسلامی، باید از دست رنج خود ارتزاق کند. در این باره، رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «کُلُوا مِن کَدِّ اَیدیکُم؛ (۱) انسان بی کار نکوهش شده است».

امام کاظم(ع) نیز می فرماید: «اِنَّ الله لیبغضُ العبد الفارغَ؛ خداوند، انسان بی کار را دشمن می دارد».(۲)

انسان بی کار به ناچار سربار جامعه خواهد شد. در این باره رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «اگر کسی کار و حرفه ای نداشته باشد، با دین خود ارتزاق خواهد کرد».(۳)

۱- الحیاه، ج۳، ص۳۲۳.

۲- الحیاه، ج۵، ص۳۳۴.

۳- الحیاه، ج۵، ص۳۲۲.

ص: ۲۸۰

کـار از دیـد اسـلام، عبادت به شـمار می آیـد. رسول خـدا صـلی الله علیه و آله می فرمایـد: «عبادت هفتاد جزو دارد که برترین نوع عبـادت، طلب روزی حلاـل است». همچنین امیر المـؤمنین علی(ع) می فرمایـد: «العَمَـلُ شِـعارُ المُـومِنِ؛ کـار و تلاـش، شـعار مـؤمن است».(۱)

دو تبیین آداب کار و کوشش

دو تبیین آداب کار و کوشش

به دلیل آنکه هدف از کار، رسیدن به اهداف والایی است، برای آن احکام و مقرراتی در اسلام مطرح شده است و باید به موقع هر کار را انجام داد. امام علی(ع) می فرماید: «هر کاری را در زمان و وقت خود انجام ده».(۲)

انسـان بایـد در انجـام هر کـاری، دانش و تخصـص لازم را داشـته باشـد. امام صادق(ع) در این باره فرموده است: «اگر انسان بـدون داشتن علم و تخصص لازم، اقدام به کاری کند، ضرر و زیان آن بیش از فایده و اصلاحش خواهد بود».(۳)

در انجام وظایف، محکم کاری و داشـتن وجدان کاری ضـروری است. رسول خدا صـلی الله علیه و آله می فرماید: «هرگاه کسی از شما کاری انجام می دهد، باید آن را به صورت شایسته و بی نقص و با کیفیت انجام دهد».(۴)

در اسـلام، افراط در کـار نکوهیـده است. امـام صـادق(ع) می فرمایـد: «اگر انسـان تمـام وقت خود را صـرف کار کنـد و وقتی را به استراحت و خواب اختصاص ندهـد، چنین کاری حرام است.»(۵) حضـرت در جایی دیگر می فرماید: «آن چنان که خداوند دسـتور داده است، کار کن».(۶)

۱- میزان الحکمه، ج۷، ص۸.

۲- الحیاه، ج۵، ص۲۹۹.

۳- الحیاه، ج۱، ص۱۱۸.

۴- الحیاه، ج۵، ص۳۱۴.

۵- الحیاه، ج۵، ص۳۱۵.

۶- الحیاه، ج۵، ص۲۹۵.

ص: ۲۸۱

سه تشریح نتایج کار و کوشش

سه تشریح نتایج کار و کوشش

رسانه با بیان آثار کار و کوشش، علاقه به کار را افزایش می دهد و انگیزه کارکنان را ارتقا می بخشد. امام کاظم(ع) می فرماید: «از سستی و تنبلی پرهیز کن، چون این دو تو را از بهره دنیا و آخرت باز می دارد».(۱)

از طرفی دیگر، کار، نیرو و توان بدن را افزایش می دهد. امام علی(ع) می فرماید: «کار و فعالیت بر توانایی انسان می افزاید و ترک کار، انسان را سست و ناتوان می سازد.»(۲) حضرت در جایی دیگر فرموده است: «کار و تلاش انسان را به اهدافی که دارد، موفق می سازد».(۳)

کار از دید اسلام، سبب برتری ملتی بر ملت دیگر می شود. امام صادق(ع) در این باره فرموده است: «انّما تفاضَلُ القومِ بالاَعْمالِ؛ همانا اقوام با کار و تلاش بر همدیگر برتری پیدا می کنند».(۴)

از امام رضا(ع) روایت شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله به فرزندان عبدالمطلب می فرمود: «با کوشش هنر خود را بنمایانید، نه با به رخ کشیدن حسب و نسب.»(۵) در این باره از امام علی(ع) نیز نقل شده است: «مَنْ ابطائَهُ عُلْمُهُ لَمْ یَسرعْ بِهِ حَسبُهُ؛ کسی که در عمل، سستی و کوتاهی کند، حسب و نسبش او را به پیشرفت نمی رساند».(۶)

جامعه ای می تواند به اهداف مورد نظرش دست یابد که با تمام توان به کوشش بپردازد. حضرت علی(ع) می فرماید: «کسی که با دل و جان به کار و تلاش مشغول شود، به اهداف و خواسته هایش دست می یابد».(۷)

۱- الحیاه، ج۴، ص۳۱۹.

۲- الحیاه، ج۵، صص۲۹۱ و ۲۹۲.

۳- الحیاه، ج۱، ص۲۹۳.

۴- الحیاه، ج۱، ص۳۲۰.

۵- بحارالانوار، ج۱، صص۳۰۲ و ۳۰۳.

۶- بحارالانوار، ج۶۸، ص۱۸۹.

۷- میزان الحکمه، ج۲، ص۱۴۹.

ص: ۲۸۲

چهار توجه به کارگر و حفظ انگیزه کار

چهار توجه به کارگر و حفظ انگیزه کار

رسانه بایـد به عوامـل کـار، اعم از کـارگر و کارفرمـا نیز بـپردازد. در آموزه هـای دینی، کـارگر از منزلت ویژه ای برخوردار است. رسول خدا صـلی الله علیه و آله با بوسه زدن بر دستان کارگر، جایگاه والای وی را به مردم نشان داد که مبادا کسی به کارگران کم توجهی کند.(۱)

برای آنکه کارگر، انگیزه کار کردن را از دست ندهد و احساس حقارت نکند، بهترین بندگان خداوند، یعنی انبیا و اولیای الهی، در زمره قشـر کارگر یاد شـده اند. امام کاظم(ع) می فرماید: «رسول خدا صـلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علی(ع) و همه پدرانم کار می کردند و کار کردن، سیره انبیا و اوصیا و صالحان بوده است».(۲)

همواره حفظ حقوق کارگر در اولویت قرار دارد تا در هیچ شـرایطی، به انگیزه کار آسـیب نرسد. ازاین رو، سفارش شده است، مزد کارگر در مناسب ترین زمان به وی پرداخت و پیش از آغاز کار، دسـتمزد وی به صورت شـفاف و بـدون ابهام مشـخص شود؛ زیرا ستم به کارگر از گناهان نابخشودنی به شمار می آید.(۳)

پس از کمـک به ایجاد و تحکیم فرهنگ کار در جامعه، رسانه ملی بایـد در زمینه رونق کار و تلاش، گام های بسیار مفیـد بر دارد که عبارتند از:

(شناسایی و معرفی بسترهای کار در جامعه به ترتیب اولویت؛

(شناسایی و معرفی عوامل بی کاری و کم کاری و ارائه راهکارهای مناسب؛

۱- پیام های پیامبر، ص۱۳۶.

۲- الحیاه، ج۵، ص۲۵.

۳- کنزالعمال، ص۹۰۷، ح۷؛ کافی، ج۵، ص۲۸۹.

ص: ۲۸۳

(نقد سیاست های دولت در زمینه کار و اشتغال؛

(کمک به تحکیم هم بستگی اجتماعی و تعاون همگانی در انجام کارها؛

(تبیین اهداف کار در نظام اقتصادی اسلام؛

(نظارت بر روند انجام کارها در مراکز اقتصادی و ارائه گزارش؛

(تبیین قوانین مربوط به کار و انعکاس نقاط ضعف و قوت آن؛

(نظارت بر کم و کیف آموزش عوامل کار و چگونگی توزیع نیروی انسانی ماهر در مراکز کار؛

(ارائه گزارش از کیفیت ابزارهای کار؛

(معرفی الگوهای موفق در عرصه های اقتصادی؛

(شناسایی جنبه های عقب ماندگی ها و پیشرفت ها؛

(تبیین ارتباط علم و معنویت با کار و اشتغال؛

(آموزش احکام و مقررات مربوط به کار و اشتغال؛

(اطلاع رسانی در زمینه پیشرفت کار و نتایج آن؛

(اطلاع رسانی در زمینه کارشکنی دشمنان در روند کار و اشتغال؛

(بیان تفاوت های نگاه به کار در آموزه های اسلامی و نظام های سرمایه داری و سوسیالیستی؛

(معرفی نوآوری ها در زمینه کار و اشتغال؛

(معرفی مبتکران و مخترعان؛

(تجلیل از تلاشگران عرصه کار و کارآفرینان؛

(آموزش مهارت و مشاغل؛

(افشای نارسایی ها و اخلال گری ها در عرصه کار؛

(ایجاد روحیه خودباوری در انجام کارها؛

و... .

ص: ۲۸۴

ب) نقش رسانه ملی در توسعه سرمایه گذاری

اشاره

ب) نقش رسانه ملی در توسعه سرمایه گذاری

نظریه پردازان اقتصادی، سرمایه را یکی از اهرم های اساسی توسعه اقتصاد هر جامعه ای می دانند. به گونه ای که بدون سرمایه، تلاش های دیگر، اعم از برنامه ریزی و تربیت نیروی انسانی و... ، نمی توانند در پیشبرد هدف های اقتصادی اثرگذار باشند. با توجه به ظرفیت و کارکرد رسانه ها، یکی از عرصه هایی که رسانه ملی می تواند در این زمینه بسیار مفید باشد، عرصه جذب و جهت دهی به سرمایه ها و نظارت بر روند درست سرمایه گذاری ها و بهره برداری از آن است. از جمله کارهایی که رسانه ملی در زمینه سرمایه و سرمایه گذاری می تواند انجام دهد، عبارتند از:

یک تبیین دیدگاه اسلام درباره سرمایه و سرمایه گذاری

یک تبیین دیدگاه اسلام درباره سرمایه و سرمایه گذاری

به دلیل ناآشنایی بسیاری از مردم از آموزه های دینی، شاید برخی به ویژه با توجه به اهمیت موضوعاتی چون زهد و قناعت و نکوهش کنز و ثروت اندوزی و تجمل گرایی و دنیادوستی، گمان کنند اسلام به انباشت سرمایه و سرمایه گذاری، دید مثبتی ندارد. رسانه ملی ضمن تبیین درست آموزه های دینی می تواند در این زمینه مردم را با حقایق احکام اسلامی آشنا سازد و از هر گونه افراط و تفریط در این عرصه جلوگیری کند؛ چرا که بر اساس آموزه های اسلامی، سرمایه گذاری برای ریشه کنی فقر و به دست آوردن استقلال و خودکفایی و ارتقای قدرت و اقتدار اقتصادی جامعه اسلامی، تکلیف به شمار می آید. اصولاً ـ دلیل اصلی مشروعیت دخالت دولت در فعالیت های اقتصادی، تحقق این اهداف است. هیچ یک از این هدف ها، بدون فراهم سازی سرمایه و به کارگیری آن در بسترهای مناسب میسر نیست. ازاین رو، در آموزه های دینی، به صورت های مختلف به این

ص: ۲۸۵

موضوع توجه شده است. گاهی این کار با تشویق به سرمایه گذاری انجام شده است. امام سجاد(ع) می فرماید: «اِسْتِنْماء المالِ تَمامُ المُروَّهِ؛ رشد و سودآورسازی مال، نشان کمال مروت است».(۱)

همان گونه که پیش از این بیان شد، اسلام با راکد گذاشتن سرمایه مخالف است. از امام صادق(ع) روایت شده است که فرمود: «برای آدمی پس از مرگ، سخت تر و ناشایست تر از اینکه مال صامتی را به جای گذارد، وجود ندارد. راوی می پرسد: با آن مال چه باید کرد؟ حضرت فرمود: آن را در ساختن بنای یا آباد سازی باغی به کار اندازد».(۲)

در این قبیل از روایات، به طور ضمنی مسئله سرمایه گذاری تأیید شده است؛ زیرا بدون جمع سرمایه و راه اندازی آن، این قبیل از هدف ها دست یافتنی نیست. همچنین در اسلام، کارکرد اموری چون صدقات جاریه، وقف و برخی انفاق ها و... ، در حکم سرمایه گذاری اند. می توان با استناد به دلایل آنها، موضوع جواز سرمایه گذاری در اسلام را روشن تر ساخت.

دو تبیین تفاوت های اساسی بین دیدگاه اسلام با دیگر نظام ها در مورد سرمایه

دو تبیین تفاوت های اساسی بین دیدگاه اسلام با دیگر نظام ها در مورد سرمایه

اسلام اجازه ذخیره سازی محصول کار (سرمایه) را به شرطی می دهد که به احتکار منجر نشود یا در به کارگیری سرمایه، ربا را مردود می داند. باید استفاده از سرمایه ها در قالب مضاربه یا اجاره یا مشارکت انجام گیرد. رسانه ملی از راه تبیین این امور می تواند از دچار شدن مردم به ربا و امثال آن جلوگیری کند و روند جریان سرمایه و سرمایه گذاری را به گونه ای هدایت کند که در چارچوب آموزه های دینی، جایز دانسته شده

۱- الحیاه، ج۶، ص۲۰۱.

۲- الحیاه، ج۴، ص۳۵۳.

ص: ۲۸۶

است همچنین رسانه با پرداختن به ره آوردهایی که در نهایت به نوع نگرش اسلام و دیگر نظام ها در مورد سرمایه مترتب می شود و ارائه شواهد عینی می تواند امتیازهای دیدگاه اسلام را نسبت به دیگر نظام ها، به صورت ملموس نشان دهد.

سه تبیین راه های جذب سرمایه های داخلی و امتیازهای آن

سه تبیین راه های جذب سرمایه های داخلی و امتیازهای آن

رسانه ملی ضمن تبیین ضرورت جذب سرمایه ها و هدایت آن به سوی بسترهای تولید و راهکارهای آن می تواند با تشریح پی آمدهای بهره مندی از سرمایه های خارجی، مردم و مسئولان را نسبت به خطراتی آگاه سازد که به استقلال کشور آسیب می رساند. همچنین در صورت ضرورت بهره مندی از سرمایه های خارجی، راهکارهای در امان ماندن از این خطرها را شناسایی و معرفی کند. در این باره، بیان تجربه نوع برخورد دیگر کشورها که در این عرصه متحمل شکست هایی شده یا پیروزی هایی به دست آورده اند، سودمند است.

چهار تبیین اهمیت سرمایه گذاری های بنیادی

چهار تبیین اهمیت سرمایه گذاری های بنیادی

به دلیل آنکه سرمایه گذاری های مولد در صورت نپرداختن به سرمایه گذاری های بنیادی، بازدهی کافی را ندارد، ضرورت دارد مردم و مسئولان به اهمیت سرمایه گذاری های بنیادی، توجه کنند. در این باره رسانه ملی می تواند بسیار کارساز و مفید باشد. سرمایه گذاری های بنیادی با تولید و افزایش توان اقتصادی رابطه مستقیمی ندارد، ولی این کار بستر موفقیت سرمایه گذاری های مولد را فراهم می سازد. ازاین رو، رسانه ملی اهمیت سرمایه گذاری در عرصه هایی چون آموزش و پرورش، بهداشت و درمان و

ص: ۲۸۷

مراکز تحقیقاتی و راه سازی و حمل و نقل و بنادر و کشتی رانی و... را می تواند به شیوه های مختلف بیان کند و زمینه را برای انجام آنها به عنوان مقدمه و بستر پیشرفت ها، فراهم سازد.

افزون بر آنچه گفته شد، رسانه ملی در زمینه سرمایه و سرمایه گذاری می تواند کارهای دیگری را انجام دهد. برای نمونه:

شناسایی و معرفی اولویت های سرمایه گذاری؛

تبیین آثار سرمایه گذاری در امنیت و عدالت اجتماعی و استقلال و اقتدار کشور؛

تشریح اهداف سرمایه گذاری ها و بیان مطابقت یا عدم مطابقت آنها با کارکردهای جاری؛

تشویق مردم به پس انداز و هدایت پس اندازها به سوی سرمایه گذاری؛

نظارت بر روند جذب سرمایه ها و چگونگی به کارگیری آنها؛

تشویق دولت و مردم برای تشکیل تعاونی های سرمایه گذاری؛

مبارزه با انباشت سرمایه ها به صورت کنز؛

مبارزه با اسراف و تبذیر و تبیین آثار آن در نابودی سرمایه ها؛

بسترسازی برای حفظ امنیت سرمایه و سرمایه گذاری؛

اطلاع رسانی در زمینه آثار سرمایه گذاری ها؛

معرفی راهکارهای مصرف بهینه کالا و پرهیز از تبلیغ مصرف گرایی؛

تقویت حس مشارکت همگانی و تحکیم مبانی هم بستگی های اقتصادی و اجتماعی؛

آموزش شیوه های درست مدیریت سرمایه گذاری های خصوصی؛

مقابله با نقشه های دشمنان در عرصه های سرمایه گذاری؛

ص: ۲۸۸

اطلاع رسانی در زمینه موانع تشکیل و جذب سرمایه و سرمایه گذاری؛

تشویق مردم به سرمایه گذاری های اجتماعی نظیر موقوفات؛

اطلاع رسانی در زمینه چگونگی مدیریت و اداره موقوفات؛

تشویق ایجاد صندوق های قرض الحسنه برای سرمایه گذاری های کوچک؛

و... .

ج) رسانه ملی و تولید

ج) رسانه ملی و تولید

همه مکاتب اقتصادی، درباره لزوم رشد تولید اتفاق نظر دارند، چون بدون افزایش تولید زندگی در جوامع بشری، با مشکلات اساسی روبه رو می شود. با این همه، هر یک از این مکاتب درباره هدف تولید و شیوه هایی که در پیش می گیرند، با همدیگر اختلاف نظر دارند. برای مثال، هدف اصلی در نظام سرمایه داری، رشد سرمایه و کسب سود است، ولی هدف اصلی در اسلام، فراهم شدن زمینه قرب به خداوند است که این کار به اموری نیاز دارد که آنها از راه تولید تحقق پذیر و به تعبیری دیگر، آن امور اهداف میانی تولید را تشکیل می دهند که از یک نگاه شامل سه هدف است:

۱. تأمین نیازهای فردی و توسعه رفاه؛

۲. تأمین هزینه کارهای معنوی؛

۳. خدمت به مردم.

رسانه ملی با توجه به ظرفیت خود، از راه بیان ویژگی های تولید مورد نظر نظام اقتصادی اسلامی و مقایسه آن با اهداف دیگر نظام های اقتصادی و آثار هر یک، می تواند بینش توده های مردم را در زمینه چگونگی شرکت در

ص: ۲۸۹

فرآیند تولید و کم و کیف آن ارتقا بخشد. سپس از راه تبیین نوع نگرش اسلام به عوامل تولید، اعم از کار و نیروی انسانی و منابع طبیعی، جایگاه و اهمیت هر یک از این عوامل را مشخص، و آن گاه از راه بیان بایـد ها و نبایدهای فرآیند تولید، از وقوع هر گونه اسراف و تبذیر در بهره برداری از منابع طبیعی و تخریب محیط زیست و پیدایش نیازهای کاذب و انحصار در تولید و... ، جلوگیری کند.

گذشته از این عوامل، رسانه ملی برای سامان یابی موضوع تولید، وظیفه دارد کارهای دیگری را انجام دهد که عبارتند از:

ارائه گزارش کامل از وضعیت تولید در کشور؛

تبیین موانع گسترش فعالیت های تولیدی؛

آموزش آداب و احکام تولید مطلوب؛

اطلاع رسانی در زمینه بسترهای لازم و آماده برای تولید؛

معرفی تولیدکنندگان موفق و دلسوز و تشویق آنها؛

زمینه سازی برای افزایش تولید در صورت نیاز؛

تلاش برای استفاده از تولیدات داخلی؛

ترغیب برای تولیدات صادراتی و صادرات تولیدات؛

اطلاع رسانی در زمینه تأثیرات منفی واردات به تولید داخلی؛

اطلاع رسانی در زمینه خدمات دولت در عرصه های تولید؛

فراهم سازی زمینه های حمایت از تولیدکنندگان داخلی؛

معرفی بازارهای مناسب برای تولیدات داخلی؛

نظارت بر کیفیت تولیدات داخلی؛

ارتقای آگاهی عمومی نسبت به امتیازات تولیدات داخلی؛

تبلیغ نکردن تولیدات تجملی غیر لازم؛

ص: ۲۹۰

معرفی نارسایی های مربوط به مقررات و قوانین تولید؛

تبیین نقش مخرب قاچاق کالا به تولید داخلی؛

مبارزه با مفاسد اقتصادی اثرگذار بر کمیت و کیفیت تولیدات داخلی؛

آموزش راه های بهره برداری شایسته از تولیدات داخلی؛

توجه به ارتقای آموزش ها و تحقیقات در زمینه تولید؛

توجه به بازسازی امکانات تولید؛

حمایت از اقدامات قانونی مبارزه با مفاسد تولید؛

اطلاع رسانی از برنامه های دولت در زمینه تولید؛

اطلاع رسانی در زمینه موفقیت های مربوط به تولیدات داخلی.

ص: ۲۹۱

کتاب نامه

کتاب نامه

 قرآن کریم.

 نهج البلاغه.

 صحیفه سجادیه.

آژینی، محسن، امام و اقتصاد اسلامی، تهران، کیهان، چاپ اول، ۱۳۷۴.

ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، قم، کتاب خانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ ه .ق.

ابن شعبه حرّانی، حسین بن علی حسین، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله ، تهران، اسلامیه، ۱۳۶۹.

ابن فارس، معجم مقاییس اللغه، تهران، دارالاسلامیه، ۱۴۱۰ ه .ق.

بهشتی، سید محمدحسین، اقتصاد اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ اول، پاییز ۱۳۶۲.

پژوهشکده اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس، بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی رحمه الله ، (مقالات دومین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی حضرت امام خمینی رحمه الله)، تهران، نشر ستاد بزرگداشت یکصدمین سال میلاد امام، چاپ اول، ۱۳۸۰.

ص: ۲۹۲

پژوهشکده فرهنگ و معارف، اسلام و توسعه (مجموعه مقالات)، تهران، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲.

تدوین: پژوهشکده فرهنگ و معارف، اسلام و توسعه، تهران، دفنر نشر معارف، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۶.

توانیان فرد، حسن، مقایسه سیستم های اقتصادی، تهران، فرپخش، چاپ چهارم، ۱۳۷۲.

حائری، سید محسن، اندیشه های اقتصادی در نهج البلاغه، ترجمه: عبدالعلی آل بویه لنگرودی، ترجمه: بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، تهران، مکتبه الاسلامیه، چاپ هفتم، ۱۴۰۳ه .ق.

حکیمی، محمد، پدیده شناسی فقر و توسعه (جلد ۱ ۴)، تهیه و تدوین: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان، قم، بوستان کتاب، چاپ اول، ۱۳۸۰.

، معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۸.

حکیمی، محمدرضا و محمد و علی حکیمی، الحیاه (جلد ۱ ۶)، ترجمه: احمد آرام، چاپ هشتم، تابستان ۱۳۸۶.

خدمتی، ابوطالب، علی آقاپیروز و عباس شفیعی، مدیریت علوی، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول، ۱۳۸۱.

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، درآمدی بر اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، چاپ چهارم، ۱۳۷۴.

ص: ۲۹۳

دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، سمت، چاپ اول، ۱۳۷۱.

رشاد، علی اکبر، دانش نامه امام علی(ع)، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

رضاییان، علی، مدیریت بازرگانی، تهران، سمت، ۱۳۶۹.

سبحانی، حسن، نظام اقتصادی اسلام، قم، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

سیدنژاد، سیدصادق، جهاد اقتصادی از منظر حضرت امام خمینی رحمه الله ، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۹۰.

طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، انتشارات اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۷۵.

عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الصادق، تهران، عطارد.

کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، ترجمه و شرح: سید جواد مصطفوی، قم، نشر فرهنگ اهل بیت، بی تا.

مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت لاحیا التراث، ۱۴۰۸ ه .ق.

محمدتقی، مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ اول، ۱۳۷۶.

محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، قم، دارالحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۸۳.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (جلد ۱)، قم و تهران، صدرا، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

ص: ۲۹۴

مظاهری، حسین، مقایسه ای بین سیستم های اقتصادی (جلد ۱ ۳)، قم، مؤسسه در راه حق.

معاونت پژوهشی مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، منتخبی از مقالات اولین کنگره بررسی اندیشه های اقتصادی امام خمینی رحمه الله ، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه الله ، چاپ دوم، ۱۳۷۷.

معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱.

مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۱.

موسوی خمینی، سید روح الله، صحیفه نور، تهران، سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی (گروه انتشارات)، چاپ سوم، ۱۳۷۰ ۱۳۷۸.

موسویان، سید عباس، کلیات نظام اقتصادی اسلام، قم، دارالثقلین، چاپ دوم، ۱۳۷۹.

نظری، حسن، کار و/ تولید، کانون اندیشه جوان، تهران، چاپ اول، ۱۳۸۱.

نوری، حسین، اقتصاد اسلامی (جلد ۱و۲)، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۶۹.

نیک فر، مختار، کار در زندگی فردی و اجتماعی از دیدگاه قرآن، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳.

هادوی تهرانی، مهدی، مکتب و نظام اقتصادی اسلام، قم، مؤسسه فرهنگی خانه خرد «مؤسسه بیت الحکمه الثقافیه»، چاپ اول، ۱۳۷۶.

یوسفی، احمدعلی، نظام اقتصاد علوی، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۸۶.

، نظام مالی اسلام، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول، ۱۳۷۹.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان –خیابان عبدالرزاق – بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای – کوچه شهید محمد حسن توکلی –پلاک ۱۲۹/۳۴– طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹